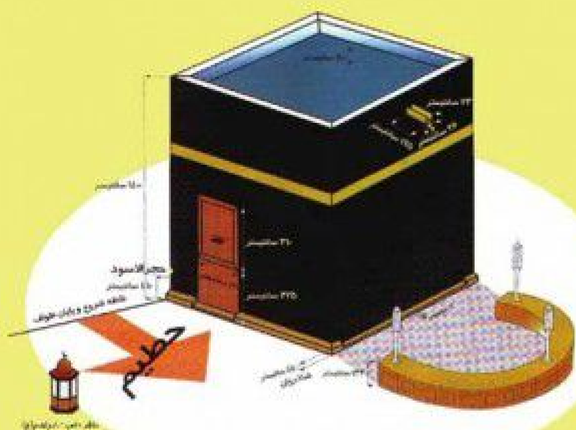
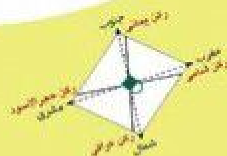
احکام حج و عمره
در مذهب حنفی





گردآورنده:
سید عبدالله نقشبندی مجددی

احکام حج و عمره

در مذهب حنفی

گردآورنده:

سیّد عبدالله نقشبندی مجددی

مشخصات کتاب

- نام کتاب : **احکام حج و عمره در مذهب حنفی**
- گردآورنده : خادم خانقاه پیران کبار طریقه عالیه نقشبندیه مجددیه شمسیه الحاج سیّد عبدالله نقشبندی مجدّدی
- تیراژ : ۳۰۰۰ جلد
- ناشر : خواجه عبدالله انصاری
- قطع : رقعی
- صفحات : ۴۰۰ صفحه
- چاپ دوم: شهریور ۱۳۸۸
- شابک : ۰- ۱۲ – ۲۶۲۸ - ۹۶۴
- قیمت : ۳۰۰۰۰ تومان
- محل توزیع : تربت جام : انتشارات خواجه عبدالله انصاری ۰۵۲۸۲۲۲۸۵۶۱

  مشهد مقدس : ۰۹۱۵۸۹۰۱۸۴۰

  هرات : انتشارات احراری ۲۲۲۷۶۱ – ۰۷۰۴۰۱۴۷۹



فهرست مطالب

مقدمه

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ جَعَلَ الْبَیْتَ الْعَتِیْقَ سَبَبًا لِلْعِزِّ وَ الشَّرَفِ وَ غُفْرَانِ الذُّنُوْبِ وَ مِنَ الْعَذَابِ حِرْزًا وَ جَعَلَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَ اَمْنًا وَ خَاطَبَنَا سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَی: ﴿وَلْيَطَّوَّفُواْ بِٱلْبَيْتِ ٱلْعَتِيقِ﴾[1].

وَ الصَّلَوةُ وَ السَّلَامُ عَلَی رَسُوْلِهِ الْمُصْطَفَی الَّذِیْ قَالَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَی فِیْ وَصْفِهِ ﴿ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِٱلْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾[2]

۱– سوره حج آیه ۲۹ جزء ۱۷

۲– سوره توبه آیه ۱۲۸ جزء ۱۱

وَالذی قَالَ بِشَارَةً لِاُمَّتِه: «مَنْ حَجَ لِلّٰهِ فَلَمْ يَرْفَثْ وَ لَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ»[1] وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ وَ صَحْبِهِ الْكِرَامِ اَجْمَعِيْنَ.

اما بعد! حج رکن پنجم دین مبین اسلام است[2]. التجا و امید از پروردگار عالمیان که همه مسلمانان جهان توفیق حج بیت الله الحرام یابند و با عشق و علاقه، سوز و گداز عازم بیت الله الحرام شوند تا با پای جان و تن و دیده گریان با قلب سرشار از عشق و محبت و سینه ای که به یک آهش همه کدورت ها و کسالت ها و محبت دنیا بسوزد و با گوش شنوا بر این وعده صدق

«حَجَّةٌ مَبْرُوْرَةٌ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيْهَا وَ حَجَّةٌ مَبْرُوْرَةٌ لَيْسَ لَهَا جَزَاءٌ اِلَّا الْجَنَّةُ»[3]

و با فکر بیدار و آگاه بر اسرار و حقایق و رموز و اشارات هر یک از مناسک حج و با سعی و اهتمام کامل به لقای کعبه معظمه آماده و رهسپار شوند و از امر پروردگار

---

۱ – مشکوة متفق علیه ص ۲۲۱

۲ – ارکان اسلام: گفتن کلمه لا اله الا الله، نماز، روزه، زکات، حج.

۳ – رواه الترمذی و النسائی مشکوة ص ۲۲۲

غفلت نورزند که اجل در کمین است و شبها و روزها درگذر. پروردگاری که به یک توبه نصوح[1] و اشک ندامت، هزاران کوه گناه را ویران و منهدم می کند، با یک برگشتن خالص و مستقیم قلم عفو بر همهٔ کردارهای گذشته می کشد. بنگر این لطف عظیم و با قدر که برای پاک کردن بنده ای که عمری در گنه بسر برده و روزگار خویش به جفا و غفلت و بی وفایی از دست داده، به او توفیق سفر به بقعه متبرکه مشرفه داده، چه خوش لطفی و کرمی چه خوش فضل و احسانی! چه خوش گفت آن عارف خدا که: «گر بیایی در باز است و گرنه، حق بی نیاز است».

الهی! با آن عظمت و کبریایی که تو می دانی چقدر لطف و احسان کرده ای که بنده ضعیفی را توشه زاد و راحله دهی تا از بهر محو گناهان خود چاره ای بسازد و با ذوق، عاشق لقای کعبه متبرکه شود. بس است تو را تا به جان و دل با عشق و محبت و علاقه عزم حرکت زیارت آن بقعه متبرکه کنی و حب مال و متاع دنیا از دل بیرون کنی و بدانی که این مال و متاع به یک نظر بیت الله نیرزد.

گر شبی در این حصه «رَجَعَ کَیَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ» تفکر کنی فردای آن شب هزران مال و متاع را ز دل و دست بیاندازی و عازم بیت الله شوی.

---

۱ – توبه نصوح در قرآن آمده؛ عده ای هم قصه ای را در باب شخصی به نام نصوح گفته اند که توبه واقعی کرد و دیگر هرگز به گرد گناه نگشت.

یا رب! در این که گناهِ عمری به یک حج کعبهٔ تو فرو ریزد چه اسرار و حقایقی نهفته است؛ خدای من! اگر از حقیقت کعبه معرفتی نصیب بینوایی شود، به پای دویدن فراموشش شده بلکه به پای جان و دیدهٔ گریان بِدَوَد. همه محبت های دنیا و راحتی ها را فراموش کرده برای لقای کعبه متبرکه با عشق، درد، سوز و گداز بِدَوَد. ز حقیقت کعبه گر گویم شمه ای کو طاقت شنیدن؟

گر خواهی ز حقیقتش معرفتی، در کتابهای عارفان بجوی.

«وَاشَوْقَا اِلَی لِقَاءِ الْکَعْبَةِ الْمُعَظَّمَةِ»

قال الله تبارک و تعالی:

﴿ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَٰلَمِينَ فِيهِ ءَايَٰتٌۢ بَيِّنَٰتٌ مَّقَامُ إِبْرَٰهِيمَ ۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴾[1]

---

۱ – سوره آل عمران آیه ۹۷ جزء ٤

بشارت ز محبوب رب العالمین که :

«مَنْ حَجَّ لِلّٰهِ فَلَمْ یَرْفَثْ وَ لَمْ یَفْسُقْ رَجَعَ کَیَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ» تو را کافی است. این حدیث، مرهمی است بر دلهایی که به خنجر کسالت مجروح شده اند. و هم قلوبی که گم کردهٔ محبت و علاقه و ذوق زیارت این بقعه متبرکه اند، بر این حدیث شریف تفکر عمیق و فکر دایم کنند، تا آن ذوق و شوق آن میل و آرزوی لقای خانه دوست را دریابند.

ای که عمری در گناه و غفلت و بی وفایی بسر بردی و روی رفتن به مدینه را نداری و با دل پریشان و پر اندوه غرق تفکری که به چه رویی عزم مدینه طیبه کنی بیاد خود آور که شفیع المذنبین فرمودند: «مَنْ جَاءَنِیْ زَائِرًا لَا یَهُمُّهُ اِلَّا زِیَارَتِیْ کَانَ حَقًّا عَلَی اللهِ اَنْ اَکُوْنَ لَهُ شَفِیْعًا»[1] تا جلوه امید در سینه ات زنده شده و چنان حالتی را در تو برانگیزد که اشک شوق حرکت به مدینه طیبه از چشمانت چون گوهر یکی پس از دیگری در رخسارت بچکد با این ذوق و امید از ﴿اِنَّکَ لَعَلَی خُلُقٍ عَظِیْمٍ﴾ هم با خبر شو که امید دیگری بخشد تا بر اشکهای

۱– طبرانی ص ۱۴۳

چو لؤلؤ زینت دیگری بخشد تا عشق و ذوق مدینه بر دلت فواره نزند و اگر از ﴿وَمَا اَرْسَلْنَاکَ اِلّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِینْ﴾ با خبر شوی اشکهایی چو بارانهای پی در پی در سر و گردنت ریزد چنان ریختن که گنه و بی وفایی ها و غفلتهایت نتوانند سد راه تو شوند و نتوانند که ذوق و شوق رفتنت را بر هم زنند بلکه با هزاران ذوق و شوق و امید دیگر عازم مدینه طیبه شوی اگر چه که بر خود هزاران ظلم و ستم کردی.

مصرع:

با کریمان کارها دشوار نیست

و این ذوق و محبت و عشق لقای کعبه از سینه و قلب پدر بزرگوارم هر لحظه موج می زد، تا باعث شد که چهارده مرتبه به زیارت کعبه مشرف شود و همیشه به زیارت این مکان مقدس تأکید می کردند.

پدری که تا آخرین لحظهٔ عمر در پی بیرون کردن مظلومی از زیر پنجه شیطان های انسی و جنّی، شب و روز قرار نداشت، و در تبلیغ احکام با جرأت و همت و عزم متین انواع مشقتها را تحمل می کرد. واضح است که اشخاصی که می خواهند سخن حق را به گوش بندگانش برسانند؛ از طرف مخالفان دین مقبول

واقع نمی شوند، همین حق گفتن شان بود که منجر به اسارتشان گشت. پدر بزرگوارم پیشوای سالکان، رهنمای گم کردگان محبت حق، عالم ربانی، واقف اسرار و حقایق، بیان کنندۀ حقایق و دقایق راه عرفان، دورکننده ماسوا الله از قلوب سالکان، عالم محقق، مرشدنا حضرت حاجی صاحب شمس الحق نقشبندی مجدّدی ـ قدس الله تعالی سره و اَدَام برکاته علیه ـ که تا آخرین لحظۀ حیات در عمل کردن به دستورات شرعی و علم و معرفت، توصیه های بلیغ بر محبّان و دوستان خود داشتند، و هزاران سالک راه عرفان و محبت حق، از برکت سعی و کوشش های مزیدشان به نهایت مقامات معرفت رسیده اند.

در مجلس صحبتشان چنان تمکین و آرامش دل میسّر می شد، که هر کسی که به صحبت مجلسشان می نشست، فوراً همه فکر و وسواس ماسوا الله از قلبش دور می شد، قلبش فقط متوجه حقﷻ می شد. چون یکی از صفات اولیای حق این است که در صحبت شان قلب متوجه به حق می شود و از ماسوا بیزار. هر چند که کسی در اثر غمها و پریشانیهای دنیا غافل از حق می شد؛ به مجرد دیدن جنابشان فوراً قلبش متوجه حق می گشت و دائم در فرضیت حج و زیارت حرمین شریفین، سخن می گفتند و توصیه ها می کردند تا از این برکت عشق و محبت که به لقای

بیت الله العظیم داشتند؛ توفیق یافتند رساله هایی در فضیلت حج و روش آن بنویسند و این رساله ها را مهیا برای چاپ کرده بودند، که قضای حق در رسید و در سال ۱۳۵۸ توسط دولت کمونیستی اسیر و تا کنون از ایشان خبری در دست نیست. «انا لله و انا الیه راجعون».

گر بر سر کوی عشق ما کشته شوی		شکرانه بـده که خونبهای تو منم

مصراع:

این کار دولت است کنون تا که را دهند.

و در فراغ خود چشمهای محبان و مریدان و مخلصان را لبریز از اشک کردند.

فراق دوست اگر اندک است اندک نیست

درون دیده اگر نیم موست بسیار است

بلکه حصه زیادی از کتب شریعت و تصوف و کتابها و رسالات که تحریر کرده بودند، به سبب اشغال کمونیست ها از بین رفت تا بالاخره به زحمات زیادی توانستم تعدادی از رسالات که درباره حج بیت الله تحریر کرده بودند، جمع آوری کرده تا نظر به تأکید آن پدر بزرگوار و عارف حق موفق شدم که این رسالات را

کاملتر کنم و این توفیق که خداوند منّان برایم نصیب و ارزانی داشته هم فضل است و هم کرم. براستی که به سبب برکات و فیوضات الهی توفیق یافتم که رسالات پدر بزرگوارم را که مرهم دل عاشقان و تسلّی ده عاشقان حریم حضرت دوست است را با استفاده از کتاب های معتبر تکمیل کنم.

اما دیار هجرت، دیاری لبریز از فیض و بخشایش و برکات و سرشار از قوت روحی است که سبب تقویت دین می شود. چون که امنیت و آرامش و فراغت نعمتی است که در این دیار هجرت میسّر شده. پس به شکر این نعمت با توفیق خداوند منان شروع در تکمیل رسالات فوق الذکر کردم که مسمّی به «احکام حج و عمره در مذهب حنفی» شد به امید این که خداوند متعال به لطف و عنایت خود اولاً خوانند گان این کتاب را توفیق حج مبرور دهد و نیز این کتاب را وسیله ای برای ادای مناسک حج به طبق دستورات شرعی کند و سببی برای عفو و مغفرت آن پدر بزرگوار شود که باعث و محرّک جمع آوری کتاب حاضر گشتند؛ و هم از آنجا که لطف و الطاف خداوند را نهایت نیست، امید که این مهاجر فقیر و مذنب که از نعمت هجرت استفاده گرفته و در فکر پیشرفت دین است، مورد عفو و غفران حق قرار گیرد. از برادران عزیز خصوصاً کسانی که موفق به زیارت حرمین

شریفین شدند، تقاضا دارم که در اماکن مقدسه مخصوصاً در محلهای قبولیت دعا، این عاجز ناتوان را در دعای خیر یادآوری فرمایند. و من الله التوفیق.

ز تـو امــیـد دارم یـــا الـهـی — خلاصی ده مرا ازهر مـناهی

زجمله روی ماباخویشتن کن — ز ما یکسوی آفــات فتن کن

منم شمس الحق آشفته حالی — مدد خواهم ز تو در امـتثالی

ثَبَّتَنَا اللهُ سُبْحَانَهُ عَلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيْمِ
وَ السَّلَامُ عَلَى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَى

خادم خانقاه پیران کبار طریقه عالیه نقشبندیه
سیّد عبداللّه نقشبندی مجدّدی

پیشگفتار

اثبات فرضیت حج به آیات قرآن

﴿ فِيهِ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ مَّقَامُ إِبۡرَٰهِيمَۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنٗاۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلۡبَيۡتِ مَنِ ٱسۡتَطَاعَ إِلَيۡهِ سَبِيلٗاۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴾[1]

«خاص برای خداوند، بر مردمی که استطاعت و توانایی داشته باشند، حج لازم است و کسی که از ادای آن سر پیچی نموده و کفران نماید، به تحقیق کـه خداونـد متعال از جهانیان بی نیاز است».

رکن پنجم از ارکان دین اسلام حج بیت الله الحرام است. حج در لغت به معنی قصد است و اصطلاحاً بستن احرام، وقوف به عرفه و گرد خانه کعبه گردیدن، با

---

۱ – سوره آل عمران آیه ۹۷ جزء ٤

نیت و وقت معیّن را حج می نامند؛ و حج فرض قطعی است بنا به آیه متبرکه فوق و سبب آن خانه کعبه است؛ اگر کسی فرضیت آن را انکار کند، کافر می شود.

ثبوت افعال حج در آیات

۱-﴿ وَإِذۡ جَعَلۡنَا ٱلۡبَيۡتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمۡنًا وَٱتَّخِذُواْ مِن مَّقَامِ إِبۡرَٰهِـۧمَ مُصَلًّىۖ وَعَهِدۡنَآ إِلَىٰٓ إِبۡرَٰهِـۧمَ وَإِسۡمَٰعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡعَٰكِفِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴾[1]

«و آنگاه که ساختیم خانه کعبه را محل امن و مرجع مردم و گفتیم در مقام ابراهیم نماز بگزارید و وحی فرستادیم به سوی ابراهیم و اسماعیل، اینکه پاک سازید خانه مرا برای طواف کنند گان و اعتکاف کنند گان و کسانی که رکوع و سجده می کنند».

۲- ﴿ وَإِذۡ قَالَ إِبۡرَٰهِـۧمُ رَبِّ ٱجۡعَلۡ هَٰذَا بَلَدًا ءَامِنًا وَٱرۡزُقۡ أَهۡلَهُۥ مِنَ ٱلثَّمَرَٰتِ مَنۡ ءَامَنَ مِنۡهُم بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِۖ قَالَ وَمَن كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُۥ قَلِيلًا ثُمَّ أَضۡطَرُّهُۥٓ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلنَّارِۖ وَبِئۡسَ ٱلۡمَصِيرُ ﴾[2]

۱- سوره بقره آیه ۱۲۵ جزء ۱

۲- سوره بقره آیه ۱۲٦ جزء ۱

«و آنگاه که ابراهیم دعا کرد، پروردگارا! این شهر را امن بگردان و روزی بده ساکنان آن را از میوه ها، آن طور کسانی که ایمان به خدا و روز آخر آوردند و خداوند فرمود: کسی که کافر شد، به او اندکی (در دنیا) روزی دهم. بعد از آن او را به بیچارگی، به سوی عذاب آتش برانم و جهنم بد جایگاهی است».

۳- ﴿ إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلۡمَرۡوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِۖ فَمَنۡ حَجَّ ٱلۡبَيۡتَ أَوِ ٱعۡتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَاۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيۡرٗا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴾[۱]

«به درستی که صفا و مروه از نشانه های خداوند است، پس هر که حج کند و یا عمره به جای آورد، بر او وبالی نیست که هر دو را طواف کند و اگر کسی عمل نیکی از نوافل انجام دهد، خداوند قبول کننده و دانا است».

۴- ﴿ وَأَتِمُّواْ ٱلۡحَجَّ وَٱلۡعُمۡرَةَ لِلَّهِۚ فَإِنۡ أُحۡصِرۡتُمۡ فَمَا ٱسۡتَيۡسَرَ مِنَ ٱلۡهَدۡيِۖ وَلَا تَحۡلِقُواْ رُءُوسَكُمۡ حَتَّىٰ يَبۡلُغَ ٱلۡهَدۡيُ مَحِلَّهُۥۚ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوۡ بِهِۦٓ أَذٗى مِّن رَّأۡسِهِۦ فَفِدۡيَةٞ مِّن صِيَامٍ أَوۡ

---

۱ – سوره بقره آیه ۱۵۸ جزء ۲

صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَآ أَمِنتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ بِٱلْعُمْرَةِ إِلَى ٱلْحَجِّ فَمَا ٱسْتَيْسَرَ مِنَ ٱلْهَدْيِ ۚ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَٰثَةِ أَيَّامٍ فِي ٱلْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۗ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُۥ حَاضِرِي ٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ ۚ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ﴾[1]

«و حج و عمره را با رعایت فرایض و سنن و آداب آن برای خدا تمام کنید، اگر از ترس دشمن یا بیماری محصور شدید، پس آن چیزی که برای شما آسان است از قربانی به محل ذبح آن بفرستید و سرهای خود را نتراشید تا وقتی که قربانی به محل خود یعنی منی برسد. اگر کسی از شما مریض باشد یا به سر او رنجی رسیده باشد (از زخم و یا حشرات و بدین سبب سر را بتراشد) پس فدیه بدهد از روزه یا صدقه و یا قربانی و وقتی که ایمن شُدید از دشمن و یا مریضی، احرام ببندید. هر کس که بهره مند شد به ادای عمره تا وقت حج، لازم است بر او آنچه آسان است از قربانی دادن، اگر کسی قربانی نداشت، سه روز در ایام حج روزه بگیرد و هفت روز

۱- سوره بقره آیه ۱۹۶ جزء ۲

وقتی که از سفر حج برگردد، تا ده روز کامل شود و این حکم برای کسانی است که از اهالی مکه نباشند. بترسید از خدا و بدانید که خداوند به شدت عقوبت می کند».

۵- ﴿ ٱلْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَٰتٌ ۚ فَمَن فَرَضَ فِيهِنَّ ٱلْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِى ٱلْحَجِّ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ ٱللَّهُ ۗ وَتَزَوَّدُوا۟ فَإِنَّ خَيْرَ ٱلزَّادِ ٱلتَّقْوَىٰ ۚ وَٱتَّقُونِ يَٰٓأُو۟لِى ٱلْأَلْبَٰبِ ﴾[۱]

«ماههای حج معین است: «شوال، ذی القعده و ده روز از ذی الحجه» هرکس لازم کرد بر خود حج را ـ یعنی احرام بست ـ پس در حج جماع زن و دواعی آن و انجام کار خلاف شرع و مناقشه جائز نیست، و هر عمل نیکی که انجام دهید، خدا آن را می داند و توشه سفر همراه خود بردارید، هر آیینه بهترین توشه، توشه ای است که شما را از گدائی (و خواستن از مردم) باز دارد. از من بترسید ای صاحبان عقل».

۶- ﴿ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَن تَبْتَغُوا۟ فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ ۚ فَإِذَآ أَفَضْتُم مِّنْ عَرَفَٰتٍ فَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ عِندَ ٱلْمَشْعَرِ ٱلْحَرَامِ ۖ وَٱذْكُرُوهُ كَمَا هَدَىٰكُمْ وَإِن كُنتُم مِّن قَبْلِهِۦ لَمِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴾[۲]

۱- سوره بقره آیه ۱۹۷ جزء ۲

۲- سوره بقره آیه ۱۹۸ جزء ۲

«بر شما گناهی نیست در اینکه در ایام حج به وسیله معامله و یا کارگری طلب روزی کنید، زمانی که از عرفات برگشتید خدا را (به تهلیل و تکبیر، در مزدلفه) نزدیک مشعرالحرام یاد کنید و یاد کنید خدا را آن طور که شما را راهنمائی فرمود. بی شک قبل از این شما از جمله گمراهان بودید».

۷- ﴿ ثُمَّ أَفِيضُواْ مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ ٱلنَّاسُ وَٱسْتَغْفِرُواْ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴾[۱]

«بعد از آن بازگردید از جایی که مردم باز می گردند و از خدا طلب آمرزش کنید، هر آیینه خدا آمرزنده و مهربان است».

۸- ﴿ فَإِذَا قَضَيْتُم مَّنَٰسِكَكُمْ فَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ كَذِكْرِكُمْ ءَابَآءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًاۗ فَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنْيَا وَمَا لَهُۥ فِي ٱلْأٓخِرَةِ مِنْ خَلَٰقٍ ﴾[۲]

«وقتی که به جای آوردید ارکان حج خود را، یاد کنید خدای را (یعنی در منا) مانند یاد کردن شما پدران خویش را، بلکه خدای را زیادتر یاد کنید. از مردم کسانی

۱- سوره بقره آیه ۱۹۹ جزء ۲

۲- سوره بقره آیه ۲۰۰ جزء ۲

هستند که می گویند: پروردگارا بده به ما در دنیا، (یعنی متاع دنیا) و او را از آخرت هیچ بهره ای نیست».

۹-﴿ وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ رَبَّنَآ ءَاتِنَا فِي ٱلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي ٱلْأَخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ ٱلنَّارِ ﴾[1]

«و از مردم کسانی هستند که می گویند: پروردگارا بده به ما در دنیا نیکی (یعنی نعمت و عافیت) و در آخرت نیز نیکی، (یعنی نعمت عفو و آمرزش) و ما را از عذاب دوزخ محفوظ دار، آنانند (یعنی همین گروه) که از دستاوردشان بهره‌ای خواهند داشت و خدا زود گیرندهٔ حساب است».

۱۰- ﴿ وَٱذْكُرُواْ ٱللَّهَ فِيٓ أَيَّامٍ مَّعْدُودَٰتٍ ۚ فَمَن تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَن تَأَخَّرَ فَلَآ إِثْمَ عَلَيْهِ ۚ لِمَنِ ٱتَّقَىٰ ۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَٱعْلَمُوٓاْ أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴾[2]

«یاد کنید خدا را در روزهای مشخص یعنی ایام تشریق[3]، اگر کسی عجله کند در دو روز اول (یعنی از منا به سوی مکه حرکت کند) بر او گناهی نیست و اگر

۱- سوره بقره آیه ۲۰۱ جزء ۲

۲- سوره بقره آیه ۲۰۳ جزء ۲

۳- روزهایی که در آن تکبیر تشریق می گویند از نهم الی سیزدهم ماه ذی الحجه

کسی بیشتر از دو روز بماند بر او هم گناهی نیست و این برای پرهیزگاران است، بترسید از خدا و بدانید که شما به سوی او محشور (برانگیخته) می شوید».

۱۱- ﴿ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِى بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَٰلَمِينَ فِيهِ ءَايَٰتٌۢ بَيِّنَٰتٌ مَّقَامُ إِبْرَٰهِيمَ ۖ وَمَن دَخَلَهُۥ كَانَ ءَامِنًا ۗ وَلِلَّهِ عَلَى ٱلنَّاسِ حِجُّ ٱلْبَيْتِ مَنِ ٱسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِىٌّ عَنِ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴾[1]

«هر آینه اولین خانه ای که برای مردم ساخته شد، خانه ای است که در مکه است و آن خانه برکت داده شده و هدایت گر برای عالمیان است. در آن خانه نشانه های روشن است از آن جمله: جای ایستادن ابراهیمؑ، هر کس داخل این خانه شد ایمن است و بر مردم حق خدای ﷻ است حج خانه کعبه برای کسی که اسباب و توانایی رفتن به آن را داشته باشد و کسی که کافر شود بدون شک خدا از هر دو جهان بی نیاز است».

۱- آیه ۹۶ و ۹۷ جزء ٤ سوره آل عمران

۱۲- ﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تُحِلُّواْ شَعَـٰٓئِرَ ٱللَّهِ وَلَا ٱلشَّهۡرَ ٱلۡحَرَامَ وَلَا ٱلۡهَدۡيَ وَلَا ٱلۡقَلَـٰٓئِدَ وَلَآ ءَآمِّينَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ يَبۡتَغُونَ فَضۡلًا مِّن رَّبِّهِمۡ وَرِضۡوَٰنًاۚ وَإِذَا حَلَلۡتُمۡ فَٱصۡطَادُواْۚ ﴾[1]

«ای کسانیکه ایمان آورده اید هتک[2] حرمتِ نشانه های خدا را نکنید و همچنین به ماه حرام و به قربانی و به هدیه که به قلاده ها نشاندار شده اند، بی حرمتی نکنید و نه به آنهایی که قصد بیت الله را دارند در حالی که فضل و رضایت پرورد گار خود را می طلبند و وقتی که از احرام حلال شدید، پس (می توانید) شکار کنید».

۱۳- ﴿ يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَيَبۡلُوَنَّكُمُ ٱللَّهُ بِشَيۡءٖ مِّنَ ٱلصَّيۡدِ تَنَالُهُۥٓ أَيۡدِيكُمۡ وَرِمَاحُكُمۡ لِيَعۡلَمَ ٱللَّهُ مَن يَخَافُهُۥ بِٱلۡغَيۡبِۚ فَمَنِ ٱعۡتَدَىٰ بَعۡدَ ذَٰلِكَ فَلَهُۥ عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴾[3]

«ای کسانی که ایمان آورده اید هر آیینه شما را پرورد گار شما به چیزی از شکار که به دست و یا نیزه ها گرفته اید آزمایش می کند تا بنماید خداوند کسی را که

۱- سوره مائده آیه ۲ جزء ٦

۲- هتک: پرده دری و در اینجا یعنی حلال مدارید و حرمت مشکنید.

۳- سوره مائده آیه ۹٤ جزء ۷

غایبانه از او می ترسد، هر کس که تجاوز کرد بعد از آن، برای او عذاب دردناک است».

۱۴- ﴿ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَقۡتُلُواْ ٱلصَّيۡدَ وَأَنتُمۡ حُرُمٞۚ وَمَن قَتَلَهُۥ مِنكُم مُّتَعَمِّدٗا فَجَزَآءٞ مِّثۡلُ مَا قَتَلَ مِنَ ٱلنَّعَمِ يَحۡكُمُ بِهِۦ ذَوَا عَدۡلٖ مِّنكُمۡ هَدۡيَۢا بَٰلِغَ ٱلۡكَعۡبَةِ أَوۡ كَفَّٰرَةٞ طَعَامُ مَسَٰكِينَ أَوۡ عَدۡلُ ذَٰلِكَ صِيَامٗا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمۡرِهِۦۗ عَفَا ٱللَّهُ عَمَّا سَلَفَۚ وَمَنۡ عَادَ فَيَنتَقِمُ ٱللَّهُ مِنۡهُۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٍ ﴾[1]

«ای کسانی که ایمان آورده اید در حالت احرام شکار را نکشید و کسی که از شما مُحرِمین قصداً آن را بکشد، پس جزایش این است که فدیه دهد مثل آن چیزی را که کشته است از چهار پایانی (مانند شتر، گاو و گوسفند) که حکم می کند به این جزا دو نفر عادل از شما، آن هدیه به کعبه برده شده و صدقه داده می شود و یا اینکه عوض آن کفاره دهد تا آن را به مساکین و فقیران ببخشند و یا برابر آن روزه بگیرد تا جزای کردار خود را بچشد، خدا از آنچه که گذشته، عفو کرده است. کسی که باز گردد به مثل این عمل، خدا از او انتقام می گیرد و خداوند غالب و انتقام گیرنده است».

۱– سوره مائده آیه ۹۵ جزء ۷

۱۵- ﴿ أُحِلَّ لَكُمۡ صَيۡدُ ٱلۡبَحۡرِ وَطَعَامُهُۥ مَتَٰعٗا لَّكُمۡ وَلِلسَّيَّارَةِۖ
وَحُرِّمَ عَلَيۡكُمۡ صَيۡدُ ٱلۡبَرِّ مَا دُمۡتُمۡ حُرُمٗاۗ وَٱتَّقُواْ ٱللَّهَ ٱلَّذِيٓ إِلَيۡهِ
تُحۡشَرُونَ ﴾[1]

«برای محرم و غیر محرم شکار دریا و خوردن آن حلال است برای انتفاع شما و کاروان که توشه سازند و شکار بیابان در حالت احرام برای شما حرام است. بترسید از خدا، آن خدایی که به سوی او حشر کرده می شوید».

۱۶- ﴿ جَعَلَ ٱللَّهُ ٱلۡكَعۡبَةَ ٱلۡبَيۡتَ ٱلۡحَرَامَ قِيَٰمٗا لِّلنَّاسِ وَٱلشَّهۡرَ
ٱلۡحَرَامَ وَٱلۡهَدۡيَ وَٱلۡقَلَٰٓئِدَۚ ذَٰلِكَ لِتَعۡلَمُوٓاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٌ ﴾[2]

«خدای تعالی خانه کعبه را که خانه بزرگواری است، سبب انتظام امور مردم گردانید هم چنین ماه حرام و قربانی های بی نشان و قربانی های نشاندار را نیز سبب قوام امور گردانید. این برای آن است تا بدانید که خداوند می داند آنچه که در

۱- سوره مائده آیه ۹۶ جزء ۷

۲- سوره مائده آیه ۹۷ جزء ۷

آسمانها و آنچه که در زمین است و خداوند به همه چیز دانا است. بدانید که خدا به سختی عقوبت می کند و در عین حال خداوند آمرزنده و مهربان است».

۱۷- ﴿ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ وَٱلۡمَسۡجِدِ ٱلۡحَرَامِ ٱلَّذِي جَعَلۡنَٰهُ لِلنَّاسِ سَوَآءً ٱلۡعَٰكِفُ فِيهِ وَٱلۡبَادِۚ وَمَن يُرِدۡ فِيهِ بِإِلۡحَادِۢ بِظُلۡمٖ نُّذِقۡهُ مِنۡ عَذَابٍ أَلِيمٖ ﴾[1]

«کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجدالحرام مردم را باز می دارند آن مسجدی که آن را برای مردم یکسان قرار دادیم، چه کسانی که ساکن هستند و چه صحرا نشینان و هر کس که آنجا اراده ظلم و یا کج روی کند او را از عذاب دردناک می چشانیم».

۱۸- ﴿ وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡـٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ﴾[2]

۱- سوره حج آیه ۲۵ جزء ۱۷

۲- سوره حج آیه ۲٦ جزء ۱۷

«وقتی که معین ساختیم برای ابراهیم جای خانه کعبه را و وحی فرستادیم به وی که با من هیچ چیزی را شریک قرار مده و خانه مرا پاک کن برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و کسانی که رکوع و سجده می کنند».

۱۹- ﴿ وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالاً وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِّيَشْهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُواْ ٱسْمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٍ مَّعْلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَٰمِ ۖ فَكُلُواْ مِنْهَا وَأَطْعِمُواْ ٱلْبَآئِسَ ٱلْفَقِيرَ ثُمَّ لْيَقْضُواْ تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُواْ نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُواْ بِٱلْبَيْتِ ٱلْعَتِيقِ ﴾[۱]

«و ای ابراهیم ندا کن در میان مردم تا به حج بیایند پیش تو پیاده و سوار بر هر شتر لاغر و بیایند این شتران از راههای دور، تا حاضر شوند منافع خود را و یاد کنند اسم خدا را در روزهای معلوم «ایام نحر و تشریق» و همچنین یاد کنند خدا را بر ذبح آنچه که آنها را روزی داده است از چهار پایان، پس بخورید از گوشت آنها و درماندگان و فقرا را نیز بخورانید. بعد از ذکر خدا و به جای آوردن نسک باید که

۱- سوره حج آیه ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ جزء ۱۷

دور کنند چرک بدن خود را و به نذرهای خود وفا کنند و طواف نمایند به این خانه قدیمی». اختصاراً چند آیه در مسایل حج جهت استفاده ی طالبین ذکر گردید.

احادیث درباره ی فضیلت حج و عمره

«مَنْ حَجَّ لِلّٰهِ فَلَمْ يَرْفَثْ وَ لَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ»[1]

«وَ فِيْ رِوَايَةٍ خَرَجَ مِنَ الذُّنُوْبِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ اُمُّهُ»

«کسی که کعبه را برای خدا زیارت نمود و جماع یا سخن لغو و معاصی از او صادر نشد، از گناه بیرون می شود مثل روزی که از مادر متولد شده است» و در روایتی «از گناهان خود بیرون می شود مانند روزی که مادرش او را به دنیا آورده است».

«مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ حَاجًّا اَوْ مُعْتَمِرًا ثُمَّ مَاتَ اُجْرِيَ لَهُ اَجْرُ الْحَاجِّ وَ الْمُعْتَمِرِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ مَاتَ فِى اِحْدَى الْحَرَمَيْنِ لَمْ يُعْرَضْ وَ لَمْ يُحاسَبْ وَ قِيْلَ لَهُ اُدْخُلِ الْجَنَّةَ»[2]

۱– مشکوة متفق علیه ص ۲۲۱

۲– مشکوة از بیهقی ص ۲۲۳

«هر که از خانه خود به قصد حج یا عمره بیرون شود و قبل از انجام مناسک بمیرد، برای او مزد حاجی و عمره گزار تا روز قیامت داده می شود و کسی که در یکی از حرمین (مکه یا مدینه) بمیرد در قیامت او را احضار نکنند و حساب نگیرند و به او گفته می شود که به بهشت داخل شو».

«حَجَّةٌ مَبْرُوْرَةٌ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيْهَا وَ حَجَّةٌ مَبْرُوْرَةٌ لَيْسَ لَهَا جَزَاءٌ اِلَّا الْجَنَّةُ»[1]

«یک حج مقبول بهتر است از دنیا و هر آنچه در او است و حج مقبول را پاداشی غیر از بهشت نیست».

«اَلْحُجَّاجُ وَ العُمَّارُ وَفْدُاللهِ وَ زَوَّارُهُ اِنْ سَأَلُوْا اَعْطَاهُمْ وَ اِنِ اسْتَغْفَرُوْا غَفَرَ لَهُمْ وَ اِنْ دَعَوْا اُسْتُجِيْبَ لَهُمْ وَ اِنْ شَفَعُوْا شُفِعُوْا»[2]

«حاجیان و عمره گزاران، وارد شوند گان و زیارت کنند گان خدا می باشند. اگر چیزی بخواهند به ایشان می دهد و اگر آمرزش بطلبند، آمرزیده شوند و اگر دعا کنند، دعای ایشان قبول می شود و اگر عذر کسی را بخواهند شفاعت ایشان پذیرفته می شود».

۱- رواه الترمذی و النسایی مشکوة ص ۲۲۲

۲- ابن ماجه مشکوة ص ۲۲۳

«اِنَّ الْحَجَرَ الْاَسْوَدَ یَاقُوْتَةٌ مِنْ یَوَاقِیْتِ الْجَنَّةِ وَ اِنَّهُ یُبْعَثُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ لَهُ عَیْنَانِ وَ لِسَانٌ یَنْطِقُ بِهِ یَشْهَدُ لِکُلِّ مَنِ اسْتَلَمَهُ بِحَقٍّ وَ صِدْقٍ»[1]

«به درستی که حجرالاسود یاقوتی است از یاقوتهای بهشت. و برانگیخته می شود روز قیامت در حالی که دو چشم دارد که می بیند و او را زبانی است که سخن می گوید و شهادت می دهد برای هر کس که او را بدرستی و راستی لمس کرده است».

«مَا رُئِیَ الشَّیْطَانُ یَوْمًا هُوَ فِیْهِ اَصْغَرُ وَ لَا اَدْحَرُ وَ لَا اَحْقَرُ وَ لَا اَغْیَظُ مِنْهُ فِیْ یَوْمِ عَرَفَةَ»[2]

«شیطان در هیچ روز کوچکتر و رانده تر و خوارتر و خشمناک تر از روز عرفه دیده نشده است».

و این همه به جهت دیدن شیطان است، فیوضات و برکات بی منتهای خدای تعالی را بر اهل عرفات.

۱– مختصر احیاء العلوم ص ۱۱۷

۲– طلحة بن عبیدالله مشکوة ص ۲۲۹

«لَا يُشَدُّ الرِّحَالُ اِلَّا لِثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ اَلْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِیْ هَذَا وَ الْمَسْجِدِ الْاَقْصَی»[1]

«نباید بسته شود زینهای شتر برای کوچ به نسبت تفاضل مساجد از محلی به محلی دیگر، مگر برای سه مسجد: یکی مسجد الحرام (که گرداگرد کعبه است)؛ دیگری مسجد من(یعنی مسجدی که الان روضه ی مبارک رسول الله داخل وی قرار دارد در مدینه منوره) و دیگری مسجد الاقصی در بیت المقدس».

«صَلَوةٌ فِیْ مَسْجِدِ الْمَدِیْنَةِ بِعَشَرَةِ آلَافِ صَلَوةٍ وَ صَلَوةٌ فِیْ الْمَسْجِدِالْاَقْصَی بِاَلْفِ صَلَوةٍ وَ صَلَوةٌ فِی الْمَسْجِدِالْحَرَامِ بِمِائَةِ آلَافِ صَلَوةٍ»[2]

«پاداش یک نماز در مسجد مدینهٔ منوره، برابر است با پاداش ده هزار نماز در سایر مساجد و ثواب یک نماز در مسجدالاقصی برابر است با ثواب هزار نماز در بقیهٔ مساجد و ثواب ادای یک نماز در مسجدالحرام برابر است با ثواب صد هزار نماز که در دیگر مساجد ادا شود».

۱- متفق علیه رد المحتار ج ٤ ص ٦٤

۲- رد المحتار ج ۳ ص ٦٢٤ کتاب حج

«مَنْ وَجَدَ سَعَةً وَ لَمْ يَفِدْ اِلَيَّ فَقَدْ جَفَانِيْ»[1]

«کسی که یافت توانایی پیدا کند و به زیارت من نیاید بدون شک به من ستم کرده است».

«مَنْ جَاءَنِيْ زَائِرًا لَا يَهُمُّهُ اِلَّا زِيَارَتِيْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللهِ اَنْ اَكُوْنَ لَهُ شَفِيْعًا»[2]

«کسی که به زیارت من آید و مقصودش سوای زیارت نباشد، ثابت است بر خدا (بنا به وعده خودش) اینکه در روز قیامت شفاعت خواه او باشم».

«مَنْ زَارَنِيْ بَعْدَ وَفَاتِيْ فَكَاَنَّمَا زَارَنِيْ فِيْ حَيَاتِيْ»[3]

«آنکه مرا بعد از فوتم زیارت کند، گویا مرا در زندگی ام زیارت کرده است». یعنی درجه اصحاب را در می یابد.

«مَا بَيْنَ قَبْرِيْ وَ مِنْبَرِيْ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَ مِنْبَرِيْ عَلَى حَوْضِيْ»[4]

۱– روایت از ابن عدی و دار قطنی مختصر احیاء العلوم

۲– طبرانی ص ۱۴۳

۳– رواه طبرانی و دار قطنی ابن عمر ص ۱۴۲

٤– مختصر احیاء العلوم صفحه ۱٤٥

«بین قبر و منبر من باغیست از باغهای بهشت و منبرم بر حوضی که خدا به من بخشیده واقع است».

تاریخچه بنای کعبه

بهترین و قوی ترین دلیل بر اثبات فضایل کعبه چگونگی و دیرینه بودن بنای آن است که به تفصیل خواهد آمد. آنچه از کتیبه های[1] متقدمین به جا مانده آن است که بنای فعلی کعبه دهمین بنای آن است، بدین ترتیب:

١ـ بنای فرشتگان
٢ـ بنای حضرت آدم صفی الله عليه السلام
٣ـ بنای اولاد آدم عليه السلام
٤ـ بنای حضرت ابراهیم خلیل الله عليه السلام
٥ ـ بنای طایفه عمالقه
٦ـ بنای قوم جرهم
٧ـ بنای قصی بن کلاب
٨ـ بنای قریش
٩ـ بنای عبدالله بن زبیر رضي الله عنه
١٠ـ بنای حجاج بن یوسف ثقفی

و اما آنچه مشهور و معروف است پنج بنا است:

بنای فرشتگان

بدین شرح است که چون خداوند به ملایکه فرمود:

---

١ – کتیبه به معنی نوشته شده.

﴿اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً﴾[1]

فرشتگان گفتند: «خدایا کسی را غیر از ما خلیفه تعیین می کنی که ذُرّیّات او فساد کاری و خونریزی کنند، حال اینکه ما همیشه به تسبیح و تقدیس تو اشتغال داریم».

باری تعالیﷻ به طریق عتاب فرمود: ﴿اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ﴾

ملائکه متنبه شده، به عرش خدا پناه برده و هفت مرتبه گرد عرش طواف نمودند و گریه و زاری آغاز نموده، از پروردگار خود طلب عفو و بخشش کردند و خشنودی او را خواستار شدند. خداوندﷻ عذر ایشان را پذیرفته، امر فرمود تا در زمین خانه ای به نام وی بسازند که بعد از این، هر کس مستوجب غضب وی گردد، چون از عمل خود پشیمان گشته، گرد آن خانه طواف کند و چنان باشد که گرد عرش طواف کرده و چنانچه خطایِ ملائکه به سبب طواف عرش عفو گردید و از غضب الهی در امان ماندند، طواف آن خانه نیز کفاره ی گناهان گشته، طواف کننده را از غضب خداوندی رهایی بخشد، بنا به فرمان الهی ملائکه بیت الله را به مقامی

۱- سوره بقره آیه ۳۰ جزء ۱

بنا کردند که اگر فرضاً بیت المعمور که در زیر عرش واقع است فرود آید، تماماً بالای این خانه واقع می شود.

بنای آدم(علیه السلام)

و آن، چنان بود که چون آدم(علیه السلام) از بهشت به زمین فرود آمد؛ غم و اندوه وی زیاد گشته، پیوسته می گریست تا خداوند توبه اش را پذیرفت، امر به رفتن آدم(علیه السلام) از سرهند به مکه داد، آنجا خیمه ای از بهشت برای تسلّای دل او فرستاده شد، آنگاه فرمان بی چونی در رسید که ای آدم(علیه السلام) خانه ای بنام من بنا کن و گرد آن طواف کن چنانچه ملائکه گرد عرش طواف می کنند؛ آدم(علیه السلام) برای تعیین محلّ خانه متفکر بود تا جبرییل(علیه السلام) بال خود را بر زمین زده، بشکافت تا جایی که اساس بنای ملایکه در قعر زمین ظاهر شد. حیرت آدم(علیه السلام) افزوده گشت که به چه وسیله خواهد توانست اساس قدیم را با زمین برابر کند ملائکه به کمک وی مأمور گشته سنگلاخها از طور سینا و طور زیتا که در شام و کوه جودی در جزیره و کوه لبنان و کوه حراء که در مکه واقع است بریده، در شکاف انداخته، به اندک فرصتی با روی زمین برابرش ساختند، خلاصه آدم(علیه السلام) خانه را به راهنمایی جبرئیل(علیه السلام) و همکاری سایر ملائکه بنا نموده، طوافش می کرد و این بنا تا طوفان نوح(علیه السلام) طواف می شد.

سوم: بنای حضرت ابراهیم(علیه السلام)

و سببش آن بود که بیت شریف در اثر طوفان نوح(علیه السلام) تخریب گردید و تل سرخی باقی بود و مردم از اطراف برای زیارت خانه می آمدند و به مقاصد خود می رسیدند تا به مرور آن تل نیز کاملاً محو گردید و بر زائرین پوشیده گشت. در این اثنا امر ربّ جلیل به حضرت ابراهیم خلیل(علیه السلام) در رسید که برو به مکه و کعبه را همانند گذشته بنا کن و سکینه و مرغ صُرَد را که به فارسی کاک گفته می شود راهنمای وی گردانید، سکینه، بنا به گفتۀ راوی به شکل ابر هر کجا می رفت روی سرش سایه می انداخت و صُرد پیشاپیش پرواز نموده آواز می کرد تا به مکه رسید، در موضع کعبه صُرد ایستاد و سکینه سایه انداخته، آواز داد که یا ابراهیم(علیه السلام) بر مقدار سایۀ من خانه را بنا کن و زیادت و نقصان را در وی راه مده؛ جگر گوشۀ خلیل خدا حضرت اسماعیل(علیه السلام) که از کودکی بحکم قضا و قدر در آنجا سکونت داشت و سن مبارکش به سی و شش سال رسیده بود، به سلام پدر آمده و از مقصد و هدف پدر آگاه گردید. پدر فرمود: از جانب پروردگار مأمور به بنای خانۀ کعبه هستم و می خواهم تو نیز در این امر با من شرکت نمایی. پسر گفت: هر چه فرمان پروردگار تو باشد سَمْعًا وَطَاعَةً به خدمت حاضرم. پدر و پسر حواشی سایۀ سکینه را حفر

نمودند به حدی که پایه اصلی نمودار شد؛ سپس ملائکه مأمور به همکاری گشته، از پنج کوه مذکوره سنگهای بزرگ بریده به اطراف کعبه جمع نمودند. پسر از آن سنگها به دست پدر می داد و پدر بر کار زده پایه ها را بالا می برد؛ تا بجایی رسید که دستش به سر پایه نمی رسید. اسماعیل علیه‌السلام سنگی بزرگ نزدیک آورد تا پدرش بر سنگ ایستاده دست خود را به سر پایه برساند. چون قدم مبارک خلیل خدا علیه‌السلام بر آن سنگ نهاده شد ثقالت نبوت در وی اثر کرده به اندازه هفت انگشت، قدم مبارک در سنگ فرو رفت و بر آن استوار گردید و آن سنگ با اندازه ترفیع قوائم افزوده می گشت. هر چه پایه ها بالاتر می رفت سنگ نیز بزرگتر و بلندتر می شد تا ارتفاع پایه های خانه به ۹ متر رسید.

روایت است که در زمان طوفان نوح علیه‌السلام ذات بی چونی حجرالاسود را در کوه ابوقبیس به ودیعت سپرده بود و ابراهیم خلیل علیه‌السلام از این واقعه اطلاعی نداشت ولی چون به محل مخصوص او رسید در خاطرش گذشت که سنگ نشانداری در آنجا نصب کند تا مبدأ و منتهای طواف بر زائرین مشتبه[1] نشود. پسر به دستور پدر چنان سنگی را می جست که ناگاه از کوه ابو قبیس[2] آوازی بر آمد که:

۱- پوشیده.

۲- کوهی در مکه نزدیک به کوه صفا.

«يَا خَلِيْلَ[1] الْجَلِيْلِ هَا اَنَا ذَا». یعنی: «ای دوست پروردگار بزرگ آگاه باش که سنگ مخصوص آن موضع منم».

به شنیدن این آواز بالا رفته، سنگ را شناخته بر گرفت و به محلش نصب کرد. اندازه بیت شریف در این بنا از رکن اسود تا شامی ۳۲ ذرع و از شامی تا غربی۲۲ ذرع و طول سقف آن ۳۱ ذرع و پهنایش ۲۱ ذرع بود و درب خانه به زمین چسبیده، همیشه باز بود و آن سنگ زیر پای حضرت ابراهیم‌علیه‌السلام از شعایر دین خدا گشته، تا کنون معروف به مقام ابراهیم‌علیه‌السلام و مصلای[2] خاص و عام می باشد؛ و این بنا از در و پوش و پرده معرّی بود تا زمان تُبَّع حُمَیْرِی که بر تمام دنیا پادشاهی داشت و همیشه صد هزار حکیم و دانشمند با خود داشت تا به تدبیر امور جسمانی و مملکت داری وی قیام نمایند؛ زمانی بنا به تدبیر ایشان اراده سیر و سیاحت سرتاسر مملکت خود نموده، کوی به کوی و شهر به شهر می گشت و رعایا از وی استقبال نموده، احترام و تعظیم به جای آورده، شترها و گاوها در مقدم او قربانی

---

۱ – چونکه مأمور به ترمیم خانه کعبه حضرت ابراهیم خلیل الله علی نبینا و علیه الصلاه والسلام بود خطاب که خلیل الجلیل (الخ) به حضرت ابراهیم خلیل الله علی نبینا و علیه الصلاه والسلام آمد از کوه ابوقیس که نزدیک کوه صفا است اگر چه که حضرت اسماعیل علی نبینا و علیه الصلاه و السلام در سراغ سنگ بوده اند.

۲ – جای نماز خواندن.

می کردند، تا به مکه معظمه رسید، اهالی مکه چنانچه رسوم سلاطین آن دوره بود، به تعظیم وی نپرداختند از این رو تُبَّع به خشم آمد و از وزیر خود علت را جویا شد. وزیرحقیقت را پنهان کرد وگفت: اینها اعراب اند و رسوم احترام شاهی را نمی دانند. وزیر دیگر گفت: چنان نیست که از لحاظ نادانی به احترام نپرداخته باشند؛ بلکه ایشان را خانه ایست که آن را بیت الله می نامند و به واسطه همان خانه، جهانیان آنها را احترام می کنند، از این سبب به عجب و غرور افتاده، شاه و گدا را یکسان می شمرند. این سخنان حال تُبَّع را دگرگون ساخت و ارادهٔ تخریب کعبه و مکه را در دل داشت و هنوز به کسی اظهار نکرده بود که، به سر درد شدیدی مبتلا گشت، آبهای بد بو از چشم و دهان و گوش و بینی او جاری شد و به اندک فرصتی جمله ندیمان از تعفّن به ستوه آمده ، فرار کردند و حکما نیز از معالجه اش عاجز آمده، گفتند: ما آثار بلیّات زمینی را می دانیم ولی مداوا کردن آفات آسمانی از توان و قدرت ما بیرون است. وی را تنها گذاشته، جمله گریختند. وزیر بیچاره به هر یک از علما و حکما التجا برده، جوابی قانع کننده نمی شنید. بالاخره یکی از علما، وزیر را گفت: اگر پادشاه آنچه را در دل خود داشت، به صداقت برایم شرح کند، شاید تدبیری بیندیشم. وزیر در وقتی مناسب میان او و پادشاه خلوت کرد. عالم

پرسید: شاها گمان می کنم دربارهٔ این خانه ارادهٔ بد کرده باشی، تُبَّع به عقیده خود اقرار نمود.

عالِم گفت: ملکا! صاحب این خانه عالم اسرار است؛ از سر صدق توبه کن و عقیده خود را درباره وی نیک گردان. مَلِک به توصیهٔ عالِم به خدا رجوع کرد و توبه نمود و عهد کرد که در آینده هیچ گاه خیر خود را از کعبه و ساکنین حرمش دریغ ندارد. ساعتی نکشید که مرض به کلی زائل گردید؛ آنگاه مَلِک با دلی نرم به دست همان عالم ایمان آورد و کعبه را به هفت جامه پوشانیده، برای او دروازه، قفل، دربان و خدمتگذار دایمی مقرر نمود و به عنوان صدقه چندین شتر ساکنین حرم را میهمان کرد و به خلعت های زیاد شاد و خرم ساخت و از ایشان دعا خواسته، به اتفاق علما و حکما و وزرا بیرون شد تا به زمین یثرب که در آن زمان دارای یک چشمه و بدون خانه و بنا و زراعت بود رسید. بر در آنجا چهارصد نفر از سران علما از لشکر خارج گردیده، با یکدیگر بیعت کردند که به هیچ نحوی از یثرب بیرون نشوند. مَلِک واقف گشته، حکمت را پرسید.

فرمودند: مَلِکا ما چنین عقیده داریم که آن حرم مورد اعتقاد تو یعنی مکه و همچنین این سرزمین، به قدوم پیغمبر آخرالزمان محمدﷺ متبرک خواهد شد و ما

امیدواریم ما یا ذریات ما صحبتش را دریافته به سلک امتش درآییم که آیۀ کریمه: ﴿کُنْتُمْ خَیْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾[1]

در شأن ایشان آمده است. ملک را نیز استماع این سخن آرزوی اقامت در دل افتاده، چون در آن زمان آمادگی مرکزیت و مقرّ سلطنت را نداشت، نتوانست آرزوی خود را ابراز نماید اما برای علما اجازه داده، مقرر فرمود برای هر یک منزلی بنا کنند و چهار صد کنیز از خاصان خود را آزاد کرده هر یک را به عقد عالمی درآورد و خلعت ها و اموال بسیار در اختیار ایشان گذاشت و بیعت نامه سفارشی به آن حضرتﷺ نوشت تا او را به شمار امت خود محسوب فرمایند و پایانش را مهر نموده، به دست عالمی که باعث شفای مرضش گردیده بود داده، فرمود: شخصاً و یا نسل به نسل به وسیلۀ اولاد خود به دست مبارک رسول خداﷺ برساند؛ سپس خودش با همراهان کوچ نموده، به بلاد هند رسیده، داعی اَجَل را لبیک گفته سلطنت عاریتی را به صاحب حقیقی آن واگذار نمود و از فوت تُبَّع تا بعثت خاتم رسالتﷺ هزار سال طول کشید و علما همانجا سکونت گرفته، توالد و تناسل می نمودند تا انتشار خبر بعثت. آنگاه اولاد به وفق وصیت آبا و اجداد، مکتوب را

---

۱ – سرره آل عمران آیه ۱۱۰ جزء ۳

به وسیله ابو لیلی به خدمت پیغمبرﷺ فرستادند. آن حضرتﷺ وی را در قبیله ی بنی سلیم شناخته، فرمودند: ابو لیلی! مکتوب تُبَّع با تو است؟ عرض کرد: بلی یا رسول اللهﷺ و بسیار به حیرت افتاد زیرا هیچ کس در مکه واقف آن حال نبود، نامه را به دست مبارکﷺ داده، حضرتﷺ پسر عموی خود، حضرت علیؓ را امر به خواندن نامه فرمود. پس از استماع این مکتوب، سه مرتبه مرحبا بالاخ الصالح بر زبان مبارکﷺ جاری شد. بعد ابولیلی را امر بازگشت به مدینه را دادند تا مژدگانی قدوم مبارکﷺ را به اولاد علما که بعداً به انصار ملقب گردیدند، برساند و متعاقباً آن حضرتﷺ به مدینه تشریف فرما شدند و بدون دلیل و مقدمه با وجود خواستار زیاد بر ابو ایوب انصاری که از اولاد همان عالم طبیب تبع بود، وارد شدند این حال نیز سبب ازدیاد یقین اهالی گشت.

بنای قریش

و علت آن مربوط به زنی بود که مجمرهٔ آتشی در کعبه برد تا آنجا را با خوشبویی معطر سازد. ناگهان پارهٔ آتشی بر پرده افتاد و چون پرده های زیادی روی هم آویزان بود آتش گرفت و خانه چنان در میان شعله ها می سوخت که بعضی از سنگها می ترکید و از هم جدا می شد. قریش به اضطراب افتاده، می ترسیدند که اگر خانه

ویران شود، بر اهالی عذاب نازل خواهد شد و جرأت دستکاری هم نداشتند تا اینکه کشتی ای از روم در شعیبیه ـ که نزدیک جده است ـ تصادف نموده، شکست، قریش خبر یافته، چوبهای کشتی را خریده، اهلش را اجازهٔ دخول مکه دادند و اموال تجاری ایشان را بدون گرفتن حق الزحمه یا مالیات و گمرک به فروش رسانیدند. یکی از مسافران کشتی به نام باقوم که در صنعت نجاری و بنّایی مهارتی وافی داشت، پیمان کرد که کعبه را به هیأت سابقش بنا کند ولی هر گاه ارادهٔ تخریب کعبه می کردند، ماری بر ایشان حمله نموده، همه را متواری می ساخت. تا اینکه مرغی بزرگتر از کرکس ظاهر شد و مار را به چنگال گرفته، جانب اجیاد برد. قریش فرصت یافته، پایه های خانه را برداشته، به کمک و راهنمایی باقوم، کعبه را از نو بنا نهادند. در این بنا حضرت رسول اکرمﷺ نیز شرکت داشتند. حتی در گذاشتن حجر الاسود بین قریش منازعه رخ داد آخر رأی بر آن قرار گرفت که مردی باید این وظیفه را انجام دهد که زودتر از دیگران وارد مسجدالحرام گردد. واجد این شرط حضرت محمدﷺ گردیده، به دست مبارکش حجرالاسود را در مقامش نصب فرمودند. این بنا ارتفاعش به ۱۸ ذرع رسید و از پهنا قدری داخل حطیم داده شد.

بنای عبدالله بن زبیر رضی الله عنه

و آنچنان بود که یزید، حصین بن نمیر را با سپاهی عظیم به جنگ عبدالله رضی الله عنه فرستاد. عبدالله رضی الله عنه با تابعانش در مسجدالحرام جمع شدند و گرداگرد کعبه خیمه ها زدند. سپاه حصین بر جبل ابی قبیس و احمر، منجنیق نصب کرده تیر می انداختند. در نتیجه پرده های کعبه و پوششهای آن پاره پاره و سنگهایش شکستگی پیدا کرد و همچنین حریقی رخ داد که سببش تشخیص داده نشد در این اثنا خبر مرگ یزید منتشر گشت. حصین مکه را ترک کرده به شام رفت. عبدالله رضی الله عنه پس از شکست سپاه دشمن در صدد تعمیر خرابیهای خانه افتاده، با اهل حل و عقد (بزرگان) مکه مشورت کرد، عده ای رأی به ترمیم داده و عدهٔ دیگر نظر بر خرابی کامل و بنای مجدد آن را دادند. طایفهٔ اخیر رأی خود را تقویت کردند به حدیثی که عایشه ـ رضی الله عنها ـ روایت نموده از رسول خدا ﷺ:

«لَوْ لَا قَوْمُكِ حَدِيْثُ عَهْدٍ بِكُفْرٍ لَنَقَضْتُ الْكَعْبَةَ فَجَعَلْتُ لَهَا بَابَيْنِ وَ اَسَّسْتُ عَلَى قَوَاعِدِ الْخَلِيْلِ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ»

عبدالله را این آرزو به غیرت آورده، رأی طایفه اخیر را پسندیده، جواب آنان را که به ترمیم کعبه نظر دادند چنین داد که کسی از شما برای خانه پدر خود چنین چیزی

نمی خواهد؛ من چگونه خانه پروردگار عالمیانﷻ را پینه کاری کنم. لذا کعبه را از اساس برداشته، پایه و پی حضرت ابراهیمؑ را پیدا و بر وفق آرزوی حضرت پیغمبرﷺ حطیم را داخل خانه داد و دربهای ورودی و خروجی را بر زمین هموار گذاشت و پرده و پوش خانه را که از چرم و پلاس بود، به حریر و دیباج مبدّل کرد. بنای فعلی کعبه بنای اوست مگر چون حجاج ثقفی به دستور عبدالملک اموی به جنگ عبداللهؓ آمده، وی را به شهادت رساند. کینه و عداوت نگذاشت که بنای کعبه به نام عبداللهؓ ثبت شود؛ نامه ای با این مضمون به عبدالملک نوشت که پسر زبیر در کعبه بر خلاف دوره پیغمبرﷺ تصرفاتی نموده دستور دهید تا بنای وی را منهدم ساخته، به نام ملک بنایی موافق بنای قریش بسازم. عبدالملک امر داد تا اضافه کاریهای عبداللهؓ را بردارد ولی اصل خانه را بر حال بگذارد. حجاج خوشحال گشته پایه ای از وسط بیت شریف برآورده، به سقف رسانید و حطیم را خارج کرد و دروازه غربی را بسته، دروازه شرقی را بر کرسی قرار داد.

خلیفه هارون الرشید از پدر یا جدش که حدیث مذکور را شنیده بود، خواست همانند بنای عبداللهؓ کعبه را تغییر دهد. مالک بن انسؓ وی را سوگند داد که بیت الله را ملعبه دست سلاطین قرار مده که هر یک به ضدّ دیگری تغییری دهد،

این نصیحت در قلب خلیفه مؤثر واقع شد و اولاد خود را نیز وصیت نمود تا حرمت کعبه را نگه دارند و بدون ضرورت تغییرش ندهند. بنابراین کعبۀ امروزی بنای عبدالله بن زبیرﷺ است؛ با قدری تغییرات حجاج و گویند در سال ۱۰۳۹ هجری قمری در اثر سیل، روی دیوار شامی که بنای حجاج بود، قسمتی از دیوار شرقی و غربی منهدم گردیده، سلطان مراد خان عثمانی دیوارها را مرمّت نموده، سطح خانه را به سنگ مرمر فرش کرد و در سال۱۳۷۰ قمری نیز به وسیله ملک سعود، ترمیماتی شده، بنای اولاد آدم و عمالقه و جرهم و قصی نیز ممکن است تنها مرمّت کاریهایی بوده که به همین دلیل در تاریخ اثر چندانی باقی نمانده است.

از امام اعظم(رح) پرسیدند: کعبه را چرا کعبه گویند؟ گفت: چون مربع است. چرا مربع است؟ چون مقابل بیت المعمور است و بیت المعمور چرا مربع است؟ چون محاذی عرش است و چرا عرش مربع است؟ چون کلماتی که اسلام بر آن بنا شده، چهار تا است:

«سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ للهِ وَ لَا اِلهَ اِلَّا اللهُ وَ اللهُ اَكْبَرْ».

خوانندگان عزیز کتابی که پیش روی شماست مشتمل بر ده مقصد مجزاً می باشد که عبارتند از:

۱- مقصد اول: آماده شدن برای حج

۲- مقصد دوم: شرایط و حکمتهای حج

۳- مقصد سوم: احرام و مواقیت

٤- مقصد چهارم: طواف و سعی و نسک سه گانه

٥- مقصد پنجم: حج و احکام آن در عرفات، مزدلفه و منی

٦- مقصد ششم: احکام و دعاهای مربوط به طواف وداع

۷- مقصد هفتم: احکام نیابت در عمره

۸- مقصد هشتم: محضورات احرام

۹- مقصد نهم: اماکن متبرکه مکه مکرمه

۱۰- مقصد دهم: زیارت روضه اطهر و دیگر اماکن متبرکه در مدینه منوره

مقصد اول

آماده شدن برای حج

اعمال قبل از سفر

وقتی که اراده حج می کند، مستحب و لازم است مسایلی را مد نظر قرار دهد از آن جمله :

۱ـ رضایت پدر و مادر را حاصل کند.

۲ـ قرض خود را ادا کند و یا از طلب کار اجازه بگیرد.

۳ـ با شخصی عالم و عاقل و خیر خواه برای وقت حرکت مشورت کند.

٤ـ موافق دستور سنت استخاره کند، طریقش آنکه با طهارت کامل دو رکعت نماز خالصاً لله ادا کرده، در رکعت اول فاتحه و کافرون و در رکعت دوم فاتحه و اخلاص تلاوت نموده، پس از سلام دستها را بالا آورده این دعا را بخواند:

«اَللّهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَخِیْرُكَ بِعِلْمِكَ وَ اَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ وَ اَسْاَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِیْمِ فَاِنَّكَ تَقْدِرُ وَ لَا اَقْدِرُ وَ تَعْلَمُ وَ لَا اَعْلَمُ وَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوْبِ اَللَّهُمَّ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هَذَا الْاَمْرَ خَیْرٌ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَ مَعَاشِیْ وَ عَاقِبَةِ اَمْرِیْ فَاقْدِرْهُ لِیْ وَ یَسِّرْهُ لِیْ ثُمَّ بَارِكْ لِیْ فِیْهِ وَ اِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّ هَذَا الْاَمْرَ شَرٌّ لِّیْ فِیْ دِیْنِیْ وَ مَعَاشِیْ وَ عَاقِبَةِ اَمْرِیْ فَاصْرِفْهُ عَنِّیْ وَاصْرِفْنِیْ عَنْهُ فَاقْدِرْلِیَ الْخَیْرَ حَیْثُ كَانَ ثُمَّ اَرْضِنِیْ بِهِ».

«خدایا ! براستی که من با علم تو طلب خیر می کنم و با قدرت تو طلب قدرت می کنم و خواستار فضل و بخشش گسترده تو هستم؛ چون تو می توانی و من نمی توانم و تومی دانی و من نمی دانم و تو دانای غیبهایی. خدایا! اگر می دانی که این کار برای من در دین و زند گی و عاقبت کارم خیر است آن را برایم مقدر و آسان نما و سپس برایم در آن برکت ده و اگر می دانی که این کار برایم در دین و زند گی و عاقبت کارم شرّاست آن را از من دور کن و مرا از آن باز دار و برایم خیر را هر جا که باشد مقدر نموده و به آن راضی نما».

۵ ـ از گناهان صغیره و کبیره توبه کند.

٦ ـ رد مظالم نماید.

۷ـ با هر کس خصومتی دارد از وی حلالیّت بخواهد.

۸ـ زاد و راحله (توشه و مرکب مناسب سفر) از مال حلال به دست آورد؛ زیرا از نفقه حرام اگر چه فرض ساقط می گردد ولی به معرض قبول نمی رسد تا ثوابی بر آن مترتب شود.

۹ـ رفیق نیک اختیار کند.

۱۰ـ نیت خود را از هرگونه فخر و ریا و تجارت پاک نماید و خود را برای حج خالص گرداند.

۱۱ـ در صورت امکان، حرکت خود را به روز پنجشنبه یا دوشنبه اندازد.

۱۲ـ با خویشان و خانواده خود خداحافظی کند و به خانه هر یک رفته، حلالیّت بخواهد.

۱۳ـ وقت خروج در منزل و بیرون به اندازه وسعت خویش صدقه بدهد.

١٤ـ در خانه دو رکعت نماز خالصاً لله ادا کند.

۱۵ـ حین حرکت از خانه این دعا را بخواند:

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ اَنْ اَضِلَّ اَوْ اُضَلَّ اَوْ اَزِلَّ اَوْ اُزَلَّ اَوْ اَظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ اَجْهَلَ اَوْ یُجْهَلَ عَلَیَّ.

اَللَّهُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَ الْخَلِیْفَةُ فِیْ الْاَهْلِ.

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الضَّیْعَةِ فِی السَّفَرِ وَ الْكَآبَةِ فِی الْمُنْقَلَبِ.

اَللَّهُمَّ اقْبِضْ لَنَا الْاَرْضَ وَ هَوِّنْ عَلَیْنَا السَّفَرَ.

۱٦ـ به در خانه که رسید پای بیرون نهاده

بِسْمِ اللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ. **را گفته، آیت الکرسی شریف را بخواند.**

۱۷ـ تا درِ منزل سوره قریش و قدر بخواند.

۱۸ـ مسجد محل را به دو رکعت نماز، وداع کند.

۱۹ـ وقت سوار شدن سه مرتبه «بسم الله، الله اکبر» گفته و دعای سفر را بخواند:

﴿سُبْحَانَ الَّذِیْ سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِیْنَ وَاِنَّا اِلَی رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ﴾.

اَللَّهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ فِیْ سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَالتَّقْوَی وَ مِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَی.

اَللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَیْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَ اطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ اَللَّهُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَ الْخَلِیْفَةُ فِی الْاَهْلِ.

اَللَّهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِالسَّفَرِ وَ كَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَ سُوْءِ الْمُنْقَلَبِ فِی الْمَالِ وَ الْاَهْلِ.

۲۰ـ به هر شهر و قریه که رسید :

اَللَّهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ مِنْ خَیْرِ هَذِهِ الْقَرْیَةِ وَ خَیْرِ اَهْلِهَا وَ خَیْرِ مَا فِیْهَا وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ هَذِهِ الْقَرْیَةِ وَ شَرِّ اَهْلِهَا وَ شَرِّ مَا فِیْهَا.

را بخواند.

۲۱ـ به هر منزلی که فرود آید:

رَبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلاً مُّبَارَكًا وَّ اَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِیْنَ بِسْمِ اللهِ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللهِ اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَاَ وَ بَرَاَ سَلَامٌ عَلَی نُوحٍ فِی الْعَالَمِیْنَ.

اَللَّهُمَّ اَعْطِنَا خَيْرَ هَذَا الْمَنْزِلِ وَ خَيْرَ مَا فِيْهِ وَاكْفِنَا شَرَّهُ وَ شَرَّ مَا فِيْهِ. **را بگوید.**

۲۲ـ به وقت کوچ از هر منزلی:

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِیْ عَافَانَا فِی مُنْقَلَبِنَا وَ مَثْوَانَا.

اَللَّهُمَّ كَمَا اَخْرَجْتَنَا مِنْ مَنْزِلِنَا هَذَا سَالِمِيْنَ بَلِّغْنَا غَيْرَهُ آمِنِيْنَ. **را زمزمه کند.**

۲۳ـ به وقت پیش آمدن شب:

يَا اَرْضُ! رَبِّیْ وَ رَبُّكِ اللهُ اَعُوْذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّكِ وَ شَرِّ مَا فِيْكِ وَ شَرِّ مَا يَدُبُّ عَلَيْكِ وَ اَعُوْذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّ اَسَدٍ وَ اَسْوَدَ وَ مِنَ الْحَيَّةِ وَ الْعَقْرَبِ وَ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَ وَالِدٍ وَّ مَا وَلَدَ. **را بگوید.**

۲٤ـ در سحرگاهان:

سَمِعَ سَامِعٌ بِحَمْدِاللهِ وَ حُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا رَبَّنَا صَاحِبْنَا وَ اَفْضِلْ عَلَيْنَا عَائِذاً بِاللهِ مِنَ النَّارِ. **را بخواند.**

۲۵ـ تقوی و پرهیزگاری: باید شخص حاجی بداند که بهترین توشهٔ سفر حج، تقوی و پرهیزگاری است. خداوند ﷻ در مورد سفر حج می فرماید:

﴿وَ تَزَوَّدُوْا فَاِنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوَی﴾

«با خود توشه بردارید و یقیناً که بهترین توشه تقوی و پرهیز از گدائی است».

۲٦ـ انتخاب امیر: تعداد همراهان چه زیاد باشد و چه کم (حتی سه نفر)، و سفر خواه کوتاه باشد و خواه دراز باید به اتفاق همدیگر شخصی را که عالم و با تقوی باشد به عنوان امیر سفر خود تعیین نماید. اگر این چنین شخصی در بین شما وجود نداشت کس دیگری را که مناسب تر باشد انتخاب نماید. تعیین امیر به سفر علاوه از فواید دنیوی یک امر شرعی می باشد و از سنتهای سفر است.

۲۷ـ گذشت و همکاری با همه کس صفت نیک و پسندیده ای است ولی در سفر حج لازم تر است. اضافه بر آن شخص حاجی بکوشد تا از دل آزردن و خورده گیری و سر و صدا با همراهان پرهیز کند و از هیچ نوع کمک و همکاری به همراهان خود دریغ نورزد.

۲۸ـ دعای وداع: مستحب است که شخص پیش از خارج شدن به حج با اقوام و دوستان خود وداع و از ایشان بخشش خواهد و در حین وداع چنین گوید:

اَسْتَوْدِعُكُمُ اللَّهَ الَّذِیْ لَا تُضَیِّعُ وَدَائِعَهُ.

«شما را به آن خداوند به امانت می سپارم که امانتش را ضایع نمی کند».

و هم مستحب است که شنونده در جوابش بگوید:

اَسْتَوْدِعُ اللهَ دِیْنَكَ وَ اَمَانَتَكَ وَ خَوَاتِمَ عَمَلِكَ.

«دین تو را و مال و عیال تو را و خاتمهٔ اعمال تو را به خداوند پاک می سپارم».

احکام سفر

سفر دارای احکام خاص خود است که نسبت به حالتی که مقیم هستیم در بسیاری موارد فرق می کند و مهمترین احکام سفر به شرح زیر می باشد:

۱- در مسافرت هایی که حدود ۹٦ کیلومتر و بیشتر از آن است شخص باید نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخواند.

۲- نمازهای سه و دو رکعتی را بدون تغییر ادا کند.

۳- سنّت است که نمازهای سنت مؤکده را به طور کامل ادا نماید.

٤- در مذهب احناف جمع بین دو نماز در دو جای جواز دارد:

الف ـ روز عرفه در عرفات، بین نماز ظهر و عصر

ب ـ شب عید قربان در مزدلفه بین نماز مغرب و عشاء ، با شرط هایی که در این کتاب در جایش گفته می شود.

٥- اگر وقت نماز شد و شخص هنوز در وطنش بود و مسافرت را آغاز نکرده بود، لازم است که نماز را کامل ادا کند.

٦- اگر به اول وقت مسافر بود و پیش از فوت وقت نماز به خانه رسید باید آن نماز را کامل ادا نماید.

٧- مسافر اگر به مقیم اقتدا کند باید نماز را کامل ادا کند.

٨- مقیم اگر به مسافر اقتدا کند، مسافر باید نمازش را کوتاه خواند و مقیم بعد از سلام مسافر که امام شده، نمازش را کامل ادا نماید.

٩- خوردن روزه در سفر برای مسافر جایز است. و اگر در سفر برایش زحمتی نمی باشد گرفتن روزه بهتر است.

١٠- اگر شخصی بعد از طلوع از خانه خود بیرون شود باید این روز را روزه بگیرد و در بقیه روزها مختار است.

١١- شخصی که به سفر رفت تا برگشتن در همه احکام حکم مسافر را دارد، مگر که ١٥ روز یا بیشتر از آن نیت اقامت کند.

مقصد دوم

در بیان شرایط و حکمت های حج

تعریف حج

حج رکن پنجم اسلام بوده و معنی لغوی اش همانا قصد و عزم به سوی امری بزرگ و با عظمت است و در اصطلاح فقها عبارت است از قصد به سوی بیت الله الحرام در وقت معین جهت ادای مناسک[1] حج.

فرضیت حج از دید گاه قرآن

حج بعد از فراهم شدن شروط آن بر هر فرد مسلمان فرض عین بوده و فرضیت آن از قرآن و سنت نبوی و اجماع امت اسلامی ثابت و لازم گردیده است.

---

۱ – عبادات حج و افعال آن

﴿وَ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ﴾[1]

«خاص برای خداوند بر مردمی که استطاعت و توانایی داشته باشند حج لازم است و کسی که از ادای آن سرپیچی نماید به تحقیق که خداوند متعال از جهانیان بی نیاز است».

و این سیاق به بلیغ ترین وجهی فرضیت و لزوم حج را برای کسی که توانایی ادای آن را داشته باشد، اثبات می نماید، زیرا در دنباله آیه کریمه می فرماید: «و من کفر ...» این فرضیت و لزوم را هر چه بیشتر و تمام تر، تأکید و تثبیت می نماید چه تعبیر به کفر از عدم ادای آن ـ البته با وجود داشتن استطاعت ـ قوی ترین دلیل بر شدت فرضیت و نهایت لزوم آن است.

فرضیت حج در احادیث نبوی

علاوه بر قرآن کریم، احادیث نبوی نیز فرضیت حج را با صراحت تمام تأیید و تأکید می نماید و از آن جمله است این حدیث پیامبر اکرمﷺ که می فرمایند:

۱- سوره آل عمران آیه ۹۷

بُنِيَ الْاِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُوْلُ اللهِ، وَ اِقَامِ الصَّلَاةِ وَ اِيْتَاءِ الزَّكَاةِ وَ حَجِّ الْبَيْتِ وَ صِيَامِ رَمَضَانَ [1].

«اسلام بر پنج چیز بنا یافته: گواهی و اقرار بر اینکه جز خدای یگانه معبود دیگری نیست، و حضرت محمدﷺ پیامبر بر حق اوست. بر پا داشتن نماز، دادن زکات، حج بیت الله الحرام و روزه ماه مبارک رمضان».

فرضیت حج از دید گاه اجماع مسلمین

علماء و فقهای عالم اسلام در مذاهب مختلف از صدر اسلام تا امروز به فرضیت حج بر شخصی که توانایی آن را داشته باشد، برای یک بار در عمر اجماع و اتفاق داشته و منکر فرضیت این رکن اسلامی را مرتد و خارج از دین اسلام شمرده و علاوه بر آن گفته اند کسی که مکان دیگری را به غیر از بیت الله الحرام برای خود و یا دیگران حج قرار داده و آنرا به جای کعبه مشرفه بداند نیز کافر و مرتد است.

۱– بخاری و مسلم متفق علیه عن ابن عمر (رض) ص ۱۲

شمه ای از حکمت های حج

اگرچه حج به عنوان یک رکن دین ویک عبادت فرض می باشد اما می توان در آن حکمتها و فواید زیادی را مشاهده کرد که از آن جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:کنگره حج بهترین فرصت برای مسلمین کل جهان در امور دینی، سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی است. حج بهترین راه برای اتحاد و وحدت مسلمین می باشد.

آری برای ارتباط قلوب مسلمانان سراسر جهان و محبت شان با همدیگر، حج بهترین وسیله است. امیر، غریب، فقیر، ثروتمند، عربی، عجمی همه در یک لباس و در زمان واحد و صدایی واحد در یک مکان جمع آمده و کلیه تفاوتهای اقلیمی، قومی، نژادی از میان برداشته می شود.

کسانی که می خواهند تبلیغ کنند و یا مطالبی را در دنیا منتشر سازند، حج بهترین فرصت برایشان می باشد. آری توسط حجاج ممالک مختلف دنیا با بهترین نحو و آسان ترین وجه، مطالب خود را به گوشه و کنار دنیا می رسانند. کسانی که خواسته باشند بهتر و بیشتر کسانی را به ضیافت بپذیرند، از میهمانان پروردگار عالم بهتر چه کسانی خواهند بود؟ می توان در مراسم حج میهمانی وسیع ترتیب داد و

به میهمانان پروردگار رحمان خدمت کرد برای آشنایی بیشتر با مسلمین و اطلاع از درد و مشکلات همدیگر، کنگره حج بهترین فرصت می باشد. بهترین فرصت برای إفاده دینی، تبلیغ و تعلیم خلق الله ایام حج است. و حفاظت از سنتهای صالحان و آثار انبیاء ـ علیهم السلام ـ در حج بسیار روشن و آشکار است که روحیه انسان را قوی می سازد و نیز برای رسید گی به مشکلات اقتصادی مسلمین از حج فرصتی بهتر وجود ندارد.

در مراسم حج از اطراف و اکناف عالم تمام صالحین، اقطاب و ابدال گرد می آیند که انسانهای لایق و شایسته از برکات آنان بهره ها می برند. تشبه به ملائکه که مدام دور عرش طواف می کنند پیدا می شود.

رسول اکرمﷺ فرمودند: «مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ»[1]

«کسی که خود را مشابه قومی کند از جمع آنان بشمار می آید»

لذا تشبه با ملائکه که مخلوقی معصوم و بی گناه هستند سعادت بزرگی است و لو برای چند روز که موسم حج است ارزش فراوان دارد. سفر از طرفی روشنگر

---

۱ – ابو داوود ص ۲۲۲

اخلاق مسافر می شود و از جهتی سبب سلامتی بدن می گردد. رسول اکرمﷺ فرمود: «سَافِرُوْا تَصِحُّوْا».

«سفر کنید تا سلامت باشید».

و حکمت های بی شماری در آن نهفته است که هر انسان عاقلی با کمی فکر و تدبّر می تواند آنها را کشف نماید.

سفر حج نمونه ی سفر آخرت است، همانطور که در دنیا آدم ناگزیر به وداع اهل و عیال و عزیزان و دوستان می شود، با مرگ هم تمام چیزهای دوست داشتنی و اهل و عیال باید ترک شوند و یکه و تنها راهی آخرت شوند. وقتی که غسل احرام می کند به یاد غسل میت می افتد و چون لباس احرام را به تن می کند پارچه های کفن به یادش می آید همانطور که در جده از آدرس و نشانی طواف کننده سؤال می کنند، در روز قیامت سؤال می شود که از امت کدام پیغمبر است. میدان عرفات نمونۀ محشر و روز قیامت است که هر کسی با نشانی و پرچم خاص تحت نظر معلم و در حال طواف می باشد، در میدان محشر نیز هر فرقه ای تحت لوای پیامبر خود مبعوث و محشور خواهد شد. اسلام می خواهد که ملل مسلمان لااقل سالی یک بار در یک جا گرد هم آمده و از نزدیک با هم آشنا شوند و از درد دل یکدیگر با

خبر شوند و از مشکلات یکدیگر آگاهی یافته و در رفع آن بر پایه ی نوع دوستی و اخوت اسلامی و همکاری بکوشند و در واقع با عمل حج کنگره بزرگ اسلامی از همهٔ ملل مسلمان تشکیل می شوند، حج وسیله ای است برای احیای سنن و معارف حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام و استمرار سیره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سایر پیامبران برگزیده ی خدا که در راه خدا از هر نوع جانبازی و از خودگذشتگی و تسلیم و رضا و اطاعت و فرمانبرداری دریغ نفرمودند. همچنان در جاهایی که حج برگزار می شود، آثار متبرکه ای نیز وجود دارد که تاریخ آن با زندگی حضرات انبیاء کرام و پیامبران گرامی ارتباط مستقیم دارد و مشاهده نزدیک آنها موجب تجدید یاد آن وقایع که وسیله ی نزول رحمتهای الهی بر پیامبران بوده است، گردیده و بدین وسیله باعث تحریک جذبات دینی و طراوت ایمانی در قلب مؤمن خواهد بود.

بزرگی به یکی از مریدان خود می فرماید: به هنگام نزول به میقات، آیا نیت آن داشتی که جامه ی گناه به کنار افکنی و جامه ی طاعت بپوشی؟ به هنگام برهنه گشتن از جامه های دوخته ات، آیا نیت آن داشتی که از ریا و نفاق و ورود در شبهه دور شوی؟ به هنگام غسل کردن، آیا نیت آن داشتی که خود را از لغزشها و گناهان شست و شو دهی؟ آیا هنگامی که نظافت کردی و احرام پوشیدی و پیمان حج

بستی، نیت آن داشتی که با داروی توبه ی خالص برای خدای متعال خود را از گناه پاک کنی؟ به هنگام احرام بستن آیا نیت آن داشتی که هر آنچه را خداوندﷻ حرام کرده بر خود حرام کنی؟ به هنگام بستن پیمان حج، آیا نیت آن داشتی که هر پیمان که به شریعت موافق نبود ترک کنی؟ به هنگام رسیدن به مکه آیا نیت آن داشتی که از این سفر تنها مقصد تو، خداست؟ به هنگام سعی آیا نیت آن داشتی که از شرّ شیطان و نفس اماره به خدا پناه بری؟ و او که دانای نهان است بر این امر واقف است.

آنگاه فرمود: آه آن کس که با حجر الاسود مصافحه کند با خدا مصافحه کرده سپس فرمود: آنگاه که سعی نمودی، نیت آن داشتی که میان ترس و امید باشی؟ و آنگاه که موی سرت را تراشیدی، آیا نیت آن داشتی که از تمام پلیدیها و از ظلم کردن به مخلوق پاک شوی و همچون روز ولادتت از مادر از گناهان بیرون روی؟ و آن گاه که به شکرانه حج قربانی کردی، آیا نیت آن داشتی که از برای عمل به حقیقت پارسایی گلوی طمع را ببری؟ و سنت حضرت ابراهیمؑ را پیروی کنی که با سر بریدن فرزند و میوهٔ دل و آرام جان خود طریقه بندگی و تقرّب به خدا را برای آیندگان پس از خود پایه گذاشت؟ به هنگام بازگشت به مکه و انجام طواف بازگشت، آیا نیت آن داشتی که با بهره گیری از رحمت خدا به اطاعت او باز گردی

و به دوستی او ثابت و پای برجای بمانی و واجبات او را ادا کنی و به قرب خدا برسی؟ مرید در جواب همه سؤالات، جواب منفی می دهد.

آن گاه در پایان فرمود: «اِرْجِعْ فَاِنَّكَ لَمْ تَحُجَّ»

«بازگرد که به حقیقت حج نکردی».[1]

فضیلت حج

برای حج فضیلت و برکات زیادی در احادیث نبوی ذکر گردیده است که قبلاً بیان شده و در این جا یکی از این احادیث را ذکر می کنیم:

«مَنْ حَجَّ لِلّٰهِ فَلَمْ يَرْفَثْ وَ لَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»

«کسی که کعبه را برای رضای خدا زیارت نمود و جماع یا سخن لغو و معاصی از او صادر نشد، در حالی که برمی گردد که، همانند روزی که از مادر متولد شده است گناهی ندارد».

و شکی نیست که این حدیث بزرگترین فضیلت و عالی ترین بشارت برای قاصدین و حجاج بیت الله الحرام است ولی همان طور که در حدیث نبوی به آن اشاره رفته است این فضیلت برای کسانی است که: حَجِّشان خاص برای خدا بوده و

۱- یعنی حج فرض که در ذمه تو بود ادا شد اما به مثل حج محققان و عارفان که به ظاهر و باطن شرع عمل می کنند نشد.

از شروع تا ختم حج از بد زبانی و مردم آزاری دوری نموده و مرتکب افعال خلاف شریعت نشده باشد.

شروط حج

عبارت از آن دسته از اموری که اگر در شخصی باشد حج بر وی فرض می گردد و اگر یکی از آنها تحقق نپذیرفت بر شخص ادای حج لازم نخواهد بود و این شروط عبارتند از:

۱- مسلمان بودن

بر شخص کافر، چه کافر اصلی (که از اصل اسلام نیاورده است مثل یهود و نصاری) باشد و چه کافر عارضی (مرتد) حج فرض نبوده و ادای آن از آنها پذیرفته نیست. اگر غیر مسلمان مثل: یهود، نصاری، هندو، کمونیست، آتش پرست و غیره، حج کرد حَجّشان باطل و مردود است. اگر شخص کافری حج را بجا آورد و سپس رحمت خداوند شامل وی شد و مسلمان گشت اگر شروط حج در وی موجود شد حج را دوباره ادا نماید و اگر مسلمانی بعد از ادای حج مرتد شد و باز مسلمان شد و شروط حج بر وی موجود گردید لازم است که حج را دوباره بجا آورد زیرا مرتد شدنش حج گذشته اش را باطل و حبطه گردانیده است.

۲- بالغ بودن

حج بر طفل نابالغ اگر چه عاقل و ممیز و ثروتمند باشد، فرض نیست.

طفل نابالغ اگر حج کرد حج وی برایش نفل محسوب می گردد. اما هنگامی که بالغ گردید و شرایط حج برای وی موجود گشت، باید حج فرض را دوباره ادا کند. اگر طفلی هنگام احرام بستن بالغ نشده بود اما بعد از احرام بستن بالغ گردید اگر بلوغش پیش از وقوف به عرفه بوده از همان لحظه دوباره نیت کند، حج فرض از او اداء می گردد، در غیر این صورت، حجّش نفل محسوب می شود.

۳- عاقل بودن

حج بر شخص دیوانه، سفیه، ابله که خوب و بد را از هم تشخیص نمی دهد، فرض نیست.

اگر شخص دیوانه حج کرد در صورتی که قابلیت و درک احرام بستن و طواف و وقوف عرفه را داشته باشد اگر چه دیگر مناسک را بطور کامل ادا نکند، حج او مقبول و صحیح است ولی اگر چنین قابلیت و درک را نداشت در ظاهر، حکم به صحت حَجَّش نمی گردد ولی از لطف خداوند مهربان دور نخواهد بود که به فضل خود حج او را قبول کند و او را مورد رحمت خود قرار دهد. اگر دیوانه حج کرد

حجّش نفل ادا می شود و اگر بعداً هوشیار شد و حج بر وی فرض گردید، باید دوباره حج را ادا نماید.

٤- آزاد بودن

کسی که مملوک (غلام) دیگری باشد، حج بر وی فرض نیست. اگر در زمان مملوکیت حج کرد، حجّش نفل ادا می شود و هنگامی که آزاد شد و حج بر وی فرض گردید، دوباره باید حج فرض را ادا نماید.

٥- علم داشتن به فرضیت حج

اگر کسی در مکانی زندگی می کند که اسلام در آنجا منتشر نشده، اگر مسلمان شد و چیزی از احکام اسلام و فرضیت حج را نمی دانست تا زمانی که علم به فرضیت حج نداشته باشد حج بر وی فرض نیست.

٦- توانایی ادای حج

حج بر کسی که توانایی آن را نداشته باشد فرض نیست. استطاعت و توانایی بر دو نوع است: نوعی از آن که بین زن و مرد مشترک است و نوعی دیگر که مختص به زن است.

الف) توانایی مشترک[1] بین زن و مرد

۱ – قدرت بر زاد و راحله که بیشتر از حاجات اصلی خود مال داشته باشد آن طور که مخارج رفت و آمد به مکه برای خودش، و مخارج کسانی که نفقه آنها بر عهده او است را در طول مدت مسافرت داشته باشد و اهل او در این مدت گرفتار تنگدستی نشوند.

۲ – سلامتی بدن.

۳ – امنیت راه .

٤ – امکان رفتن.

ب) توانایی خاص برای زن

۱ – داشتن محرم شرعی.

۲ – نبودن زن در عدّه ، چه عدّه طلاق باشد و یا عدّه وفات شوهر.

چند تذکر

۱ـ در محرم شرط است که عاقل بالغ باشد بناءً دیوانه و طفل نابالغ محرم شرعی شمرده نمی شود.

---

۱ – یعنی چهار شرط مذکور همان طور که برای مرد شرط شده برای زن هم شرط است.

۲ـ زن باید به اضافه از استطاعت داشتن بر مصارف حج خود قادر بر مصارف و تکالیف سفر حج محرم خویش نیز باشد مگر آنکه محرم به رضایت خود متحمل نفقات خویش گردد.

۳ـ اگر محرم شرعی پیدا شد شوهر حق ممانعت زن را از حج فرض ندارد ولی می تواند او را از حج نفل منع نماید.

٤ ـ بر زنی که حج فرض گردیده است واجب نیست که جهت پیدا کردن محرم در راه حج شوهر بگیرد گر چه این کار اولی و مستحب است.

٥ ـ زنی که حج بر وی فرض گردیده و محرم شرعی ندارد که در سفر حج او را همراهی کند از تاخیر حج تا هنگام پیدا شدن محرم گنه کار نمی گردد.

٦ ـ زنی که حج بر وی فرض گردیده و شوهر دارد نمی تواند شوهر خود را مجبور کند تا از حیث محرمیت با او به حج برود گر چه برای شوهر مستحب است تا به این کار اقدام نماید.

۷ ـ اگر زن بدون محرم و یا بدون اذن و اجازه شوهر و یا در ایام عده حج کرد گر چه حجش صحیح است ولی مرتکب معصیت گردیده و گنه کار است.

بنابراین هر مسلمانی که حج بر او فرض شد، در ادای آن تأخیر نکند و کوشش نماید که در اولین فرصت حج را به جای آورد، اگر عمداً در ادای این فریضه تأخیر

کند گنه کار می شود و خوف کافر شدن نیز هست بنا بر آیه: ﴿وَ مَنْ کَفَرَ﴾ که به جای «مَنْ لَّمْ یَحُجَّ» آمده است و حدیث: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَحُجَّ فَلْیَمُتْ اِنْ شَاءَ یَهُوْدِیًّا اَوْ نَصْرَانِیًّا».

«کسی که بمیرد در حالی که حج بجا نیاورده (در صورت فرض شدن بر او) فرقی نمی کند اگر می خواهد یهودی بمیرد، بمیرد و اگر می خواهد نصرانی بمیرد، بمیرد».

فرایض حج

۱- احرام بستن.

۲- وقوف (ایستادن) به عرفه.

۳- طواف زیارت.

واجبات حج

۱- احرام از میقات.

۲- همزمان بودن تلبیه با احرام.

۳– تلبیه[1] .

٤– قرار دادن خانه به طرف چپ.

٥– شروع طواف از حجر الاسود.

٦– پیاده طواف کردن در صورت نداشتن عذر.

۷– طهارت از بی وضویی.

۸– بودن طواف از پشت حطیم.

۹– پوشیدن عورت.

۱۰– دو رکعت نماز طواف.

۱۱– سعی بین صفا و مروه.

۱۲– واقع شدن سعی بعد از طواف.

۱۳– نیت سعی.

١٤– شروع سعی از صفا و ختم به مروه.

۱٥– پیاده سعی کردن .

١٦– هفت شوط (دور) بودن سعی.

۱– لَبَّیکَ اللّٰهُمَّ لَبَّیکَ، لَبَّیکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیکَ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ، لَا شَرِیکَ لَکَ.

۱۷– تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر.

۱۸– وقوف مزدلفه.

۱۹– جمع نماز مغرب و عشاء در مزدلفه.

۲۰– رمی جمره .

۲۱– طواف صدر(وداع) برای غیر اهل حرم.

۲۲– ترتیب بین رمی (ریگ زدن) ، ذبح[۱] و حلق[۲].

۲۳– هدی شکرانه برای قارن و متمتع.

۲٤– بودن طواف افاضه[۳] در ایام عید.

۲۵– واقع شدن ذبح در ایام نحر.

۲٦– واقع شدن ذبح در زمین حرم.

سنتهای حج

۱– طواف قدوم[۴] بر کسی که خارج مواقیت به نیت حج مفرد و یا حج قران به مکهٔ مکرمه آمده است.

۱– قربانی کردن . ۲– تراشیدن.

۳– طواف فرضی و طواف زیارت هم می گویند که بدون آن طواف، حج صحت پیدا نمی کند.

٤– هنگام ورود به مکه معظمه حجاج اولین طوافی را که می کنند آن را طواف قدوم و طواف تحیه می گویند.

۲– رفتن از مکه مکرمه به منی در روز هشتم ذی الحجه.

۳– گذراندن در منی در شب عرفه(مبیت).

٤– حرکت از منی به سوی عرفات بعد از طلوع آفتاب در روز نهم ذی الحجه.

٥– غسل کردن ـ در صورتی که میسر باشد ـ جهت وقوف به عرفه.

٦– شب گذراندن در مزدلفه.

۷– حرکت از مزدلفه به سوی منی قبل از طلوع آفتاب در روز دهم ذی الحجه.

۸– مبیت به منی در شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجه و هم چنین شب سیزدهم بر کسی که تا غروب آفتاب روز دوازدهم از منی خارج نشده باشد.

۹– استراحت کردن ـ برای چند لحظه ـ به هنگام ترک منی و آمدن به سوی مکه مکرمه بعد از ایام منی.

مستحبات حج

۱– بلند گفتن تلبیه برای مردها و آهسته گفتن آن برای زنها.

۲– غسل کردن جهت دخول به مکه مکرمه.

۳– وقوف به عرفه به نزدیک جبل الرحمه.

٤– بسیار تلبیه گفتن.

۵- دعا و استغفار زیاد به هنگام وقوف به عرفه.

٦- جمع بین نماز ظهر و عصر در عرفات.

۷- وقوف به عرفه به نزدیک امام مسلمین و یا پشت سر آن، البته در صورت موجود بودن امام در عرفات .

۸- وقوف در خود بلندی مشعرالحرام[۱] بعد از صبح روز دهم و باید دانست که اصل وقوف در جایی از مزدلفه واجب و این که این وقوف در خود مشعرالحرام باشد مستحب است.

۹- ادای نماز صبح در مزدلفه در تاریکی به طوری که بین طلوع صبح و ادای نماز فاصله چندانی نباشد.

۱۰- انجام دادن طواف زیارت در روز دهم ذی الحجه.

مکروهات حج

۱- تأخیر در وقوف به عرفه بعد از ادای نماز ظهر و عصر بدون عذر.

۲- جمره زدن با ریگی که یک بار با آن جمره زده شده باشد و بعضی از علما بر آنند که جمره زدن با چنین ریگی اصلاً جواز ندارد.

۱- نام مسجد مزد لفه است و جبل قزح نیز می گویند.

۳– جمره زدن با سنگ پارچه و یا ریگی بزرگتر از اندازه معمولی.

٤– نتراشیدن و یا کوتاه نکردن همه موی سر هنگام خارج گردیدن از احرام.

٥– مبیت در خارج از منی در شب نهم، یازدهم و دوازدهم ذی الحجه.

٦– ترک سنتی از سنتها.

مفسدات حج:

حج با ترک کردن وقوف به عرفه فاسد می شود و همچنین با ترک کردن رکنی از ارکان و جماع کردن (قبل از وقوف) فاسد می شود به اتفاق مذاهب.

انواع حج

حج بر سه قسم است:

مفرد

مفرد به معنی تنها است و این که فقط به نیت حج احرام بندد..

قران

به معنی اتصال و پیوست است؛ این که به نیت حج و عمره احرام بندد و به مکه

رفته و اعمال حج و عمره را تا آخر انجام دهد و (مانند متمتع) خود را حلال نسازد.

تمتّع

به معنای استفاده کردن و فایده گرفتن است و این که اول در ماههای حج، عمره ادا کند، بعد خود را حلال سازد و قبل از این که به وطن برگردد در همان سال برای حج احرام بسته و حج را ادا کند. اگر کسی در جایی سکونت دارد و بعد از ادای عمره از مکه و میقات خارج گردیده و هنوز به وطن نرسیده برگشته و در همان سال حج کرد بنا به قول ارجح در مذهب حنفی متمتع است. از این سه نوع به هر نحوی که حج کند فرض از ذمّه او ساقط می شود اما قران افضل است؛ سپس تمتع و بعد از آن مفرد.

بیان حج قران[1]

طریقه ی حج قران این است که در ماههای حج (شوال، ذیقعده و دهه ی اول ذی الحجه) احرام ببندد و دو رکعت نماز احرام بخواند و این چنین نیت کند:

«اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ فَیَسِّرْهُمَا لِیْ وَ تَقَبَّلْهُمَا مِنِّیْ»

۱– احرام حج و عمره را با هم بستن اول عمره و بعد از آن حج را ادا کردن.

«پروردگارا من اراده ی حج و عمره را کردم پس آن دو را برای من آسان فرما و از من قبول کن».

سپس تلبیه حج و عمره بگوید اگر قبل از ماههای حج احرام ببندد قران از او قبول می شود با کراهت تحریمی. قارن (کسی که حج قران بجا می آورد) اول طواف عمره را با سعی بجا بیاورد و در حالت طواف رمل (پهلوانی) و اضطباع (یعنی لباس احرام را طوری بپوشد که شانه ی راست برهنه و شانۀ چپ پوشیده باشد) هم بکند بعد از اتمام عمره سر خود را نتراشد اگر اشتباهاً تراشید، حلال[1] نمی شود بلکه بر او دو دم واجب می شود، قارن همین که از سعی عمره فارغ شد، دوباره برای حج با رمل و اضطباع طواف کند و سعی بین صفا و مروه را انجام دهد که این طواف را طواف قدوم می نامند.

برای قارن افضل این است که در همین طواف سعی نیز بکند ولی برای مفرد افضل نیست. قارن باید اول طواف عمره کند این برای او واجب است. اگر اول نیت طواف قدوم کرده بود، باز هم طواف عمره حساب می شود نه طواف قدوم. نزد احناف حج قران از حج تمتع و مفرد افضل است و برای اهل مکه و کسانی که

۱- یعنی: از احرام بیرون نمی شود و محروم محسوب می گردد. اما چون مرتکب تقصیر و جنایات شده دو دم بر او واجب می شود که هر دم ذبح یک حیوان است.

داخل میقات ساکن هستند و برای کسانی که قبل از ماههای حج مقیم مکه شده اند، قران جایز نیست.

دم قران

در دهم ذی الحجه وقتی که حاجی قارن از جمره های سه گانه فارغ شد، بر وی ذبح واجب است و این دم را دم قران و دم شکر می نامند. برای این دم یک گوسفند یا یک هفتم گاو یا شتر با شرایطی که در قربانی وجود دارد، جایز است. اگر گاو یا شتر ذبح شود لازم است که همه ی شُرکا نیت قربت داشته باشند. اگر یکی از شرکا نیت تقرّب نداشته باشد، از بقیه هم قربانی قبول نمی شود[1] در موقع دادن این دم باید نیت دم قران بکنند تا از دم جنایت و نفل و قربانی فرق شود. ذبح بدون نیت نکند و خوردن گوشت این مذبوحه برای صاحب آن جایز است اما بهتر است به طریقه ی قربانی سه قسمت کند یک قسمت را صدقه کند و یک قسمت را به دوستان خود بدهد و قسمت آخر را خودش مصرف نماید که این روش مستحب است.

برای قارن رعایت ترتیب در این سه چیز واجب است: اول رمی کند، بعد از آن ذبح کند و بعد از این دو، حلق نماید. در طواف زیارت سنت این است که بعد از

۱– این شرایط در بحث قربانی مطرح شده و می توان به آن مراجعه کرد.

رمی، حلق و ذبح باشد اگر قبل از آنها هم بود جایز است. برای مفرد ترتیب در رمی و حلق واجب است ولی دم شکر برای او مستحب است.

چه چیز جایگزین دم می شود؟

چنانچه قارن، مالی را که بر توشه سفر و مصرف بازگشت زیاده نداشته باشد و در این حال توان خریدن حیوان را ندارد و حیوانی نیز از قبل در اختیارش نیست، این شخص به جای دم باید ده روز روزه بگیرد. سه روز را باید قبل از دهم ذی الحجه روزه بگیرد و بقیه را بعد از ایام نحر. بهتر است که سه روز اول در روزهای هفتم و هشتم و نهم باشد و اگر می ترسید به سبب روزه، وقوف در عرفه را نتواند به خوبی انجام دهد از روز ششم تا هشتم روزه بگیرد. این روزها را بهتر است پی در پی روزه بگیرد ولی اگر متفرق گرفت، باز هم جایز است. هفت روز دیگر را بعد از ایام تشریق روزه بگیرد خواه در مکه خواه در جای دیگر و هر جا برای او آسان تر است روزه بگیرد. در این هفت روز هم پی در پی گرفتن روزه افضل است از متفرق گرفتن. ولی متفرق روزه گرفتن هم جایز است. اگر سه روز قبل از دهم را نتوانست روزه بگیرد بر او دم واجب می شود. در چنین وضعی اگر قدرت مالی نداشت، بعد از رمی حلق نموده، خود را حلال سازد ولی بر او دو دم واجب می شود:

یکی دم شکر و دیگری دم حلال شدن پیش از ذبح. اگر کسی سه روز قبل از دهم را روزه گرفت و در ایام نحر پیش از حلق قادر بر ادای دم شد بر او ذبح کردن واجب است، روزه پذیرفته نمی شود. اگر بعد از ایام نحر قدرت مالی پیدا کرد، بر وی گرفتن همان هفت روز روزه واجب است.

تذکر

اگر شخصی فقط نیت احرام عمره کرد و هنوز از طواف عمره چهار شوط[1] ادا نکرده بود، احرام حج را هم بست در این صورت قران درست است اگر از طواف عمره چهار شوط انجام داده بود احرام حج بست در این صورت قران نمی شود. اگر اول احرام حج بست و پیش از طواف قدوم احرام عمره هم بست، در این صورت هم قران می شود اگر چه این گونه عمل کردن شایسته نیست.

بیان حج تمتع

برای اهل مکه و ساکنان میقات و کسانی که پیش از ماههای حج وارد مکه شده اند و مقیم شده اند تمتع جایـز نیست و برای غیـر این اشخاص مذکـوره تمتع

۱- دور زدن اطراف کعبه را شوط گویند.

جایز است در نزد احناف تمتع از مفرد افضل تر است.

انواع حج تمتع

۱– تمتعی که بعد از ادای عمره حاجی حلال می شود و دوباره برای حج احرام می بندد.

۲– تمتعی که سوق الهدی دارد این شخص نمی تواند بعد از ادای عمره حلال شود و بقیه احکام آن خصوصاً در جنایات مثل قارن است.

تذکر

متمتعی که بعد از بستن احرام هدی آورده باشد و قارن و همچنین متمتعی که هدی نیاورده اما بعد از انجام عمره حلال نشده باشد و احرام حج بسته باشد این هر سه نوع داخل دو احرام هستند اگر از اینها یکی مرتکب جنایت شود باید دو برابر مفرد جزا بدهد. زیرا که مفرد در یک احرام است و اینها در دو احرام هستند. متمتعی که هدی نیاورد و بعد از ادای عمره حلال شود، اگر جنایت کند مثل مفرد یک جزا می دهد.

شروط حج تمتع

۱- واقع شدن عمره در ماههای حج، به این معنی که طواف عمره در ماههای حج که از اول شوال الی دهم ذی الحجه می باشد، واقع گردد. بنابراین اگر کسی پیش از داخل شدن ماههای حج، عمره نموده و سپس در مکه باقی بماند و حج نماید حجّش تمتع نمی شود ولی اگر این شخص از مکه خارج گردیده و در ماههای حج از میقات احرام بسته و دوباره عمره نماید، می تواند متمتع شود.

۲- باز نگشتن به مقام و مسکن، یعنی بعد از ادای عمره نباید به وطن و مسکن خود برگردد و اگر برگشت و لو آنکه عمره اش در ماههای حج همان سال واقع شده باشد و سپس در همان سال حج نماید، حجّش تمتع نیست.

۳- واقع شدن عمره و حج در یک سال. اگر کسی در ماههای حج امسال فقط عمره نمود، سپس در مکه مکرمه باقی ماند و سال آینده حج نمود، حجّش تمتع نیست.

٤- عدم سکنی گزینی در مکه مکرمه. اگر کسی قصد کرد که بعد از ادای عمره برای همیشه در مکه مکرمه سکنی گزیند و در این نیت خود صادق بود و لو آنکه در همان سال حج کند متمتع شمرده نمی شود، ولی اگر نیت اقامت موقت، مثلاً

یکسال، دو سال یا بیشتر از آن را نموده و در همان سال حج کرد، متمتع شمرده شده و هدی تمتع (دم) بر وی لازم می گردد.

۵- مکی و میقاتی نبودن، بنابراین برای مکی چه ساکن اصلی باشد و چه ساکن موقت و برای کسی که سکونتش داخل میقات است، حج تمتعی نیست.

طریق ادای تمتع این است که اول احرام عمره ببندد، بعد از طواف و سعی، حلق نموده حلال شود؛ متوجه باشد که عمره در ماههای حج ادا شود بعد از حلال شدن غیر از وطن هر جا که می خواهد سکونت کند بعد از آن از میقات احرام حج ببندد اگر مقیم مکه بود از مکه احرام حج بسته به منا برود بستن احرام حج پیش از روز هشتم افضل است بعد از آن همانطور که در بحث مفرد بیان شد عیناً همانطور اعمال حج را ادا کند برای متمتع دم شکر مثل قارن واجب است اگر استطاعت مالی نداشت، ده روز به همان ترتیب که در باب قران ذکر شد، روزه بگیرد.

شروط هدی

در هدی دو چیز شرط است :

۱- سن کامل: عبارت از آن است که حیوان مورد نظر به سن معینی که شریعت تعیین نموده است ، رسیده باشد. این سن:

در شتر: کامل کردن پنج سال.

در گاو: کامل کردن دو سال.

در گوسفند: کامل کردن یک سال، ولی گوسفند اگر چاق و تنومند باشد در صورت کامل کردن شش ماه، نیز جواز دارد.

۲- خلقت کامل: عبارت از آن است که حیوان تام الخلقت بوده و معیوب به عیبی که سبب نقصان گوشت و یا قیمت آن و یا بدی شکل آن می گردد، نباشد.

بناءً هدی حیوان مریض، لنگ، کور، استخوان شکسته و حیوانی که بریدگی گوش، دنُب و یا دُنبه اش بیشتر از ثلث باشد، جواز ندارد؛ ولی اگر کمتر از ثلث باشد، اشکالی نخواهد داشت.

بیان هدی[۱] در تمتع

اگر متمتع همراه خود حیوانی آورده بود که در اصطلاح آن را هدی می نامند و برای متمتع آوردن آن افضل است بهتر این است که اول احرام عمره ببندد سپس هدی را پیش براند و با خود به مکه ببرد. اگر هدی بُدنه بود که در اصطلاح بدنه به شتر یا گاو می گویند، در گردنش قلاده بیندازد چیزی مانند ریسمان یا غیر آن یا

۱- هدی، حیوانی را گویند که به منظور ذبح به حرم آورده می شود و شامل حیواناتی مانند گاو، شتر، گوسفند و بز می شود.

قسمتی از پوست بدنش را بشکافد به نحوی که به گوشت آسیب نرسد خونی که از این زخم بیرون می آید و حیوان را رنگین می کند را اشعار می نامند و این عمل مستحب است. متمتعی که هدی همراه دارد بعد از ادای عمره حلق یا قصر نکند یعنی از عمره حلال نشود، برای این شخص احرام عمره تا بعد از اعمال حج باقی می ماند و اگر از او جنایتی سر بزند مثل قارن جزای دو احرام بر او لازم است. بعد از اینکه حج را ادا کرد در روز دهم بعد از رمی و ذبح حلق کند و به این ترتیب از دو احرام خارج شود.

انواع هدی و قربانی

هدی بر چهار نوع است:

۱ – هدی نفلی

آن است که حاجی و یا عمره گذار قربةً الی الله شتر، گاو و یا گوسفندی را ذبح نموده و آنرا صدقه می دهد. در هدی نفلی مستحب آن است که مقداری از گوشت آنرا خود صدقه دهنده خورده و باقیمانده را به فقرا و مساکین صدقه دهد، ولی نباید قسمتی که به فقرا می دهد، از یک سوم کمتر باشد.

۲– هدی شکرانه

این هدی عبارت از ذبح یک گوسفند و یا یک هفتم شتر و یا یک هفتم گاو است که بر حاجی به شکرانه این که در یک سفر توفیق ادای حج و عمره را پیدا کرده است، واجب می گردد.

چند تذکر

۱– هدی شکرانه فقط بر شخصی که حج قران و یا حج تمتع نموده است لازم بوده و از حاجی مفرد ساقط است.

۲– در هدی شکرانه واجب، مانند هدی نفلی جایز است که حاجی مقداری از آن را خود بخورد و بقیه را صدقه نماید.

۳– هدی جنایت

این هدی در مقابل خللی که در حج به سبب ترک واجب و یا ارتکاب محظوری واقع می شود، واجب می گردد.

این هدی، خاص به فقرا و مساکین بوده و نباید خود صدقه دهنده از آن استفاده نموده و یا آنکه چیزی از آن را به اغنیا بدهد.

٤– هدی نذری

هدی نذری هدیی است که در اصل واجب نیست، ولی شخص خودش برای حصول رضای خداوند جل جلاله بر خود لازم می کند تا مثلاً شتر، گاو و یا گوسفندی را در حرم ذبح نموده و صدقه دهد و البته بعد از اینکه برخود نذر کرد بر وی واجب می گردد تا آنچه را که بر خود لازم کرده است، ادا و به نذرش وفا نماید.

از این هدی نباید خود متصدق چیزی خورده و یا استفاده نماید، و اگر خورد، باید قیمت آنچه را که خورده و یا استفاده نموده است، به فقرا دهد.

چند تذکر

۱ـ هدی از هر نوعی که باشد فقط از شتر، گاو، گوسفند و بز، صحت دارد و بس.

۲ـ شتر و گاو، از جانب هفت شخص جواز دارد به چند شرط:

اولاً: گوشت بین هر هفت نفر بطور مساوی تقسیم گردد.

ثانیاً: اینکه همه این هفت نفر قصد تقرب الی الله را داشته و هدف دیگری در میان نباشد، و اگر یکی از آنها قصدش خوردن گوشت و یا فروختن آن و یا چیز دیگری باشد هدی هیچ کدام از هفت نفر صحیح نمی باشد.

۳ ـ گوسفند و بز، فقط از یک نفر جواز دارد.

٤ـ هدی مستقل شتر، بهتر از گاو، و هدی گاو، بهتر از گوسفند، و هدی گوسفند، بهتر از هدی بز است.

٥ ـ هدی گوسفند و بز، بهتر از اشتراک در یک هفتم شتر و یا گاو می باشد.

٦ ـ هدی نر و ماده جواز دارد، ولی اگر حیوان نر باشد بهتر است.

۷ـ در صورت میسر بودن مستحب است که حیوان به رنگ سفید و یا زرد باشد.

۸ ـ مستحب است که در صورت امکان خود شخص هدی را ذبح نماید، و اگر نمی توانست، جایز است که دیگری را وکیل این کار بنماید، و در این صورت هم بهتر آن است که خود شخص نیز هنگام ذبح، حاضر باشد.

۹ ـ وقت ذبح هدی تمتع و قران، از روز اول عید قربان بعد از زدن جمره عقبه تا غروب آفتاب روز سوم عید است.

۱۰ـ هدی نفلی گر چه بهتر است که در ایام عید ذبح گردد، ولی اگر قبل و یا بعد از آن هم صورت بگیرد، جواز دارد.

۱۱ـ جای ذبح هدی، حرم است و در خارج از زمین حرم جایز نیست، ولی بعد از ذبح، جایز است که گوشت آنرا به خارج از حرم انتقال داده و بین مستحقین توزیع گردد.

۱۲ـ هدی باید ذبح گردد و اگر آنرا زنده به فقیری داد، جواز ندارد.

۱۳ـ مزد قصاب و سلاخ[۱] نباید از گوشت و یا پوست هدی واجب ادا گردد و اگر ادا گردید، باید قیمت آن را تصدق نماید.

۱٤ ـ آنچه از احکام و شروط درباره هدی ذکر گردید، در مورد قربانی نیز معتبر بوده و از این ناحیه فرقی بین این دو نمی باشد.

۱۵ ـ قربانی بر شخص حاجی اگر چه غنی و پول دار بوده و یا از اهل مکه و یا مقیم مکه باشد، واجب نیست و البته اگر قربانی کند، برایش ثواب دارد.

---

۱ – کسی که قربانی را پوست می کند.

مقصد سوم

احرام و مواقیت[1]

تعریف احرام

احرام عبارت از داخل شدن در حرمت مخصوصی است که عبارت از حج یا عمره باشد و یا به عبارت دیگر: احرام نیت کردن و آن تلبیه گفتن جهت ادای حج یا عمره است. احرام کردن چیزی در اصطلاح، چون حاجی به نیت حج و عمره با هم یا یکی از آنها تلبیه (لبیک اللهم لبیک الخ) می خواند چند چیز بر وی حرام می گردد، به همین دلیل این را احرام می نامند. ولی بطور مجاز دو چادر مخصوص را که حاجی در وقت مخصوصی می پوشد احرام می گویند، احرام در نزد ما شرط است.

کسی که متوجه بیت الله الحرام شد و اراده حج نمود، و قبل از احرام بیهوش شد، خوابید یا مریض شد باید نیت کرده باشد و رفیقش به جای او تلبیه بگوید و یا

۱– جمع میقات ـ نام محلی است که بر عازمین مکه مکرمه از آنجا احرام بستن واجب است.

رفیقش به جای او نیت کند و بگوید: «خدایا او اراده حج را دارد پس برایش آسان کن و از او قبول فرما» و به جای او تلبیه گوید. اگر او همچنان در بیهوشی و خواب باشد، چنانچه خودش قبلاً امر کرده بود و دیگری به جای او انجام دهد جایز است و شخص بیهوش به نیت و تلبیه محرم می گردد، همچنین کفایت می کند که رفیقش به جای او بگوید، و برای صحت احرام شرط نیست و لازم نیست که او را از پوشیدن لباس دوخته شده باز دارد، و شخص بیهوش طواف داده شود و این در نزد ما جایز است، و نزد احناف به مجرد نیت محرم نمی شود تا این که تلبیه بگوید.

طریقه بستن احرام

وقتی حاجی مفرد خواست احرام ببندد، اولاً وضو بگیرد اگر چه غسل افضل است، مستحب است که قبل از احرام ناخنها را کوتاه کند، موی لب و زیر ناف را دور سازد، موهای سر را شانه کند و یا بتراشد، اگر زوجه اش همراه او بود و عذر نداشت با او مقاربت کند، بعد از وضو و یا غسل لنگ و ازار را ببندد که بلندی آن از ناف تا قوزک پاها باشد و بر بدن چادری بیندازد و اگر لازم بود لنگ را با کمر بند ببندد و در موقع احرام سر و صورت خود را نپوشاند.

در احرام سنت است که لباس دو عدد پارچه سفید نو و یا تمیز باشد، قبل از نیت احرام مستحب است که بدن و لباس احرام خود را معطر سازد.

نماز احرام

وقتی که لباس احرام را به تن پوشید، سنت است که دو رکعت نماز نفل به جای آورد، اگر در رکعت اول بعد از حمد سوره کافرون و در رکعت دوم سوره اخلاص را بخواند، افضل است و سوره های دیگر را خواندن نیز اشکال ندارد.

نیت احرام و تلبیه

وقتی که از نماز فارغ شد این دعا را خوانده و نیت حج و نیت احرام کند، نیت این است:

اَللّٰهُمَّ اِنِّى اُرِيْدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِىْ وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّىْ نَوَيْتُ الْحَجَّ وَ اَحْرَمْتُ بِهِ لِلّٰهِ تَعَالَى.

«پروردگارا! من اراده حج کردم برایم آن را آسان بفرما و از من بپذیر. نیت حج کردم و برای رضای خدای تعالی احرام بستم».

و سپس به نیت حج تلبیه مأثوره را بگوید:

لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْك، لَبَّيْكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ لَبَّيْكَ، اِنَّ الْحَمْدَ وَ النِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيْكَ لَكَ.

تلبیه مأثوره همین است که ذکر شد، در بین آن چیزی اضافه نکند ولی در آخر آن اضافه کردن دعا جایز است.

لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، وَ الْخَيْرُ بِيَدَيْكَ، وَ الرَّغْبَاءُ اِلَيْكَ، وَ الْعَمَلُ لَبَّيْكَ حَقًّا، تَعَبُّدًا وَرِقًّا.

اَللَّهُمَّ اَحْرِمُ لَكَ شَعْرِيْ وَ بَشَرِيْ وَ جَسَدِي وَ جَمِيْعَ جَوَارِحِيْ مِنَ الطِّيْبِ وَ النِّسَاءِ وَ كُلِّ شَيْءٍ حَرَّمْتَهُ عَلَى الْمُحْرِمِ اَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ الْكَرِيْمَ.

گفتن تلبیه به آواز بلند مستحب است ولی زیاد سر و صدا هم شایسته نیست خصوصاً در مساجد که باعث تشویش نمازگزاران می شود و مستحب است که هر بار پی در پی و پشت سرهم سه بار تلبیه بگوید و در آخر درود بخواند؛ اکنون احرام دار گردید.

حاجی تلبیه را ورد خود بسازد خصوصاً بعد از نماز و وقت سوار و پیاده شدن و بالا رفتن از بلندی ها و پایین آمدن در سرازیری و ملاقات اشخاص و اوقات سحر، به آواز بلند بخواند. احرام اولین فرض حج است مانند اینکه تکبیر تحریمه اولین فرض نمازها است و بعد از لبیک ها دعا کند، هر دعایی که می خواهد. و دعای مأثور در این موقع این است:

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ وَ اَعُوْذُبِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ النَّارِ.

«پروردگارا من رضای تو را می خواهم و جنت را و از غضب تو و از آتش دوزخ به تو پناه می برم».

میقات

میقات در لغت حد است و در شریعت مکان و زمان معین برای عبادت مخصوص و در نزد ائمه اربعه واجب است. اگر احرام را به میقات مقدم داشت به اتفاق جایز است. اگر شخصی از یکی از این میقات ها بگذرد بدون احرام در حالی که اراده حج یا عمره را دارد پس اگر قبل از اینکه احرام ببندد به میقات برگردد و تلبیه گوید در این صورت چیزی بر او لازم نیست (به اتفاق) اما اگر بعد از گذشتن از میقات احرام بست و هنوز چیزی از افعال حج را انجام نداده بود و به میقات

برنگشت پس برای حج از حل و برای عمره از حرم محرم شود و دم بر او واجب می شود اگر به میقات برگشت و لبیک گفت دم از او ساقط می شود اما اگر لبیک نگفت دم ساقط نمی گردد. طبق فرموده ابن عباس رضی الله عنه به کسی که بعد از میقات محرم شده بود گفت: که برگرد به میقات و تلبیه بگوی در غیر این صورت حَجِّی برای تو نیست بنابراین تلبیه از میقات واجب است. مواضعی را که بستن احرام برای داخل شدن به زمین حرم لازم است، میقات می نامند.

وقت و مکان احرام

احرام دو میقات دارد:

میقات زمانی

همان اوقاتی است که خداوند متعال در قرآن کریم از آن به ماههای معین یاد کرده و فرموده است:

﴿اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ﴾

«وقت حج ماههای معینی است». اکثر علما برآنند که این اوقات معین، عبارت از: ماه شوال، ذی القعده و ده روز اول ذی الحجه است.

میقات مکانی

میقات مکانی عبارت از اماکنی است که پیامبر اکرمﷺ برای قاصـدین بیـت الله الحرام جهت بستن احرام برای ادای حج یا عمره تعیین نموده اند و شخص عـازم مکۀ مکرمه نباید از آن اماکن بدون احرام بگذرد و این مواقیت عبارت اند از:

۱ – ذوالحلیفه

ذوالحلیفه که فعلاً مشهور به بیر علی است، میقات اهل مدینۀ منوره بوده و به فاصلۀ ۲۰ کیلومتری بطرف جنوب غرب این شهر متبرک قرار دارد.

۲ – جُحْفَه

جُحْفَه و یا رابغ فعلی، میقات اهل شام است، راه سابق بین مدینۀ منوره و مکۀ مکرمه تقریبا از کنار جُحفه می گذشت، ولی از راه فعلی که بنام (طریق الهجره) معروف است به فاصلۀ نسبتاً زیادی دور افتاده و بطرف غرب آن واقع گردیده است.

۳ – قرن المنازل

قرن المنازل میقات اهل نجد بوده و بین طایف و مکۀ مکرمه قرار دارد فاصله اش از طایف حدود ۲۰ کیلومتر و از مکۀ مکرمه حدود ۷۵ کیلومتر است.

٤– ذات عرق

ذات عِرق، میقات اهل عراق و عبارت از کوه کوچکی است که در کنار وادی عقیق و به فاصلهٔ تقریباً ۸۰ کیلومتری مکهٔ مکرمه قرار گرفته است.

٥– یَلَمْلَمْ

میقات اهل یمن بوده و نام کوهی است در جنوب مکهٔ مکرمه به فاصلهٔ تقریباً ۸۰ کیلومتری آن و فعلاً بنام سعدیه مشهور است.

چند تذکر

۱– اگر کسی بدون احرام از این حدود مذکور و یا از برابر آن عبور کند گنهکار می شود.

۲– این مواقیت برای کسانی است که در خارج از محدودهٔ بین میقات و مکه مکرمه سکونت دارند و زندگی می کنند.

۳– کسانی که محل سکونتشان بین میقات و مکهٔ مکرمه است، میقاتشان برای ادای حج و یا عمره، همان جایی است که در آن سکونت دارند، مثلاً کسی که در

جُمُوم سکونت داشته و می خواهد حج و یا عمره کند، میقاتش همان جُمُوم است و لازم نیست که برای ادای حج و یا عمره به میقات آمده و از آنجا احرام ببندند.

٤- ساکن مکهٔ مکرمه ـ چه ساکن اصلی باشد و چه ساکن موقت ـ اگر بخواهد حج کند، میقاتش همان جایی است که در آن سکونت دارد، ولی برای ادای عمره باید به زمین حِل آمده و از آنجا احرام ببندد. نزدیکترین زمین حِل، تنعیم است که در مسیر راه مدینهٔ منوره و به فاصلهٔ تقریباً ۱۰ کیلومتری مکهٔ مکرمه قرار دارد.

٥- اگر کسی از میقات دیگری غیر از میقاتی که برایش تعیین شده است می گذشت، میقاتش همان میقاتی است که به آن رسیده است؛ مثلاً اگر شخصی از اهل مدینهٔ منوره به طایف رفته و فعلاً می خواهد از آنجا حج و یا عمره نماید، میقاتش همان میقات اهل طایف است.

٦- کسی که از میقات عبور نکرده و از جای دیگری داخل محدودهٔ میقات می گردد، باید به مجرد رسیدن به برابری تقریبی میقات احرام ببندد و چه بهتر که این احرام، قبل از برابر میقات باشد.

٧- احرام بستن پیش از رسیدن به میقات، جواز داشته و حتی برای کسی که بر خود اعتماد اجتناب از محرمات احرام را دارد، بهتر از احرام بستن از میقات است و گرچه در بعضی مذاهب، بهتر بلکه سنت آنست که احرام از خود میقات بسته شود.

۸– کسی که در خارج از مواقیت سکونت داشته و می خواهد برای انجام کاری غیر از حج و یا عمره داخل مکهٔ مکرمه شود، در مذهب احناف لازم است که احرام بسته و یکی از مناسک یعنی حج یا عمره را انجام دهد، و لو آنکه در اصل چنین نیتی را هم نداشته باشد، ولی در اکثرمذاهب دیگر برای چنین کسی احرام بستن لازم و ضروری نیست.

۹– کسی که در داخل محدودهٔ مواقیت ساکن بوده و از محل سکونت خود برای انجام کاری، غیر از انجام حج و یا عمره، داخل مکهٔ مکرمه می گردد احرام بستن و انجام دادن حج و یا عمره بر وی لازم نیست.

۱۰– ساکن مکهٔ مکرمه ـ چه ساکن دایمی و چه ساکن موقت ـ اگر جهت انجام کاری از زمین حرم بیرون گردیده، ولی از میقات نگذشته در برگشت به مکهٔ مکرمه، احرام بستن و انجام دادن حج و یا عمره بر وی لازم نیست.

مثلاً کسی که برای انجام کاری از مکهٔ مکرمه به جده می رود، هنگام باز گشت به مکهٔ مکرمه، احرام بستن و انجام عمره بروی لازم نیست، ولی اگر از یکی از میقات ها گذشت، در وقت بازگشت به مکهٔ مکرمه، احرام بستن و انجام دادن عمره و یا حج بر وی لازم می گردد.

۱۱– کسی که در خارج از مواقیت، مثلاً در مدینۀ منوره سکونت داشته و برای انجام کاری داخل منطقۀ از میقات، مثلاً داخل جده می گردد، احرام بستن بر وی لازم نیست و چون در ین حالت در حکم میقاتی است، می تواند بدون احرام و بدون انجام حج و یا عمره داخل مکۀ مکرمه گردد، ولی اگر نیت حج و یا عمره را نمود، باید برای داخل شدن به مکۀ مکرمه از همان جایی که قرار دارد، احرام ببندد.

۱۲– اگر آفاقی یعنی کسی که در خارج از مواقیت سکونت دارد، بدون احرام داخل مکۀ مکرمه گردید، بر وی دم لازم می گردد، ولی اگر به یکی از میقاتها ـ گرچه نزدیکترین میقات به حرم باشد ـ برگشته و از آنجا احرام ببندد، دم از وی ساقط می گردد.

۱۳– در لزوم دم به سبب تجاوز از میقات بدون احرام، قصد و عزم شرط نیست، بناءً اگر کسی روی اشتباه و یا ضرورت، از میقات بدون احرام می گذرد، یا باید رفته و از یکی از میقاتها احرام ببندد و یا آنکه بر وی دم لازم می گردد.

میقات کسانی که در عین میقات یا بین حرم و میقات ساکن اند

کسانی که اهل میقات اند و یا بین میقات و حرم ساکن هستند اگر ارادۀ حج یا عمره نداشته باشند بدون احرام می توانند داخل مکه شوند. لیکن اگر کسی نیت

حج یا عمره دارد بدون احرام داخل مکه رفتن حرام است. پس باید احرام بسته و رهسپار زیارت شود.

میقات کسانی که در مکه و یا زمین حرم ساکن اند

کسی که در شهر مکه یا داخل زمین حرم سکونت دارد اگر می خواهد حج کند مستحب است که از مسجدالحرام، احرام ببندد و اگر این افراد بخواهند عمره به جای آورند باید از محدودهٔ حرم[1] بیرون رفته احرام ببندند و سپس داخل حرم شوند.

کیفیت احرام

کسی که عزم حج یا عمره را دارد باید احرام ببندد و در احرام امور پنج گانه زیر به ترتیب انجام می گیرد:

۱ – نظافت و طهارت

نظافت همیشه در اسلام سفارش شده است و در احرام نیز از جمله کارهای سنت و یا مستحب بوده و به شرح اعمال زیر محقق می گردد:

---

۱ – محدوده حرم چهار طرف مکه است از طرف مشرق، شش میل و از طرف مغرب، دوازده میل و به قولی سه میل و این صحیح تر است و از جانب شمال، هجده میل و از جانب جنوب، بیست و چهار میل و بر حدود حرم، نشانه هایی هم نصب شده است که در این حدود شکار کردن، بریدن درخت و چرانیدن گیاه حرام است.

۱– کوتاه کردن ناخن دست و پا.

۲– تراشیدن و یا کوتاه نمودن موی لب (سبیل یا بروت).

۳– دور کردن و از بین بردن موی بغل و زیر ناف.

٤– شستن سر و بدن.

٥– غسل نمودن و یا حداقل وضو گرفتن.

٦– شانه زدن سر و ریش.

۷– استعمال کمی خوشبویی.

تذکر

۱– اگر چه که غسل برای احرام بهتر است ولی برای ادای این سنت وضو هم کافی است.

۲– چون برای احرام غسل کردن به منظور نظافت تأکید شده است پس زنها حتی در ایام بیماری ماهیانه و یا مریضی ایام زایمان از این امر مستثنی نخواهند بود.

۳– اگر کسی نتوانست برای غسل یا وضو آب فراهم کند همان طور احرام ببندد و تیمم لازم نیست ولی برای ادای دو رکعت نماز احرام مانند هر نماز دیگر باید تیمم کند.

٤– اگر کسی با وجودِ بودن آب، بدون غسل و یا وضو احرام بست احرامش با کراهیت جواز داشته و بر وی چیزی از دم و صدقه لازم نمی گردد.

٥– خوشبویی را که قبل از احرام بستن استعمال می کند بهتر است از نوعی باشد که رنگ و اثر آن برای مدت زیادی نماند و همچنین استعمال خوشبویی فقط بر بدن بوده و از استعمال آن بر لباس احرام خودداری شود.

۲– پوشیدن لباس احرام

بعد از حصول نظافت و طهارت لباسهای معمول را بیرون کرده و لباس احرام را که عبارت از ازار و رداء است، بپوشد.

تذکر

۱– ازار باید عورت را که از زیر ناف تا زیر زانو است بپوشاند (برای مرد).

۲– مستحب است که لباس احرام دارای رنگ سفید، جدید و یا شسته شده و دور از تفاخر و زینت باشد.

۳– در وقت پوشیدن لباس احرام نباید شانه اش را بیرون کند؛ زیرا محل این عمل، هنگام طواف قدوم است.

٤– اگر برای احرام بستن فقط یک قطعه لباس پوشید به شرطی که عورت او را بپوشاند با کراهت جواز دارد.

٥– محرم می تواند برای رفع سردی و گرمی از دو جامه استفاده کند.

٦– رنگ سفید در لباس احرام مستحب است و باقی رنگها جایز است.

٧– احرام زن لباسهای عادی اوست و نیز بکوشد که لباس وی دور از مظاهر زینت و فتنه باشد.

٨– زن هنگام احرام نباید صورت خود را بپوشاند اما کوشش کند هر چه بیشتر خود را از نگاه نامحرم دور نگه دارد.

۳– ادای دو رکعت نماز

بعد از پوشیدن لباس احرام به نیت سنت احرام دو رکعت نماز بخواند.

تذکر

۱ـ اگر به میقات مسجدی بود مستحب است که نماز احرام را در آن مسجد بخواند.

۲ ـ دو رکعت نماز احرام سنت و ترک آن مکروه است و در صورت ترک، دم یا صدقه لازم نمی گردد.

۳ـ مستحب است در رکعت اول نماز احرام، سوره کافرون و در رکعت دوم، سوره توحید را بخواند.

٤ ـ ادای این دو رکعت نماز در اوقات ذیل ساقط گردیده و قضایی هم ندارد:

الف ـ بعد از نماز فجر تا بر آمدن آفتاب.

ب ـ بعد از نماز عصر تا غروب آفتاب.

ج ـ هنگام طلوع، زوال و غروب آفتاب.

٤– نیت کردن

بعد از ادای دو رکعت نماز همان طور که نشسته و رو به قبله است نیت احرام کند و تلبیه هم بگوید و بعد از گفتن تلبیه محرم شده و داخل عبادت حج و یا عمره و یا هر دو ـ مطابق با نیت شخص ـ می شود.

کیفیت نیت حج و عمره

۱ ـ اگر نیت حج مفرد را داشت بگوید:

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ فَیَسِّرْهُ لِیْ وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّیْ.

و یا به فارسی بگوید:

«خدایا! نیت حج کردم. پس آن را بر من آسان کرده و قبول درگاه خود بگردان».

۲ـ اگر نیت عمره و حج را با هم داشت که حج قران گفته می شود چنین بگوید:

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ فَیَسِّرْهُمَا لِیْ وَ تَقَبَّلْهُمَا مِنِّیْ.

«پروردگارا! من اراده ی حج و عمره را کردم. پس هر دوی آن را بر من آسان فرما و از من قبول کن».

۳ـ اگر نیت عمره را تنها داشت و بعد از آن حج می کرد، حاجی متمتع گفته می شود.

و در تمتع هنگام احرام اول چنین بگوید:

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدَ الْعُمْرَةَ فَیَسِّرْهَا لِیْ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّیْ.

«بار خدایا! عمره را اراده کردم. پس آنرا بر من آسان بفرما و از من بپذیر».

نیت به زبان عربی و ترجمه آن نوشته شد، اما اگر برای شخصی زبان عربی مشکل باشد می تواند به زبان خود و هر زبانی که باشد نیت کند.

حاجی متمتع هنگام احرام دوم بگوید:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ الْحَجَّ فَیَسِّرْهُ لِیْ وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّیْ.

«معبودا! اراده حج نمودم آن را بر من آسان کن و از من قبول فرما».

تذکر

۱ ـ نیت باید قلبی باشد و مستحب است که آنرا با زبان نیز ادا نماید.

۲ ـ اگر کسی نیت خود را بین حج و عمره تعیین نکرده و قبل از اینکه طواف کند به عرفات برود احرامش، احرام حج شمرده می شود.

٤ ـ اگر کسی برای حج نیت کرد ولی نوع آن را از فرض، نذر و یا نفل تعیین نکرد در صورتی که هنوز حج فرض را ادا نکرده باشد این احرامش از حج فرض می باشد.

٥ – تلبیه

شخص محرم باید متصل به نیت، تلبیه گوید؛ زیرا تلبیه جزئی از نیت احرام است. یک بار گفتن آن فرض است و احرام بدون آن صحت پیدا نمی کند.

تذکر

۱ ـ مستحب است که نیت و تلبیه متصل به هم باشند و گفتن آن تا هنگام به راه افتادن و حرکت کردن اگر بسیار به تأخیر نیفتد نیز جایز است.

۲ ـ سنت است که تلبیه در هر حالتی چون نشستن، برخاستن، داخل شدن، سوارشدن، خوابیدن و... تکرار گردد.

۳ ـ هنگام تلبیه گفتن نباید به کسی سلام داد و دیگری هم به او سلام نکند تا مجبور به رد سلامش نشود و اگر کسی او را سلام کرد می تواند جواب سلام او را گفته و یا تا خلاص شدن از تلبیه در جواب دادن تأخیر کند.

٤ ـ در گفتن تلبیه، طهارت شرط نیست؛ می تواند در حالت بی وضویی، جنابت، عادت ماهیانه و مریضی ولادت بگوید.

٥ ـ بهتر است هر کس به تنهایی تلبیه گوید و گفتن آن بطور دسته جمعی و نغمه سرایی اصل شرعی ندارد.

٦ ـ مستحب است تلبیه به آواز بلند گفته شود ولی در جایی که باعث اذیت دیگران گردد، ضروری است که آهسته گفته شود.

۷ ـ بلند گفتن تلبیه خاص برای مردها است و زن تلبیه را آهسته گوید طوری که خودش بشنود ولی در جایی که نامحرم وجود ندارد، بلند گفتن تلبیه برایش جایز است.

۸ ـ گفتن تلبیه از هنگام احرام بستن شروع و تا هنگام شروع به رمی جمره عقبه

در روز اول عید قربان ادامه دارد. شخص محرم در مسجد الحرام، منی (در روز هشتم)، عرفات و مزدلفه به تلبیه گفتن ادامه دهد.

۹ ـ در هنگام طواف و سعی نباید تلبیه گفت بلکه باید به دعا و استغفار مشغول گردید.

احکام احرام

احرام دارای احکام مختلفی از قبیل: تحریم، فرض، واجب، سنت و غیره است.

ممنوعات احرام

۱ ـ جماع و مقدمات آن مانند بوسه و بغل گیری.

۲ ـ جنگ و دعوا.

۳ ـ شکار حیوانات غیر دریایی.

٤ ـ اشاره و کمک به شکارچی مثل دادن کارد یا فشنگ.

٥ ـ استعمال مواد خوشبو.

٦ ـ تراشیدن مو و گرفتن ناخن.

۷ ـ پوشیدن سر و صورت.

۸ ـ بوییدن عطریات و میوه های خوشبو.

۹ ـ پوشیدن پیراهن و شلوار، عمامه، کلاه و جوراب.

۱۰ ـ پوشیدن کفشهایی که برآمد گیِ وسط پا را بپوشد.

۱۱ ـ تأخیر احرام از میقات.

۱۲ ـ کشتن حشرات مانند شپش.

۱۳ ـ خضاب یا حنا کردن.

تذکر

ارتکاب هر کدام از این موارد جرم شمرده می شود و به آن جزای معینی تعلق می گیرد که در باب جنایات خواهد آمد.

مباحات احرام

۱ـ با احرام دوش گرفتن و حمام کردن جایز است؛ ولی مستحب است که غسل به نیت دور کردن چرک بدن نباشد، بلکه به نیت پاک شدن از جنابت و دفع گرمی یا مانند آن باشد.

۲ ـ نشستن زیر سایه خیمه، درخت و کجاوه در صورتی که آن اشیا از سر و صورت فاصله داشته باشند، جایز است.

۳ ـ بستن کمربند و اسلحه و دست کردن انگشتر جایز است.

٤ ـ کشیدن دندان، پانسمان زخم و بستن عضو شکسته نیز جایز است.

٥ ـ بستن همیان[1].

٦ ـ مسواک زدن.

۷ ـ نگاه کردن به آینه و سرمه کشیدن.

۸ ـ حجامت کردن و یا رگ زدن.

۹ ـ گرفتن مژه از چشم در صورتی که باعث اذیت محرم شده باشد.

۱۰ـ گرفتن ناخن شکسته شده.

۱۱ـ پوشاندن قسمتی و یا همه اعضای بدن به استثنای سر و صورت.

۱۲ـ حمل طبق و یا طشت بر سر، ولی حمل بار پارچه ای که نرم باشد و قسمت زیادی از سر را می پوشاند جواز ندارد.

۱۳ـ استعمال روغن بی بو و یا مرهم بر زخم و یا ترکید گی دست و پای.

١٤ـ قطع کردن درخت و هر گیاه دیگری در غیر حرم.

۱٥ ـ ازدواج کردن.

---

۱ – همیان کیسه ای است که در آن پول یا اشیاء قیمتی می گذارند.

۱۶ ـ ذبح کردن حیوان اهلی مانند گاو، گوسفند، مرغ و امثال اینها.

۱۷ ـ کشتن جانوران موذی مانند مار، عقرب و امثال اینها.

۱۸ ـ ادب کردن اولاد و خدمتکاران در صورتیکه مستحق تأدیب بوده و محرم مرتکب فحش و بد زبانی نشده باشد.

۱۹ ـ خاراندن سر و بدن به کف انگشتان و کف دست به طور آهسته که سبب کنده شدن موی یا خراشیدن پوست نگردد.

فرق بین زنان و مردان در احرام و اعمال حج

زن در احرام بستن از لحاظ نیت و تلبیه و دیگر افعال حج، مثل مرد است؛ جز اینکه در چند مسئله فرق دارد که عبارتند از:

۱ ـ پوشیدن لباسهای عادی برایش جایز است.

۲ ـ پوشیدن سر برایش جایز است ولی صورتش را نپوشاند.

۳ ـ در اجتماع با صدای بلند تلبیه نگوید.

٤ ـ در طواف مثل مردها رَمل[۱] (پهلوانی) نکند.

۱ – در سه شوط اول پاها را به قوت برداشته هر دو شانه را جنبانیده قدمها را نزدیک به هم برداشته و اندکی تند برود.

۵- برای زن اضطباع[1] نیست.

۶- در موقع ازدحام مردان، استلام حجرالاسود نکند؛ بلکه با اشاره استلام نمایند.

۷- در موقع کثرت مردان، نماز طواف را کنار مقام ابراهیم ادا نکند.

۸- در موقع سعی بین صفا و مروه میان دو میل ندود.

۹- در موقع بیرون شدن از احرام، موی خود را نتراشد؛ ولی از یک چهارم سر به قدر سر انگشتها قصر کند و قصر تمام سر برای آنها مستحب است.

۱۰- اگر به سبب حیض و یا نفاس طواف زیارت را به بعد از ایامِ نحر تأخیر کرد، بر او دم لازم نمی شود.

۱۱- اگر به سبب حیض و یا نفاس طواف وداع از او ترک شد و کاروان از مکه حرکت کرد بر او دم لازم نمی شود.

تذکر

برای زن در حالت حیض و نفاس، بستن احرام جایز است؛ لیکن نماز احرام را نخواند و در این حالات، طواف هم جایز نیست.

۱- چادر احرام را از زیر بغل راست درآورده و بر دوش چپ انداختن.

مقصد چهارم

در بیان طواف[1] و سعی[2] و نسک سه گانه

روش داخل شدن در حرم و شهر مکه

یارب تو خواندی آمدیم دل را ستاندی آمدیم
عشق و ولای[3] کعبه را بر دل نشاندی آمدیم
یا رب ندایت را ز جان لبیک گویان آمدیم
دل را ز هر وابستگی یک‌جا تکاندیم آمدیم

در وقت داخل شدن به حرم مستحب است که پا برهنه، با نهایت وقار و اطمینان، دعا و استغفار گویان وارد شود. برای دخول به مکه غسل کردن سنت است. بعد از داخل شدن به مکه ابتدا اثاث خود را در جای مطمئن بگذارد سپس

۱– اطراف کعبه شریف دور زدن.

۲– در میان صفا و مروه هفت مرتبه به طریق مخصوص رفت و آمد کردن.

۳– محبت.

قبل از هر کاری، باید به مسجد الحرام برود و زمانی که خانه های شهر مکه پدیدار شد این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيْمِ اَللَّهُمَّ اِنَّ هَذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَ الْبَلَدَ بَلَدُكَ وَ الْاَمْنَ اَمْنُكَ وَ الْعَبْدَ عَبْدُكَ جِئْتُكَ مِنْ بِلَادٍ بَعِيْدَةٍ بِذُنُوْبٍ كَثِيْرَةٍ وَ اَعْمَالٍ سَيِّئَةٍ اَسْاَلُكَ مَسْاَلَةَ الْمُضْطَرِّيْنَ اِلَيْكَ الْمُشْفِقِيْنَ مِنْ عَذَابِكَ اَنْ تَسْتَقْبِلَنِىْ بِمَحْضِ عَفْوِكَ وَ اَنْ تُدْخِلَنِى فَسِيْحَ جَنَّتِكَ جَنَّةِ النَّعِيْمِ.

اَللَّهُمَّ اِنَّ هَذَا حَرَمُكَ وَ حَرَمُ رَسُولِكَ فَحَرِّمْ لَحْمِىْ وَ دَمِىْ وَ عَظْمِىْ عَلَى النَّارِ.

«به نام خداوند بخشاینده مهربان، پروردگارا! به درستی که این خانه، خانه تو و این سرزمین، سرزمین تو و محلی است که امنش قرار دادی و این بنده، بنده توست. از سرزمینی دور با گناهان بسیار و کردار بد به درگاه تو آمدم و با درماندگی و بیچارگی و با ترس از عذابت می خواهم که مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهی و در بهشت پر نعمتت داخل کنی. پروردگارا! این مکان، حرم تو و حرم رسولت است؛ پس گوشت و خون و استخوانم را بر آتش حرام گردان».

و مستحب است ورود به شهر مکه در روز و از طرف باب المعلی باشد و بیرون رفتن از باب سفلی و همچنین برای داخل شدن به مکه، غسل سنت است.

هنگام داخل شدن به مکه بگوید:

اَللَّهُمَّ اجْعَلْ لِیْ بِهَا قَرَارًا وَارْزُقْنِیْ فِیْهَا رِزْقًا حَلالًا.

اَللَّهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ وَ اَنَا عَبْدُكَ جِئْتُ لِاُءَدِّیَ فَرْضَكَ وَ اَطْلُبَ رَحْمَتَكَ وَ اَلْتَمِسَ رِضَاكَ مُتَّبِعًا لِاَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَضَائِكَ اَسْاَلُكَ مَسْاَلَةَ الْمُضْطَرِّيْنَ اِلَيْكَ الْمُشْفِقِيْنَ مِنْ عَذَابِكَ اَنْ تَسْتَقْبِلَنِی الْيَوْمَ بِعَفْوِكَ وَ تَحْفَظَنِیْ بِرَحْمَتِكَ وَ تَتَجَاوَزَ عَنِّیْ بِمَغْفِرَتِكَ وَ تُعِيْنَنِیْ عَلَى اَدَاءِ فَرَائِضِكَ.

اَللَّهُمَّ افْتَحْ لِیْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اَدْخِلْنِیْ فِيْهَا وَ اَعِذْنِیْ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ.

«پروردگارا! در این مکان برایم آرامش مقرّر بدار و روزی حلال نصیبم گردان. خدایا! تو پروردگار من و من، بنده تو هستم. برای انجام عملی که تو آن را فرض گرداندی، آمدم و رحمت و رضای تو را خواهانم در حالی که تابع امر تو و راضی به

قضا و قدر تو هستم و با درماندگی و بیچارگی و با ترس از عذابت از تو می خواهم که امروز مرا مورد عفو خویش قرار دهی و با رحمتت مرا حفظ کنی و با مغفرت و بخششت از من درگذری و مرا در انجام این فریضه یاری فرمائی. پروردگارا! درهای رحمتت را به رویم بگشا و مرا به بهشتت داخل کن و از شر شیطان رانده شده پناهم ده».

از وسیله سواری خود پیاده شده و با نظر مطوّف یا سرپرست، اثاثیه خود را جای امنی بگذارد و به هیچ عملی مشغول نشود تا اولین عملش در مکه، طواف خانه باشد. از باب السلام[1] داخل مسجد گردیده، بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ اِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ فَحَيِّنَا رَبَّنَا بِالسَّلَامِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ دَارَكَ دَارَ السَّلَامِ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا ذَاالْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ.

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِيْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ اَدْخِلْنِيْ فِيْهَا بِسْمِ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ الصَّلَوةُ عَلَى رَسُولِ اللهِ ﷺ

۱– دروازه ای از مسجد الحرام مکه است که از این دروازه داخل شدن به مسجد الحرام افضل است.

«پروردگارا! سلام نام توست و سلامتی از جانب توست و سلام به سوی تو بر می گردد؛ پس ما را با سلامتی زنده بدار و به بهشت که سرای سلامتی است داخل کن. تو بلند مرتبه هستی ای صاحب جلال و عظمت. معبودا! درهای رحمت و بخشایشت را برایم باز کن و مرا به آن داخل نما. به نام خداوند یکتایی که ستایش مخصوص اوست و رحمت خدا بر رسول خدا باد».

چون چشمش به بیت شریف افتاد، سه مرتبه «لا اله الا الله» و سه مرتبه «الله اکبر» گفته، بخواند:

لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْبَيْتِ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ ضَيْقِ الصَّدْرِ وَ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ اَسْاَلُهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ.

اَللّٰهُمَّ زِدْ بَيْتَكَ هَذَا تَشْرِيْفًا وَ تَكْرِيْمًا وَ تَعْظِيْمًا وَ مَهَابَةً وَ رِفْعَةً وَ بِرًّا وَ زِدْ يَا رَبِّ مَنْ كَرَّمَهُ وَ شَرَّفَهُ وَ عَظَّمَهُ تَشْرِيْفًا وَ تَكْرِيْمًا وَ تَعْظِيْمًا وَ مَهَابَةً وَ رِفْعَةً وَ بِرًّا.

﴿وَ قُل رَّبِّ أَدۡخِلۡنِی مُدۡخَلَ صِدۡقٍ وَأَخۡرِجۡنِی مُخۡرَجَ صِدۡقٍ وَٱجۡعَل لِّی مِن لَّدُنكَ سُلۡطَـٰنًا نَّصِیرًا وَقُلۡ جَآءَ ٱلۡحَقُّ وَزَهَقَ ٱلۡبَـٰطِلُۚ إِنَّ ٱلۡبَـٰطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴾[1]

«هیچ پروردگاری بجز الله نیست. او یگانه است و شریکی ندارد و ملک و هستی از آن او و حمد و ستایش مخصوص اوست و او بر هر کاری تواناست. پناه می برم به پروردگار کعبه از کفر و فقر و تنگی سینه و عذاب قبر و بهشت را بدون حساب از او می خواهم. درود خداوند بر سیّد و سرورمان حضرت محمدﷺ و بر آل و اصحابش باد. پروردگارا! بر شرافت و کرامت و عظمت و مرتبه و برکت خانه ات بیفزای و شرافت و کرامت و عظمت و مرتبه و خیر و نیکی کسی که آن را گرامی و شریف و عظیم می دارد نیز افزون گردان».

«پروردگارا! داخل کن مرا داخل کردنی پسندیده و بیرون بیاور مرا بیرون آوردن پسندیده و برای من از نزد خود قوّتی یاری دهنده بده و بگو حق آمد و باطل نابود شد. هر آیینه باطل نابود شونده است و از قرآن آنچه شفا و رحمت برای مؤمنین است نازل می کنیم و برای ستمکاران چیزی جز زیان نمی افزاید».

۱- سوره اسراء آیه ۸۲ - ۸۰ جزء ۱۵.

بیان چگونگی طواف

طواف در لغت یعنی گرد چیزی گردیدن و دور زدن است و در اصطلاح به معنی هفت مرتبه دور خانه کعبه گشتن.

بعد از وارد شدن به مسجدالحرام و قبل از انجام هر عملی، شروع به طواف نماید مگر در حالات زیرکه طواف جایز نیست:

۱- در وقت بر پا بودن نماز جماعت.

۲- در صورت قضا شدن نماز وقتی.

۳- در صورت فوت شدن نماز جنازه.

٤- در صورت فوت شدن نماز وتر.

٥- در صورت فوت شدن سنت مؤکده.

در تمامی این حالات، ابتدا باید این اعمال را انجام داده، سپس شروع به طواف نماید. چون روبروی حجرالاسود قرار گیرد، نیت طواف بکند؛ زیرا این نیت فرض است و بدون آن طواف معتبر نیست و اگر جهت یافتن بدهکار خود و یا از خوف ظالمی طواف کرد، طواف او درست نیست؛ چون در این دو صورت، نیت تقرب وجود ندارد. نیت طواف چنین است:

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اُرِیْدُ طَوَافَ بَیْتِكَ الْحَرَامِ سَبْعَةَ اَشْوَاطٍ فَیَسِّرْهَا لِیْ وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّیْ.

«خداوندا! من اراده کردم طواف بیت الحرام تو را هفت چرخ پس آن را برایم آسان فرما و از من قبول کن».

بعد از آن دستها را مانند تکبیر تحریمه در نماز برداشته و این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَکْبَرُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ لِلهِ الْحَمْدُ وَ الصَّلَوةُ وَ السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللهِ .

اَللَّهُمَّ اِیْمَانًا بِكَ وَ وَفَاءً بِعَهْدِكَ وَ اتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ سَلَّمَ.

«شروع می کنم به یاد خدا، خدا بزرگ است و جز او معبودی نیست و او شایسته همه ستایش هاست و درود و سلام بر پیامبر او، خداوندا [طواف می کنم] از روی ایمان به تو و وفا به عهد با تو و به منظور پیروی سنت پیامبر تو حضرت محمد ﷺ».

و در صورت داشتن فرصت کافی این دعا را نیز بخواند:

بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَكْبَرُ اِيْمَانًا بِاللهِ وَ تَصْدِيْقًا بِمَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌﷺ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اللهُ اَكْبَرُ.

اَللَّهُمَّ اِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِیْ وَ فِيْمَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِی فَاقْبِلْ دَعْوَتِیْ وَ اَقِلْنِیْ عَثْرَتِی وَارْحَمْ تَضَرُّعِیْ بِمَغْفِرَتِكَ وَ اَعِذْنِی مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ.

«به نام خدا، خدا بزرگ است. طواف می کنم با ایمان به خدا و با تصدیق به آن چیزی که محمدﷺ آورده است. معبودی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگ است. خدایا! دستم را به سوی تو دراز کردم و در آنچه که نزد توست رغبتم بسیار گشت؛ پس دعایم را قبول کن و از گناهم در گذر و بر زاری من با مغفرتت رحم کن و به من از گمراهی فتنه ها پناه بده».

لازم است که شخص حاجی به قدر امکان بکوشد تا بر دیگر مسلمانان در وقت ادای مناسک حج آزار نرساند؛ چون آزار رساندن بر مسلمان در هر جایی گناه بوده، ولی در حرم، داخل مسجد الحرام، در ماههای حرام و در حال احرام بدون شک گناهش بیشتر است.

ارکان طواف

۱ ـ طواف کردن به همه خانه. بنابراین طواف در داخل خانه و یا به جزء خانه، طواف شمرده نمی شود.

۲ ـ طواف کردن بیشتر از نصف هفت دور. اگر کسی سه دور و یا کمتر انجام داد، طوافش باطل است و اگر چهار دور گردید، طواف گفته می شود و از ترک باقی مانده بر وی دم لازم است.

شرایط طواف

اموری است که از ترک هر یک از آنها، طواف باطل می گردد و به دم جبران نمی شود و بر دو نوع است:

شروط عام که در هر طوافی شرط است.

شروط خاص که در بعضی از طوافها شرط بوده و در بعضی دیگر آنها شرط نیست.

الف) شروط عام عبارتند از:

۱ـ اسلام: شخص طواف کننده باید مسلمان باشد. طواف کافر و مشرک و . . . اصلاً طواف گفته نمی شود.

۲ ـ نیت: شخص طواف کننده باید قصد عبادت و ادای بخشی از مناسک حج و یا عمره را داشته باشد. مثلاً اگر کسی برای یافتن رفیق گمشده خود و یا کاری دیگر به دور خانه بگردد، این چرخیدن طواف شرعی گفته نمی شود.

۳ ـ طواف در داخل مسجد الحرام: پس اگر کسی از بیرون مسجد طواف کرد طوافش جایز نیست. و اگر از پشت بام مسجد طواف کرد و لو که از ارتفاع خانه بلندتر هم باشد جایز بوده و طواف صحیح است.

ب)شروط خاص سه چیز است:

۱ـ واقع شدن طواف در وقت معین آن و این شرط، خاص به طواف زیارت است؛ زیرا ابتدای وقت این طواف، بعد از طلوع فجر روز دهم ذی الحجه است و اگر قبل از آن صورت گرفت صحت پیدا نمی کند.

۲ـ قبلاً به عرفات وقوف کرده باشد. این شرط، خاص برای طواف زیارت است؛ زیرا کسی که به عرفات وقوف نکرد و یا رفتنش به عرفات به نیت ادای حج نبوده باشد، طوافی که بعد از آن انجام می دهد طواف زیارت و یا طواف فرض شمرده نمی شود.

۳ ـ قبلاً احرام بسته باشد. این شرط متعلّق به طواف فرض حج و طواف عمره می باشد.

واجبات طواف

واجبات طواف عبارت از اعمالی است که انجام دادن آنها ضروری است و ترک آنها سبب بطلان طواف نمی شود و به دادن دم جبران می گردد و به شرح ذیل می باشد:

۱ ـ طهارت: یعنی شخص هنگام طواف از جنابت پاک بوده و دارای وضو باشد.

۲ ـ پوشاندن عورت: مرد هنگام طواف، عورت خویش را از ناف تا زیر زانو و زن تمام بدنش را بجز صورت و دست (تا مفصل کف) بپوشاند.

۳ ـ انجام دادن طواف زیارت در ایام نحر[۱]: شخص محرم باید بعد از وقوف به عرفه، طواف زیارت را حداکثر تا آخر ایام نحر که همان ایام عید قربان است، انجام دهد و اگر طواف را بعد از طلوع فجر روز سیزدهم ذی الحجه که روز چهارم عید قربان است انجام داد گر چه در این حالت طوافش صحیح و حَجَّش کامل می گردد ولی به جهت تأخیر طواف از وقت معین آن، بر وی دم لازم می گردد.

---

۱ – ایام نحر سه روز است: دهم، یازدهم و دوازدهم ذی الحجه.

٤ ـ شروع طواف از حجر الاسود: اگر توانست حجر الاسود را بوسیده و «بسم الله الله اکبر» گفته و طواف را شروع کند. اگر نتوانست با کشیدن دست به سنگ اکتفا نماید؛ اگر دست کشیدن ممکن نبود از جای دورتر مقابل آن بایستد و با بلند کردن دستها طوری که کف دست به طرف حجر الاسود باشد تکبیر گفته و شروع به طواف نماید. آنچه از بوسیدن و یا لمس کردن و یا اشاره نمودن به طرف حجرالاسود گفته شد خاص به دور اول نبوده؛ بلکه در هر دوری تکرار می گردد.

٥ ـ طواف نمودن از پشت دیوار حطیم: حطیم دیوار کوتاهی است که در قسمت شمال خانه کعبه قرار دارد و بین آن و خانه مساحت کوچکی است که آن هم در اصل جزئی از خانه است؛ بنابراین شخص طواف کننده باید آن را داخل طواف خود قرار دهد و از پشت حطیم طواف نماید و اگر چنین نکند و از داخل حطیم طواف کرد باید همان طواف را دوباره انجام دهد در غیر این صورت بر وی دم لازم می گردد.

٦ ـ کامل کردن هفت دور: طواف از هر نوعی که باشد ـ طواف حج، عمره، فرضی، نفلی ـ همیشه هفت شوط یعنی هفت بار گردیدن به گرد خانه معظمه است و کسی که هفت شوط را کامل نکند، نسبت به نوع طواف، بر وی جزای معین لازم می گردد.

۷ ـ پیاده طواف کردن: این شرط برای کسی است که قادر به پیاده طواف کردن باشد و اگر قادر نبود به هر طریقی که میسّر است طواف کند و بر وی چیزی لازم نیست و طوافش صحت دارد.

۸ ـ ادای دو رکعت نماز: دو رکعت نماز بعد از پایان طواف می باشد.

۹ ـ طواف کردن از طرف راست خانه: شخص طواف کننده هنگام طواف، خانه مبارک را به طرف چپ خود قرار دهد. اگر کسی از طرف چپ طواف نمود باید که دوباره انجام دهد در غیر این صورت، بر وی دم لازم می شود و طوافش صحت پیدا می کند.

سنتهای طواف

اعمالی است که انجام آنها مطلوب بوده و ثواب فراوان دارد ولی ترک آنها طواف را باطل نکرده و موجب دم و صدقه نمی گردد؛ فقط سبب ملامت و گناه است که عبارتند از:

۱ ـ استلام حجر الاسود طوری که در هر دور سنگ را ببوسد و اگر میسر نشد بر آن دست بکشد و اگر این هم میسر نشد با بلند کردن دستها به روشی که گفته شد اشاره کند.

۲ ـ اضطباع کردن عبارت از بیرون کردن شانه راست از زیر احرام است و کیفیت آن چنین است که یک سر رداء را به شانه چپ خود انداخته و سر دیگر را از زیر بغل راست کشانده و به سر شانه چپ خود بیاندازد.

تذکر

الف ـ وقت اضطباع هنگام شروع کردن به طواف است.

ب ـ اضطباع فقط در طواف سنت است و در سعی بین صفا و مروه وجود ندارد.

ج ـ فقط در طوافی اضطباع است که بعد از آن سعی بین صفا و مروه انجام می گیرد؛ مثل طواف قدوم که می خواهد بعد از آن سعی نماید و طواف عمره و طواف زیارتی که قبل از آن سعی نکرده است و هنوز ملبس به لباس احرام باشد.

د ـ برای مردها اضطباع می باشد ولی برای زن نمی باشد.

۳ـ رَمل در سه شوط اول، عبارت از آن است که شخصی هنگام طواف قدمهایش را نزدیک هم گذاشته و با حرکت دادن شانه ها به سرعتی که از رفتار عادی تیزتر باشد طواف نماید.

رمل برای مردها است و از زنها ساقط است. رمل فقط در سه شوط اول می باشد.

٤ ـ عادی رفتن در چهار شوط آخر.

٥ ـ روی آوردن به حجرالاسود در شروع طواف.

٦ ـ پشت سر هم انجام دادن شوطهای طواف.

٧ ـ پاک بودن جامه و بدن: یعنی جسم و لباس شخص در هنگام طواف کردن پاک و پاکیزه باشد. گرچه بعضی ها پاکی بدن و جامه را از واجبات طواف شمرده اند نه از سنتهای طواف، ولی پاک بودن بدن از نجاستِ حکمی، واجب است.

٨ ـ استلام حجرالاسود در اول و آخر طواف سنت مؤکده است.

مستحبات طواف

اموری است که انجام آنها موجب ثواب می گردد و از ترک آنها چیزی لازم نگشته و شخص طواف کننده گنهکار نمی شود که عبارتند از:

١ ـ طواف کردن از نزدیک خانه.

٢ ـ از سر گرفتن طوافی که قطع می گردد.

٣ ـ ترک گفتگو.

۴ ـ ترک اعمال منافی با خشوع. اعمالی که خشوع و فروتنی را بر هم می زنند ترکش اولی است.

۵ ـ آهسته خواندن ادعیه.

۶ ـ حضور قلب به طوریکه طواف کننده با همه وجودش روحاً و جسماً خود را در مقام راز و نیاز با ذات باری تعالی داند نه آنکه با جسم خویش دور خانه گردیده و با قلب خود مشغول کارهای دنیو ی خود باشد.

۷ ـ نگاه نکردن به اطراف؛ یعنی هنگام طواف مشغول خواندن دعا و استغفار بوده و از نظر کردن به راست و چپ خودداری کند.

۸ ـ استلام رکن یمانی[1]. رکن یمانی رکن مقابل حجرالاسود در عرض خانه مبارکه است و بر این رکن، فقط باید دست کشیده و از بوسیدن آن خودداری نماید.

۹ ـ دعا کردن بعد از دو رکعت نماز طواف.

مباحات طواف

عبارتند از اعمالی که نه عمل کردن به آنها ثواب داشته و نه ترک آنها موجب گناه است که به شرح زیر می باشند:

---

۱ – گوشه جنوب غربی بیت الله را گویند که به جانب یمن است.

۱ ـ سلام کردن و این در صورتی است که طرف مقابل مشغول ذکـر و دعا نباشد و اگـر مشغول بود، سلام دادن بر وی مکروه است.

۲ ـ فتوی دادن: اگر از شخص طواف کننده مسئله ای از مسایل شرعی پرسیده می شود در صورت علم داشتن به سؤال روا است که حکم آن را برای کسی که فتوی خواسته است بیان کند. این[1] در صورتی است که فتوی ندادن شخص طواف کننده سبب تعطیل حکم شرعی و یا ارتکاب ممنوعی از ممنوعات احرام برای شخص فتوی گیرنده نشود و گرنه فتوی دادن لازم بوده و ترک آن موجب گناه خواهد بود.

۳ ـ فتوی خواستن و این در صورتی است که تأخیر در فتوی خواستن، سبب زایل شدن حکم شرعی نگردد و گرنه فتوی خواستن ضروری است.

٤ ـ ترک طواف جهت دفع ضرورت مثل قضای حاجت و یا عمل ضروری دیگر.

٥ ـ آشامیدن آب البته در صورت عطش و تشنگی زیاد.

٦ ـ ترک اوراد و ادعیه.

۷ ـ قرائت قرآن: گر چه طواف در خانه معظمه بهترین وقت دعا و مناجات است با این وجود اگر کسی به جای دعا کردن به تلاوت قرآن مشغول شود، جایز است.

---

۱ – یعنی: در صورتی که در حالت طواف فتوا دادن از جمله مباحات قرار می گیرد.

۸ ـ طواف سواره: طواف باید پیاده انجام شود ولی اگر کسی از پیاده طواف کردن معذور باشد، سواره طواف کردن جایز است.

مکروهات طواف

با ارتکاب مکـروهات طواف، دم یا صـدقه لازم نمی گردد و عبارتند از:

۱ ـ حرف زدن غیر ضروری.

۲ ـ خرید و فروش.

۳ ـ طواف در وقت خطبه جمعه و یا عیدین.

٤ ـ ترک سنتی از سنتهای طواف.

٥ ـ طواف کردن در وقت بر پا بودن نماز جماعت.

٦ ـ طواف در وقت غلبه بول یا غائط.

۷ ـ عجله کردن در انجام طواف.

۸ ـ طواف از طرف شخص دیگری پیش از طواف کردن برای خود؛ یعنی اگر کسی به نیابت از دیگری ـ که از طواف کردن عاجز است ـ طواف می نماید، باید اول طوافی را که بر ذمّه خودش است، انجام دهد سپس از طرف آن شخص طواف نماید؛ و گرنه طوافش مکروه خواهد بود.

محرمات طواف

عبارت از اعمالی است که ارتکاب آنها موجب گناه است ولی طواف را باطل نمی کند و برای جبران آن دم لازم می گردد.

محرمات طواف، ترک هر یک از واجبات آن است.

انواع طواف

۱– طواف قدوم

عبارت است از طوافی که محرم، هنگام رسیدن به مکه مکرمه و مسجد الحرام انجام می دهد.

طواف قدوم سنت و تارک آن مستوجب ملامت بوده و از ترک آن دم و یا صدقه لازم نمی گردد. برای کسانی که در خود مکه سکونت دارند و یا در میقات ساکن اند سنت نیست و هم چنین بر کسی که عمره ادا می کند طواف قدوم لازم نیست. در این موقع حاجی مفرد هر نوع طوافی بکند چه نیت طواف قدوم بکند یا نیت مطلق طواف بکند این طواف، طواف قدوم محسوب می شود و نیت در آن اثر ندارد، اول وقت طواف قدوم، هنگام رسیدن به مکه مکرمه، و آخر وقت آن پیش از

وقوف به عرفات است. بنابراین اگر کسی تا هنگام وقوف به عرفات طواف قدوم را انجام نداده بود این طواف فوت گردیده و قضای آن هم آورده نمی شود.

طواف قدوم از این اشخاص ساقط است

الف ـ کسی که ساکن مکه مکرمه بوده و برای ادای حج از داخل مکه احرام بسته باشد.

ب ـ کسی که خانه اش داخل میقات بوده و برای ادای حج از خانه خود و یا داخل مکه مکرمه احرام بسته باشد.

ج ـ کسی که به نیت عمره احرام بسته باشد، چه بخواهد که بعد از عمره حج کند (متمتع) و یا نکند.

د ـ کسی که طواف قدوم را فراموش کرده است.

هـ ـ کسی که بعد از احرام بستن تا هنگام وقوف به عرفه در حالت بیهوشی است.

و ـ از شخص دیوانه یا از زنی که تا هنگام وقوف به عرفه در حالت عادت ماهیانه یا مریضی ولادت باشد.

۲– طواف افاضه

و این طواف بنام طواف حج، طواف زیارت، طواف فرضی و طواف رکنی نیز یاد می شود و این همان طوافی است که بعد از وقوف به عرفه ادا می گردد. این طواف رکنی از ارکان حج بوده و بدون آن حج صحت پیدا نمی کند.

۳– طواف وداع

طواف وداع طوافی است که بر شخص حاجی هنگام عزم خروج از مکه مکرمه واجب می گردد.

تذکر

الف ـ در طواف وداع اضطباع و رمل نیست. همانگونه که بعد از آن، سعی بین صفا و مروه نمی باشد.

ب ـ مستحب است زنی که در عادت ماهیانه و یا مریضی ولادت از مکه مکرمه خارج می گردد به دروازه مسجد الحرام آمده و در آنجا دعا نموده و وداع کند و چیزی به فقرا صدقه بدهد.

ج ـ اگر کسی طواف وداع را انجام داده و سپس مدتی در مکه مکرمه اقامت کند بر وی واجب نیست که هنگام خارج شدن از مکه مکرمه طواف وداع را دوباره انجام دهد؛ گرچه به جا آوردن دوباره طواف وداع مستحب است.

د ـ طواف وداع هنگام خارج شدن از مکه مکرمه واجب می گردد نه در هنگام به انجام رساندن مراسم مناسک حج؛ بنابراین اگر کسی بعد از ادای حج، سالها در مکه مکرمه زندگی کرد، طواف وداع تا هنگام عزم خروج از مکه مکرمه بر وی واجب نیست.

٤– طواف عمره

طواف عمره بر کسی لازم است که به قصد عمره احرام بسته، وارد مکه مکرمه می گردد.

٥– طواف نذری

طوافی است که در اصل بر شخص واجب نبوده و شخص آنرا بر خود لازم کرده است.

٦- طواف تحية المسجد

این طواف برای کسی که وارد مسجد الحرام می گردد، مستحب است.

۷- طواف نفلی

طوافی است که شخص، بدون سببی از اسباب ذکر شده برای رضای خدا انجام می دهد.

بعد از انجام طواف ـ از هر نوعی که باشد ـ مستحب است تا شخص اگر روزه دار نباشد، از آب زمزم به مقدار کافی نوشیده و برای قضای حاجات مشروع خود، اعم از امور دنیوی و اخروی به دعا و تضرع به درگاه الهی مشغول شود و مستحب است که هنگام آشامیدن، روی خود را به طرف کعبه مشرفه کرده و به سه نفس بیاشامد.

طریقه استلام حجرالاسود

بعد از دعا به سوی حجر الاسود برود و استلام کند. منظور از استلام این است که کف هر دو دست خود را بر روی حجر نهاده و در میان دستها دهان خود را بر حجر بگذارد و به آهستگی ببوسد که صدای بوسیدن بلند نشود. سپس سر خود را بر حجر الاسود بنهد به همین نحو اگر امکان داشت بار دوم و سوم عمل کند.

پوشیده نماند که استلام سنت است پس در زمان خلوت انجام دهد و در زمان ازدحام که موجب آزار دیگران میشود، بوسیدن را ترک کند؛ زیرا ترک آزار واجب است.

استلام در مواقع ازدحام

اگر استلام به روش مذکوره ممکن نبود پس هر دو دست خود را بر حجر بگذارد و اگر آن هم مقدور نبود پس یک دست خود را بگذارد و گذاشتن دست راست اولی است و اگر نهادن یک دست هم مشکل بود پس چوبی یا چیز دیگری به حجرالاسود برساند و همان چیز را ببوسد و اگر این هم امکان نداشت، روبروی حجرالاسود بایستد و هر دو دست خود را تا برابر گوشها طوری بلند کند که کف دستها به طرف حجرالاسود و پشت دستها به سوی چهره اش باشد و در این وقت چنین تصور کند که گویی دستها بر روی حجر الاسود است و بعد از آن طوری که قبلاً ذکر شد تکبیر و تهلیل بگوید و هر دو دست را ببوسد.

شروع طواف

بعد از استلام واجب است که به جانب راست حرکت کند، طوری که بیت شریف به سمت بازوی چپ طواف کننده باشد و همچنین واجب است که حطیم

در طواف شامل شود. اگر از میان حطیم و بیت الله بگذرد، طواف صحیح نمی شود و باید آن را دوباره انجام دهد یا اینکه همان اندازه به دور حطیم طواف کند. در حین طواف هر بار که به رکن یمانی که طرف جنوب غربی کعبه است، برسد او را نیز استلام کند و این هم مستحب است.

حطیم[1]

دیواری است با فاصله اندک از خانه کعبه که در بناهای قبلی جزء خانه بوده و در این بنا ظاهراً جدا می باشد و حجر اسماعیل عليه السلام در آن واقع و میزاب رحمت در آن می ریزد و این قسمت در حقیقت جزء خانه است و طواف کننده باید در هنگام طواف آنرا در بر گیرد و از میان دیوار و خانه گذر نکند.

پیاده طواف کردن بر شخصی که توانایی دارد و نیز کامل کردن هفت دور در طواف واجب و کامل کردن چهار دور، فرض می باشد و شروع کردن از حجر الاسود و قرار دادن خانه به طرف چپ و همچنین پوشیدن عورت در طواف و طواف نمودن از پشت حطیم واجب است.

۱- به جانب شمالی بیت الله متصل به خانه کعبه مقداری زمین به دیوار برابر به قد انسان حصار شده است که آن را حطیم وحجره و خطیره نیز می گویند.

استلام رکن یمانی

استلام رکن یمانی این است که هر دو دست و یا یک دست را بر او بنهد. در استلام رکن یمانی بوسیدن مشروع نیست و در زمان ازدحام اشاره هم نکند. غیر از حجرالاسود و رکن یمانی، استلام دو رکن دیگر مشروع نیست.

شروع طواف از حجرالاسود[1]

شروع طواف از حجرالاسود واجب است. در حین طواف هر بار که به حجرالاسود برسد باید استلام کند به نحوی که قبلاً ذکر شد، دستها را در نوبت اول بلند کند تا برابر گوشها و در نوبت های بعدی دستها را بلند نکند هر بار که از حجرالاسود حرکت می کند و باز به آنجا می رسد یک شوط (چرخ) حساب می شود، اگر کسی بر عکس طواف کند یعنی طوری طواف کند که بازوی راست او به طرف بیت الله باشد یا طواف را به جای حجرالاسود از جای دیگر شروع کرد، باید این طواف خود را تکرار کند و اگر به وطن برگشت و تکرار نکرد، دم واجب می شود نهایتاً اینکه هفت شوط طواف کند بعد از اتمام شوط هفتم برای بار

۱- سنگ سیاه، این سنگ بهشتی است به وقت آوردنش از بهشت مانند شیر سفید بود لیکن گناهان بنی آدم آن را سیاه کرده است، و در گوشه جنوب شرقی بیت الله به اندازه قد یک انسان در دیوار نصب شده و به گرداگرد آن حلقه نقره ای نصب شده است.

هشتم استلام کند[1] و این استلام سنت مؤکده است، در اینجا طواف او تمام می شود؛ بعد از آن به مقام ابراهیمعليه‌السلام برای ادای دو رکعت نماز واجب طواف برود.

توضیح

بعد از اینکه طواف را انجام داد دو رکعت نماز طواف را ادا نماید و مقابل خانه ی معظمه دستها را برای دعا بلند کرده و به حق خود و والدین و عامه مسلمانان و بلاد اسلام خصوصاً وطن خود دعا نماید.

بر پا شدن نماز جماعت در حین طواف

اگر در حال طواف، نماز جماعت شروع شد و طواف کننده با اتمام طواف به نماز می رسید آن را تمام کند و در غیر این صورت در جماعت شریک شود و بعد از نماز از همان محلی که طواف را رها کرده بود، دوباره طواف را شروع کند و به اتمام برساند. و در صورت بی وضو شدن و حاضر شدن نماز جنازه نیز همین حکم است. به یاد داشته باشد اگر چهار چرخ زده بود، طواف را کامل کند در غیر

۱- یعنی طواف را ختم کند به استلام حجرالاسود.

اینصورت از نو شروع کردن طواف افضل است، بی جهت ترک طواف و ترک سعی مکروه است.

لازم به ذکر است که برای هر چرخ از طواف، دعاهای مأثوره ای توصیه شده است که در ذیل آورده می شود. در صورت امکان بخواند و در غیر این صورت کلمهٔ توحید و تمجید را ورد خود سازد.

ادعیه مأثوره در چرخ اول

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا اِلَهَ اِلَّااللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ وَ الصَّـلوةُ وَ السَّلَامُ عَلَـى رَسُـوْلِ اللهِ

اَللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَ تَصْدِيْقًا بِكِتَابِكَ وَ وَفَاءً بِعَهْدِكَ وَاتِّبَاعًا لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَحَبِيْبِكَ مُحَمَّدٍ ﷺ.

اَللَّهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْمُعَافَاةَ الدَّائِمَةَ فِى الدِّيْنِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ.

«پاک منزه است خدا و حمد و ستایش مخصوص خداوند است و هیچ خدایی بجز او نیست و او بزرگ است. و هیچ بازدارنده ای از گناه نیست و هیچ توفیق

دهنده ای بر طاعت جز خدای بزرگ و درود و سلام بر رسول خداﷺ. پروردگارا! از روی ایمان به تو و تصدیق کتابت و از روی وفای به عهدت و پیروی از سنت پیامبر و حبیبت محمد مصطفیﷺ [طواف می کنم]. پروردگارا! از تو بخشش گناهانم و سلامتی و عافیت دایم در دین و دنیا و آخرت و کامیابی به بهشت و رهایی یافتن از آتش جهنّم را خواهانم».

در هر چرخ بین رکن یمانی و حجرالاسود بخواند:

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ مَعَ الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِكَ یَاعَزِیْزُ یَاغَفَّارُ یَارَبَّ الْعَالَمِیْنَ.

«پروردگارا به ما در دنیا نیکی ارزانی دار و در آخرت نیز در حق ما نیکی مقرّر بفرما و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار و همراه نیکان به بهشت داخل کن، به رحمت تو ای توانا و ای بخشاینده گناهان و پروردگار جهانیان».

دعای چرخ دوم

اَللَّهُمَّ اِنَّ هَذَا الْبَیْتَ بَیْتُكَ وَ الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَ الْاَمْنَ اَمْنُكَ وَ الْعَبْدَ عَبْدُكَ وَ اَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِكَ مِنَ

النَّارِ فَحَرِّمْ لُحُوْمَنَا وَ بَشرَتَنَا عَلَى النَّارِ. اَللَّهُمَّ حَبِّبْ اِلَيْنَا الْاِيْمَانَ وَ زَيِّنْهُ فِى قُلُوْبنا وَ كَرِّهْ اِلَيْنَا الْكُفْرَ وَ الْفُسُوْقَ وَ الْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِيْنَ اَللَّهُمَّ قِنِىْ عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ اَللَّهُمَّ ارْزُقْنِىَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

اَللَّهُمَّ رَبَّنَا لاَ تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ مَعَ الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِكَ يَاعَزِيْزُ يَاغَفَّارُ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ.

«پروردگارا! این خانه، خانه تو و این حرم، حرم تو و این مکان اَمن، مکان اَمن تو و این بنده، بنده توست و من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و این، حال کسی است که از آتش به تو پناه آورده، پس گوشت و پوستمان را بر آتش حرام گردان و ایمان را محبوب ما قرار بده و آنرا در دلهایمان زینت ده و کفر و فسق و عصیان و سرکشی را بر ما نفرت انگیز بگردان و ما را به رحمت‌خویش از گروه کافران نجات ده و ما را از جمله ره یافتگان قرار ده. پروردگارا! مرا از عذاب روزی که بندگانت را مبعوث

می گردانی محفوظ بدار و بهشت را بدون حساب روزی ام گردان. پروردگارا! ما را برای قوم ستمگر، وسیله آزمایش قرار مده و ما را به رحمت‌خویش از گروه کافران نجات ده. پروردگارا! به ما در دنیا نیکی ارزانی دار و در آخرت نیز در حق ما نیکی مقرّر بفرما و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار و همراه نیکان در بهشت داخل کن. به رحمت تو ای توانا و ای بخشاینده گناهان و پروردگار جهانیان».

دعای چرخ سوم

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُبِكَ مِنَ الشَّكِ وَ الشِّرْكِ وَ الشِّقَاقِ وَ النِّفَاقِ وَ سُوْءِ الْاَخْلَاقِ وَ سُوْءِ الْمَنْظَرِ وَ الْمُنْقَلَبِ فِی الْمَالِ وَ الْاَهْلِ وَ الْوَلَدِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ النَّارِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ .

اَللّٰهُمَّ احْشُرْنِیْ تَحْتَ لَوَاءِ سَيِّدَ الْمُرْسَلِيْنَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاسْقِنِیْ مِنْ حَوْضِهِ شَرْبَةً لَا اَظْمَاُ بَعْدَهَا اَبَدًا.

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ مَعَ الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِكَ یَا عَزِیْزُ یَا غَفَّارُ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

«پروردگارا! از شک، شرک، شقاوت، نفاق، دو رویی، بد اخلاقی، زشتی چهره و دگرگونی در مال و اهل وفرزند به تو پناه می برم. پروردگارا! رضای تو و کامیابی به بهشتت را خواهانم و از غضب تو و آتش جهنم و از عذاب قبر و شرّ زندگان و مردگان به تو پناه می برم. بارخدایا! مرا تحت لوای حضرت سیدالمرسلین محشور بگردان و از حوض کوثر سیرابم کن تا هیچ گاه تشنه نگردم. پروردگارا! به ما در دنیا نیکی ارزانی دار و در آخرت نیز در حق ما نیکی مقرّر بفرما و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار و همراه نیکان در بهشت داخل کن. به رحمت تو ای توانا و ای بخشاینده گناهان و پروردگار جهانیان».

دعای چرخ چهارم

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوْرًا وَ سَعْیًا مَشْکُوْرًا وَ ذَنْبًا مَغْفُوْرًا وَ عَمَلًا صَالِحًا مَقْبُوْلًا وَ تِجَارَةً لَنْ تَبُوْرَ یَا عَالِمَ مَا فِی الصُّدُوْرِ

اَخْرِجْنِیْ یَا اللهُ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَی النُّوْرِ. اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مُوْجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَ الْغَنِیْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ رَبِّ قَنِّعْنِیْ بِمَا رَزَقْتَنِیْ وَ بَارِكْ لِیْ فِیْمَا اَعْطَیْتَنِیْ وَ اخْلُفْ عَلَی كُلِّ غَائِبَةٍ لِیْ مِنْكَ بِخَیْرٍ.

اَللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا.

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ مَعَ الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِكَ یَاعَزِیْزُ یَاغَفَّارُ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

«پروردگارا! این حج را حجّی نیکو و کوششی مورد قبول و گناهی آمرزیده شده و عملی صالح و مقبول و تجارتی که هرگز فاسد و تباه نمی شود، قرار بده. ای کسی که رازهای پنهان در سینه ها را می دانی و ای پروردگار! مرا از تاریکی به سوی نور خارج کن. بار خدایا! از تو مایه بخشایش و آمرزش، ایمنی از هر گناه، بهره مندی از هر نیکی، کامیابی به بهشت و رهایی از جهنم را خواهانم. معبودا! به آنچه به من روزی داده ای مرا قانع گردان و در آنچه به من عطا کرده ای برکت ده و در ازای هر چه از دست می دهم، خیر و نیکویی از جانب خودت به من عطا گردان.

پروردگارا! از جانب خود به ما رحمتی عطا کن و ما را در کارمان موفق بگردان. خداوندا! به ما در دنیا نیکی ارزانی دار و در آخرت نیز در حق ما نیکی مقرّر بفرما و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار و همراه نیکان در بهشت داخل کن. به رحمت تو ای توانا و ای بخشاینده گناهان و پروردگار جهانیان».

دعای چرخ پنجم

اَللَّهُمَّ اَظِلَّنِیْ تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِكَ یَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ وَ لَا بَاقِیَ اِلَّا وَجْهُكَ وَاسْقِنِیْ مِنْ حَوْضِ نَبِیِّكَ سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍﷺ شَرْبَةً هَنِیْئَةً مَرِیْئَةً لَا ظَمَاَ بَعْدَهَا اَبَدًا.

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ مِنْ خَیْرِ مَا سَاَلَكَ مِنْهُ سَیِّدُنَا مُحَمَّدٌ نَبِیُّكَﷺ وَاَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ مِنْهُ سَیِّدُنَا مُحَمَّدٌ نَبِیُّكَﷺ.

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ الْجَنَّةَ وَ نَعِیْمَهَا وَ مَا یُقَرِّبُنِیْ اِلَیْهَا مِنْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ اَوْ عَمَلٍ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَ مَا یُقَرِّبُنِیْ اِلَیْهَا مِنْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ اَوْ عَمَلٍ. اَللَّهُمَّ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّـةَ مَـعَ الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِـكَ یَا عَزِیْزُ یَا غَفَّارُ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

«پروردگارا! مرا در سایه عرش خود بگیر روزی که هیچ سایه ای جز سایه تو نیست و هیچ ماندگاری جز ذات تو نیست. معبودا! به من از حوض پیامبرت، سرورمان حضرت محمد مصطفیﷺ شربتی شیرین و گوارا بنوشان؛ شربتی که بعد از آن هرگز عطش و تشنگی نیست. بارخدایا! از تو از خیر آنچه سرورمان محمدﷺ طلبیده، می طلبم و از شرّ آنچه به تو پناه برده، به تو پناه می برم. پروردگارا! از تو بهشت و نعمتهایش را و آنچه مرا به آن از گفتار و کردار و عمل نزدیک می سازد، خواهانم و از آتش جهنم و آنچه مرا از گفتار و کردار و عمل به آن نزدیک می سازد، به تو پناه می برم. پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان ما باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان. پروردگارا! به ما در دنیا نیکی ارزانی دار و در آخرت نیز در حق ما نیکی مقرّر بفرما و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار و همراه نیکان در بهشت داخل کن. به رحمت تو ای توانا و ای بخشاینده گناهان و پروردگار جهانیان».

دعای چرخ ششم

اَللَّهُمَّ اِنَّ لَكَ عَلَيَّ حُقُوْقًا كَثِيْرَةً فِيْمَا بَيْنِىْ وَ بَيْنَكَ وَ حُقُوْقًا كَثِيْرَةً فِيْمَا بَيْنِىْ وَ بَيْنَ خَلْقِكَ.

اَللَّهُمَّ مَا كَانَ لَكَ مِنْهَا فَاغْفِرْهُ لِى وَ مَا كَانَ مِنْهَا لِخَلْقِكَ فَتَحَمَّلْهُ عَنِّى وَ اَغْنِنِىْ بِحَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِطَاعَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ.

اَللَّهُمَّ اِنَّ بَيْتَكَ عَظِيْمٌ وَ وَجْهَكَ كَرِيْمٌ وَ اَنْتَ يَا اللهُ حَلِيْمٌ كَرِيْمٌ عَظِيْمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّىْ.

اَللَّهُمَّ رَبِّ أَوْزِعْنِى أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِى أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَي وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِى بِرَحْمَتِكَ فِى عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ.

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ مَعَ الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِكَ يَاعَزِيْزُ يَاغَفَّارُ يَارَبَّ الْعَالَمِيْنَ

«پروردگارا! حق تو بر من بی شمار و حق بندگانت نیز بر من بسیار است. پس حق خود را بر من ببخشای و حق بندگانت را از دوشم بردار و مرا با حلال خود از حرامت و با طاعت و فرمانبرداریت از معصیتت و با فضل و بخشش خود از غیر خودت بی نیاز گردان ای بسیار بخشاینده. معبودا! همانا خانه ات بزرگ و ذات تو کریم است و تو ای پروردگار! بردبار و بخشنده و بزرگ هستی و بخشش و عفو را دوست داری پس مرا مورد عفو و بخشش خود قرار ده. بار خدایا! مرا به شکر نعمتهایی که به من و والدینم ارزانی داشته‌ای و به انجام اعمال شایسته‌ای که می‌پسندی بر انگیز و مرا به رحمت‌خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن. پروردگارا! به ما در دنیا نیکی ارزانی دار و در آخرت نیز در حق ما نیکی مقرّر بفرما و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار و همراه نیکان در بهشت داخل کن. به رحمت تو ای توانا و ای بخشاینده گناهان و پروردگار جهانیان».

دعای چرخ هفتم

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ اِیْمَانًا كَامِلًا وَ یَقِیْنًا صَادِقًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ قَلْبًا خَاشِعًا وَ لِسَانًا ذَاكِرًا وَ حَلَالًا طَیِّبًا وَ تَوْبَةً نَصُوْحًا وَ تَوْبَةً قَبْلَ

الْمَوْتِ وَ رَاحَةً عِنْدَ الْمَوْتِ وَ مَغْفِرَةً بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ يَا عَزِيْزُ يَا غَفَّارُ رَبِّ زِدْنِیْ عِلْمًا وَ اَلْحِقْنِیْ بِالصَّالِحِیْنَ.

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ وَ اَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ مَعَ الْاَبْرَارِ بِرَحْمَتِكَ یَا عَزِیْزُ یَا غَفَّارُ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

«پروردگارا! از تو ایمان کامل، یقینی صادق، روزی بسیار، قلبی فروتن، زبانی ذاکر، حلالی پاک، توبه نصوح، توبه قبل از مرگ، راحتی به هنگام مرگ، آمرزش بعد از مرگ و عفو و بخشش هنگام حسابرسی، کامیابی به بهشت و رهایی از آتش جهنم را خواهانم. به رحمت تو ای توانا و ای بخشاینده. پروردگارا! علم و آگاهی مرا افزون گردان و مرا به نیکوکاران ملحق کن. پروردگارا! به ما در دنیا نیکی ارزانی دار و در آخرت نیز در حق ما نیکی مقرّر بفرما و ما را از عذاب آتش محفوظ بدار و همراه نیکان در بهشت داخل کن. به رحمت تو ای توانا و ای بخشاینده گناهان و پروردگار جهانیان».

در چرخ هفتم پس از لمس حجرالاسود، خود را به ملتزم[1] که بین حجرالاسود و در بیت شریف است چسبانیده، به زاری و نیاز بخواند:

اَللّٰهُمَّ یَا رَبَّ الْبَیْتِ الْعَتِیْقِ اَعْتِقْ رِقَابَنَا وَ رِقَابَ آبَائِنَا وَ اُمَّهَاتِنَا وَ جِیْرَانِنَا مِنَ النَّارِ یَا ذَالْجُوْدِ وَ الْکَرَمِ وَ الْفَضْلِ وَ الْمَنِّ وَ الْعَطَاءِ وَ الْاِحْسَانِ.

اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِی الْاُمُوْرِ کُلِّهَا وَ اَجِرْنَا مِنْ خِزْیِ الدُّنْیَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَاقِفٌ تَحْتَ بَابِکَ مُلْتَزِمٌ بِاَعْتَابِکَ مُتَذَلِّلٌ بَیْنَ یَدَیْکَ اَرْجُوْ رَحْمَتَکَ وَ اَخْشَی عَذَابَکَ یَا قَدِیْمَ الْاِحْسَانِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُکَ اَنْ تَرْفَعَ ذِکْرِیْ وَ تَضَعَ وِزْرِیْ وَ تُصْلِحَ اَمْرِیْ وَ تُطَهِّرَ قَلْبِیْ وَ تُنَوِّرَ لِیْ فِیْ قَبْرِیْ وَ تَغْفِرَ لِیْ ذَنْبِیْ وَ اَسْاَلُکَ الدَّرَجَاتِ العُلَی مِنَ الْجَنَّةِ آمین.

۱– دیوار در میان سنگ حجرالاسود و دروازه بیت الله که خود را به آن چسبانیده و دعا خواندن مسنون است.

«ای پروردگار کعبه! ما و پدران و مادران و همسایگان ما را از آتش جهنّم برهان ای صاحب جود و کرم و فضل و منت و احسان. پروردگارا! عاقبت ما را در تمام امور نیک گردان و ما را از خواری و رسوایی دنیا و عذاب آخرت رهایی ده. پروردگارا! همانا من بنده تو و فرزند بنده تو هستم که در جلوی درِ خانه‌ات ایستاده ام در حالی که در مقابل تو خوار و ذلیل و به رحمت تو امیدوار و از عذابت ترسان هستم. ای کسی که احسان و نیکی اش همیشگی است. معبودا! از تو می خواهم که مقام مرا بالا ببری، از گناهانم بکاهی، کار مرا صالح و قلبم را پاک گردانی، قبرم را منوّر بگردانی، گناهانم را ببخشایی و درجات عالی از بهشت را برایم مقدّر گردانی».

تذکر

بعد از ختم طواف، اضطباع را ترک کند و شانه را پوشانده، نماز طواف را ادا کند. اضطباع و رمل فقط در طوافی است که بعد از آن سعی باشد و در هر احرام چه به نیت عمره و چه به نیت حج یک سعی است. طوافهای نفلی سعی ندارد.

نماز مقام ابراهیم علیه السلام [1] :

وقتی که چرخ هفتم تمام شد نزدیک مقام ابراهیم دو رکعت نماز ادا کند و این دو رکعت واجب است و باید در صورت ازدحام هر جای مسجد که میسر شد ادا کرده و بعد از آن دعا کند. مستحب، دعای آدم علیه السلام است و آن این است:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّیْ وَ عَلَانِيَتِیْ فَاقْبَلْ مَعْذِرَتِیْ وَ تَعْلَمُ حَاجَتِیْ فَاَعْطِنِیْ سُؤْلِیْ وَ تَعْلَمُ مَا فِیْ نَفْسِیْ فَاغْفِرْلِیْ ذُنُوْبِیْ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ اِيْمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِیْ وَ يَقِيْنًا صَادِقًا حَتّٰی اَعْلَمَ اَنَّهُ لَا يُصِيْبُنِیْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِیْ رِضًا مِنْكَ بِمَا قَسَمْتَ لِیْ اَنْتَ وَلِيِّیْ فِی الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنِیْ مُسْلِمًا وَ اَلْحِقْنِیْ بِالصَّالِحِيْنَ.

اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لَنَا فِیْ مَقَامِنَا هٰذَا ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَ لَا حَاجَةً اِلَّا قَضَيْتَهَا وَ يَسَّرْتَهَا فَيَسِّرْ اُمُوْرَنَا وَاشْرَحْ صُدُوْرَنَا وَ نَوِّرْ قُلُوْبَنَا وَ اخْتِمْ بِالصَّالِحَاتِ اَعْمَالَنَا. اَللّٰهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ وَ اَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِيْنَ غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِيْنَ، آمین.

۱– سنگ بهشتی است که حضرت ابراهیم علیه السلام بر آن ایستاده بیت الله را بنا کرده بود، در این ایام داخل مطاف شده است.

«پروردگارا! تو بر پنهان و آشکار من آگاهی پس عذر مرا بپذیر و حاجت مرا می دانی بنابراین آنرا برآورده ساز و آنچه در باطن من است می دانی پس گناهانم را بیامرز. پروردگارا! از تو ایمان قلبی و یقینی صادق می خواهم تا مطمئن گردم که هیچ چیزی جز آنچه مورد رضایت و خشنودی توست و آن را برایم مقدّر کرده ای به من نمی رسد. تو ولی و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی. مرا مسلمان بمیران و به نیکوکاران ملحق گردان. پروردگارا! در این مکان برایمان هیچ گناهی باقی مگذار مگر اینکه آنرا بیامرزی و هیچ غم و غصه ای را، مگر اینکه آن را بگشایی و هیچ حاجتی را، مگر اینکه آن را برآورده سازی و آن را آسان گردانی. پس کارهایمان را آسان و سینه هایمان را گشاده گردان و اعمالمان را به خیر و نیکی خاتمه ده. پروردگارا! ما را مسلمان بمیران و به نیکوکاران ملحق گردان بدون هیچگونه خواری و پشیمانی».

سپس لمس حجر نموده، داخل حطیم نزد حجر اسماعیلعليه السلام رفته این دعا را بخواند:

اَللَّهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِیْ وَ اَنَا عَبْدُكَ وَ اَنَا عَلَی عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ اَبُوْءُ لَكَ

بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ اَبُوْءُ بِذَنْبِیْ فَاغْفِرْلِیْ فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَاَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُوْنَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُوْنَ.

اَللّٰهُمَّ بِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَیْ وَ صِفَاتِكَ الْعُلْيَا طَهِّرْ قُلُوْبَنَا مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يُبَاعِدُنَا عَنْ مُشَاهَدَتِكَ وَ مَحَبَّتِكَ وَ اَمِتْنَا عَلَی السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ وَ الشَّوْقِ اِلَی لِقَائِكَ يَا ذَاالْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ.

اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بِالْعِلْمِ قَلْبِیْ وَ اسْتَعْمِلْ بِطَاعَتِكَ بَدَنِیْ وَ خَلِّصْ مِنَ الْفِتَنِ سِرِّیْ وَاشْغَلْ بِالْاِعْتِبَارِ فِكْرِیْ وَ قِنِیْ شَرَّ وَسَاوِسِ الشَّيْطَانِ، وَ اَجِرْنِیْ مِنْهُ يَا رَحْمَانُ، حَتَّی لَا يَكُوْنَ لَهُ عَلَيَّ سُلْطَانٌ، رَبَّنَا اِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.

«خدایا! تو پروردگار منی و هیچ خدایی بجز تو نیست و تو مرا آفریده ای و من بنده تو هستم و من بر عهد و پیمان و وعده با تو تا جایی که بتوانم پایدار می مانم. به تو پناه می برم از شرّ آنچه انجام دادم و به نعمتهایی که بر من ارزانی داشتی و به گناهان خود اعتراف می کنم بنابراین گناهان مرا بیامرز چرا که هیچ آمرزنده ای جز

تو نیست. پروردگارا! از تو می خواهم از خیر آنچه بندگان صالحت می خواهند و به تو پناه می برم از شرّ آنچه به تو پناه می برند. الهی به حرمت اسماء و صفات نیکویت، دلهایمان را از هر وصفی که ما را از مشاهده و محبتت دور می گرداند، پاک کن و ما را بر پیروی از سنت و جماعت و شوق دیدارت بمیران. پروردگارا! قلبم را با علم نورانی کن و جسمم را در راه طاعت و فرمانبرداریت به کار گیر و باطن مرا از فتنه و فساد رهایی ده و فکر مرا با پند و عبرت مشغول بدار و مرا از شرّ وسوسه های شیطان حفظ بدار و در پناه خود نگه دار تا اینکه هیچ سلطه ای بر من نداشته باشد. پروردگارا! ما به تو ایمان آوردیم پس گناهان ما را بیامرز و ما را از آتش جهنّم حفظ فرما». بعد به زمزم رفته، از آبش وضو سازد و بیاشامد و بگوید:

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ.

«پروردگارا از تو می خواهم که به من علمی سودمند و رزق و روزی گسترده و شفا از هر درد و مریضی عطا کنی».

طواف قدوم

این طواف برای کسانی که از زمین حل (غیر حرم) می آیند سنت است. وقت طواف قدوم از زمان ورود به مکه تا وقت وقوف عرفات است هرگاه وقوف عرفه شروع شد، وقت این طواف تمام می شود.

سعی[1] بین صفا[2] و مروه[3]

سعی بین صفا و مروه از واجبات است. وقتی که آب زمزم را نوشید، قصد رفتن به سعی را بکند، اول استلام حجرالاسود کند و متوجه صفا شود و در حال بالا رفتن به صفا این آیه را بخواند:

﴿اِنَّ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوِاعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ اَنْ يَّطَّوَّفَ بِهِمَا وَ مَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَاِنَّ اللهَ شَاكِرٌ عَلِيْمٌ﴾[4]

۱– در میان صفا و مروه هفت مرتبه به طریق مخصوص رفت و آمد کردن.

۲– نزدیک کعبه شریف به جانب جنوب یک کوهی است که سعی از آن شروع می شود.

۳– نزدیک گوشه شمال شرقی بیت الله نام یک کوه کوچکی که سعی بر آن ختم می شود.

٤– سورهٔ بقره آیه ۱۵۸ جزء ۲

در بالای صفا، رو به کعبه دستها را بلند کرده «الله اکبر و لااله الاالله» و درود بخواند و از صفا پایین آمده، به سمت مروه برود. چون به دو میل سبز رسد که فعلاً در بین صفا و مروه، ستونهای آن سبز رنگ است تا دو ستون سبز دیگر بدود و بقیه را تا پای تپهٔ مروه به عادت خود برود و آنجا آیه کریمهٔ ﴿اِنَّ الصَّفا وَالْمَرْوَةَ﴾ را بخواند تا به بالای تپهٔ مروه برسد در آنجا نیز متوجه کعبه، دست بلند کرده، تکبیر و تهلیل و صلوات بخواند. تا اینجا یک چرخ به شمار می آید سپس پایین آمده، به سوی صفا برود و در بین دو ستون سبز بدود و بقیه را به رفتار عادی برود تا «ان الصفا» خوانده، بر صفا بالا شود و افعال گذشته را انجام دهد؛ چرخ دوم تکمیل می شود. به این ترتیب هفت چرخ را کامل کند که شروع از صفا و خاتمه در مروه است و در صورت توانایی در رفت و آمد بین صفا و مروه این دعا را بخواند:

اَللهُ اَکْبَرُ کَبِیْرًا، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ کَثِیْرًا، وَ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِیْمِ، وَ بِحَمْدِهِ الْکَرِیْمِ، بُکْرَةً وَ اَصِیْلًا، وَ مِنَ اللَّیْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَیْلًا طَوِیْلًا، لَااِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ اَنْجَزَ وَعَدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ لَاشَیْءَ قَبْلَهُ وَ لَا بَعْدَهُ یُحْیِیْ وَ یُمِیْتُ وَ هُوَ حَیٌّ دَائِمٌ لَا یَمُوْتُ وَ لَا یَفُوْتُ اَبَداً بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ اِلَیْهِ الْمَصِیْرُ وَ هُوَ عَلَی کُلِّ

شَیْءٍ قَدِیْرٌ. رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَ تَکَرَّمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، اِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، اِنَّكَ اَنْتَ اللهُ الْاَعَزُّ الْاَکْرَمُ.

رَبَّنَا نَجِّنَا مِنَ النَّارِ سَالِمِیْنَ غَانِمِیْنَ فَرِحِیْنَ مُسْتَبْشِرِیْنَ مَعَ عِبَادِكَ الصَّالِحِیْنَ مَعَ الَّذِیْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّیْنَ وَ الصِّدِّیْقِیْنَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِیْنَ، وَ حَسُنَ اُوْلَئِكَ رَفِیْقًا ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللهِ وَ کَفَی بِاللهِ عَلِیْمًا، لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ حَقًّا حَقًّا، لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ، مُخْلِصِیْنَ لَهُ الدِّیْنَ وَ لَوْ کَرِهَ الْکَافِرُوْنَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْوَاحِدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ الَّذِیْ لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیْكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیْرًا.

اَللَّهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِی کِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ اُدْعُوْنِیْ اَسْتَجِبْ لَکُمْ دَعَوْنَاكَ. رَبَّنَا کَمَا اَمَرْتَنَا فَاغْفِرْلَنَا کَمَا وَعَدْتَنَا اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِیْعَادَ، رَبَّنَا اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِیْ لِلْاِیْمَانِ اَنْ آمِنُوْا بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا.

رَبَّنَا فَاغْفِرْلَنَا ذُنُوْبَنَا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ.

رَبَّنَا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ.

رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَ اِلَيْكَ اَنَبْنَا وَ اِلَيْكَ الْمَصِيْرُ.

رَبَّنَا اغْفِرْلَنَا وَ لِاِخْوَانِنَا الَّذِيْنَ سَبَقُوْنَا بِالْاِيْمَانِ وَ لَا تَجْعَلْ فِى قُلُوْبِنَا غِلًّا لِلَّذِيْنَ آمَنُوْا.

رَبَّنَا اِنَّكَ رَؤُوْفٌ رَّحِيْمٌ، رَبَّنَا اَتْمِمْ لَنا نُوْرَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَىْ ءٍ قَدِيْرٌ.

اَللَّهُمَّ اِنِّىْ اَسْاَلُكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ عَاجِلَهُ وَآجِلَهُ وَاَسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِىْ وَ اَسْاَلُكَ رَحْمَتَكَ رَبِّ زِدْنِىْ عِلْمًا وَ لَا تُزِغْ قَلْبِىْ بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِىْ وَ هَبْ لِى مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ.

اَللَّهُمَّ عَافِنِىْ فِى سَمْعِىْ وَ بَصَرِىْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّىْ كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِيْنَ، اَللَّهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوْبَتِكَ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْكَ لَا اُحْصِیْ ثَنَاءً عَلَیْكَ اَنْتَ كَمَا اَثْنَیْتَ عَلَی نَفْسِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ حَتّٰی تَرْضَی اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ مِنْ خَیْرِ مَا تَعْلَمُ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَعْلَمُ وَ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ مَا تَعْلَمُ اِنَّكَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ وَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوْبِ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِیْنُ، مُحَمَّدٌ رَّسُوْلُ اللهِ الصَّادِقُ الْوَعْدِ الْاَمِیْنُ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ كَمَا هَدَیْتَنِیْ لِلْاِسْلَامِ اَنْ لَا تَنْزِعَهُ مِنِّیْ حَتّٰی تَتَوَفَّانِیْ وَ اَنَا مُسْلِمٌ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِیْ قَبْرِیْ نُوْراً وَ فِیْ سَمْعِی نُوْرًا وَ فِیْ بَصَرِیْ نُوْراً.

اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ لِیْ صَدْرِیْ وَ یَسِّرْ لِیْ اَمْرِیْ وَ اَعُوْذُبِكَ مِنْ شَرِّ وَسَاوِسِ الصَّدْرِ وَ شَتَاتِ الْاَمْرِ وَ فِتْنَةِ الْقَبْرِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا یَلِجُ فِیْ اللَّیْلِ وَ شَرِّ مَا یَلِجُ فِی النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ مَا تَهُبُّ بِنَاالرِّیَاحُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، سُبْحَانَكَ مَا

عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ سُبْحَانَكَ مَا ذَكَرْنَاكَ حَقَّ ذِكْرِكَ يَا اَللّٰهُ سُبْحَانَكَ مَا شَكَرْنَاكَ حَقَّ شُكْرِكَ يَااللّٰهُ سُبْحَانَكَ مَا اَعْلَى شَاْنُكَ يَا اَللّٰهُ.

اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيْنَا الْاِيْمَانَ وَ زَيِّنْهُ فِىْ قُلُوْبِنَا وَ كَرِّهْ اِلَيْنَا الْكُفْرَ وَ الْفُسُوْقَ وَ الْعِصْيَانَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِيْنَ.

اَللّٰهُمَّ قِنَا عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنِىْ بِالْهُدَى وَ نَقِّنِىْ بِالتَّقْوَى وَاغْفِرْلِى فِى الْآخِرَةِ وَ الْاُولَى.

اَللّٰهُمَّ ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ فَضْلِكَ وَرِزْقِكَ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْاَلُكَ النَّعِيْمَ الْمُقِيْمَ الَّذِىْ لَا يَحُوْلُ وَ لَا يَزُوْلُ اَبَدًا.

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ عَائِذٌ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اَعْطَيْتَنَا وَ مِنْ شَرِّ مَا مَنَعْتَنَا.

اَللّٰهُمَّ تَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ، وَ اَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِيْنَ، غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا مَفْتُوْنِيْنَ، رَبِّ يَسِّرْ وَ لَا تُعَسِّرْ وَ رَبِّ اَتْمِمْ بِالْخَيْرِ.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا وَ عَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا وَ عَلَى طَاعَتِكَ وَ شُكْرِكَ اَعِنَّا وَ عَلَى غَيْرِكَ لَا تَكِلْنَا وَ عَلَى الْاِيْمَانِ وَ الْاِسْلَامِ الْكَامِلِ جَمْعًا تَوَفَّنَا وَ اَنْتَ رَاضٍ عَنَّا.

اَللَّهُمَّ ارْحَمْنِیْ بِتَرْكِ الْمَعَاصِیْ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ وَارْحَمْنِیْ اَنْ اَتَكَلَّفَ مَا لَا یُعْنِیْنِیْ وَارْزُقْنِیْ حُسْنَ النَّظَرِ فِیْمَا یُرْضِیْكَ عَنِّیْ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ .

«خداوند بسیار بزرگ است و حمد و ستایش بی شمار از آن اوست که پاک و منزه است. در صبحگاهان و شبانگاهان به حمد و ستایش او مشغول شو و او را سجده کن و در شبهای طولانی، تسبیح گوی او باش. هیچ معبودی بجز ذات باری تعالی نیست و او یگانه است. او به وعده اش وفا کرد و بنده اش را یاری نمود و احزاب را شکست داد. هیچ چیزی قبل از او نبوده و بعد از او نخواهد ماند. او زنده می کند و می میراند و خود زنده و پایدار است که هرگز نمی میرد و فانی نمی گردد. خیر و نیکی به دست اوست و بازگشت همه به سوی اوست و او بر هر امری قادر و تواناست. معبودا! گناهان ما را بیامرز و بر ما رحم کن و ما را مورد عفو و بخشش خود قرار ده و از آنچه می دانی درگذر. به درستی که تو می دانی آنچه را نمی دانیم و به راستی که تو عزیز و گرامی هستی. بار خدایا! ما را از آتش جهنم سالم و سرافراز و خشنود، همراه با بندگان صالحت، همراه کسانی که به آنان نعمت داده ای از پیامبران و راستگویان و شهداء و نیکو کاران نجات بده یقیناً که آنان

بهترین همراهان هستند و این فضلی از جانب خداوند است و علم و دانایی او ما را بس است. براستی که هیچ معبودی بجز الله نیست و هیچ پروردگاری بجز خدای یکتا در ستایش و بندگی نیست. جز او را نمی پرستیم و با اخلاص در دین، او را می پرستیم هر چند که مشرکان را ناخوش آید. هیچ معبودی بجز خداوند یگانه بی همتای بی نیاز نیست. کسی که هیچ همسر و فرزندی برای خود نگیرد و هیچ شریکی نپذیرد و یاوری که بر عزتش بیفزاید، نخواهد داشت. پس او را بسیار بزرگ و عظیم شمار. پروردگارا! تو در کتاب آسمانی ات فرمودی که: «مرا بخوانید تا اجابت کنم شما را» و ما تو را طبق فرموده ات خواندیم پس ما را همانگونه که وعده دادی ببخشای چونکه تو خلاف وعده ات عمل نمی کنی. معبودا! ما شنیدیم ندا دهنده ای به ایمان ندا می دهد که به پروردگارتان ایمان آورید، ما نیز ایمان آوردیم پس گناهان ما را بیامرز و از بدیهای ما درگذر و ما را همراه نیکان بمیران. بارخدایا ! آنچه را به وسیله رسولت به ما وعده داده ای به ما عطا کن و ما را در روز قیامت خوار و ذلیل مکن چرا که تو بر خلاف وعده ات عمل نمی کنی. پروردگارا! بر تو توکل کردیم و به سوی تو باز گشتیم و بازگشت همه بسوی توست. خدایا! گناهان ما و برادران مسلمانمان ـ کسانی که در ایمان آوردن بر ما سبقت گرفتند ـ را بیامرز و در

دلهایمان هیچ کینه ای نسبت به کسانی که ایمان آورده اند قرار مده. به درستی که تو بسیار مهربان هستی. معبودا! نور ایمانمان را کامل کن و گناهان ما را بیامرز چونکه تو یقیناً بر هر کاری توانا هستی. پروردگارا! از تو خیر دنیا و آخرت و آمرزش گناهانم و رحمت بی پایانت را می طلبم. معبودا! علم مرا افزون گردان و قلبم را پس از اینکه هدایت کردی گمراه مگردان و رحمتت را بر من ارزانی دار به راستی که تو بسیار بخشنده هستی. بار خدایا! زیان و بدی را از گوش و چشم من دور کن. هیچ معبودی بجز تو نیست و تو پاک و منزه هستی و من از ستمکارانم. پروردگارا! از کفر و فقر به تو پناه می برم و از خشم و غضبت به رضای تو و از عقوبتت به بخشایش تو و از تو به تو پناه می برم. حمد و ستایش بی شمار آنگونه که شایسته و بایسته است تو راست. پروردگارا! از تو از خیر آنچه می دانی می طلبم و از شرّ آنچه می دانی پناه می برم و از همه آنچه می دانی طلب آمرزش می کنم به درستی که تو می دانی آنچه را نمی دانیم و تو داننده غیبها هستی. هیچ معبودی بجز الله نیست خدایی که پادشاه و ثابت و آشکار است. محمدﷺ، فرستاده خداوند، وفا دار به وعده خویش و امانتدار و درستکار است. پروردگارا! از تو می خواهم همانگونه که مرا به اسلام هدایت کردی مرا تا پایان عمر با اسلام زنده بداری و با اسلام بمیرانی.

معبودا! در قبرم و در گوشها و چشمهایم نور قرار بده و به من سعه صدر عطا کن و کارهایم را آسان گردان. بار خدایا! از شرّ وسوسه های نفسانی و امور و افکار پریشان و عذاب قبر به تو پناه می برم. خدایا! از شرّ جنبند گان شب و روز و از شرّ آنچه بادها به سوی ما می آورند به تو پناه می برم ای مهربان ترین مهربانان. معبودا! تو پاک و منزه هستی و ما آنگونه که لایق توست تو را عبادت ننمودیم و آنگونه که شایسته است تو را ذکر نکردیم و شکر گزاری ننمودیم. بار خدایا! چه بلند است مقام و منزلت تو. پروردگارا! ایمان را محبوب دلهایمان قرار بده و آن را در دلهایمان زینت ده و کفر و فسق و سرکشی را برایمان نفرت انگیز کن و ما را از جمله ره یافتگان قرار ده. معبودا! ما را از عذاب روزی که بندگانت را مبعوث می گردانی، محفوظ بدار و ما را به راه راست هدایت کن و با تقوی پاکیزه دار. بار خدایا! در دنیا و آخرت گناهان ما را بیامرز و برکت و رحمت و فضل و روزی ات را بر ما بگستران. پروردگارا! از تو نعمتهای دایمی بهشت را که هرگز تغییر و تحوّل نمی یابد و از بین نمی رود می خواهم و از شرّ آنچه به ما عطا کردی و از شرّ آنچه که به ما ندادی به تو پناه می برم. پروردگارا! ما را مسلمان بمیران و به نیکوکاران ملحق گردان بدون هیچگونه خواری و ذلت و پشیمانی و امور را بر ما آسان گردان و آن را بر ما سخت

مکن. پروردگارا! عاقبت کار ما را به خیر و نیکی ختم کن و از ما بپذیر، ما را از هرگونه لغزشی سلامت بدار و از خطاهای ما در گذر، ما را بر فرمانبرداری و شکر گزاری ات خاضع گردان و ما را به غیر خودت نیازمند مکن. معبودا! ما را بر ایمان و اسلام کامل، در حالی که از ما راضی و خشنود هستی بمیران. بار خدایا! مرا تا زمانی که زنده ام به ترک گناهان و انجام ندادن کارهایی که به من مربوط نیست وا دار و به من بصیرت نیکو در آنچه تو را از من راضی می گرداند ارزانی دار، ای مهربان ترین مهربانان».

و همیشه در بین دو ستون سبز «رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ» را تا «اَعَزُّ الْاَکْرَمُ»[1] بخواند. بعد از تمام شدن هفت چرخ صفا و مروه، در داخل مسجد دو رکعت نماز شکرانه ادا کند. در اینجا طواف قدوم حاجی تمام می شود.

حکم سعی

سعی بین صفا و مروه بر عمره گذار و بر حاجی ـ چه قران باشد و چه مفرد و چه متمتع ـ واجب بوده و ترک آن موجب دم است.

---

۱ – رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ وَتَکَرَّمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، اِنَّکَ تَعْلَمُ مَا لَا نَعْلَمُ، اِنَّکَ اَنْتَ اللهُ الْاَعَزُّ الْاَکْرَمُ.

کیفیت سعی

سعی هم مانند طواف هفت شوط یعنی هفت بار گردیدن است بطوری که از صفا شروع و به مروه ختم گردد که رفتن از صفا به مروه یک شوط و آمدن از مروه به صفا شوط دیگری حساب می گردد.

تذکر

۱ـ فاصلهٔ بین صفا و مروه منطقه ای است که ابتدا و انتهای آن با دو چراغ سبز رنگ نشانی شده است. در این فاصله باید قدری تندتر از حالت عادی برود.

۲ ـ به استثنای این فاصله مخصوص، بقیه راه را به طور عادی برود.

۳ ـ مستحب است که شخص هنگام رسیدن به صفا و مروه خود را تا قسمت بالایی آن رسانده و بعداً روی خود را به طرف خانه مشرفه نموده و بعد از بالا کردن دستها تکبیر گفته سپس به جانب دیگر سعی نماید.

شروط سعی

مانند طواف، برای سعی نیز شروطی است که در صورت ترک حتی یکی از آنها، سعی باطل می گردد و عبارتند از:

۱ـ سعی در مسیر معین صفا و مروه: یعنی شخص هنگام سعی از مسیر معین صفا و مروه خارج نشود و اگر خارج شد و قسمت زیادتر سعیش در خارج این مسیر شد، سعیش باطل است.

۲ـ سابق بودن به طواف صحیح: یعنی پیش از سعی، طواف صحیح انجام داده باشد.

۳ـ ابتدا کردن از صفا و ختم نمودن به مروه: اگر کسی بر عکس سعی کرد، سعیش باطل است گر چه بعضی از فقها گفته اند که ترتیب مذکور واجب است نه شرط به این معنی که اگر از مروه شروع کرد یا باید همان شوط را دوباره انجام دهد و یا آنکه برای جبران آن بر وی دم لازم می گردد و سعیش صحیح است.

٤ـ انجام دادن اکثر آن: یعنی باید حداقل چهار شوط را از هفت شوط انجام دهد؛ اگر کمتر انجام داد، سعیش باطل است.

٥ ـ سابق بودن به احرام: یعنی پیش از سعی به احرام ـ چه احرام حج و یا عمره ـ داخل شده باشد.

واجبات سعی

سعی هم دارای واجباتی است که عبارتند از:

۱- تکمیل کردن هفت شوط: اگر کسی هفت شوط را کامل نکرد از ترک هر شوط به وی صدقه لازم و سعیش ادا گردیده است.

۲- پیاده سعی نمودن در صورتی که عذری نداشته باشد: اگر عذری داشت جایز است به هر شکلی که میسر است سعی نماید و بر وی چیزی لازم نیست و سعیش صحیح است.

۳- در حالت احرام بودن در سعی عمره.

٤- طی کردن همه مسافت: اگر به مروه نرسیده به طرف صفا بازگشت بر وی صدقه لازم است و سعیش ناقص ادا می گردد. این در صورتی است که این عمل در بعضی از شوطها صورت گیرد و اگر در همه شوطها یا در اکثرشان تکرار شد، سعیش باطل و باید دوباره انجام دهد و یا بر وی دم لازم می گردد.

سنتهای سعی

ترک سنتها سبب نقصان سعی می شود ولی موجب دم یا صدقه نمی گردد و عبارتند از:

۱- عدم تأخیر بین طواف و سعی: یعنی سنت است بعد از انجام دادن طواف بدون معطلی شروع به سعی نماید و تأخیر نمودن سعی از طواف بدون ضرورت سبب ملامت بوده و سعی را ناقص می کند.

۲- رسیدن تا قسمت بالایی صفا و مروه.

۳- پیاپی سعی نمودن: یعنی بین شوطها فاصله و تأخیر نیاندازد.

٤- شتابان رفتن بین دو چراغ سبز[۱].

٥- با وضو بودن هنگام سعی.

٦- نیت کردن در ابتدای سعی.

مستحبات سعی

۱- ذکر و دعا.

۲- پاک بودن جامه و بدن.

۳- خشوع و فروتنی و به یاد خدا مشغول بودن.

٤- ادای دو رکعت نماز بعد از ختم سعی: یعنی بعد از ختم سعی مستحب است که دو رکعت نماز بخواند و مستحب است که در مسجدالحرام ادا نماید.

۱- ما بین صفا و مروه حصه ای که حالا هر دو طرف بر دیوارها با رنگ سبز نشان شده و مهتابی های سبز رنگ روشن است.

مکروهات سعی

۱- ترک سنتی از سنتهای سعی.

۲- خرید و فروش هنگام سعی.

۳- خوردن و آشامیدن، مگر در وقت غلبه تشنگی.

٤- حرف زدن بدون ضرورت.

٥- اشتغال به امور غیر ضروری.

بعد از طواف و سعی، مفرد چه کار کند؟

بعد از طواف و سعی، حاجی مفرد به حالت احرام در مکه بماند و هر اندازه که می تواند طواف نفل به جای آورد؛ زیرا برای آفاقی (غیر اهل حرم) طواف نفل از نماز بهتر است ولی برای اهل مکه در ایام حج، نماز نفل از طواف نفل بهتر است. در طوافهای نفل اضطباع، رمل و استلام بعد از طواف نیست؛ زیرا این گونه طوافها سعی بین صفا و مروه ندارد.

مقصد پنجم

در بیان حج فرض و وقوف به عرفات

شروع اعمال حج در منی[1] و عرفات[2]

روز هفتم ذی الحجه بعد از نماز ظهر امام خطبه می خواند و در آن مسایل حج را به مردم گوشزد می کند، این خطبه سنت است. روز هشتم ذی الحجه بعد از طلوع آفتاب به سوی منا برود، در وقت بیرون شدن از مکه این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اَرْجُوْ وَ اِيَّاكَ اَدْعُوْ وَ اِلَيْكَ اَرْغَبُ.

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْنِیْ صَالِحَ عَمَلِیْ وَ اَصْلِحْ لِیْ فِیْ ذُرِّيَّتِیْ.

«پروردگارا! من به تو امیدوارم و تو را می خوانم و به خداوندیت مشتاقم. معبودا! درستی کار مرا به من ابلاغ کن و فرزندانم را صالح گردان».

۱– میدانی وسیع ما بین دو کوه «جبل ضب» و«جبل ثبیر» به فاصله سه میل که درشرق مکه واقع وازجمله حرم می باشد.

۲– عرفات از جمله زمین حرم نمی باشد.

وقت داخل شدن به منا بخواند:

اَللَّهُمَّ هَذِهِ مِنًى وَ هَذِهِ مَا دَلَلْتَنَا عَلَيْهَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَمُنَّ عَلَيْنَا بِجَوَامِعِ الْخَيْرَاتِ وَ بِمَا مَنَنْتَ عَلى اِبْرَاهِيْمَ خَلِيْلِكَ﷣ وَ مُحَمَّدٍ حَبِيْبِكَ ﷺ وَ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى اَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِنِّيْ عَبْدُكَ وَ نَاصِيَتِيْ بِيَدِكَ جِئْتُ طَالِبًا مَرْضَاتِكَ اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِيْ بَلَّغَنِيْهَا سَالِمًا مُعَافًى.

اَللَّهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ اَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَى اَوْلِيَائِكَ.

اَللَّهُمَّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْحِرْمَانِ وَ الْمُصِيْبَةِ فِيْ دِيْنِيْ وَ دُنيَايَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ وَ سَلَّمَ»

«بار خدایا! این منی است؛ مکانی که تو ما را به سوی آن راهنمایی کردی پس بر ما با بخشش تمامی نیکویی ها و با بخشش آنچه بر خلیلت ابراهیم و حبیبت حضرت محمد مصطفی ﷺ و آنچه بر اهل طاعتت عطا کردی منت بگذار. به درستی که من بنده تو هستم و زمام کارهای من به دست توست. برای طلب رضای تو آمده ام. شکر و سپاس برای خدایی است که مرا سالم به این مکان رساند. معبودا!

آنچه به اولیاء و دوستانت عطا کردی به من نیز عطا کن. پروردگارا! از ناکامی و مصیبت در دین و دنیایم به تو پناه می برم ای مهربان ترین مهربانان. درود خداوند بر سرورمان محمد ﷺ و آل و اصحاب او باد».

باقی وقت را به دعا و درود و تلبیه صرف کند. باید دانست که تلبیه همیشه در مکه، منا، عرفات و مزدلفه تا شروع جمرهٔ عقبه در روز عید که در آن وقت، تکبیر قائم مقام تلبیه گردد نیک است. شب نهم را در منا بگذراند، زیرا این کار سنت است. بعد از آن، روز نهم ذی الحجه هنگامی که صبح خوب روشن شود ـ که در اصطلاح اسفار گفته می شود ـ نماز صبح را در منا ادا کند و چون خورشید بیرون آید از راه ضب[1] تلبیه و تکبیر گویان به سوی عرفات به راه افتد. در روز هشتم مستقیماً به عرفات رفتن خلاف سنت است؛ زیرا شب را در منا گذراندن و نمازهای پنجگانه را از ظهر روز هشتم تا بامداد نهم در آنجا اقامه کردن سنت است.

وقوف عرفات

مستحب است که حاجی در روز نهم ذی الحجه که روز عرفه می باشد بعد از اینکه نماز فجر را در منی ادا کرد به ذکر و دعا مشغول گردیده و انتظار بکشد تا

۱ـ ضب نام کوهی است که متصل مسجد خیف به منا واقع است

اینکه آفتاب طلوع کند. بعد از طلوع آفتاب تلبیه و تکبیر گویان با آرامش دل و وقار به طرف عرفات حرکت نماید.

بهتر آن است که امام سوار و مقتدیان دور او پیاده حرکت کنند. بعضی علما سوار بودن مقتدیان را نیز بهتر دانسته اند. قریب جبل رحمت، نزدیک امام هر مقداری که نزدیکی میسر شود ـ بهتر است رو به قبله بایستد و یا بنشیند ـ وقوف ادا می شود، فقط این امر ضروری است که در موقف[۱] باشد. سرزمین عرفات همه آن موقف است بجز بطن عرنه که یک وادی است در جانب غربی مسجد عرفه که مسجد نمره نامیده می شود. در منطقهٔ عرنه قیام نکند این وادی بیرون از حد عرفات و قسمتی از حرم است، اگر کسی در این وادی قیام کند، معتبر نیست.

در عرفات حاضر شود و به درود و ذکر الله و خواندن دعاهای مأثوره مشغول شود. لازم به ذکر است که حرکت به سوی عرفات به همراه امام یا نایب امام واجب و وقوف به عرفه فرض است و در صورتی که ترک شود حج ادا نمی گردد.

ادعیهٔ مأثوره در عرفات:

لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِـىْ وَ

---

۱ – محل وقوف مراد از آن محل قیام برای دعا در عرفات است.

يُمِيْتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيْرٌ.

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ وَفَّقْتَنِیْ وَ حَمَلْتَنِیْ عَلَى مَا سَخَّرْتَ لِیْ حَتّٰى بَلَّغْتَنِیْ بِاِحْسَانِكَ اِلَى زِيَارَةِ بَيْتِكَ وَالْوُقُوْفِ عِنْدَ هَذَا الْمَشْعَرِ الْعَظِيْمِ، اِقْتِدَاءً بِسُنَّةِ خَلِيْلِكَ وَاقْتِفَاءً لِآثَارِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍﷺ وَ اِنَّ لِكُلِّ ضَيْفٍ قِرًى وَ لِكُلِّ وَفْدٍ جَائِزَةً وَ لِكُلِّ زَائِرٍكَرَامَةً وَ لِكُلِّ سَائِلٍ عَطِيَّةً وَ لِكُلِّ رَاجٍ ثَوَابًا وَ لِكُلِّ مُلْتَمِسٍ لِمَا عِنْدَكَ جَزَاءً وَ لِكُلِّ رَاغِبٍ اِلَيْكَ زُلْفَى وَ لِكُلِّ مُتَوَجِّهٍ اِلَيْكَ اِحْسَاناً وَ قَدْ وَقَفْنَا بِهَذَا الْمَشْعَرِ الْعَظِيْمِ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فَلَا تُخَيِّبْ اِلَهَنَا رَجَاءَنَا فِيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا يَا مَنْ خَضَعَتْ كُلُّ الْاَشْيَاءِ لِعِزَّتِهِ وَ عَنَتِ الْوُجُوْهُ لِعَظَمَتِهِ.

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ خَرَجْنَا وَ بِفَنَائِكَ اَنَخْنَا وَ اِيَّاكَ اَمَّلْنَا وَ مَا عِنْدَكَ طَلَبْنَا وَ لِاِحْسَانِكَ تَعَرَّضْنَا وَ لِرَحْمَتِكَ رَجَوْنَا وَ مِنْ عَذَابِكَ اَشْفَقْنَا وَ لِبَيْتِكَ الْحَرَامِ حَجَجْنَا يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِيْنَ، وَ يَعْلَمُ ضَمَائِرَ

الصَّامتِيْنَ، يَا مَنْ لَيْسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدْعَى وَ لَا اِلَهٌ يُرْجَى وَ لَا فَوْقَهُ خَالِقٌ يُخْشَى وَلَا وَزِيْرٌ يُؤْتَى وَلَا حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى السُّؤَالِ اِلَّا كَرَمًا وَجُوْدًا وَ عَلَى كَثْرَةِ الْحَوَائِجِ اِلَّا تَفَضُّلًا وَ اِحْسَانًا.

اَللَّهُمَّ اِنَّكَ تَرَى مَكَانِيْ وَ تَسْمَعُ كَلَامِيْ وَ تَعْلَمُ سِرِّيْ وَ عَلَانِيَتِيْ وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ اَمْرِيْ اَنَا الْبَائِسُ الْفَقِيْرُ الْمُسْتَغِيْثُ الْوَجِلُ الْمُشْفِقُ الْمُقِرُّ الْمُعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ اَسْاَلُكَ مَسْاَلَةَ الْـمِسْكِيْنِ وَاَبْتَهِلُ اِلَيْكَ ابْتِهَالَ الْمُذْنِبِ الذَّلِيْلِ وَ اَدْعُوْكَ دُعَاءَ الْخَائِفِ الضَّرِيْرِ، دُعَاءَ مَنْ خَضَعَ لَكَ عُنُقُهُ وَ ذَلَّ لَكَ جَسَدُهُ وَ فَاضَتْ لَكَ عَيْنَاهُ وَ رَغَمَ لَكَ اَنْفُهُ لَا تَجْعَلْنِيْ رَبِّ شَقِيًّا وَكُنْ بِيْ رَؤُوْفًا رَحِيْمًا يَا خَيْرَ الْمَسْؤُوْلِيْنَ، وَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِيْنَ، رَبِّ اهْدِنَا بِالْهُدَى وَ زَيِّنَّا بِالتَّقْوَى وَاغْفِرْلَنَا فِى الْآخِرَةِ وَ الْاُوْلَى.

اَللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيْ قَلْبِيْ نُوْرًا وَ فِيْ سَمْعِيْ نُوْرًا وَ فِيْ بَصَرِيْ نُوْرًا وَ فِى لِسَانِيْ نُوْرًا وَ عَنْ يَمِيْنِيْ نُوْرًا وَ عَنْ يَسَارِيْ نُوْرًا وَ مِنْ

فَوْقِیْ نُوْرًا وَ مِنْ تَحْتِیْ نُوْرًا وَاجْعَلْ فِی نَفْسِیْ نُوْرًا وَ عَظِّمْ لِیْ نُوْرًا.

رَبِّ اشْرَحْ لِیْ صَدْرِیْ وَیَسِّرْ لِیْ اَمْرِیْ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ الْهُدَی وَالتُّقَی وَ الْعَفَافَ وَ الْغِنَی.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوْرًا وَ ذَنْبًا مَغْفُوْرًا وَ عَمَلًا صَالِحًا مَقْبُوْلًا.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدْ وَفَدْتُ اِلَیْكَ وَ وَقَفْتُ بَیْنَ یَدَیْكَ فِیْ هٰذَا الْمَوْضِعِ الشَّرِیْفِ رَجَاءً لِمَا عِنْدَكَ فَلَا تَجْعَلْنِیَ الْیَوْمَ اَخْیَبَ وَفْدِكَ فَاَكْرِمْنِیْ بِالْجَنَّةِ وَ مُنَّ عَلَیَّ بِالْمَغْفِرَةِ وَ الْعَافِیْةِ وَ اَجِرْنِیْ مِنَ النَّارِ، وَادْرَأْ عَنِّیْ شَرَّ خَلْقِكَ، اِنْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ وَ اُغْلِقَتِ الْاَبْوَابُ اِلَّا بَابُكَ فَلَا تَكِلْنِیْ اِلَی اَحَدٍ سِوَاكَ فِیْ اُمُوْرِ دِیْنِیْ وَ دُنْیَایَ طَرْفَةَ عَیْنٍ وَ لَا اَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَانْقُلْنِیْ مِنْ ذُلِّ الْمَعْصِیَةِ اِلَی عِزِّ الطَّاعَةِ وَ نَوِّرْ قَلْبِیْ وَ قَبْرِیْ وَ اَعِذْنِیْ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ وَاجْمَعْ لِیَ الْخَیْرَ كُلَّهُ یَا اَكْرَمَ مَنْ سُئِلَ وَ اَجْوَدَ مَنْ اَعْطَی.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِیْ آخِرَهُ وَ خَيْرَ عَمَلِیْ خَوَاتِمَهُ وَ خَيْرَ اَيَّامِیْ يَوْمَ لِقَائِكَ اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِیْ بِاَمْرِكَ وَاَيِّدْنِیْ بِنَصْرِكَ وَارْزُقْنِیْ مِنْ فَضْلِكَ وَ نَجِّنِیْ مِنْ عَذَابِكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ فَقَدْ اَتَيْتُكَ لِرَحْمَتِكَ رَاجِيًا وَ عَنْ وَطَنِیْ نَائِيًا وَ لِنُسُكِیْ مُؤَدِّيًا وَ لِفَرَائِضِكَ قَاضِيًا وَ لِكِتَابِكَ تَالِيًا وَ لَكَ رَاعِيًا وَ لِقَسْوَةِ قَلْبِیْ شَاكِيًا وَ مِنْ ذَنْبِی خَاشِئًا وَ لِنَفْسِیْ ظَالِمًا وَ بِجُرْمِیْ عَالِمًا دُعَاءَ مَنْ جَمَعَتْ عُيُوْبُهُ وَ كَثُرَتْ ذُنُوْبُهُ وَ تَصَرَّمَتْ آمَالُهُ وَ بَقِيَتْ آثَامُهُ وَانْسَكَبَتْ دَمْعَتُهُ وَ انْقَطَعَتْ مُدَّتُهُ دُعَاءَ مَنْ لَا يَجِدُ لِنَفْسِهِ غَافِرًا غَيْرَكَ وَ لَا لِمَاْمُوْلِهِ مِنَ الْخَيْرَاتِ مُعْطِيًا سِوَاكَ وَ لَا لِكَسْرِهِ جَابِرًا اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيْمِ.

اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ دَعَوْتُكَ بِالدُّعَاءِ الَّذِیْ عَلَّمْتَنِيْهِ فَلَا تَحْرِمْنِیْ مِنَ الرَّجَاءِ الَّذِیْ عَرَّفْتَنِيْهِ يَا مَنْ لَاتَنْفَعُهُ الطَّاعَةُ وَ لَا تَضُرُّهُ الْمَعْصِيَةُ وَ مَا اَعْطَيْتَنِیْ مِمَّا اُحِبُّ فَاجْعَلْهُ لِیْ عَوْنًا فِيْمَا تُحِبُّ وَاجْعَلْهُ لِیْ خَيْرًا وَ حَبِّبْ طَاعَتَكَ لِیْ وَالْعَمَلَ بِهَا كَمَا حَبَّبْتَهَا اِلَی اَوْلِيَاءِكَ حَتّٰی رَاَوْا

ثَوَابَهَا وَ كَمَا هَدَيْتَنِیْ لِلْاِسْلَامِ فَلَا تَنْزِعْهُ مِنِّیْ حَتّٰی تَقْبِضَنِیْ اِلَیْكَ وَ اَنَا عَلَیْهِ.

اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَیَّ الْاِیْمَانَ وَ زَیِّنْهُ فِی قَلْبِیْ وَ کَرِّهْ اِلَیَّ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْیَانَ، وَاجْعَلْنِیْ مِنَ الرَّاشِدِیْنَ.

اَللّٰهُمَّ اخْتِمْ لِیْ بِالْخَیْرَاتِ آجَالَنَا وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ آمَالَنَا وَ سَهِّلْ لِبُلُوْغِ رِضَاكَ سُبُلَنَا وَ حَسِّنْ فِیْ جَمِیْعِ الْاَحْوَالِ اَعْمَالَنَا یَا مُنْقِذَ الْغَرْقَی وَیَا مُنْجِیَ الْهَلْكَی یَا شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَی یَا مُنْتَهَی كُلِّ شَكْوَی یَا قَدِیْمَ الْاِحْسَانِ، یَا دَائِمَ الْمَعْرُوْفِ، یَا مَنْ رِزْقُ كُلِّ شَیْءٍ عَلَیْهِ وَ مَصِیْرُ كُلِّ شَیْءٍ اِلَیْهِ، اِلَیْكَ رُفِعَتْ اَیْدِی السَّائِلِیْنَ، وَامْتَدَّتْ اَعْنَاقُ الْعَابِدِیْنَ، نَسْاَلُكَ اَنْ تَجْعَلَنَا فِیْ كَنَفِكَ وَ جُوْدِكَ وَ حِرْزِكَ وَ عِیَاذِكَ وَ سِتْرِكَ وَ اَمَانِكَ.

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُبِكَ مِنْ جَهَدِ الْبَلَاءِ وَ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَسُوءِ الْقَضَاءِ وَ شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَ سُوْءِالْمَنْظَرِ وَ الْمُنْقَلَبِ فِی الْمَالِ وَالْاَهْلِ وَ الْوَلَدِ.

اَللّٰهُمَّ لَا تَدَعْ لَنَا فِی مَقَامِنَا هٰذَا ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ وَ لَا هَمًّا اِلَّا فَرَّجْتَهُ وَ لَا غَائِبًا اِلَّا رَدَدْتَهُ وَ لَا كَرْبًا اِلَّا كَشَفْتَهُ وَ لَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ وَ لَا عَدُوًّا اِلَّا كَفَيْتَهُ وَ لَا فَسَادًا اِلَّا اَصْلَحْتَهُ وَ لَا مَرِيْضًا اِلَّا عَافَيْتَهُ وَ لَا خَلَّةً اِلَّا سَدَدْتَهَا وَ لَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ لَكَ فِيْهَا رِضىً وَ لَنَا فِيْهَا صَلَاحٌ اِلَّا قَضَيْتَهَا فَاِنَّكَ تَهْدِی السَّبِيْلَ وَ تَجْبِرُ الْكَسِيْرَ وَ تُغْنِی الْفَقِيْرَ.

اَللّٰهُمَّ لَا يَمْنَعُنِیْ مِنْكَ اَحَدٌ اِذَا اَرَدْتَنِیْ وَ لَا يُعْطِيْنِیْ اَحْدٌ اِذَا حَرَمْتَنِیْ فَلَا تَحْرِمْنِی بِقِلَّةِ شُكْرِیْ وَ لَا تَخْذُلْنِیْ بِقِلَّةِ صَبْرِیْ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ نَنْتَظِرُهُ وَ الْقَبْرَ خَيْرَ بَيْتٍ نُعَمِّرُهُ وَاجْعَلْ مَا بَعْدَهُ خَيْراً لَّنَا مِنْهُ يَا رَبِّ اغْفِرْلِی وَ لِوَالِدَیَّ وَ لِاَبْنَائِیْ وَ لِاِخْوَانِیْ وَ لِاَهْلِ بَيْتِیْ وَ ذُرِّيَتِیْ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ الْمُسْلِمَاتِ اَلْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْاَمْوَاتِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ اِيْمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِی وَ يَقِيْنًا صَادِقًا حَتّٰی اَعْلَمَ اَنَّهُ لَا يُصِيْبُنِیْ اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِیْ وَ اَرْضِنِیْ بِقَضَائِكَ وَ اَعِنِّیْ عَلَی

الدُّنْيَا بِالْعِفَّةِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَى الدِّيْنِ بِالطَّاعَةِ وَ طَهِّرْ لِسَانِىْ مِنَ الْكِذْبِ وَ قَلْبِى مِنَ النِّفَاقِ وَ عَمَلِى مِنَ الرِّيَاءِ وَ بَصَرِىْ مِنَ الْخِيَانَةِ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِى الصُّدُوْرُ.

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتِىْ فِى الدُّنْيَا وَ مَصْرَعِىْ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ وَحْشَتِىْ فِى قَبْرِىْ وَ مَقَامِىْ بَيْنَ يَدَيْكَ.

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ تَبارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ.

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَ اَنَا عَبْدُكَ ظَلَمْتُ نَفْسِىْ وَ اعْتَرَفْتُ بِذَنْبِىْ فَاغْفِرْ لِىْ ذُنُوْبِىْ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ وَاهْدِنِىْ لِاَحْسَنِ الْاَخْلَاقِ فَلَا يَهْدِىْ لِاَحْسَنِهَا اِلَّا اَنْتَ وَاصْرِفْ عَنِّىْ سَيِّئَهَا فَاِنَّهُ لَا يَصْرِفُ سَيِّئَهَا اِلَّا اَنْتَ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدَيْكَ، اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوْبُ اِلَيْكَ.

اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِىْ مَا عَلِمْتَ الْحَيٰوةَ خَيْرًا لِىْ وَ تَوَفَّنِىْ اِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِىْ وَاهْدِنِىْ لِاَرْشَدِ اَمْرِىْ وَ اَجِرْنِى مِنْ شَرِّ نَفْسِىْ.

اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِى الْاُمُوْرِ كُلِّهَا وَ اَجِرْنَا مِنْ خِزْىِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ وَارْحَمْ غُرْبَتِى فِى الدُّنْيَا وَ تَضَرُّعِىْ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ وَحْدَتِى فِى الْقَبْرِ وَ مَقَامِىْ بَيْنَ يَدَيْكَ.

اللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْاَحَبِّ اِلَيْكَ الَّذِىْ اِذَا دُعِيْتَ بِهِ اَجَبْتَ وَ اِذَا اسْتُرْحِمْتَ بِهِ رَحِمْتَ وَ اِذَا اسْتُفْرِجْتَ بِهِ فَرَّجْتَ اَنْ تُعِيْذَنِىْ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ الْقِلَّةِ وَ الْعِلَّةِ وَ كَافَّةِ الْاَمْرَاضِ وَ الْاَعْرَاضِ وَ سَائِرِ الْاَسْقَامِ وَ الْآلَامِ، وَ اَسْاَلُكَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ وَ خَوَاتِمَهُ وَ جَوَامِعَهُ وَ اَوَّلَهُ وَ آخِرَهُ وَ ظَاهِرَهُ وَ بَاطِنَهُ وَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى.

اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْاَلُكَ فَرَجًا قَرِيْبًا وَ نَصْرًا عَزِيْزًا وَ صَبْرًا جَمِيْلًا وَ فَتْحًا مُبِيْنًا وَ عِلْمًا كَثِيْرًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا مُبَارَكًا فِى عَافِيَةٍ بِلَا بَلَاءٍ وَ اَسْاَلُكَ الْعَافِيَةَ مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ اَسْاَلُكَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ الشُّكْرَ عَلى الْعَافِيَةِ.

اَللَّهُمَّ اقْسِمْ لِی مِنْ خَشْیَتِكَ مَا تُحَوِّلُ بِهِ بَیْنِی وَ بَیْنَ مَعاصِیْكَ وَ مِنْ طَاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنِیْ بِهِ جَنَّتَكَ وَ مِنَ الْیَقِیْنِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَیَّ مَصائِبَ الدُّنْیَا وَ مَتِّعْنِیْ اللَّهُمَّ بِسَمْعِیْ وَ بَصَرِیْ وَ دِیْنِیْ وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّیْ وَاجْعَلْ ثَأْرِیْ عَلَی مَنْ ظَلَمَنِیْ وَانْصُرْنِیْ عَلَی مَنْ عَادَانِیْ وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْیَا اَكْبَرَ هَمِّیْ وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِیْ وَ لَا اِلَی النَّاسِ مَصِیْرِیْ.

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِنُوْرِكَ وَ نُوْرِ وَجْهِكَ الْكَرِیْمِ، وَ سُلْطَانِكَ الْعَظِیْمِ، تَوْبَةً صَادِقَةً وَ اَوْبَةً خَالِصَةً وَ اِنَابَةً كَامِلَةً وَ مَحَبَّةً عالِیَةً وَ شَوْقًا اِلَیْكَ وَ رَغْبَةً فِیْمَا لَدَیْكَ وَ فَرَجًا عَاجِلًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ لِسَانًا رَطْبًا بِذِكْرِكَ وَ قَلْبًا مُنَعَّمًا بِشُكْرِكَ وَ بَدَنًا هَیِّنًا لَیِّنًا بِطَاعَتِكَ وَ اَعْطِنَا مَا لَا عَیْنٌ رَاَتْ وَلَا اُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلی قَلْبِ بَشَرٍ.

اَللَّهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ اِلَّا اِلَیْكَ وَ مِنَ الذُّلِّ اِلَّا لَكَ وَ مِنَ الْخَوْفِ اِلَّا مِنْكَ وَ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَقُوْلَ زُوْرًا اَوْ اَغْشَی فُجُوْرًا اَوْ

اَكُوْنَ بِكَ مَغْرُوْرًا وَ نَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَماتَةِ الْاَعْدَاءِ وَ عُضَالِ الدَّاءِ وَ خَيْبَةِ الرَّجَاءِ وَ زَوَالِ النِّعَمِ وَ فُجَاءَةِ النِّقَمِ وَارْزُقْنَا حَلَاوَةَ مُنَاجَاتِكَ وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيْلَ مَرْضَاتِكَ وَاقْطَعْ عَنَّا كُلَّ مَا يُبْعِدُنَا عَنْ خِدْمَتِكَ وَ طَاعَتِكَ وَ اَنْقِذْنَا مِنْ دَرَكَاتِنَا وَ غَفَلَاتِنَا وَ اَلْهِمْنَا رُشْدَنا وَ حَقِّقْ فِيْكَ قَصْدَنا وَاسْتُرْنا فِى دُنْيَانا وَ آخِرَتِنَا وَاحْشُرْنا فِى زُمْرَةِ الْمُتَّقِيْنَ وَ اَلْحِقْنَا بِعِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرَارِ، وَ اَسْكِنَّا مَعَهُمْ فِى دَارِ الْقَرَارِ، وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُخَالِفِيْنَ الْفُجَّارِ، وَ وَفِّقْنَا لِحُسْنِ الْاِقْبَالِ عَلَيْكَ وَ الْاِصْغَاءِ اِلَيْكَ وَ الْمُبَادَرَةِ اِلَى خِدْمَتِكَ وَ حُسْنِ الْاَدَبِ فِى مُعَامَلَتِكَ وَ التَّسْلِيْمِ لِاَمْرِكَ وَ الرِّضَاءِ بِقَضَائِكَ وَ الصَّبْرِ عَلَى بَلائِكَ وَ الشُّكْرِ لِنَعْمَائِكَ وَ اَعِذْنَا مِنْ اَحْوَالِ الشَّقَاءِ وَ وَفِّقْنَا لِاَعْمَالِ اَهْلِ التُّقَى وَارْزُقْنَا الْاِسْتِعْدَادَ لِيَوْمِ اللِّقَاءِ يَامَنْ عَلَيْكَ الْاِعْتِمَادُ وَ الْمُتَّكَلُ.

اَللّٰهُمَّ انْهَجْ بِنَا مَنَاهِجَ الْمُفْلِحِيْنَ وَ اَلْبِسْنا خِلَعَ الْاِيْمَانِ وَ الْيَقِيْنِ وَ خُصَّنَا مِنْكَ بِالتَّوْفِيْقِ الْمُبِيْنِ وَ وَفِّقْنَا لِقَوْلِ الْحَقِّ وَ اتِّبَاعِهِ وَ خَلِّصْنَا

مِنَ الْبَاطِلِ وَ ابْتِدَاعِهِ وَ كُنْ لَنَا مُؤَيِّدًا وَ لَا تَجْعَلِ الْفاجِرَ عَلَيْنَا يَدًا وَاجْعَلْ لَنَا عَيْشًا رَغَدًا وَ لَا تُشْمِتْ بِنَا عَدُوًّا وَ لَا حَاسِدًا وَارْزُقْنا عِلْمًا نَافِعًا.

اَللّٰهُمَّ عَامِلْنَا بِغُفْرَانِكَ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ وَاِحْسَانِكَ وَ نَجِّنَا مِنَ النَّارِ وَ عَافِنَا مِنْ دَارِ الْخِزْىِ وَالْبَوَارِ ، وَ اَدْخِلْنَا بِفَضْلِكَ الْجَنَّةَ دَارَ الْقَرَارِ، وَاجْعَلْنَا مَعَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ فِىْ دَارِ رِضْوَانِكَ.

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْ هَذَا آخِرَ عَهْدِىْ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ الْعَظِيْمِ، وَارْزُقْنِىَ الرُّجُوْعَ اِلَيْهِ مَرَّاتٍ كَثِيْرَةٍ بِلُطْفِكَ الْعَمِيْمِ، وَاجْعَلْنِىْ مُفْلِحًا مَرْحُوْمًا مُسْتَجَابَ الدُّعَاءِ فَائِزًا بِالْقَبُوْلِ وَ الرِّضْوَانِ وَ التَّجَاوُزِ وَ الْغُفْرَانِ وَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ الْوَاسِعِ وَ بَارِكْ لِىْ فِى جَمِيْعِ اُمُوْرِىْ وَ ما اَرْجِعُ اِلَيْهِ فِى اَهْلِىْ وَ مَالِىْ وَ اَوْلَادِىْ.

رَبَّنَا آتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ، وَاغْفِرْلَنَا وَ لِوَالِدَيْنَا وَ ذُرِّيَّاتِنَا وَ اِخْوَانِنَا وَ اَهْلِيْنَا وَ الْحَاضِرِيْنَ وَ

الْغَائِبِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ اَجْمَعِيْنَ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ صَحْبِهِ اَجْمَعِيْنَ.

«هیچ معبودی بجز الله نیست. او یگانه است و شریکی ندارد و ملک و هستی از آن او و حمد و ستایش مخصوص اوست. زنده می کند و می میراند و او زنده و پایدار است که هرگز نمی میرد. خیر و نیکی به دست اوست و او بر انجام هر کاری تواناست و قدرتش بر هر چیزی جاری است. معبودا! تو به من توفیق دادی و مرا بر آنچه برایم میسّر نمودی سوار نمودی تا اینکه به فضل و احسانت به زیارت خانه ات و وقوف به این مشعر بزرگ رساندی با پیروی از سنت دوستت و روش برگزیده مخلوقات، سرورمان حضرت محمدﷺ . بدرستی که برای هر مهمانی پذیرایی و برای هر سفیری جایزه ای و برای هر زیارت کننده ای عزت و احترامی و برای هر گدایی، عطایی و برای هر امیدواری پاداشی و برای هر مشتاق و شیفته ای به تو، منزلتی و برای هر روی آورنده ای به تو، بخشش و احسانی است. بارخدایا! ما در این مشعر بزرگ، امیدوار به رحمت تو ایستاده ایم پس ما را از درگاه خود ناامید مگردان ای سرور و مولای ما، ای کسی که تمامی موجودات در برابر عزت و شرافت او خاضع اند و چهره ها در مقابل عظمت و بزرگواری او رنگ می بازند.

پروردگارا! ما به سوی تو خارج شده و در درگاه تو ساکن شدیم و به تو امید بستیم و آنچه را نزد توست می طلبیم و به فضل و بخشش تو چشم دوخته و به رحمت تو امیدواریم. بار خدایا! از عذاب تو می ترسیم و به زیارت خانه محترم تو آمده ایم. ای کسی که کلید حاجت نیازمندان نزد توست و به اسرار خاموشان آگاهی، ای کسی که همراه او پروردگاری نیست که خوانده شود و نه هیچ معبودی که به او امید بسته شود و بالاتر از او هیچ آفریدگاری نیست که از او ترسیده شود و نه او وزیری دارد که چیزی بستاند و نه دربانی که به او رشوه داده شود و از کثرت خواسته ها و حاجات نیازمندان جز بخشش و سخاوتش افزون نمی گردد. معبودا! تو حال مرا می بینی و سخن مرا می شنوی و بر پنهان و پیدا و تمامی کارهایم آگاهی و هیچ یک بر تو پوشیده نیست. من بنده فقیر و بی چیز و درمانده توام که از عذابت ترسانم و به گناهان خود اعتراف می کنم. بارخدایا! با درماندگی و بیچارگی حاجت خود را از تو می طلبم و به مانند یک گنهکار ذلیل به درگاه تو توبه می کنم و به مانند بنده ای که از عذابت ترسان و در برابر تو خاضع و جسمش در مقابل تو خوار و فروتن و چشمانش گریان است تو را می خوانم و از تو می خواهم که مرا بدبخت نکنی و بر من مهربان و رئوف باشی. ای بهترین ولی و سرپرست و ای برترین بخشندگان.

پروردگارا! ما را به راه راست هدایت فرما و جامه تقوا و پرهیزگاری بر ما بپوشان و گناهان ما را در دنیا و آخرت بیامرز. معبودا! در قلبم، در گوش و چشم و زبانم از جانب راست و چپم و از بالا و پایینم و در باطنم نور قرار بده و نور مرا بزرگ گردان. بار خدایا! به من صبر و سینه ای گشاده عطا کن و کارهایم را آسان گردان. پروردگارا! از تو هدایت و پرهیزگاری و پاک دامنی و بی نیازی می طلبم. خدایا! این زیارت را زیارتی نیکو و مایه بخشش گناهان و عملی صالح و مورد قبول خودت قرار بده. معبودا! من به سوی تو آمده ام و در مقابل تو در این مکان شریف، امیدوار به رحمت و بخشش تو ایستاده ام پس مرا ناامید ترینِ مهمانان خود قرار مده و بهشت را به من ارزانی دار و با بخشش گناهانم و دور کردن خطا و لغزش از من بر من منت گذار و مرا از عذاب آتش نجات بده و از شرّ بندگانت حفظ کن. بار خدایا! امیدم از همه جز تو قطع گردیده و همه درها جز درهای رحمت تو به رویم بسته شده است پس مرا در امور دین و دنیایم به هیچ کس جز خودت نیازمند مکن و مرا از خواری معصیت به عزت طاعت و فرمانبرداریت رهنمون گردان و قلبم را به نور معرفتت و قبرم را به نور رحمتت نورانی کن و مرا از تمامی بدیها محفوظ بدار و به تمام نیکویی ها آراسته ساز ای بخشنده ترین بخشندگان. معبودا! بهترین روزهای عمرم را آخر آن

قرار بده و بهترین کردارم را عاقبت کارم و بهترین روزهایم را روز دیدار با خودت بگردان. پروردگارا! مرا به امر و فرمانت ثابت قدم کن و به یاری ات محکم و استوار گردان و از فضل و بخششت به من روزی عطا کن و در روزی که بندگانت را محشور می گردانی از عذابت نجات بده. بارخدایا! با امید به رحمت تو به درگاهت آمده ایم در حالی که از دیار خود دور گشته و مناسک تو را بجا آورده و فریضه تو را انجام داده و از کتاب تو پیروی نموده و مطیع امر تو گشته ایم. معبودا! از سنگدلی خود نزد تو شکایت می کنم و از گناه خود ترسانم و به نفس خود ستم کرده و به جرم خود آگاهم. پروردگارا! تو را به مانند سائلی می خوانم که گناهان بسیاری مرتکب شده و امید و آرزویش قطع گردیده و خطاهایش باقی مانده و اشک از دیدگانش جاری گشته و عمرش به پایان رسیده است. کسی که برای خود آمرزنده ای جز تو نمی یابد و نه کسی که آرزوهایش را به خیر و نیکی برآورده سازد و دل شکسته اش را آرام و قرار بخشد ای مهربان ترین مهربانان و بدرستی که هیچ قدرت و نیرویی جز از خدای بلند مرتبه بزرگ نتواند بود. معبودا! تو را به دعایی که خود به من آموخته ای خواندم پس مرا از امید و آرزویی که خود آن را به من شناساندی محروم مکن ای کسی که طاعت و فرمانبرداری مخلوقات به او سودی نمی رساند و

سرکشی آنان نیز به او ضرری نمی رساند. بار خدایا! آنچه را که دوست دارم به من عطا کردی پس آن را وسیله ای برای آنچه تو دوست داری قرار بده و آن را برایم خیر و نیکی بگردان. فرمانبرداری از خودت و عمل به آن را مورد علاقه ام قرار بده همان طور که مورد علاقه دوستانت قرار دادی و ثواب آن را نصیب شان گرداندی. از تو می خواهم همان طور که مرا به اسلام هدایت کردی تا روزی که زنده ام آن را از من جدا نکنی.

پروردگارا! ایمان را مورد علاقه ام قرار ده و آن را در دلم آراسته گردان و کفر و فسق و سرکشی را در نظرم زشت و ناخوشایند کن و مرا از جمله ره یافتگان قرا بده. معبودا! عمر ما را به خیر و نیکی ختم بگردان، آرزوهایمان را به فضل و کرمت برآورده کن، راهمان را برای رسیدن به خشنودی ات هموار گردان و در تمامی احوال، کردار ما را نیک گردان ای فریاد رس غرق شدگان در گرداب معصیت ها و ای نجات دهنده خلق از هلاکت و نابودی، ای آگاه بر تمامی اسرار و ای پناه و مرجع در شکایت ها و ای کسی که احسان و بخشش او همواره بوده و هست و علم و دانشش همیشگی است، ای روزی دهنده همه مخلوقات، ای کسی که بازگشت همه به سوی اوست! دست های نیازمندان به سوی تو بلند شده و گردنهای عبادت

کنند گان به سوی تو دراز شده است، از تو می خواهیم که ما را در زیر سایه رحمت و بخششت و در پناه و امنیت خود قرار دهی.

بار خدایا! از سختی بلاها و مشکلات و بدی قضا و قدر و شادکامی دشمنان و بدی جایگاه در مال و اهل و فرزند به تو پناه می بریم. پروردگارا! در اینجا هیچ گناهی بر من مگذار جز آنکه عفو کنی و نه هیچ غصه ای جز آنکه مبدّل به نشاط کنی و نه هیچ غایبی جز آنکه او را به من برگردانی و نه هیچ اندوهی جز آنکه آن را برطرف سازی و نه هیچ قرضی مگر اینکه آن را ادا کنی و نه هیچ دشمنی را جز آنکه شرّ او را از من دور کنی و نه فسادی مگر اینکه آن را اصلاح کنی و نه هیچ بیماری، مگر اینکه او را شفا دهی و نه هیچ خللی مگر اینکه آن را پر کنی و از تو عاجزانه درخواست می کنم که هر حاجت و نیازی چه دنیوی و چه اخروی که رضا و خشنودی تو و صلاح من در آن است را برآورده گردانی. بدرستی که تو به راه راست هدایت میکنی و شکسته را التیام می بخشی و فقیر و نیازمند را بی نیاز می گردانی.

بار خدایا! اگر تو مرا بخواهی هیچ کس نمی تواند مرا از تو منع کند و اگر تو مرا محروم گردانی کسی نمی تواند به من بذل و بخشش کند پس مرا به سبب کمیِ شکر گزاری ام محروم مکن و به اندکی صبرم خوار مگردان. پروردگارا! مرگ را

بهترین غایبی قرار بده که منتظر آن هستیم و قبر را بهترین خانه ای که آن را آباد می کنیم و بعد از آن برای ما خیر قرار بده. پروردگارا! گناهان من و پدر و مادر، فرزندان، برادران، اهل بیتم و مردان و زنان مؤمن و مسلمان را چه زنده و چه مرده بیامرز.

معبودا! از تو ایمانی قلبی و یقینی صادق می طلبم تا اینکه بدانم جز آنچه تو برایم مقدّر ساخته ای بر من نمی رسد و مرا به آنچه مقدّر کردی راضی و خشنود بگردان و با عفت و قناعت بر دین و با طاعت و فرمانبرداریت در مقابل مشکلات دنیا یاری کن و زبانم را از دروغ گفتن و قلبم را از دورویی و نفاق و کردارم را از ریا و دیدگانم را از خیانت پاکیزه دار بدرستی که تو چشمان خیانتکار را می شناسی و برآنچه در سینه ها پنهان است آگاهی. معبودا! بر غربت و دوری ام در دنیا و ضعف و ناتوانی ام در هنگام مرگ و وحشت و تنهایی ام در داخل قبر و به این مقام ناچیزم در مقابل عظمتت رحم کن. بارخدایا! سلام نام توست و سلامتی از جانب توست بدرستی که تو پاک و منزه و بلند مرتبه هستی ای صاحب جلال و بزرگواری. پروردگارا! ملک و هستی از آن توست و هیچ معبودی جز تو نیست و من بنده تو هستم که به نفسم ستم کرده ام و به گناه خود اعتراف می کنم پس گناهان مرا بیامرز

بدرستی که هیچ آمرزنده ای جز تو نیست و مرا به نیکوترین اخلاق راهنمایی کن چرا که هیچ کس جز تو به نیکوترین اخلاق راهنمایی نمی کند و مرا از خُلق و خوی زشت دور کن چون به راستی هیچ کس جز تو انسان را از بدی ها دور نمی کند. من فرمانبردار و مطیع امر تو هستم، چرا که خیر و نیکی به دست توست پس از تو آمرزش می طلبم و به درگاه تو بر می گردم.

بار خدایا! مرا زنده بدار تا زمانی که زنده بودن را برایم نیک می دانی و بمیران هنگامی که مردن را برایم بهتر می دانی و مرا به درست ترین امور هدایت کن و از شرّ وسوسه های نفسم پناه بده. معبودا! عاقبت کارهای ما را خیر و نیکی قرار بده و از رسوایی دنیا و عذاب آخرت امانمان ده و به غربت و دوری ام در دنیا و به تضرّع و زاری ام در هنگام مرگ و تنهایی ام در قبر و به این مقام ناچیزم در مقابل عظمتت رحم کن. پروردگارا! تو را به اسم پاک و مبارک و محبوبت می خوانم، اسم مبارکی که اگر با آن خوانده شوی اجابت می کنی و اگر با آن از تو طلب رحمت و گشایش شود رحم می کنی و غم و غصه را می گشایی. از تو می خواهم که مرا از کفر و فقر و کاستی و مرض و تمامی بیماری ها و دردها حفظ کنی و آغاز و پایان خیر و اول و آخر خیر و آشکار و پنهان خیر و درجات عالی به من ارزانی داری.

معبودا! از تو درخواست می کنم که به من گشایشی نزدیک، پیروزی گرانمایه، صبر زیبا، فتح آشکار، علم بسیار و سودمند، روزی گسترده و مبارک و پاک، سلامتی از هر بلا، عافیت و سلامتی کامل و شکر گزاری بر سلامتی را عطا کنی. پرودرگارا! چنان ترس و تقوایی به من ارزانی دار که مانع معصیت و نافرمانی من نسبت به تو شود و چنان اطاعت و فرمانبرداریی بده که مرا به بهشت برینت نایل گرداند و چنان یقینی روزی ام کن که مشکلات و سختی های دنیا را بر من آسان گرداند. بار خدایا! مرا از گوش و چشم و دینم بهره مند گردان و آن را وارث من قرار بده، انتقام مرا از کسانی که بر من ستم کردند بگیر، مرا بر دشمنانم پیروز گردان و دنیا را مهمترین مسئله زندگی ام و هدف علم و دانشم و مایه نیاز و بازگشتم به سوی مردم قرار مده. معبودا! به نورت و نور ذات کریمت و به حق سلطان و پادشاهی بزرگت از تو درخواست می کنم که به من توبه و بازگشتی صادق و خالص و کامل و محبت والا عطا کنی و اشتیاق و رغبت به خودت و به آنچه نزد توست گشایشی نزدیک، روزی وسیع، زبانی ذاکر، قلبی شکر گزار و جسمی خاضع در فرمانبرداری و اطاعتت را به من ارزانی داری و به ما آنچه که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر هیچ قلبی خطور نکرده روزی گردانی.

بار خدایا! به تو پناه می بریم از فقر و نیاز مگر نیاز به تو و از خواری و ذلت در برابر دیگران مگر خواری در مقابل تو و از ترس از مخلوقاتت مگر ترس و تقوای از تو و به تو پناه می برم از اینکه دروغ بگویم یا فسق و فجوری را مرتکب شوم و یا به سبب بخشند گی تو فریب بخورم. پرورد گارا! از شاد کامی دشمنان، درد بی درمان، نا امیدی، نابودی نعمت ها و عذاب ناگهانی به تو پناه می بریم و از تو می خواهیم که شیرینی راز و نیازت را به ما بچشانی، ما را در راه رضایت و خشنودیت رهنمون سازی، هر آنچه ما را از خدمت و فرمانبرداریت دور می کند از بین ببری، ما را از ضرر و زیان ها و غفلت هایمان نجات دهی، راه مستقیم را به ما الهام نمایی، هدف ما را در خودت محقّق گردانی، در دنیا و آخرت خطاها و عیب های ما را بپوشانی، ما را در زمره پرهیز گارانت محشور گردانی و به بند گان نیکوکارت ملحق کنی.

معبودا! ما را در زمره امامان پرهیزگار و نیکوکارت قرار بده و به همراه آنان در منزلگاه سلامت (بهشت) ساکن گردان و ما را از جمله مخالفان بدکار و فاسدت قرار مده. بار خدایا! به ما توفیق بده تا با نیکویی به تو روی آورده و به اوامرت گوش فرا دهیم و به خدمت تو مبادرت ورزیده و حسن ادب را در رفتار با تو رعایت کرده و تسلیم امر تو و خشنود به قضا و قدر تو باشیم و در مقابل بلاها و سختی ها صبور

و بردبار و در برابر نعمت های بی کرانت شکر گزار باشیم. معبودا! عاجزانه از تو می طلبیم که ما را از شقاوت و بدبختی برهانی و به انجام کارهای پرهیزگاران توفیق دهی و ما را برای روز وصالت آماده گردانی ای کسی که تکیه و اعتماد ما بر اوست.

پروردگارا! ما را از جمله رستگاران قرار ده، لباس ایمان و یقین را بر ما بپوشان، ما را به توفیق آشکار مخصوص گردان، به ما توفیق گفتن سخن حق و پیروی از آن را عطا کن و از باطل و پیروی از آن رهایی بخش، یاری گر ما باش و بدکار فاسد را بر ما مسلط مگردان، زندگی مرفه و آرام به ما ارزانی دار، دشمنان و حسودان ما را به سبب ما خشنود و شادکام مکن و به ما علم سودمند نصیب گردان. بار خدایا! با آمرزش و بخشایشت با ما رفتار کن، با فضل و احسانت بر ما منت گذاشته از عذاب آتش نجات بده و از منزلگاه خواری و نابودی (جهنم) حفظ کن و به فضلت ما را بر منزلگاه سلامت (بهشت) داخل کن و ما را در بهشت همراه کسانی قرار بده که بر آنان نعمت داده ای. معبودا! این را آخرین عهد و دیدارم برای زیارت این مکان شریف قرار مده و به لطف و کرمت زیارت آن را در دفعات بسیار نصیبم گردان. ای خدای من! از تو درخواست می کنم که مرا رستگار و مورد رحمت خویش قرار دهی، دعایم را اجابت کنی، زیارتم را بپذیری، از من راضی و خشنود باشی، گناهانم

را بیامرزی، رزق حلال و گسترده نصیبم گردانی و در تمامی کارهایم و در خانواده و مال و فرزندانم به من برکت عطا کنی.

پروردگارا! به ما در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش برهان و گناهان ما و پدر و مادر و فرزندان و برادران و تمام اهل خانوادهٔ مان و تمامی مسلمانان چه حاضر و چه غایب را بیامرز. به رحمت تو ای مهربانترین مهربانان و درود خداوند بر سرورمان حضرت محمدﷺ و بر آل و اصحابش باد».

جمع بین صلاتین در عرفات

در روز عرفه اگر امکان داشت نماز را در **مسجد نَمِره**[1] با امام ادا نماید. در این روز نماز ظهر و عصر با یک اذان و دو اقامه ادا می گردد. بعد از ادا کردن فرض ظهر فوراً فرض عصر ادا کرده می شود و در میان دو نماز، سنت و نفل خوانده نمی شود؛ البته بعد از هر نماز تکبیرات تشریق گفته می شود. برای جمع بین دو نماز شرایطی وجود دارد که ذکر می گردد:

۱ ـ اینکه مقام عرفات باشد.

۲ ـ روز نهم ذی الحجه باشد.

---

۱ – کنار حدود عرفات مسجدی است که آن را مسجد حضرت ابراهیم(ع) می نامند و مشهور به مسجد نَمِرَه است.

۳ ـ اینکه امام یا نایبش حاضر باشد.

٤ ـ در حالت احرام باشد.

ه ـ اینکه نماز ظهر قبل از نماز عصر ادا گردد.

اگر از این شرایط پنجگانه یکی وجود نداشت، جمع بین دو نماز در یک وقت صحیح نیست اما اگر نمازها را در خیمه ها ادا می کند هریک را بوقت خود بجا آورد.

تذکر

اگر در روز عرفه امام مقیم باشد ولی با این وجود نمازها را قصر نماید، برای احناف اقتدا صحیح نیست؛ خواه مقتدی مسافر و خواه مقیم باشد.

فرق جمع بین دو نماز در عرفه و بین دو نماز در مزدلفه

۱ـ جمع بین دو نماز در مزدلفه واجب است ولی در عرفه سنت است.

۲ـ جماعت در جمع بین این دو نماز در مزدلفه شرط نیست ولی در عرفه بدون جماعت صحیح نیست.

۳ـ در جمع دو نماز در مزدلفه، خطبه سنت نیست ولی در عرفه در جمع دو نماز، خطبه سنت است.

٤ ـ جمع دو نماز در مزدلفه به یک اذان و یک اقامت خوانده می شود.

وقت وقوف به عرفه

وقوف به عرفه بعد از زوال آفتاب و بعد از ادای نماز ظهر و عصر شروع می شود. اگر چه وقوف در هر جای عرفات جواز دارد ولی در صورتی که میسّر بود، بهتر آن است که در نزدیک جبل الرحمه در دامنه این کوه متبرک باشد و چون در این مکان مقدس وقوف نمود، با قلب سرشار از خشوع و تضرّع و چشم گریان و امید واثق به رحمت پروردگار و ترس و خوف از عذاب پروردگار، دستها را به سوی آسمان بلند کرده و به دعا و ثنا و استغفار مشغول گردد.

حاجی بکوشد تا هیچ موقع از دعا و زاری و استغفار و تضرّع به درگاه رب العزة و الجلال غافل نماند؛ چرا که پیامبر اکرمﷺ فرموده اند: «بهترین دعاها دعای روز عرفه است» و در این مکان مقدس و متبرک با خدای خویش عهد و پیمان کند که از گناه اجتناب ورزیده و از اوامر خدای تعالی پیروی کرده و از نواهی وی اجتناب و دوری نماید و حقوق مردم را به آنان برگرداند و از ظلم و ستم و مردم آزاری دوری کند و بر مسلمانان و والدین خویش و نفس خود دعای مغفرت و رحمت نماید و هر اندازه که می تواند دعا و تضرّع کند که محل اجابت است.

تذکر

۱ ـ کاملاً متوجه باشد که قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج نگردد.

۲ ـ درّه یا رودی که در غرب عرفات بنام وادی عُرَنه یاد می شود اگر چه جزئی از عرفات است، ولی موقف شمرده نمی شود. اگر کسی فقط در همین جا وقوف نموده و به عرفات داخل نگردید وقوفش صحیح نشده، بنابراین حَجّش باطل است.

شروط صحت وقوف به عرفه

برای آنکه وقوف به عرفه صحیح شود، چهار چیز شرط است. اگر یکی از اینها ترک شود، وقوف صحیح نیست و حج باطل می گردد. این شروط عبارتند از:

۱ ـ مسلمان بودن: پس وقوف کافر، چه اصلی و چه مرتد صحت ندارد.

۲ ـ مُحرم بودن به حج: وقوفش وقتی درست است که قبلاً محرم گردیده و در احرام داخل شده باشد و کسی که نیت حج نکرده و به احرام حج داخل نشده، اگرچه به عرفه وقوف نماید، وقوف وی باطل و ساقط است.

۳ ـ واقع شدن وقوف در زمین عرفات: وقوف در غیر زمین عرفات، اگر چه به طریق خطا و اشتباه باشد، وقوف شمرده نشده و حَجّش درست نمی باشد.

٤ ـ واقع شدن وقوف در وقت معین آن: وقت وقوف به عرفه از زوال آفتاب روز نهم ذی الحجه شروع شده و به طلوع صبح صادق روز دهم آن خاتمه می پذیرد. اگر کسی و لو چند لحظه از این وقت را در عرفات بگذراند، وقوفش تحقّق پذیرفته و حجّش صحت می یابد؛ ولی اگر در هیچ لحظه ای از این وقت در عرفات وقوف ننماید، حج وی باطل می گردد.

احکام وقوف به عرفه

احکام وقوف به عرفه عبارتند از:

واجبات وقوف

در وقوف به عرفه یک چیز واجب است و آن استمرار وقوف تا غروب آفتاب است؛ از این جهت اگر کسی پیش از غروب آفتاب از عرفات خارج شد، وقوفش صحیح بوده ولی به ترک این واجب، دم بر وی لازم می شود.

تذکر

الف ـ کسی که به عرفات بعد از غروب آفتاب داخل می شود و در شب وقوف می نماید، این واجب از وی ساقط می گردد.

ب ـ اگر کسی قبل از غروب آفتاب از عرفات خارج گردیده و هنوز آفتاب غروب نکرده، به عرفات بازگشت دم از وی ساقط می شود ولی اگر بعد از غروب آفتاب بازگشت، دم بر وی لازم است.

ج ـ در وجوب دم به سبب خارج شدن از عرفات قبل از غروب آفتاب فرقی بین خارج شدن با عذر و یا بدون عذر نیست. اگر کسی آگاه یا ناآگاه باشد مثلاً برای پیدا کردن رفیق خود یا دیگر کاری پیش از غروب آفتاب از عرفات خارج شده و تا غروب برنگردد، دم بر وی لازم است.

سنتهای وقوف

۱ ـ غسل کردن قبل از وقوف در صورت میسّر بودن.

۲ـ خطبه خواندن امام و یا نایبش بعد از زوال و یا پیش از نماز در مسجد «نَمِرَه».

۳ ـ توجه به سوی موقف بعد از ادای نماز بدون تأخیر.

٤ ـ وقوف جزئی از شب در عرفات مثلاً ده الی پانزده دقیقه بعد از غروب.

٥ ـ عدم تأخیر بسیار در رفتن به سوی مزدلفه.

تذکر

وقت مسنونهٔ حرکت کردن از عرفات بسوی مزدلفه، بعد از غروب آفتاب است.

مستحبات وقوف

۱ ـ آماده شدن برای وقوف.

۲ ـ گفتن تلبیه زیاد.

۳ ـ استمرار در دعا و ذکر و استغفار تا غروب آفتاب.

٤ ـ داشتن امید راسخ به عفو و رحمت پروردگار.

۵ ـ اظهار عجز و فروتنی.

٦ ـ بالا کردن دستها به سوی آسمان در هنگام دعا کردن.

۷ ـ با طهارت بودن.

۸ ـ روی آوردن به قبله هنگام دعا.

۹ ـ قرار گرفتن هر چه نزدیکتر به امام مسلمین، البته در صورت موجود بودن وی.

۱۰ ـ دوری نجستن از آفتاب مگر به سبب عذر.

۱۱ ـ خود داری از کلام و سخن غیر ضروری.

۱۲ ـ لطف خوش و همکاری و مهربانی با همراهان.

۱۳ ـ سعی و کوشش به اعمال خیر.

۱٤ ـ صدقه دادن و دستگیری و کمک به درماند گان.

۱۵ ـ شروع و ختم دعا با حمد و ثنای خداوند و درود بر نبی اکرمﷺ.

مکروهات وقوف

۱ ـ تأخیر نمودن در وقوف به عرفه بعد از نماز ظهر و عصر.

۲ ـ خوابیدن و یا استراحت نمودن در راه بین عرفات و مزدلفه بدون عذر.

۳ ـ غفلت و سهل انگاری در دعا هنگام وقوف.

٤ ـ تأخیر در حرکت به سوی مزدلفه از وقت معین آن.

۵ ـ ترک سنتی از سنتهای وقوف.

٦ ـ ادای نماز مغرب و یا عشاء در راه بین عرفات و مزدلفه.

۷ ـ شتاب نمودن هنگام رفتن به سوی مزدلفه.

شب گذراندن در مزدلفه

بعد از اینکه حاجی تا غروب آفتاب در عرفه وقوف نمود، بدون آنکه نماز مغرب را بخواند به طرف مزدلفه حرکت نماید؛ هنگامی که به مزدلفه رسید، جای

مناسبی برای خوابیدن و استراحت کردن انتخاب نماید. اگر وقت نماز عشاء داخل گردیده بود، بدون معطلی نماز مغرب و عشاء را با هم در مسجد و با جماعت اداء نماید و اگر رفتن به مسجد برایش مشکل بود، همان جایی که قرار دارد با حجاج دیگر جماعت کند.

قبل از استراحت کردن، برای خود جهت زدن جمره ها در روزهای آینده ٤٩ و یا ٧٠ دانه ریگ جمع آوری و تهیه نماید، گر چه این ریگ ها از هر جایی که باشد جواز دارد؛ ولی بهتر آن است که از مزدلفه باشد.

بعد از ادای نماز مغرب و عشاء و تهیۀ ریگ، غذای شب را صرف نموده و تا هنگام خواب، به ذکر و دعا و استغفار و درود بر پیغمبر ﷺ مشغول گردد. به این ترتیب اعمال و مناسک روز نهمش که روز عرفه است، به پایان می رسد.

چند تذکر

۱ـ نماز مغرب و عشاء در مزدلفه به یک اذان و یک اقامه به وقت عشاء اداء می گردد.

۲ـ در بین نماز مغرب و عشاء نماز دیگری از سنت و یا نفل خوانده نمی شود.

۳ـ بعد از ادای فرض مغرب و فرض عشاء، باید اول سنت مغرب، بعد از آن سنت عشاء و در آخر وتر واجب را اداء نماید.

٤ـ اگر حاجی پیش از داخل شدن وقت عشاء به مزدلفه رسید، نباید به خواندن نماز مغرب و یا عشاء مبادرت ورزد، بلکه باید انتظار بکشد تا آنکه وقت عشاء داخل گردد و سپس بین هر دو نماز جمع نماید.

٥ ـ اگر کسی نماز مغرب و یا عشاء و یا هر دو را در عرفات و یا در بین راه عرفات به مزدلفه خوانده بود، هنگام رسیدن به مزدلفه، باید آنرا دوباره اداء نماید، ولی اگر تا طلوع فجر روز دهم، دوباره اداء ننمود، همان نماز اولی اش با کراهت صحت پیدا کرده و قضایی بر وی نیست.

٦ـ مکروه است برای امام و مقتدی که در بین نماز ظهر و عصر که به وقت ظهردر مسجد نمره در عرفات می خوانند به سنت و نفل یا کار دیگری مثل خوردن و آشامیدن و سخن گفتن مشغول شود اگر چه سنت بعدی ظهر یا سنت قبلی عصر باشد و اگر این تأخیر از جانب امام بود برای مقتدی مکروه نیست که بین این دو، نماز نفل بخواند تا وقتی که امام شروع به نماز عصر کند.

مناسک و اعمال روز دهم

روز دهم ذی الحجه، اولین روز از روزهای نحر و روز اول عید قربان است و می توان گفت که این روز از پُر زحمت ترین روزهای حج است؛ زیرا اکثر اعمال و مناسک پُر زحمت حج، در این روز انجام می گیرد و این اعمال و مناسک به تفصیل در ذیل بیان می گردد.

۱- وقوف به مشعر الحرام

بعد از اینکه حاجی شب را به مزدلفه گذراند، بکوشد تا قبل از صبح از خواب بیدار گردیده و طهارت کرده و خود را برای ادای نماز صبح آماده نماید، بعد از طلوع صبح بدون تأخیر نماز را به جماعت اداء نماید.

چون وقوف به مشعر الحرام بعد از نماز صبح از واجبات است، بکوشد تا به مشعر الحرام که به طرف جنوب مزدلفه قرار دارد رفته و در آنجا دقایقی چند به دعا، تکبیر، تهلیل و استغفار مشغول گردد.

اگر رفتن تا مشعر الحرام برایش میسر نگردید، در هر جای دیگری از مزدلفه که برایش امکان پذیر است، لحظاتی وقوف نموده و به دعا و ذکر و استغفار مشغول گردد.

حرکت به سوی مزدلفه

شب مشعر شب راز و نیاز است — در رحمت به روی خلق باز است
رسد آواز هَلْ مِنْ تَائِبٍ باز — گنهکاران کنون وقت نیاز است
بیایید ای گنهکاران بیایید — که حق بخشنده و بنده نواز است
فغان و ناله و آه گنهکار — به تاریکی شب بس چاره ساز است
نفس باقی و فرصت هست در دست — الا ای عاصیان هنگام راز است

ماندن در عرفات تا غروب آفتاب واجب است و بعد از غروب همراه امام به سمت مزدلفه حرکت کند. متوجه باشد که قبل از امام حج، حرکت نکند. در بین عرفه و مزدلفه دو کوه واقع است که از آنها می گذرد. وقتی نزدیک مزدلفه رسید، مستحب است که پیاده وارد شود، در راه با وقار و آرامش حرکت کند[1] و به کثرت به ذکر الله و تلبیه مشغول باشد و در مزدلفه با مردم قیام کند و از مردم جدا نباشد و برای خود جهت زدن جمره ها در روزهای آینده، ۷۰ دانه ریگ تهیه نماید.

---

۱ – زیرا که مزدلفه از حرم محترم می باشد. ص۲۳٦ ارشاد السّاری لِمُلّا علی القاری.

کیفیت ادای نماز در مزدلفه

وقتی که وارد مزدلفه شد اگر توانست به مسجد مشعرالحرام[1] برود و نماز مغرب و عشاء را با جماعت ادا کند. خواندن نماز مغرب در وقت مغرب و در عرفات و در راه صحیح نیست؛ بلکه آن را در وقت عشاء با نماز عشاء به یک اذان و یک اقامه، بر پا نماید به نحوی که اول نماز مغرب را بخواند و بعد نماز عشاء را. بین نمازهای مغرب و عشاء نمازهای سنت و نفل ترک می شود. برای جمع کردن بین این دو نماز چند شرط لازم است که عبارتند از:

۱- مُحرِم باشد.

۲- قبل از آن، وقوف به عرفه انجام شده باشد.

۳- شب دهم ذی الحجه و قیام در مزدلفه باشد.

٤- وقت عشاء باشد.

تذکر

جمع بین این دو نماز واجب است و جماعت شرط نیست؛ اگر تنها هم بود نماز مغرب را در وقت عشاء به شکل مذکور ادا کند.

۱- نام مسجد مزدلفه است وکوه مزدلفه وجبل قزح ومشعرالحرام نیز می گویند.

در بین این دو، نماز نفل نخواند؛ بلکه سنت مغرب و سنت عشاء و وتر را بعد از اینکه این دو نماز خوانده شد، ادا کند و نیز در بین این دو نماز به کار دیگری همچون خوردن و آشامیدن بدون ضرورت مشغول نشود.

وقوف به مزدلفه[1]

در شب مزدلفه شب زنده داری، دعا، ذکر و دیگر عبادات مستحب است. صبح زود نماز فجر را با امام در تاریکی ادا کرده و نزدیک امام اگر مقدور بود وقوف نماید به همان نحوی که در عرفات ذکر شد. محل وقوف مزدلفه کوه قزح و باقی زمین مزدلفه می باشد بجز وادی محسّر[2] که وقوف در آن جایز نیست. زمان این وقوف از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب است. این وقوف، واجب است اگر چه به مدت یک لحظه باشد؛ ولی سنت این است که تا روشن شدن صبح وقوف ادامه داشته باشد. در این موضع درود، تکبیر، استغفار و ذکر زیاد بخواند. بجز وادی محسّر همه سرزمین مزدلفه کلاً موقف است هر کجا قیام نماید، کفایت می کند.

۱- میدانی است بین منی و عرفات و فاصله اش از منی سه میل به طرف مشرق و از حرم می باشد.

۲- محسر میدانی متصل به مزدلفه به جانب منی.

وادی محسّر بدان جهت از موقف خارج است که موقف اصحاب فیل است و اگر کسی در این وادی قیام نماید وقوفش صحیح نمی باشد.

چند تذکر

وقوف به مشعر الحرام اندازهٔ معینی ندارد و آنچه که در عُرف مردم وقوف گفته شود ـ ولو لحظه ای باشد ـ وقوف واجب با آن ادا می گردد.

وقوف به مشعر الحرام و یا مزدلفه بعد از فجر روز دهم، از واجبات بوده و کسانی که بدون عذر، قبل از فجر از مزدلفه خارج می شوند، بر آنها دم لازم می گردد.

خروج از مزدلفه قبل از فجر، برای صاحبان عذر، از قبیل: شخص مریض، پیر، کور، لنگ و زنهایی که از ازدحام حجاج خوف اذیت شدن جدی را داشته و می خواهند خود جمره بزنند، جواز داشته و بر آنها چیزی لازم نمی گردد.

گرچه رفتن از مزدلفه برای چنین اشخاصی قبل از طلوع فجر جواز دارد، اما اینها نباید رمی جمرهٔ عقبه را در شب انجام دهند؛ بلکه وقت زدن جمرهٔ عقبه، بعد از طلوع آفتاب است.

با این حال اگر اینها پیش از طلوع آفتاب رمی نمودند، رمی شان با کراهت جایز است؛ ولی اگر پیش از طلوع فجر به رمی جمرهٔ عقبه مبادرت ورزیدند رمی شان صحت پیدا نمی کند در نتیجه یا باید در وقتش که بعد از طلوع آفتاب است، دوباره رمی نمایند و یا آنکه بر آنها دم لازم می گردد.

وقوف در هر جای مزدلفه بجز از وادی مُحَسَّرْ که در غرب مزدلفه به طرف منی واقع است، جواز دارد اگر چه بهتر آن است که وقوف در خود مشعر الحرام باشد.

دعای مأثوره مزدلفه

اَللَّهُمَّ كَمَا اَوْقَفْتَنَا فِيْهِ وَ اَرَيْتَنَا اِيَّاهُ فَوَفِّقْنَا لِذِكْرِكَ كَمَا هَدَيْتَنَا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا كَمَا وَعَدْتَنَا بِقَوْلِكَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ فَاذَا اَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَاذْكُرُوْهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَ اِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّيْنَ، ثُمَّ اَفِيْضُوْا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللهَ، اِنَّ اللهَ غَفُوْرٌ رَحِيْمٌ﴾

اَللَّهُمَّ اِنَّا نَسْأَلُكَ يَا غَفُوْرُ يَا رَحِيْمُ اَنْ تُفَتِّحَ لِاَدْعِيَتِنَا اَبْوَابَ الْاِجابَةِ يَا مَنْ اِذَا سَاَلَهُ الْمُضْطَرُّ اَجَابَهُ يَا مَنْ يَقُوْلُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُوْنُ.

اَللَّهُمَّ اِنَّا جِئْنَاكَ بِجَمْعِنَا مُتَشَفِّعِيْنَ اِلَيْكَ فِی غُفْرَانِ ذُنُوْبِنَا فَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِيْنَ وَ آتِنَا اَفْضَلَ مَا تُؤْتِیْ عِبَادَكَ الصَّالِحِيْنَ وَ لَا تَصْرِفْنَا مِنْ هَذَا الْمَشْعَرِ الْعَظِيْمِ اِلَّا فَائِزِيْنَ مُفْلِحِيْنَ غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِيْنَ وَ لَا ضَالِّيْنَ وَ لَا مُضِلِّيْنَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

اَللَّهُمَّ وَفِّقْنَا لِلْهُدَی وَ اعْصِمْنَا مِنْ اَسْبَابِ الْجَهْلِ وَ الرِّدَی وَ سَلِّمْنَامِنْ آفَاتِ النُّفُوْسِ فَاِنَّهَا شَرُّ الْعُدَی وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اَقْبَلْتَ عَلَيْهِ فَاَعْرَضَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَ خُذْ بِاَيْدِيْنَا اِلَيْكَ وَ ارْحَمْ تَضَرُّعَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ اِلَهَنَا قَوِّمْنَا اِذَا اعْوَجَجْنَا وَ اَعِنَّا اِذَا اسْتَقَمْنَا وَ كُنْ لَنَا وَلَا تَكُنْ عَلَيْنَا وَ اَحْيِنَا فِی الدُّنْيَا مُؤْمِنِيْنَ طَائِعِيْنَ وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ تَائِبِيْنَ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَاْخُذُ كِتَابَهُ بِالْيَمِيْنِ، وَ اجْعَلْنَا يَوْمَ الْفَزَعِ الْاَكْبَرِ مِنَ الْآمِنِيْنَ وَ مَتِّعْنَا اللَّهُمَّ اِلَی وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ، بِرَحْمَتِكَ يَااَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.

«پروردگارا همان طور که ما را در این مکان ایستاندی و آن را به ما نشان دادی به ما توفیق بده تا همانطور که ما را هدایت کردی به ذکر تو بپردازیم و از گناهان ما

درگذر و رحمت خویش را بر ما بگستران همان طور که به ما با کلام آسمانی ات وعده دادی و کلام تو حق است: «هنگامی که از عرفات بازگشتید خدا را نزد مشعرالحرام یاد کنید. او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت کرد و اگر چه قبل از این از جمله گمراهان بودید. سپس باز گردید از جایی که مردم باز می گردند و از خدا طلب آمرزش کنید؛ چون که خدا آمرزنده و مهربان است. بار خدایا! ای آمرزنده و ای مهربان از تو می خواهم که درهای اجابت را بر ما بگشایی ای کسی که به خواسته و نیاز درماندگان پاسخ می گویی و ای کسی که اگر به چیزی بگویی خلق شو، خلق می شود. معبودا! به همراه گروهمان نزد تو آمدیم و از تو در آمرزش گناهانمان طلب شفاعت می کنیم پس ما را از درگاه خود ناامید مگردان و به ما بهترین آنچه به بندگان نیکوکارت داده ای عطا کن و ما را از این مشعر بزرگ جز با کامیابی و رستگاری بدون خواری و ذلت و پشیمانی و گمراهی بر مگردان ای مهربان ترین مهربانان.

پروردگارا! به ما توفیق بده تا در راه راست گام برداریم و ما را از اسباب نادانی و هلاکت حفظ کن و از آفت و بلاهای نفسانی دور بدار بدرستی که نفس انسان بدترین دشمن انسان است و ما را از جمله کسانی قرار بده که به آنان روی آورده ای

پس آنها از غیر تو روی گردانده اند و ما را برای رسیدن به وصالت یاری کن و بر زاری ما به پیشگاهت رحم نما. معبودا! اگر در راه گمراهی و هلاکت گام برداشتیم ما را به راه راست هدایت کن و آنگاه که به راه راست هدایت گشتیم ما را یاری گردان و یاور و همراه ما باش نه علیه ما. ما را در دنیا مؤمن و فرمانبردار زنده بدار و مسلمان و توبه کننده بمیران و از جمله کسانی قرار بده که نامه اعمالشان را به دست راست شان می گیرند و در روز بزرگترین ترس ما را از جمله گروهی قرار بده که در امنیت و آسایشند و به نور ذات کریمت بهره مند گردان به رحمت تو ای مهربانترین مهربانان. پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نجات بده».

در اول و آخر دعا این تکبیر بخواند:

اَللّٰهُ اَكْبَرُ ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ

«خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است. هیچ معبودی به جز خدای یگانه نیست، خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است. حمد و ستایش مخصوص اوست».

رفتن به سوی منی[1]

وقتی که در مزدلفه دید که تا طلوع خورشید به قدر ادای دو رکعت نماز باقی مانده است، از آنجا به سوی منا حرکت کند. در راه به ذکر و تلبیه مشغول باشد؛ هنگامی که به وادی محسّر رسید، با سرعت از آنجا عبور کند. مساحت این وادی حدوداً ۵۰۰ متر است. بعد از گذشتن از این موضع به روش عادی خود حرکت کند. این وادی به منا و مزدلفه تعلّق ندارد؛ بلکه بین آنها واقع است و از هر دو جدا است. لازم به ذکر است که حرکت از مزدلفه به سوی منا، همراه امام باشد. اگر به عذر موجهّی قبل از امام حرکت کند، اشکال ندارد صدقه لازم نمی شود.

رمی جمرهٔ عقبه

رمی جمار در لغت انداختن سنگ های کوچک و یا همان ریگ ها است. جمار جمع جمره و جمره، سنگ کوچک و ریگ است. در شریعت، پرتاب کردن ریگ ها در زمان و مکان مخصوص و تعداد مخصوص است؛ اما در روز دهم ذی الحجه از جمره های سه گانه، فقط رمی جمرهٔ عقبه انجام می شود. در انتهای حد منی به

۱– به فاصله سه میل از مکه مکرمه در میان دو کوه میدان بزرگی است که رمل و قربانی در آنجا انجام داده می شود آن در حرم داخل است حجاج سه روز در آنجا قیام می کنند.

جانب مکه، جمره عقبه واقع است که آنرا جمرهٔ کبری نیز می نامند. وقتی که به آنجا برسد، هفت عدد سنگ ریزه که قبلاً آماده کرده است، بزند. این سنگ ریزه زدن را رمی جمار می گویند. در روزهای بعد نیز ـ روز یازده و دوازده و اگر شب در منا بود روز سیزده ـ رمی انجام می شود. رمی جمار واجب است و مستحب آن است که موقع حرکت از مزدلفه هفت عدد ریگ برای جمره عقبه بردارد، برای دو جمرهٔ دیگر جای بخصوصی نیست، فقط از نزدیک موضع جمار ریگ بر ندارد؛ زیرا این ریگها طبق حدیث مردود است و شصت و سه ریگ دیگر که در بقیه روزها رمی می شود، آوردنش از مزدلفه یا منا جایز است. سعی کند ریگ هایی که بر می دارد پاکیزه باشد اگر مشکوک بود، ریگها را بشوید. وقت مسنون این جمره از طلوع آفتاب تا زوال آفتاب است و بعد از زوال تا غروب نیز جایز است؛ بعد از غروب رمی مکروه است مگر برای مریض و زنها که مکروه نیست. فاصلهٔ رمی کننده با موضع رمی کمتر از پنج متر نباشد (بیشتر اشکال ندارد)، متوجه باشد که ریگها حدوداً به اندازهٔ هسته خرما باشد که اگر به کسی برخورد کرد صدمه نبیند، ریگها را پشت انگشت ابهام (شصت) و شکم انگشت شهادت (اشاره) قرار داده و پرتاب کند و بخواند:

«بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَكْبَرُ، رَجْمًا لِلشَّيْطَانِ وَحِزْبِهِ»

بعد از آن به طرف منا حرکت کند و این دعا را بخواند:

بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَكْبَرُ، رَجْمًا لِلشَّيْطَانِ وَ حِزْبِهِ اَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوْرًا وَ ذَنْبًا مَغْفُوْرًا وَ سَعْيًا مَشْكُوْرًا وَ عَمَلًا صَالِحًا مَقْبُولًا وَ تِجَارَةً لَنْ تَبُوْرَ، بِسْمِ اللهِ اَللهُ اَكْبَرُ، صَدَقَ وَعْدَهُ وَ نَصرَ عَبْدَهُ وَ اَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ لَا نَعْبُدُ اِلَّا اِيَّاهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ، وَ صَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ اَصْحَابِهِ اَجْمَعِيْنَ.

رَبَّنَا آتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

«بنام خدا، خدا بزرگتر است. لعنت بر شیطان و یاران او. پروردگارا! این حج را حَجّی درست و مقبول و مایه بخشش گناهان و عملی صالح و مورد قبول و تجارتی که هرگز سود آن از بین نمی رود قرار بده. بنام خدا، خدا بزرگتر است. به وعده اش وفا نمود و بنده اش را یاری کرد و یارانش را قوی گرداند و دیگر گروه ها را

شکست داد. او یگانه است و هیچ معبودی جز او نیست، تنها او را می پرستیم و دین و عبادت را برای او خالص می گردانیم هر چند کافران را ناخوش آید و درود خدا بر سرورمان حضرت محمدﷺ و بر آل و اصحاب او باد. پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نجات بده به حق رحمت تو ای مهربانترین مهربانان». دعا و درود هر چه بخواهد بخواند.

اوقات رمی جمره ها[1]

وقت رمی جمره عقبه از طلوع فجر روز دهم تا آخر شب یازدهم است، زمانی که فجر یازدهم طلوع کند، وقت این رمی تمام می شود. بر کسی که رمی انجام نداده است، دم لازم می شود. پیش از طلوع آفتاب در روز دهم رمی مکروه است. در وقت ازدحام برای زنها و اشخاص ضعیف و مریض مکروه نیست.

کیفیت رمی

۱- رمی به دست راست باشد.

۱- در منی سه مکان بنام جمرات علامت گذاری شده است که سنگریزه ها به طرف آنجا پرتاب می شود یکی از آنها قریب مسجد خیف به طرف مشرق که آن را جمرة الاولی گویند و دیگری را جمرة الوسطی و سوم را جمرة الکبری و جمرة العقبه و جمرة الآخری می گویند.

۲- مرد یا کودک به خلاف زن و خنثی دستش را به هنگام رمی بالا ببرد تا سفیدی زیر بغلش دیده شود.

۳- رمی جمره عقبه از بطن وادی باشد و مکه در طرف چپش و منی در طرف راستش قرار دهد و رو به عقبه کند؛ سپس رمی کند و در آنجا نایستد.

٤- رمی در حالت سواره و پیاده هر دو حالت صحیح است.

ترتیب رمی از جمره اولی، وسطی و اخری سنت است.

بیان ذبح[1] و حلق[2]

از اعمال روز دهم بعد از رمی، قربانی است؛ اگر چه این ذبح برای مفرد واجب نیست و مستحب است. مفرد می تواند قبل از ذبح هدی شکرانه، حلق (تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر) کند ولی قارن و متمتع قبل از ذبح هدی شکرانه، نمی توانند حلق کنند. لازم است که بعد از انجام شدن رمی، هدی را ذبح کند و بعد از ذبح هدی، موی سر خود را بتراشد و یا به اندازۀ یک بند انگشت کوتاه کند؛ البته تراشیدن از کوتاه کردن بهتر است.

۱- کشتن قربانی.

۲- موهای سر خود را تراشیدن و یا تراشانیدن به همین عمل از احرام بیرون می آیند.

ابتدای وقت سر تراشیدن در حج، طلوع صبح روز اول عید و آخر وقت آن غروب آفتاب روز سوم عید است و اگر کسی بعد از این وقت در هر زمان و مکان دیگری سر خود را تراشیده و یا کوتاه کند از احرام خارج شده ولی نسبت به تأخیر تراشیدن سر از وقت معین آن، بر وی دم لازم می گردد.

اگر کسی پیش از طلوع فجر روز عید سر خود را تراشید بر وی دم لازم می شود، و باید در وقت معین آن، سر خود را دوباره بتراشد ولو اینکه نیتش از تراشیدن مرتبه اول خارج شدن از احرام باشد.

مستحب است که در وقت کوتاه کردن از جانب راست سر شروع کند و کسی که سرش مو ندارد یا سرش زخمی است کشیدن تیغ بر سر او کافی است و این واجب ساقط می شود. بعد از حلق، کوتاه کردن ناخنها و موی پشت لب مستحب است. بعد از حلق و یا قصر، تمام کارهایی که به سبب احرام ممنوع شده بود مجاز می شود به جز همبستری با زن که تا بعد از طواف زیارت برای او حلال نیست.

قصر[1] برای زنها

حلق که عبارت از تراشیدن موی سر است، برای زنها حرام است. زنها باید از

۱– کوتاه کردن موی سر

یک چهارم سر به قدر سر انگشتها قصر کنند و قصر تمام سر برای آنها مستحب است.

بیان طواف زیارت

وقتی که از حلق فارغ شد به مکه برود و طواف کند، نام این طواف، طواف رکن است و آن را طواف زیارت نیز می گویند که سومین و آخرین فرض حج است. در این طواف، نیت و گردش چهار دور اول فرض و تکمیل هفت شوط واجب است. انجام طواف زیارت در ایام نحر واجب و به ترتیب انجام دادن یعنی بعد از رمی، حلق و پس از حلق، طواف کردن سنت است.

در این طواف، نایب گرفتن صحیح نیست؛ بلکه بر هر کس فرض است که خود او آن را شخصاً انجام دهد، حتی اگر بیهوش باشد نیابت صحیح نمی باشد. این طواف تا دم مرگ از دوش حاجی برداشته نمی شود و با دادن عوض هم ادا نمی گردد مگر برای شخصی که بعد از وقوف عرفات فوت کند و قبل از فوت، وصیت اتمام حج کرده باشد. در این صورت ذبح بُدنه (گاو یا شتر) واجب می شود و بدین نحو حج او کامل می گردد.

تذکر

اول وقت طواف زیارت از اول روز دهم تا آخر ایام نحر می باشد. ولی وقت سنت آن بعد از حلق است. اگر کسی تا بعد از ایام نحر[1] تأخیر نمود دم واجب می شود و طواف از ذمّه اش برداشته نمی شود.

رمی[2] روز یازدهم ذی الحجه

روز یازدهم بعد از زوال آفتاب وقت رمی جمرات است. طریقه سنت این است که اول جمره اولی را که مکان آن نزدیک مسجد خیف است، رمی کند و بر هر رمی طبق معمول هفت عدد ریگ بزنند مواظب باشد که پی در پی ریگ ها را پرتاب کند و در موقع رمی هر ریگ، تکبیر بگوید. بعد از زدن هفت ریگِ جمره اول، کمی به جلوتر برود و رو به قبله بایستد، دستها را بلند کرده دعا کند. در مکان دعا به اندازه خواندن یک جزء قرآن یا حداقل به اندازه تلاوت بیست آیه قیام کند. هر قدر که توان داشت اختیار کند. در این قیام تکبیر، تهلیل، استغفار و درود بخواند. با تضرّع و انکسار برای خود و مؤمنین دعا کند؛ بعد از آن به سمت موضع جمرۀ وسطی

۱- روزهای قربانی، اول و دوم و سوم عید اضحی.

۲- بر جمرات سنگریزه انداختن.

حرکت کند و مثل جمره اول رمی کرده و باز در گوشه ای توقف کند و به اندازه جمره اولی مشغول دعا و ذکر شود و باز به همین نحو جمره عقبه را رمی نموده، به راه افتد و برای دعا توقف نکند.

رمی روزهای دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه

باز در روز دوازدهم بعد از زوال آفتاب به همان روش روز یازدهم هر سه جمره را رمی کند و تمام مسایل که برای آن رمی ذکر شد، اینجا مراعات نماید. قیام شبهای یازده و دوازده در منا سنت مؤکده است. اگر شب سیزدهم را در منا صبح کرد رمی روز سیزدهم هم لازم می شود. روزهای یازدهم و دوازدهم پیش از زوال، رمی جایز نیست و بعد از غروب آفتاب مکروه است. در روز سیزدهم اگر مشکل داشت، رمی قبل از زوال جایز ولی مکروه تنزیهی است. به محض طلوع فجر دوازدهم، وقت رمی یازدهم ختم می شود و رمی یازدهم فوت می شود. اکنون باید قضای آنرا به همراه رمی روز دوازدهم بجا آورد و به سبب تأخیر بر او دم لازم می شود. آخر وقت رمی ها، قبل از غروب روز سیزدهم است. در صورت فوت شدن، بر او دم لازم می شود. کسی که پیش از غروب آفتاب دوازدهم از منا به مکه برود، رمی روز سیزدهم بر او واجب نیست.

قیام محصّب

وقتی که از منا فارغ شد، بین مکه و منا قیام محصّب سنت است. محصّب جزء مکه است. در این جا حتماً قیام کند و لو یک ساعت؛ اگر چه کمال سنت این است که نمازهای ظهر، عصر، مغرب و عشاء را همان جا برگزار کند. سپس کمی بخوابد، بعد از آن وارد شهر مکه شود. در زمان قیام در مکه مکرمه وقت را غنیمت شمرده، به دعا و تلاوت و دیگر عبادات مشغول شود، خصوصاً اگر توانست عمره های نفلی نیز به جای آورد. در مدت قیام مکه مکرمه از هرگونه گناه پرهیز نماید؛ زیرا همانگونه که ثواب عمل نیک، تا صد هزار برابر است، گناه هم در آنجا وبالش بیشتر است.

مقصد ششم

در بیان طواف وداع

طواف وداع[1]

وقت وداع است و اجل در کمین — وداع با هزاران فغان و انین[2]

کس نکند محنت هجر اختیار — مرگ جدایی است میان دو یار

ای گل باغ ملکوت الوداع — می روم اکنون به طواف وداع

هر وقت تصمیم به کوچ کردن از مکه مکرمه را داشته باشد، طواف صدر (وداع) کند. طواف صدر برای کسانی که خارج میقات زندگی می کنند، واجب است ولی برای اهل میقات و اهل حرم واجب نیست. اگر بدون ادای طواف صدر از مکه خارج شود تا وقتی که در زمین حرم است، بازگشتن و انجام طواف، واجب است. در صورتی که از میقات خارج شد، مخیر است که احرام عمره بسته و به مکه

۱– موقع برگشتن از مکه مکرمه طوافی که می کنند به آن (طواف صدر) و یا طواف وداع می گویند.

۲– ناله .

بیاید؛ اول عمره را بجای بیاورد و سپس طواف وداع را انجام دهد و یا گوسفندی ذبح و صدقه کند. اول وقت طواف وداع، بعد از طواف زیارت است و آخر وقت آن معین نیست؛ زیرا اگر این طواف تأخیر شود به سبب آن چیزی لازم نمی شود. سعی نماید که طواف صدر، آخر عهد او با بیت الله باشد. اگر بعد از طواف وداع چند روز در مکه اقامت کرد، دوباره طواف کردن مستحب است. هرگاه که طواف صدر را بجای آورد دو رکعت نماز طواف خوانده، کنار زمزم برود، رو به قبله ایستاده از آب آن بنوشد و بر سر و صورت خود ریخته و به سوی بیت الله نظر کند سپس بر دروازه بیت الله آمده، عتبه مبارکه را ببوسد و دعا کند.

تذکر

۱- طواف وداع بر کسی واجب است که به منظور ادای حج ـ مفرد، قران یا تمتع ـ به مکه مکرمه آمده باشد.

۲- طواف وداع بر عمره گذار، بنا به اقوال علما واجب نبوده؛ بلکه سنت و یا مستحب است.

۳- طواف وداع از این اشخاص ساقط است:

الف ـ مکی و کسی که داخل مواقیت سکونت دارد.

ب ـ کسی که برای قضای حج به مکه آمده است.

جـ ـ مُحصِر.

د ـ زنی که در حال عادت ماهیانه و یا مریضی ولادت است.

هـ ـ شخص دیوانه.

و ـ طفل نابالغ.

البته این در صورتی است که چهار گروه اخیر، در حالت وجود همین معاذیر از مکهٔ مکرمه خارج گردند؛ ولی اگر عذر رفع گردید و هنوز در مکهٔ مکرمه بودند طواف وداع بر هر کدام از اینها واجب است.

٤– اگر کسی بدون انجام دادن طواف وداع از مکهٔ مکرمه خارج گردید، در صورتی که از میقات نگذشته باشد، می تواند بدون احرام باز گشته و طواف وداع را انجام دهد؛ ولی اگر از میقات گذشته بود باید برای عمره و یا حج، احرام بسته و بعد از رسیدن به مکهٔ مکرمه و ادای طواف عمره و یا طواف قدوم، طواف وداعی را که بر وی واجب بوده است، انجام دهد. اگر باز نگشت بر وی دم لازم می گردد؛ البته تقدیم دم بهتر از بازگشتن و انجام دادن طواف وداع است.

۵– در طواف وداع، اضطباع و رَملی نیست همانطور که بعد از آن، سعی بین صفا و مروه نیز نمی باشد.

۶– مستحب است زنی که در حالت عادت ماهیانه و یا مریضی ولادت از مکۀ مکرمه خارج می گردد، به دروازۀ مسجد الحرام آمده و در آنجا دعا نموده و وداع کند و به فقرا صدقه دهد.

۷– اگر کسی طواف وداع را انجام داده و سپس مدتی در مکۀ مکرمه باقی ماند، بر وی واجب نیست که هنگام خارج شدن از مکۀ مکرمه طواف وداع را دوباره انجام دهد؛ اگرچه بجا آوردن دوباره طواف وداع، مستحب است.

۸– طواف وداع هنگام خارج شدن از مکۀ مکرمه واجب می گردد نه هنگام به انجام رساندن مراسم و مناسک حج. اگر کسی بعد از ادای حج، سالها در مکۀ مکرمه زندگی کرد، طواف وداع تا هنگام عزم خروج از مکۀ مکرمه بر وی واجب نیست.

۹– وقت طواف وداع، بعد از طواف زیارت تا هنگام خارج شدن از مکۀ مکرمه است. بنابراین هر طوافی که بعد از طواف زیارت ادا شود ـ بشرط آنکه واجب نباشد ـ بجای طواف وداع واقع می گردد؛ هر چند که در اصل به نیت طواف وداع هم انجام نشده باشد.

۱۰– مستحب است که شخص بعد از طواف وداع به مُلْتَزَم آمده و در حالی که طرف راست صورتش را بر آن گذاشته، آنچه را که از امور مشروع دنیا و آخرت می‌خواهد از خداوند متعال مسئلت نماید.

ادعیهٔ مأثوره در طواف وداع

﴿اِنَّ الَّذِیْ فَرَضَ عَلَیْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ اِلَی مَعَادٍ﴾ یَا مُعِیْدُ اَعِدْنِیْ وَ یَا سَمِیْعُ اَسْمِعْنِیْ وَ یَا جَبَّارُ اجْبُرْنِیْ یَا سَتَّارُ اسْتُرْنِیْ یَا رَحْمَانُ ارْحَمْنِیْ یَا رَادُّ ارْدُدْنِیْ اِلَی بَیْتِكَ وَارْزُقْنِیَ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ کَرَّاتٍ بَعْدَ مَرَّاتٍ تَائِبُوْنَ عَابِدُوْنَ سَائِحُوْنَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ صَدَقَ اللهُ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ.

اَللَّهُمَّ اکْتُبِ السَّلَامَةَ وَ الْعَافِیَةَ وَ الْغَنِیْمَةَ لَنَا وَ لِعَبِیْدِكَ الْحُجَّاجِ وَ الْعُمَّارِ وَ الزُّوَّارِ وَ الْغُزَاةِ وَ الْمُسَافِرِیْنَ وَ الْمُقِیْمِیْنَ فِی بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ اَجْمَعِیْنَ.

اَللّٰهُمَّ احْفَظْنِیْ عَنْ یَمِیْنِیْ وَ عَنْ یَسَارِیْ وَ مِنْ فَوْقِیْ وَ مِنْ تَحْتِیْ حَتّٰی تُوْصِلَنِیْ اِلَی اَهْلِیْ وَ بَلَدِیْ فَاِذَا اَوْصَلْتَنِیْ اِلَی اَهْلِیْ وَ بَلَدِیْ اَسْاَلُكَ اَنْ لَا تُخْلِیَنِیْ مِنْ رَحْمَتِكَ طَرْفَةَ عَیْنٍ وَ لَا اَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ.

اَللّٰهُمَّ كُنْ لَنَا صَاحِبًا فِیْ سَفَرِنَا وَ خَلِیْفَةً فِیْ اَهْلِنَا وَ اطْمِسْ عَلٰی وُجُوْهِ اَعْدَائِنَا وَ امْسَخْهُمْ عَلٰی مَكَانَتِهِمْ فَلَا یَسْتَطِیْعُوْنَ الْمُضِیَّ وَ لَا الْمَجِیْءَ اِلَیْنَا.

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِیْ بِتَرْكِ الْمَعَاصِیْ وَ مَا لَا یَعْنِیْنِیْ مَا اَبْقَیْتَنِیْ وَ ارْحَمْنِیْ اَنْ اَتَكَلَّفَ مَا لَا یَعْنِیْنِیْ وَ ارْزُقْنِیْ حُسْنَ النَّظَرِ فِیْمَا یُرْضِیْكَ عَنِّیْ.

اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنِیْ بِبَصَرِیْ وَ اجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنِّیْ وَ اَرِنِیْ مِنَ الْعَدُوِّ ثَاْرِیْ وَانْصُرْنِیْ عَلٰی مَنْ ظَلَمَنِیْ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَ الْحُزْنِ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّیْنِ وَ قَهْرِ الرِّجَالِ.

اَللَّهُمَّ اِنَّا نَسْاَلُكَ فِیْ سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَ التَّقْوَی وَ مِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَی. اَللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَیْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَ اطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ.

اَللَّهُمَّ اَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَ الْخَلِیْفَةُ فِی الْاَهْلِ.

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ كَآبَةِ الْمَنْظَرِ وَ سُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِی الْمَالِ وَ الْاَهْلِ وَ الْوَلَدِ.

اَللَّهُمَّ اَصْحِبْنَا بِنِعَمِكَ وَ اقْبَلْنَا بِذِمَّةٍ. اَللَّهُمَّ اطْوِ لَنَا الْاَرْضَ وَ هَوِّنْ عَلَیْنَا السَّفَرَ وَ اَعِذْنَا مِنْ كَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ.

«همانا کسی که تلاوت قرآن را بر تو واجب گردانید یقیناً تو را به این سرزمین باز خواهد گرداند. ای بازگرداننده! مرا باز گردان. ای شنوا! راز و نیاز مرا بشنو. ای غالب و توانا! دل شکسته مرا آرام بخش. ای پرده پوش! عیبها و خطاهای مرا بپوشان. ای بخشاینده! مرا مورد رحمت و بخشش خویش قرار بده. ای بازگرداننده! مرا به خانه محترمت باز گردان و بازگشت به این مکان شریف را در دفعات بسیار نصیبم گردان. ما توبه کنند گان و پرستند گان و روزه داران و ستایشگران پرورد گارمان هستیم. خداوند به وعده اش وفا کرد و بنده اش را یاری نمود و دیگر گروه ها را

شکست داد. بار خدایا! عافیت و سلامتی از لغزش و کسب غنیمت را به ما، حاجیان، عمره بجا آوردند گان، زائران، جنگجویان، مسافران و تمامی امت حضرت محمدﷺ چه آنانی که در دریا و چه آنانی که در خشکی ساکنند روزی گردان. پروردگارا! از جانب راست و چپ و بالا و پایین و تمام جوانب مرا حفظ کن تا اینکه مرا به خانواده و سرزمینم برسانی و آنگاه که مرا به خانواده و سرزمینم رساندی از تو درخواست می کنم که رحمت خویش را حتی یک چشم بر هم زدن و یا کمتر از آن از من دریغ نداری. معبودا! برای ما همراه در سفر و جانشینی در میان خانواده باش و چهره دشمنانمان را محو و نابود گردان و صورت آنان را مسخ کن به طوری که نه راه بازگشت داشته باشند و نه بتوانند سوی ما باز آیند. پروردگارا! تا زمانی که زنده ام مرا به ترک معصیت و گناه و انجام ندادن آنچه به من مربوط نیست وا دار و بینش نیکو در آنچه تو را خشنود می سازد، روزی ام گردان. بار خدایا! مرا به نور معرفت و بینشم بهره مند گردان و آن را وارث من قرار ده و انتقامم را از دشمنانم بگیر و مرا بر کسانی که بر من ستم کرده اند پیروز گردان.

معبودا! از غم و اندوه، ترس، بخل، غلبه قرض، قهر و ستم مردم به تو پناه می برم. بار خدایا ! از تو می خواهیم در این سفر به ما نیکویی، تقوا و عملی که تو

را خشنود می سازد عطا کنی و این سفر و دوری آن را بر ما آسان گردانی. پروردگارا! تو همراه سفرمان و جانشینی در میان خانواده مان هستی. بار خدایا! از سختی و مشقّت سفر و پیشامدهای ناگوار در مال و خانواده و فرزند به تو پناه می برم. معبودا! با نعمت هایت ما را همراهی کن و این سفر را از ما بپذیر. پروردگارا! زمین را بر ما بگستران، این سفر را بر ما آسان گردان و از غم و اندوه بازگشت امانمان ده».

وقت اراده خروج به ملتزم چسبیده بخواند:

اَللّٰهُمَّ هٰذَا بَیْتُكَ وَ اَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ حَمَلْتَنِیْ عَلٰی مَا سَخَّرْتَ لِیْ مِنْ خَلْقِكَ وَ سَیَّرْتَنِیْ فِیْ بِلَادِكَ حَتّٰی بَلَّغْتَنِیْ اِلٰی بَیْتِكَ وَ اَعَنْتَنِیْ عَلٰی اَدَاءِ نُسُكِیْ فَاِنْ كُنْتَ رَضِیْتَ عَنِّیْ فَازْدَدْ عَنِّیْ رِضًا وَ اِلَّا ارْضَ عَنِّیْ مِنَ الْآنِ قَبْلَ اَنْ تَنْاٰی عَنْ بَیْتِكَ دَارِیْ وَ هٰذَا اَوَانُ انْصِرَافِیْ اِنْ اَذِنْتَ لِیْ غَیْرَ مُسْتَبْدِلٍ بِكَ وَ لَا بِبَیْتِكَ وَ لَا رَاغِبًا عَنْكَ وَ لَا عَنْ بَیْتِكَ.

اَللّٰهُمَّ فَاَصْحِبْنِیَ بِالْعَافِیَةِ فِیْ بَدَنِیْ وَ الصِّحَّةَ فِیْ جِسْمِیْ وَ الْعِصْمَةَ فِیْ دِیْنِیْ وَ اَحْسِنْ مُنْقَلَبِیْ وَ ارْزُقْنِیْ طَاعَتَكَ مَا اَبْقَیْتَنِی وَ

اجْمَعْ لِیْ بَیْنَ خَیْرَیِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ، اِنَّكَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ وَ صَلَّی اللهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِهِ وَ صَحْبِهِ اَجْمَعِیْنَ.

«معبودا! این خانه توست و من بنده تو و فرزند بنده تو و فرزند کنیز و خدمتگزار تو هستم. تو مرا بر مرکبی که برایم مسخّر کردی حمل نمودی و در سرزمینهایت گرداندی تا اینکه به خانه محترمت رساندی و مرا بر انجام عباداتم یاری کردی پس اگر از من راضی و خشنود هستی بر رضایت و خشنودیت از من بیفزای و گرنه از هم اکنون، قبل از اینکه از خانه ات دور شوم از من راضی شو و الان اگر به من اجازه دهی، زمان بازگشتم است در حالی که هیچ کس و هیچ خانه ای را با تو و خانه ات عوض نکنم و هرگز به هیچ کس و هیچ خانه ای جز تو و خانه ات مشتاق نگردم. از تو می خواهم که به من عافیت و سلامتی در جسم و تن و پاکی و عصمت در دین ارزانی داری، بازگشت مرا نیکو گردانی، اطاعت و فرمانبرداریت را روزی ام کنی و نیکوهای دنیا و آخرت را نصیبم گردانی. بدرستی که تو بر هر امری قادر و توانایی. درود بر سرورمان محمد ﷺ و آل و اصحابش باد».

بعد رو به کعبه پشت به خارج، طوری که اذیتش به کسی نرسد از دروازهٔ وداع خارج شود.

مقصد هفتم

بیان نیابت حج

نیابت در حج و عمره صحیح است به این شرط که خود شخص، معذور دایمی باشد؛ یعنی تا آخر عمر امکان بازگشت سلامتی او نباشد و فرقی نمی کند که نایب مرد باشد یا زن. برای نیابت در حج نفل و عمره، شرطی موجود نیست؛ اما برای نیابت حج فرض شرایطی وجود دارد عبارتند از:

۱– کسی که نایب می گیرد، حج بر او فرض شده باشد.

۲– اگر آمر شخصاً عاجز است، باید خود او نایب خود را تعیین نموده و به وی دستور ادای حج از جانب خود را بدهد. همچنین هزینۀ رفت و آمد و مخارج مربوط به آن را به او بپردازد و نایب هم با همین مال سفر کرده و طبق دستور آمر ادای حج نماید. کسی که نزدیک به مرگ خود، وصیت به حج کرده باشد در صورتی که وارثان و یا وصی او شخصی را برای حج به نیابت از او معین کنند و هزینۀ سفر را به وی تحویل نمایند، این حج درست است. اگر کسی را آمر دستور

حج بدهد ولی هزینهٔ سفر را نپردازد، حج از جانب آمر ادا نمی شود مگر اینکه بعد از ادای حج، آمر مخارج سفر را بپردازد.

۳- این است که مأمور، صلاحیت ادای حج را داشته باشد؛ یعنی مسلمان و عاقل و بالغ باشد، بچه و دیوانه نباشد. همچنین از میقاتی که آمر دستور می دهد، احرام ببندد و مخالف دستور آمر، کار نکند؛ یعنی اگر آمر دستور حج مفرد داده بود، مأمور حج تمتع یا قران نمود، ضامن می شود.

٤- این است که مأمور در موقع بستن احرام، نیت حج از جانب آمر بنماید؛ یعنی بگوید: «نَوَيْتُ الْحَجَّ عَنْ فَرْضِ فُلَانٍ». اگر در موقع احرام نیت نکرد باید قبل از شروع اعمال حج نیت کند. نیت بعد از شروع اعمال اعتبار ندارد و این حج از جانب مأمور ادا می شود؛ بنابراین اموال آمر را باید به او پس دهد.

٥- خود مأمور، موظف به ادای حج است؛ بنابراین نمی تواند شخص دیگری را نایب بگرداند مگر اینکه آمر به او این اجازه را داده باشد، در این صورت اشکال ندارد.

تذکر

اگر امر کننده عذری داشت که امکان رفع آن عذر وجود داشت با این وجود به کسی امر کرد که به جای او حج ادا کند و حج هم طبق دستور او ادا شد؛ اما بعد از

ادای حج عذر او مرتفع گشت، این حج بَدَل، به جای حج فرض او محسوب نمی شود؛ بلکه لازم است که خود او شخصاً ادای حج نماید.

اگر حج بدل فاسد شد، چه حکمی دارد؟

زمانی که مأمور طبق شرایط مذکور از جانب آمر حج ادا نمود، حج از طرف آمر ادا می شود. اما اگر حج فاسد شد، مأمور باید تاوان آن را بپردازد و حج آمر هم ادا نشده است. بیشتر از ادای اعمال حج، توقف نمودن برای مأمور جایز نیست مگر اینکه مخارج آن را خود او قبول کند، در این صورت توقف نمودن و یا عمره به جای آوردن برای خود، جایز است. اگر در حین اعمال حج از مأمور جنایتی سر زد که دم و یا صدقه لازم شد، آن دم و یا صدقه بر عهده مأمور است. اگر کسی که خودش حج نکرده مأمور به حج بدل شد، این حج از جانب آمر ادا می شود؛ ولی انجام این کار برای شخص مذکور، مکروه تحریمی است.

تذکر

دم احصار بر عهدهٔ آمر است ولی دم تمتع و قران، هر چند که آمر دستور حج تمتع و یا قران داده باشد، بر عهده مأمور است؛ مگر اینکه آمر تبرعاً بپردازد.

بیان عمره[1]

عمره عبارت از زیارت بیت الله الحرام به هیئت مخصوص جهت طواف به خانه مشرفه و سعی بین صفا و مروه است. عمره در اغلب احکام خود مانند حج است مگر در چند مسئله که عبارتند از:

۱– حج برای شخص توانمند فرض است؛ ولی عمره بر چنین شخصی فرض نیست بلکه سنت است.

۲– برای حج، وقت معینی است؛ ولی برای عمره وقت معینی نیست که در تمام سال به استثنای چند روز معین به جا آورده می شود.

۳– اگر حاجی در حج، وقوف به عرفه را انجام نداد حج وی باطل است؛ ولی در عمره چنین نیست بلکه پس از نیت و احرام مدتها بعد ادا می گردد.

٤– از ارکان حج وقوف به عرفه است؛ ولی وقوف به عرفه در عمره نمی باشد.

۵– در حج، طواف وداع واجب است، ولی در عمره طواف وداع مستحب یا سنت است.

۱– از میقات احرام بسته بیت الله را طواف کردن و بین صفا و مروه سعی کردن.

۶- طواف حج اگر در حالت جنابت یا عادت ماهیانه یا مریضی ولادت صورت گیرد، فدیه اش یک شتر است؛ حال آنکه فدیه عمره در چنین حالاتی فقط یک گوسفند است.

۷- میقات حج برای ساکنین مکه مکرمه ـ چه ساکن اصلی یا ساکن موقت باشد ـ خود مکه مکرمه است؛ در حالی که میقات عمره برای چنین اشخاصی، زمین حل یعنی خارج از محدوده حرم است.

۸- تلبیه حج برای قارن و مفرد، تا هنگام زدن جمره عقبه در روز اول عید ادامه می یابد و تلبیه در عمره به مجرد شروع کردن به طواف قطع می گردد.

تذکر

۱- بهترین وقت برای ادای عمره، ماه مبارک رمضان است. پیامبر اکرمﷺ می فرمایند: «عمره در ماه رمضان به اندازه حجّی که به مصاحبت من ادا گردد، ثواب دارد».

۲- ادای عمره از روز عرفه که نهم ذی الحجه است تا سیزدهم ذی الحجه بر همه مکروه است.

۳- تکرار عمره مستحب است و پاداش بسیار دارد مگر در ایام مکروهه.

٤– کسی که به حج مفرد احرام بسته است بر او مستحب است که بعد از ایام تشریق اگر مانع جدی نباشد، به ادای عمره مبادرت ورزد.

در تمام مدت عمر، یکبار عمره رفتن سنت مؤکده است و عمره ی ماه مبارک رمضان از دیگر ماهها بهتر است. روش ادای عمره این است که از میقات احرام بسته، در طواف رمل و اضطباع کند، در استلام اول تلبیه را قطع کند، بعد از طواف، حجرالاسود را استلام نموده سپس دو رکعت نماز طواف بجای آورد، و بعد از آن بین صفا و مروه سعی کند. بعد از سعی، سر را بتراشد یا کوتاه کند. در تمام سال ادای عمره جایز است به استثنای نهم تا سیزدهم ذی الحجه که مکروه تحریمی است. اگر اهل مکه و میقات اراده حج نداشته باشند در این روزها برای آنها بدون کراهت، عمره جایز است.

فرایض و واجبات عمره

در عمره دو فرض است:

۱ـ بستن احرام.

۲ـ چهار شوط طواف، فرض و تکمیل هفت شوط، واجب است و نیز سعی و حلق واجب است و کیفیت احرام و طواف و سعی در عمره مانند حج است.

احصار

عبارت از باز ماندن از حج و یا عمره به سبب مانعی از موانع است از قبیل: دشمن، مرض، گم شدن زاد و راحله و غیره. اگر اموری باعث باز داشتن محرم از وقوف به عرفات و طواف به خانه معظمه گردد، شخص محصر باید گوسفندی و یا قیمت آن را به وسیله شخص امین به مکه مکرمه فرستاده تا در آنجا ذبح نموده و به فقرا تقسیم نماید.

تذکر

۱- کسی که به نیت حج و یا عمره و یا هر دو احرام بسته ولی به سببی موفق به انجام دادن آنها نگردد به نام مُحْصِر یاد می شود.

۲- محصر باید با شخصی که هدی را به وسیله وی فرستاده است روزی را برای ذبح هدی تعیین نماید تا آنکه پیش از ذبح هدی خود را از احرام خارج نسازد.

۳- هدی احصار باید حتماً در حرم ذبح گردد و در خارج از حرم جواز ندارد.

٤- هدی احصار لازم نیست که حتماً در روز اول عید ذبح گردد؛ بلکه ذبح آن پیش از عید و بعد از آن نیز جایز است.

۵– شخصی که از حج باز مانده است اگر به نیت حج قران احرام بسته بود، بر وی دو دم لازم می گردد: یکی برای احرام حج و دیگری برای احرام عمره.

٦– بر محصر تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر در وقت خارج شدن از احرام مستحب بوده و واجب نیست.

۷– محصر اگر قبلاً حج نکرده باشد، حج فرضی بر عهده اش باقی مانده و هر وقت که قدرت پیدا کرد باید آنرا ادا نماید.

۸– اگر حج و یا عمره شخص محصر نفلی باشد، بر وی لازم می گردد تا آن حج و عمره را در آینده به جا آورد.

۹– محصر در دادن هدی احصار می تواند مانند هر شخص عادی دیگری با هفت نفر در یک شتر و یا یک گاو شریک شود.

قضا شدن حج

عبارت از آن است که شخص مُحرم برای حج، وقتی به مکه مکرمه می رسد که زمان وقوف به عرفه گذشته است. چنین شخصی باید اعمال عمره را چه قبلاً نیت آن را کرده باشد یا نه، به طور کامل انجام داده و بعد از ادای عمره خود را از احرام خارج سازد و قضا آوردنش لازم است. از شخصی که حَجّش قضا می شود ـ مفرد،

قارن یا متمتع ـ هدی ساقط است. حاجی قارن در صورتی که حَجّش قضا شد باید دو طواف و دو سعی انجام دهد. قارن که عمره خود را ادا می کند فقط قضای حج مانند مفرد و متمتع، بر عهده اش باقی می ماند و بس.

مسایل مربوط به مناسک حج

۱– آن سعی که بعد از وقوف عرفات یا طواف زیارت انجام می گیرد در آن، احرام شرط نیست؛ بلکه بهتر و مستحب آن است که روز دهم به منی حلق کرده و قربانی به جا آورده، خود را از احرام خارج کند سپس به طواف زیارت و سعی بپردازد. اگر چه پیش از خروج احرام نیز طواف زیارت و سعی جایز است، لیکن در حج در سعیی که پیش از وقوف عرفات انجام می گیرد، احرام شرط است همین طور در سعی عمره نیز احرام شرط است. (حیات القلوب)

۲– اگر بعد از طواف قدوم سعی نکرده است پس در ایام نحر، بعد از طواف زیارت سعی به جا آورد و تأخیر آن تا بعد از ایام نحر مکروه است.(حیات القلوب)

۳– در کتاب عالمگیری آمده است که اگر طواف صدر را بی وضو بجا آورد بر او صدقه است و اگر اقل آنرا به بی وضویی طواف کرد، بنا به تمام روایات بر او صدقه لازم می گردد و بنا به اجماع با اعاده کردن عملی که در آن صدقه واجب شده،

صدقه ساقط می گردد. و نیز آمده است که اگر همه شوط های این طواف را یا اکثر آنرا جُنُب طواف کرد، در صورتیکه به اهل خود رجوع کرده بود بر او دم (گوسفند) واجب است؛ اما اگر در مکه بود و اعاده کرد دم ساقط می شود و از جهت تأخیر بر او چیزی لازم نیست به اتفاق علما.

٤- اولین طوافی که حاجی قارن و متمتع به جا می آورند از عمره شان محسوب می گردد و بر ایشان سعی بین صفا و مروه نیز لازم است. بنابراین بر آنها در اولین طوافشان اضطباع و رمل لازم و ضروری است؛ ولی حاجی مفرد که فقط برای حج احرام بسته است، اولین طواف او طواف قدوم محسوب می گردد و بعد از طواف بر او سعی واجب نیست؛ بلکه اختیار دارد سعی را بعد از طواف زیارت روز دهم ذی الحجه انجام دهد و یا پس از طواف قدوم به جا آورد؛ البته اگر بخواهد که سعی را بعد از طواف قدوم به جا آورد در طواف قدوم در سه شوط اول اضطباع[1] و رمل سنتی را انجام دهد؛ اما بهتر آن است که سعی را بعد از طواف زیارت انجام دهد.

اگر احرام فقط برای عمره و یا حج تمتع بوده است پس در اینجا احرام و اعمال عمـره تمام شده است؛ در نتیجه موی سـر را بتراشـد و یا اندکـی قیچـی کند؛ البته

١- اضطباع: چادر احرام را از بغل راست درآورده به شانه چپ بیاندازید این اضطباع فقط برای مردان سنت است در پایان طواف چون دوگانه طواف می خواهید بخوانید چادر را به حالت عادی با پوشانیدن هر دو شانه بپوشانید.

تراشیدن بهتر است. تراشیدن را حلق و قیچی نمودن را قصر می نامند.

بعد از این عمل، عمره گذار و حاجی متمتع هر دو از احرام خارج می شوند و هیچ گونه پایبندی احرام بر آنها باقی نمی ماند؛ بلکه مانند عموم اهل مکه در مکه مقیم بوده و در انتظار روز هشتم ذی الحجه می باشند. در این ایام هر قدر طواف نفلی و حاضر شدن در بیت الله و زیارت آن داشته باشند، غنیمت شمرده و اوقات گرانمایه خود را به این اعمال صرف نمایند و از هدر دادن اوقات خودداری کنند. اما اگر این شخص که سعی را تمام کرده است، حاجی مفرد باشد که فقط برای حج احرام بسته است و یا حاجی قارن باشد که برای حج و یا عمره یک جا با هم احرام بسته است احرام این هر دو هنوز باقی است؛ بنابراین این دو گروه باید ممنوعات احرام را رعایت کنند و در حالت احرام در مکه سکونت داشته باشند و اکثر اوقات حضور در مسجدالحرام و طواف بیت الله را غنیمت دانسته و اوقات گرانمایه را بیهوده صرف نکنند.

۵- در کتاب غنیه آمده است که از آب زمزم وضو و غسل مناسب نیست؛ البته برای بی وضو، وضو گرفتن جایز است، ولی استنجا و شستن نجاست از بدن و لباس جایز نیست. مستحب است که از طواف و غیره فارغ شده، به محل آب زمزم

برود و رو به بیت الله کرده، با سه نفس آب زمزم بنوشد. در اول آن «بسم الله» و در آخر «الحمد لله» بگوید.

٦- استلام رکن یمانی در هر شوط با هر دو کف دست یا با کف دست راست نه با کف دست چپ بدون بوسه و سجود بر آن مستحب است.

۷- اگر طواف زیارت را در حالی به جا آورد که در لباسش بیش از قدر درهم نجاست بود، طوافش با کراهیت جایز است و بر او چیزی لازم نمی شود. (عالمگیری)

۸- سنگریزه های رمی به قدر نخود باشد و اگر به قدر هسته خرما باشد نیز اشکالی ندارد؛ اما سنگ بزرگتر از آن، مکروه است. (زبده)

۹- رمی جمار با سنگریزه های ناپاک مکروه است؛ بنابراین بهتر آن است که قبل از رمی، سنگریزه ها را بشوید ولی اگر ناپاکی یقینی نیست، بدون شستن هم اشکالی ندارد.

۱۰- وقت رمی، حداقل پنج گز[1] از جمره فاصله گرفته شود و اگر از فاصله بیشتری رمی کند اشکالی ندارد و هر سنگریزه را با دست راست با گفتن «بسم الله، الله اکبر» بیاندازد و اگر یاد داشته باشد بهتر است این دعا را بخواند:

۱- هر گز ۱۰۲ سانتیمتر است.

رَغْمًا لِلشَّيْطَانِ وَ رِضًى لِلرَّحْمَنِ اَللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوْرًا وَ سَعْيًا مَشْكُوْرًا وَ ذَنْبًا مَغْفُوْرًا.

«این سنگریزه ها را برای ذلیل کردن شیطان و رضامندی خدا می زنم. ای الله حج مرا بپذیر و کوششم را قبول فرما و گناهم را ببخش».

۱۱ – اگر کسی تمام هفت سنگریزه را به یک مرتبه انداخت، یک مرتبه محسوب می گردد و شش بار دیگر باید اضافه نماید.

۱۲ – سنگریزه اگر به جمره نخورَد و نزدیک آن در محوطه دیوار کشی بیفتد، جایـز است؛ البته اگر خارج از محدوده دیوار بیفتد دوباره اعاده کند.

۱۳ – سنگریزه ها را به قسمت پایینی جمره بزنند؛ ولی اگر به قسمت بالایی هم بخورند، اشکالی ندارد. (غنیه)

۱٤ – اگر کسی در مسجد الحرام از جلوی نماز گزاری بگذرد، او را منع نکند اعم از آن که گذرنده، طواف کننده باشد یا غیر آن.

۱۵ – رفتن داخل بیت الله، مستحب است به شرطی که منجر به آزار و اذیت خود و دیگران و دادن رشوه ـ چنان که بعضی مردم به دربان می دهند ـ نشود.

۱٦ – دو رکعت نماز بعد از هر طواف ـ خواه طواف فرض باشد یا واجب یا سنت یا مستحب یا نفل ـ واجب است. (ارشاد الساری)

مقصد هشتم

در بیان محظورات احرام

اعمالی که در حالت احرام ارتکاب آنها جرم محسوب می شود، محظورات احرام نامیده می شود که عبارتند از:

۱ – محظوری که فاسد کننده حج است.

۲ – محظوری که بر انجام آن دم[1] لازم می شود.

۳ – محظوری که به انجام دادن آن صدقه[2] لازم می شود.

نوع اول

اگر مُحرم، قبل از وقوف عرفه مرتکب عمل جنسی (جماع) خواه در راه مشروع و یا در راه غیر مشروع شود، به نحوی که به اندازۀ حشفه در موضع خود پنهان کند،

---

۱ – دم اصطلاحاً به قربانی گفته می شود که در عوض جنایت ذبح می شود و شامل شتر، گاو و گوسفند می شود.

۲ – هر جا که واجب است در آنجا صدقه، پس آن نصف صاع از گندم یا یک صاع از جو یا یک صاع از خرما مگر آنچه که واجب می شود به کشتن ملخ و شپش یا به کندن چند موی اندک؛ پس در اینها تصدق کند آنچه می خواهد.

اعم از اینکه انزال شود و یا نشود و اعم از اینکه زن در خواب باشد و یا بیدار باشد، و همچنین زن محرمه اگر ذکر بریده ای را در موضع مخصوص خود، داخل کند در تمام صورت های فوق حج فاسد می شود. برای این اشخاص لازم است که افعال حج را همچنان ادامه دهد و مثل بقیه از تمام محظورات احرام که برای محرم ممنوع است، اجتناب کند. بعد از ادای اعمال حج و حلال شدن، دم فساد حج بر او واجب است و تا زمانی که همه افعال حج را بجای نیاورده باشد، از احرام، خارج نمی شود و قضای حج را در آینده بجا بیاورد. خواه حج فاسد شده، حج فرض باشد یا نفل.

نوع دوم

محظوری است که جزای مرتکب شونده آن بُدنه است و آن بر دو نوع است: یکی اینکه بعد از وقوف عرفه، محرم جماع کند. اگر این عمل پیش از حلق و طواف زیارت بود، باید بُدنه بدهد؛ اگر بعد از حلق و پیش از طواف زیارت بود، دم لازم می شود. دوم: اگر در حالت جنابت و یا در حالت حیض و نفاس طواف زیارت نمود جزای آن بدنه می شود؛ برای این گونه اشخاص بهتر این است که طواف خود را عود کند اگر این عود در ایام نحر باشد، دم لازم نمی شود؛ اما اگر بعد از ایام نحر باشد، دم تأخیر لازم می شود.

ادا کردن تاوان جنایات فوراً واجب نیست؛ البته اگر ظن غالب باشد که دیگر عمر وفا نخواهد کرد و زمان مردن نزدیک است، فوراً باید ادا کند و تأخیر کردن گناه است و اگر پیش از ادا کردن، مرگ فرا رسد وصیت کردن واجب است و اگر وصیت نکرد اما وارثش تبرعاً ادا نمود، ادا می شود؛ به جز روزه که بطور تبرع ادا نمی شود.

جنایت عام است چه عمداً مرتکب شود چه سهواً، دانسته یا ندانسته، به اختیار یا به اجبار دیگری، در حالت خواب یا بیداری، در حالت مستی یا هوشیاری، در حال اضطرار باشد یا اختیار، شخصاً انجام دهد یا به دیگری امر کند، در حکم، همه برابر هستند و در هر حال جزا واجب می شود.

جنایات

اگر از طواف عمره، چهار شوط باقی مانده بود و محرم، جماع کرد، عمره اش فاسد می شود و دم بر وی واجب است. با وجود فاسد شدن اعمال، عمره را ادامه دهد و بعد از آن از احرام خارج شود و لازم است که قضای این عمره را بجا بیاورد و اگر بعد از چهار شوط مرتکب آن عمل شد، عمره اش فاسد نمی شود ولی دم واجب می گردد. دیگر محظوراتی که با ارتکاب آنها دم لازم می شود عبارتند از:

۱- استعمال خوشبویی در تمام یک عضو.

۲– استعمال حنا، در صورتی که حنا رقیق باشد یک دم و در صورت غلیظ بودن دو دم واجب می شود: یکی به علت خوشبویی و دومی به علت پوشانیدن سر.

۳– مالیدن روغن کنجد و زیتون و مثل آنها در عضو کامل.

٤– پوشیدن جامه دوخته به طریق عرف و عادت، به مدت یک شب یا یک روز.

٥– پوشیدن صورت یا سر به مدت یک شب یا یک روز.

٦– تراشیدن یک چهارم سر یا ریش یا تمام گردن یا زیر یکی از دو بغل یا زیر ناف.

۷– تراشیدن محل حجامت و حجامت کردن.

۸– کوتاه کردن تمام ناخنها یا پنج ناخن ردیفی.

۹– طواف قدوم یا وداع را در حالت جنابت یا حیض انجام دادن و یا طواف زیارت را، بی وضو طواف کردن.

۱۰– طواف و سعی عمره را بی وضو انجام دادن که در صورت اعاده کردن این طواف و سعی، دم ساقط می گردد.

۱۱– قبل از غروب آفتاب از عرفات بیرون شدن.

۱۲– ترک وقوف مزدلفه یا پیش از روشنی صبح بیرون شدن.

۱۳– ترک تمام جمره ها یا جمرهٔ یک روز یا بیشتر ریگچه های یک روز.

۱٤– ذبح هدی پیش از زدن جمرهٔ عقبه.

۱٥– تراشیدن سر پیش از ذبح.

۱٦– تراشیدن سر برای بیرون آمدن از احرام حج خارج از حرم در ایام عید و یا در حرم بعد از ایام عید؛ ولی تراشیدن سر بعد از عید و خارج از حرم، برای حاجی دو دم و برای عمره گذار یک دم لازم می شود.

۱۷– جماع پیش از طواف فرض و بعد از تراشیدن سر.

۱۸– مباشرهٔ فاحشه یا بوسه و مساس زن به شهوت اگر چه انزال نشود.

۱۹– تأخیر طواف فرض از ایام عید.

۲۰– ترک سه دور یا کمتر از طواف فرض؛ ولی به ترک چهار دور، نزدیک شدن به زن برایش حلال نمی شود تا وقتی که آن را ادا کند، ولی اگر طواف وداع انجام داده، کسری[۱] فرض او از طواف وداع او تکمیل می شود و برای کسری طواف وداع او جبیره لازم می شود.

۲۱– ترک کل طواف وداع یا اکثرش.

۲۲– ترک تمام سعی بین صفا و مروه یا بیشتر آن.

۱– آنچه که از شوطهای فرض طواف باقی مانده.

۲۳– سواره سعی نمودن بدون عذر که با اعاده ساقط می گردد.

۲٤– شروع طواف از سمت چپ که در صورت اعادۀ طواف، دم ساقط می‌شود.

۲۵– برهنه شدن یک چهارم عضو عورت در بین طواف که با اعادۀ طواف، ساقط می گردد.

۲٦– طواف را از غیر حجرالاسود شروع و عود نکردن.

۲۷– در طواف از وسط حطیم گردیدن و عود نکردن.

۲۸– جماع در عمره پس از چهار چرخ برای غیر قارن و پیش از چهار چرخ مفسد عمره است و پس از فساد باید اعمال عمره را انجام دهد و گوسفندی ذبح کند و قضا به جا آورد.

مسایل

۱– اگر محرم قسمتی از موی لب و یا قسمتی از موی گردن خود را گرفت بر وی صدقه لازم می گردد؛ ولی در گرفتن کامل موی لب و یا گردن و یا گرفتن موی هر عضو دیگر، دم لازم است.

۲– از تراشیدن و یا کندن موی زیر بغل، دم لازم می گردد و اگر کمتر از آن باشد، صدقه لازم است.

۳ – اگر هنگام وضو گرفتن و یا غسل کردن از سر و یا ریش محرم یک و یا دو موی افتاد بر وی چیزی لازم نیست و اگر بیشتر از آن بود، در مقابل هر موی، یک دانه خرما و یا معادل آن را باید صدقه بدهد.

٤ – اگر هنگام پختن طعام و یا عمل دیگری، موی سر و یا ریش و یا ابرو و یا موی دیگر اعضای بدن محرم سوخت، به تناسب مقدار سوختگی به تفصیلی که در مسئله بیست و نه ذکر شد، بر وی دم و یا صدقه لازم می گردد.

٥ – اگر محرم در حال استمرار احرام سر شخص دیگری چه محرم باشد و چه غیر محرم تراشید، بر وی صدقه لازم می گردد.

٦ – اگر محرم سر محرم دیگری را که می خواهد از احرام خارج شود بتراشد، بر هیچ کدام از حالق و محلوق فدیه لازم نیست.

۷ – اگر حاجی موی سر خود را در هنگام خارج شدن از احرام در بیرون از زمین حرم تراشید در نزد امام ابوحنیفه (رح) بر وی دم لازم می گردد.

۸ – اگر ناخن محرم بدون قصد و اختیار وی شکست و این شکستگی باعث اذیت او می گردید، از گرفتن آن ناخن شکسته بر وی چیزی لازم نمی گردد.

۹- اگر کسی تمام طواف زیارت و یا اکثر آن را در حالت بی وضویی انجام داد، بر وی دم لازم می گردد. ولی اگر این طواف را دو باره با وضو بجا آورد، دم از وی ساقط می شود.

جنایت قارن

اگر قارن قبل از طواف عمره و وقوف به عرفه جماع کند، حج و عمره اش هر دو باطل می شود. در این صورت به سبب دو احرام، دو دم بر وی واجب می شود و باید تمام اعمال حج را تا آخر انجام دهد و قضای حج را در آینده بجا آورد؛ اما اگر بعد از وقوف عرفه و بعد از طواف عمره پیش از حلق، جماع کند، بر او یک بُدنه و یک دم لازم می شود و دم قران را هم باید بدهد.

نوع سوم

نوعی از محظورات در احرام است که با ارتکاب آنها صدقه لازم می شود و مقدار این صدقه به اندازهٔ صدقهٔ فطر است؛ یعنی از گندم نصف صاع[۱] و از جو یک صاع می باشد. در ذیل به برخی از این محظورات اشاره می شود:

۱- صاع تقریباً چهار کیلوگرم وزن دارد.

۱- بکار بردن خوشبویی در قسمتی از اعضا و یا عضوی کوچک.

۲- مالیدن روغن یا حنا در بعضی از اعضا.

۳- پوشیدن جامهٔ دوخته کمتر از یک روز و یا یک شب.

٤- پوشیدن صورت یا سر کمتر از یک روز و یا یک شب.

٥- تراشیدن کمتر از یک چهارم سر یا ریش یا قسمتی از زیر بغل و ناف و گردن.

٦- تراشیدن محل حجامت و حجامت نکردن.

۷- اگر محرم سر حلالی را بتراشد، بر وی صدقه است و اگر سر محرمی را بتراشد، بر تراشنده صدقه و بر تراشیده شده دم واجب می شود.

۸- کوتاه کردن حتی یک ناخن از دست و پا، مادامی که به پنج ناخن نرسد؛ به طوری که صدقات متفرقه، قیمت گوسفندی را تشکیل ندهد.

۹- طواف قدوم یا وداع را بی وضو انجام دادن.

۱۰- ترک هر دور از طواف وداع، مادامی که به چهار دور نرسد.

۱۱- ترک حتی یک دور از سعی صفا و مروه در کمتر از چهار دور.

۱۲- ترک حتی یک ریگچه تا سه دانه از جمرهٔ روز اول عید و در بقیهٔ ایام تا ده دانه؛ مگر آنکه قیمت صدقات به گوسفندی برسد؛ در اینصورت از قیمت گوسفند اندازهٔ کمی کسر کند و در ترک زیادتر از ده ریگچه، گوسفندی لازم می شود.

محظورات متفرقه و جبران آنها

۱– با کشتن شکار بیابانی یا اشاره یا دلالت بر آن جزا لازم می شود. جزا آن است که دو نفر عادل با بصیرت، قیمت شکار را در جایی که کشته شده تعیین کنند؛ آنگاه مُحرم اختیار دارد که به همان مبلغ، گوسفندی ذبح کند یا طعام (گندم) خریده و به هر مسکین یک مَن گندم بدهد یا در عوضِ هر یک من گندم، یک روز روزه بگیرد یا همان مقدار را به فقیر بدهد. به یک فقیر دو من یا کمتر از یک مَن دادن، جایز نیست.

۲– با کشتن درندگان، جزا لازم می شود ولی باید قیمتش بیشتر از گوسفندی نشود؛ اگر چه خوک یا فیل باشد.

۳– با زخمی یا قطع کردن عضو یا کندن موی شکار، به اندازه نقصان جزا لازم می شود.

٤– با قطع قوهٔ دفاعیه مثل بال ودست و پای شکار، قیمت تمام آن لازم می‌شود.

٥– با شکستن بیضهٔ شکار و کندن گیاه و درخت تازه و بی صاحب در زمین حرم، قیمت تمام لازم می شود؛ ولی کندن فریز درخت خشک معاف است.

۶- اگر محرم شکاری را بکشد حرام است؛ ولی ذبح حیوانات اهلی، زیانی ندارد.

۷- با کشتن مار، عقرب، گرگ، سگ، موش، تیز، زاغ، پشه، کیک، کنه، زنبور، خارپشت، لاک پشت، مارمولک، سوسمار، پروانه و درندهٔ حمله کننده، چیزی لازم نمی گردد؛ اما بدون ضرورت، آزار هیچ حیوانی شایستهٔ حال مُحرِم نیست.

۸- با کشتن ملخ و شپش، یک خرما یا کمی طعام بدهد.

۹- با تراشیدن سر یا پوشیدن جامهٔ دوخته یا استعمال خوشبویی در حال ضرورت، بین ذبح گوسفند و اطعام شش مسکین و روزه گرفتن سه روز مختار است.

۱۰- کسی که پیش از طلوع صبح عید روز عرفه یا شب عید در عرفات لحظه ای توقف نکرد، حَجّش قضا می شود و لازم است مثل عمره، طواف و سعی نموده، خود را حلال سازد و در آینده بدون جبیره قضا به جا آورد.

در جمیع محظورات، جریمهٔ حاجی قران دو برابر است؛ مگر جرم تجاوز از میقات بی احرام و هدیهٔ شکرانه که برای متمتّع و قارن بلا فرق است.

مقصد نهم

مواضع مخصوصی از مکه که زیارت آنها مأثور است

مکانهای نماز رسول الله ﷺ در مسجد الحرام

۱– پشت مقام ابراهیم علیه السلام .

۲– روبروی حجرالاسود.

۳– نزدیک رکن شامی[1] از جانب حطیم.

٤– پای آستانهٔ کعبه.

٥ – پشت به مقام ابراهیم علیه السلام رو به خانه.

٦– بین رکن یمانی و حجرالاسود.

۷– داخل حطیم زیر میزاب رحمت[2].

۱– گوشه شمال غربی کعبه که به جانب شام (سوریه) واقع است.

۲– آن ناودان بیت الله در حطیم است که موقع باران آب سقف بیت الله از آن جا می ریزد باید زیر آن ایستاده و دعا کند چرا که در آنجا دعا قبول می شود.

مولدهای متبرکه

۱- مولد النبیﷺ در سوق اللیل معروف است.

۲- مولد بی بی فاطمه (رضی الله عنها) در سرای بی بی خدیجه (رضی الله عنها).

۳- مولد حضرت عمر فاروقؓ در جبل نوبی.

٤- مولد حضرت علیؓ در شعب علی.

٥- مولد سیدنا حمزهؓ پایین مکه بر راه ماجن.

٦- مولد حضرت امام جعفر صادقؓ در سرای ابی سعیدؓ.

سراهای متبرکه

۱- سرای حضرت ابوبکر صدیق که اسلام آوردن حضرت علی و عثمان و طلحه و زبیر و بسیاری از صحابهؓ در آنجا بود در کوچه ای بنام زقاق الحجر که بر دیوار آن کوچه، اثر آرنج آن حضرتﷺ بر سنگی باقیمانده که وقتی خود را به دیوار تکیه داده، «یا ابابکر» ندا می فرمودند؛ آرنج مبارکﷺ بر سنگ اثر گذاشت و نیز مقابل این سرا، دیواری است که سنگی بر آن نصب و روی آن نوشته بود:

اَنَا الْحَجَـرُ الْمُسَلِّمُ كُلَّ حِيْـنٍ
عَلَى خَيْرِ الْوَرَى فَلِىَ الْبِشارَةُ
وَنِلْتُ فَضِيْلَةً مِنْ ذِى الْمَعَالِى
خُصِّصْتُ بِهَا وَ اِنِّىْ مِنْ حِجَارَةَ

«من سنگی هستم که هر لحظه بر برگزیده مخلوقات خداوند ـ حضرت محمدﷺ ـ سلام می دادم و او به من مژده و بشارت می داد. من به فضیلتی از فضایل صاحبان شرف و بزرگی دست یافتم و به آن مخصوص گردیدم در حالی که یک سنگ هستم».

مشهور است که قبل از بعثت، بر حضرتﷺ سلام می کرده و ایشان «علیک السلام» می فرمودند و تا چند سال قبل زیارت می شد؛ ولی فعلاً حکومت سعودی آن را برداشته، به خزانه نقل داده و جایش، بر دکّان نبش کوچه ظاهر است.

۲– دار خِیْزَران که در آن مسجدی است که در اول دوره اسلام، پیغمبرﷺ آنجا بودند و جای اسلام حضرت عمر رضی الله عنه و امیرحمزه رضی الله عنه و محل اجتماع اصحاب رضی الله عنهم بود.

۳– رباط موفق یا مغاربه در سوق باب ابراهیم علیه السلام محل اجابت دعا است.

٤– معبد سلطان ابراهیم ادهم، سرایی است بر جبل جزل.

۵– دار بی بی خدیجه ـ رضی الله تعالی عنها ـ محل نزول وحی به وسیله جبرییل ﷺ و منزل آن حضرت ﷺ و جای ولادت اولاد امجادش.

مساجد متبرکه موجود در مکه مکرمه

۱– مسجد الرایه در بلندی مکه نزد مناره ابی شامه.

۲– مسجدی است پیش مسلخ بزرگ، بر دست راستِ کسی که به مکه می آید.

۳– مسجد مختبا در سوق اللیل قریب مولد النّبی ﷺ.

٤– مسجد حضرت ابراهیم ﷺ بر جبل ابی قبیس.

۵– مسجد سیدنا ابی بکر صدّیق رضی الله عنه در پایین مکه پهلوی دارا لهجره.

٦– مسجد الحرس که به بیعة الجن معروف است.

۷– مسجد الاجابه بر سمت چپ راهی که به سمت منی است.

۸– مسجد بیعة الانصار نزدیک عقبه، در سمت چپ راه به سوی منی.

۹– مسجد نحر، بین جمره اولی و وُسطی در سمت راست راه عرفات.

۱۰– مسجد کبش در سمت چپ راه عرفات.

۱۱– مسجد سیدتنا عایشه ـ رضی الله تعالی عنها ـ در بلندیِ مسجد، غاری است و دارای بنایی که محل اعتکاف بی بی بوده است.

۱۲- مسجد خیف که جای نماز هفتاد نفر از انبیاء ـ علیهم السلام ـ بوده خصوصاً قبّه وسط مسجد بزرگ.

۱۳- مسجد ضبّ بر بلندی کوه خیف و غار مرسلات نیز آنجا است که دارای نشان سر مبارک ﷺ و محل نزول سوره «والمرسلات» است.

۱٤- مسجد سیدنا ابراهیم علیه‌السلام در عرفات.

۱۵- مسجد نمره در عرفات.

۱٦- مسجد فتح در وادی مرّ.

۱۷- مسجد جعرانه در راه طایف که جای احرام آن حضرت ﷺ و سیصد پیغمبر دیگر است. آنجا آبی است که از اثر دست یا نیزه مبارک ﷺ جوشیده و تاکنون فیضش به حاجتمندان می رسد.

۱۸- مسجدی است که در نزدیکی راهی که از باب عمره به سوق باب ابراهیم علیه‌السلام می رود.

۱۹- مسجد مشعر الحرام در مزدلفه.

۲۰- مسجد صفاع در جنوب مسجد خیف.

زیارت مساجد فوق در اوقات مجاز، با نماز خواندن و در اوقات مکروه، با ذکر و دعا و درود است.

کوههای متبرکه

۱- جبل ابو قبیس بر بلندی صفا که در بعضی روایات جسد مطهّر حضرت آدم و حوا و شیث ـ علیهم السلام ـ در این کوه دفن شده و اولین کوههای دنیا و بهترین کوههای مکه و امین حجرالاسود و محل اجابت دعا و شق القمر است.

۲- جبل خندمه کوهی است بالای ابی قبیس مدفن هفتاد نفر از انبیاء ـ علیهم السلام ـ.

۳- جبل حرا یا نور که در آن غاری است که مبارکﷺ از مشرکین کناره گرفته و آنجا بسر می بردند تا جبرییل عليه السلام فرود آمده و مژده رسالت را با آوردن آیات اول سوره علق به ایشان ابلاغ نمودند.

٤- جبل ثور یا اطحل در دو میلی پایین مکه که در آن غاری است که شب هجرت، آن حضرتﷺ با سیدنا ابوبکر رضي الله عنه به آنجا آمدند و به امر خدا همان ساعت بر در غار درختی سبز شد و عنکبوت تنید و کبوتر تخم گذاشت تا از شرّ کفار محفوظ ماندند و آیه کریمه ﴿ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ﴾ در شأن آن وارد آمده است.

٥- جبل ثبیر به منی، پیش از بعثت جای عبادت حضرت پیغمبرﷺ بود و در خبر است که چون به کوه طور تجلّی واقع شد، شش قطعه از آن جدا گشته و سه

قطعه از آن به مکه افتاد که حرا و ثور و ثبیر است و سه قطعه دیگر به مدینه افتاد که احد و رقان و رضوی است.

٦- ثبیر غینا و ثبیر اعرج در منی که این دو کوه بر دو جانب وادی افاعیه واقع است.

٧- جبل ثبیر نصح در مزدلفه در سمت چپ راهی که به منی می رود.

٨- ثبیر خضرا در راه منی بر وادی خضیرا.

٩- ثبیر احدب یا احیدب مقابل مسجد خیف.

مقابر متبرکه

١- مقبره المعلی قبر بی بی خدیجه ـ رضی الله تعالی عنها ـ و عبدالله بن عمر رضی الله عنه و قاسم فرزند پیغمبر ﷺ و فضیل عیاض و بسیاری از سادات صحابه و تابعین و علما و صلحا.

٢- مقبره مهاجرین نزد جبل بکاء.

٣- مقبره شبیکه در پایین مکه.

٤- قبر بی بی میمونه ـ رضی الله تعالی عنها ـ در طرف هفت میلی مکه در راه وادی مرّ.

۵- قبر عبدالله بن عبّاس رضی‌الله‌عنه در وادی طایف.

٦- قبری است بر سر کوه برقه از وادی مرّ که گویند مقبرهٔ بی بی مریم، مادر حضرت عیسی علیه‌السلام است.

مواضع اجابت دعا

۱- دوره طواف.
۲- ملتزم.
۳- زیر میزاب رحمت.
٤- داخل کعبه.
۵- پشت مقام ابراهیم.
٦- نزد زمزم.
۷- صفا.
۸- مروه.
۹- مزدلفه.
۱۰- عرفات.
۱۱- در حال سعی بین صفا و مروه.
۱۲- در منی عموماً و خصوصاً نزد جمرات سه گانه.
۱۳- وقت دخول از باب السلام.
۱٤- سرای بی بی خدیجه (رض) در شبهای جمعه.
۱۵- مولد النبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم وقت زوال آفتاب در روز دوشنبه.
۱٦- دار خیزران بین مغرب و عشاء.

۱۷- جبل ثور در وقت ظهر.

۱۸- جبل حرا مطلقاً.

توسعه مسجد الحرام

این مسجد در زمان حضرت پیغمبرﷺ و صدیق اکبرؓ دیواری جداگانه نداشت. منازل در محیط آن بوده و دروازه ها به مسجد باز می شد. خلیفه دوم پیغمبرﷺ حضرت عمرؓ در دوره خلافتش به نام فنابیت کعبه و مسجد، منازل نزدیک را خریداری نموده، مسجد را وسیع ساخته و دیواری کوتاهتر از قامت انسان بر گرد آن قرار داده است و مردم جهت روشنایی مسجد، چراغها بر آن دیوار می گذاشتند. خلیفه سوم حضرت عثمانؓ نیز در دوره خود منازلی خریداری نموده، داخل مسجد دادند و بر دروازه ها، ایوان بنا کردند. عبدالله بن زبیرؓ نیز منازل زیادی خریده، بر فراخی مسجد افزود. عبدالملک پسر مروان دیوار را بلند و سقف را تبدیل به چوب ساج نمود و بر سر هر استوانه پنجاه مثقال قبّه طلا قرار داد. ولید پسرش نیز بر فراخی مسجد افزود و استوانه ها و سطح را رخام و سقف را ساج طلا اندود ساخت. منصور خلیفه عبّاسی در حد شامی و غربی و پسرش در جانب شرقی و یمانی، حصّه ای از جانب غربی به توسعه مسجد افزودند. معتضد

عبّاسی، دارالندوه را و مقتدر بالله، باب ابراهیم را با هزینه های زیادی، ضمیمه مسجد ساختند. تعمیرات و تغییرات بسیاری شده که تشریح آنها به طول می انجامد؛ ولی تا دوره سعودی بر وسعتش افزوده نشده است. اکنون سلاطین سعودیّه از چهار طرف توسعه بسیاری داده و عمرانات شایسته و دل پسندی کرده اند.

مناره های مسجد الحرام

۱– منارهٔ باب السلام.

۲– منارهٔ باب العمره.

۳– منارهٔ باب علی رضی الله عنه.

٤– منارهٔ باب عزوره.

٥– منارهٔ مدرسه سلطان.

٦– منارهٔ زیادهٔ دارالندوه.

ابواب مسجد الحرام

الف ـ در جانب شرقی

۱– باب السلام دارای سه طاق.

۲- باب سلطان قایتبای.

۳- باب النبی ﷺ.

٤- باب العبّاس رضي الله عنه دارای سه طاق.

٥- باب علی رضي الله عنه دارای سه طاق.

ب ـ در حدّ جنوبی

۱- باب النساء دارای دو طاق.

۲- باب البغله دارای دو طاق.

۳- باب الصّفا دارای پنج طاق.

٤- باب الرحمه دارای دو طاق.

٥- باب اجیاد دارای دو طاق.

٦- باب حمیدیه دارای دو طاق.

ج ـ در جانب غربی

۱- باب الوداع دارای دو طاق.

۲- باب ابراهیم.

۳- باب داودیه.

٤- باب العمره.

٥- باب العتیق.

د ـ در جانب شمالی

۱- باب الزّمامیّه.

۲- باب الباسطیه.

۳- باب القطبی.

٤- باب الزّیاده.

٥- باب المحکمه.

٦- باب السلیمانیه.

۷- باب الدریبه.

در ساختمان سعودی مقابل هر یک از این دروازه ها، بابی ساخته شده و به همان نام یاد می شود و نیز مناره هایی غیر از مناره های قدیمی ساخته شده که با نام همان مناره های قبلی یاد می شود.

حدود زمین حرم

از جانب مدینه مسجد عایشه ـ رضی الله تعالی عنها ـ در تنعیم، قریب پنج میل و از جانب عراق کوهی است به نام مقطع به مسافت هشت میل از کعبه و از جانب عرفه به مسافت هشت میل و خود عرفه از حل است و از جانب جعرانه به مسافت نُه میل محلی به نام شعب آل عبدالله بن خالد و از طرف جده، ده میل یعنی تا آخر حدیبیه که در این زمان حِدِّه نامیده می شود و از طرف یمن اضا که محل اجتماع آب رود حل می باشد. علت نامگذاری این محدوده به حرم، آن است که چون آدم علیه السلام به زمین فرود آمد، از ساکنین زمین هراس داشت؛ خداوند برای محافظت وی ملایکه را فرستاد تا گرداگرد وی حلقه زده، جن و شیاطین را که ساکن زمین بودند، نگذارند وارد این محدوده شوند تا آدم بتواند با فراغ خاطر به عبادت پروردگارش بپردازد و گویند چون ابراهیم علیه السلام حجرالاسود را در محلش نصب نمود، نوری از آن درخشید که زمین مذکور را روشن ساخت. به هر صورت زمین این محدوده، حرم نامیده شد که شکار و قطع گیاه و درخت در آن حرام است.

مساجد بین راه مکه و مدینه

۱- مسجد ذی طوی اول خروج از مکه به مدینه.

۲– مسجد حضرت عایشه ـ رضی الله عنها ـ در تنعیم.

۳– مسجد سرف هفت میلی مکه محل عروسی و مدفن بی بی میمونه ـ رضی الله عنها ـ.

٤– مسجد فتح در راه ظهران در یک منزلی مکه.

٥– مسجد خلیص در سه منزلی مکه.

٦– سه مسجد در جحفه نزدیک رابغ.

۷– مسجد صفرا میان حرمین شریفین؛ جایی است پر آب و درخت.

۸– مسجدالرسولﷺ در بدر که در آنجا شهدای بدر را نیز زیارت کنند و تل نقاره و شق وسط کوه اصل معتمدی ندارد.

۹– مسجد عرق الظبیه در یک فرسخی روحاء.

۱۰– مسجد غزاله در آخر روحاء.

۱۱– مسجد صغیر در شرف روحاء که در آنجا نیز شهدا را زیارت کنند.

۱۲– مسجد معرس در دو فرسخی مدینه.

۱۳– مسجد شجره ام غیلان در ذی الحلیفه جای احرام و نماز حضرت رسول اکرمﷺ نزد استوانه وسطی مسجد بوده است.

زیارت مساجد مذکور، مأثور و جای نماز آن حضرتﷺ محل اجابت دعا می‌باشد.

مقصد دهم

بیان آداب زیارت مدینه طیبه و روضه اطهر

بعد از حج از بهترین اعمال، زیارت شهر مدینه و خصوصاً روضهٔ اطهر است، همانگونه که رسول اکرمﷺ فرموده است: «هر کس که قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او واجب شد» و در جای دیگر فرموده است: «شخصی که بعد از وفات من قبر مرا زیارت کند، مانند کسی است که در زمان حیات مرا زیارت کرده است». شک نیست که بدون محبت آن سرور، ایمان کامل نمی شود و همچنین حاضر شدن روبروی روضهٔ پاکیزهٔ آن حضرتﷺ و سلام و درود فرستادن، دارای برکات و خیراتی است که سلام و درود فرستادن از راه دور حایز آن نیست. برای کسانی که حج می کنند، بهتر است که اول احکام حج را به جای بیاورند و بعد رهسپار زیارت روضهٔ رسول اکرمﷺ شوند. اگر به سببی قبل از حج مشرف به مدینه شدند، اشکالی ندارد.

آداب ورود به مدینهٔ منوره

بعد از حرکت بسوی مدینه منوره، ابتدا نیت زیارت روضهٔ اطهر و مسجد النبی را داشته باشد. مستحب این است که غسل کند، لباس پاکیزه بپوشد، خود را معطر بسازد و در راه درود زیاد بخواند. وقتی که از دور بناها و درختهای مدینه ظاهر شد درود بیشتر بخواند و دعا کند. دعا این است:

اَللّٰهُمَّ هَذَا حَرَمُ نَبِیِّكَ فَاجْعَلْهُ وِقَایَةً لِیْ مِنَ النَّارِ وَ اَمَانًا مِنَ الْعَذَابِ وَ سُوْءِ الْحِسَابِ.

«پروردگارا این، حرم پیامبر توست پس آن را برایم حافظی از آتش جهنم و مایه نجات از عذاب و سوء حسابرسی قرار بده».

چون به شهر مدینه نزدیک شود پیاده برود. هر اندازه که می تواند از خود تواضع و انکسار نشان دهد و عظمت این شهر پاکیزه را در نظر داشته باشد تا اینکه به مدینه منوره داخل شود و در حین ورود این دعا را بخواند:

رَبِّ اَدْخِلْنِیْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَّ اَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّ اجْعَلْ لِّیْ مِنْ لَّدُنْكَ سُلْطَانًا نَّصِیْرًا، اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِیْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ

ارْزُقْنِیْ مِنْ زِیَارَةِ رَسُوْلِكَ ﷺ مَا رَزَقْتَ اَوْلِیَاءَكَ وَ اَهْلِ طَاعَتِكَ وَ اغْفِرْلِیْ وَ ارْحَمْنِیْ یَا خَیْرَ مَسْؤُوْلٍ.

«پروردگارا! مرا صادقانه وارد کن و صادقانه از آن بیرون آور و از جانب خود قدرتی به من عطا فرما که یار و مددکار باشد. معبودا! درهای رحمتت را برایم بگشا و از زیارت تربت پاک پیغمبرت آن چیزی را به من روزی گردان که به دوستان و اهل طاعت و عبادتت روزی بخشیدی».

بعد از آن مواظب باشد که هیچ عملی خلاف ادب از او سر نزند، این را لحاظ کند که اینجا شهر و آرامگاه حضرت رسول ﷺ، محل نزول وحی و قدمگاه حضرت جبرئیل علیه السلام و صحابه می باشد. در همه حال از ادب غافل نباشد و در مدینه منوره بهتر این است که بعد از نمازهای پنجگانه بیشترین عمل خود را درود بر آن حضرت ﷺ قرار بدهد.

آداب ورود به مسجد نبوی ﷺ

بعد از ورود به شهر مدینه در اولین فرصت به زیارت روضۀ اطهر برود. وقتی که می خواهد وارد مسجد نبوی شود اگر امکان داشت از باب جبرئیل علیه السلام که در

جانب شرقی مسجد است با پای راست وارد شود و دعایی که موقع ورود به مساجد می خوانند را بخواند:

بِسْمِ اللهِ وَ الصَّلَوةُ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُوْلِ اللهِ، اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیْ ذُنُوْبِیْ وَ افْتَحْ لِیْ اَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.

بعد از آن در روضة الجنة که ما بین قبر شریف و منبر واقع است و در آنجا قسمتی از بهشت قرار داده شده است، دو رکعت نماز تحیة المسجد بخواند و در جایی بایستد که منبر در مقابل شانهٔ راست او و ستون روبروی او قرا بگیرد. در همین جا که موقف آن حضرتﷺ است، هر دعایی که می خواهد بکند؛ زیرا اینجا محل اجابت دعا است.

بیان کیفیت حضور بر روضهٔ مطهره

سپس به سمت قبلهٔ قبر مبارک برود و به فاصلهٔ سه و یا چهار گز پشت به قبله بایستد، کمی به طرف چپ مایل شود تا مواجه به چهره مبارک گردد، با کمال ادب و نهایت خشوع بایستد، بعد از آن رو به روضهٔ شریف نموده، به آرامی و ادب، سلام عرض نماید:

اَلصَّلَوةُ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِىُّ الْكَرِيْمُ وَ الرَّسُولُ الْعَظِيْمُ الرَّؤُوْفُ الرَّحِيْمُ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُوْلَ اللهِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِىَّ اللهِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِىَّ اللهِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللهِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللهِ مِنْ جَمِيْعِ خَلْقِهِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ وُلْدِ آدَمَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيْبَ اللهِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِىَّ الرَّحْمَةِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَفِيْعَ الْاُمَّةِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِيْنَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّيْنَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُزَّمِّلُ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدَّثِّرُ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ الَّذِيْنَ اَذْهَبَ اللهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيْرًا.

جَزَاكَ اللهُ عَنَّا اَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ قَوْمِهِ وَ رَسُوْلًا عَنْ اُمَّتِهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ.

وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ، اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَ اَدَّيْتَ الْاَمَانَةَ وَ نَصَحْتَ الْاُمَّةَ وَ كَشَفْتَ الْغُمَّةَ وَ اَوْضَحْتَ الْحُجَّةَ وَ جَاهَدْتَ فِيْ سَبِيْلِ اللهِ وَ قَاتَلْتَ عَلَى دِيْنِ اللهِ حَتَّى اَتَاكَ الْيَقِيْنُ، فَصَلَّى اللهُ عَلَى رُوْحِكَ وَ جَسَدِكَ وَ قَبْرِكَ صَلَاةً دَائِمَةً اِلَى يَوْمِ الدِّيْنِ، يَا رَسُوْلُ نَحْنُ وَفْدُكَ وَ زَوَّارُ قَبْرِكَ جِئْنَاكَ مِنْ بِلَادٍ شَاسِعَةٍ وَ نَوَاحِيَ بَعِيْدَةٍ قَاصِدِيْنَ قَضَاءَ حَقِّكَ وَ النَّظَرَ اِلَى مَآثِرِكَ وَ التَّيَامُنَ بِزِيَارَتِكَ وَ الْاِسْتِشْفَاعَ بِكَ اِلَى رَبِّنَا فَاِنَّ الْخَطَايَا قَدْ قَصَمَتْ

ظُهُوْرَنَا وَ الْاَوْزَارَ قَدْ اَثْقَلَتْ كَوَاهِلَنَا وَ اَنْتَ الشَّافِعُ الْمُشَفَّعُ الْمَوْعَوْدُ بِالشَّفَاعَةِ وَ الْمَقَامِ الْمَحْمُوْدِ.

وَ قَدْ قَالَ اللّٰهُ تَعَالَى ﴿ وَ لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ جَاءُوْكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُوْلُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا رَحِيْمًا ﴾ وَ قَدْ جِئْنَاكَ ظَالِمِيْنَ لِاَنْفُسِنَا مُسْتَغْفِرِيْنَ لِذُنُوْبِنَا فَاشْفَعْ لَنَا اِلَى رَبِّكَ وَاسْاَلْهُ اَنْ يُمِيْتَنَا عَلَى سُنَّتِكَ وَ اَنْ لَا يَجْعَلَ هَذَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ قَبْرِكَ وَ يُرْزِقَنَا الْعَوْدَ اِلَيْهِ وَ اَنْ يَحْشُرَنَا فِى زُمْرَتِكَ وَ اَنْ يُوْرِدَنَا حَوْضَكَ وَ اَنْ يَسْقِيَنَا بِكَاْسِكَ غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِيْنَ، اَلشَّفَاعَةَ اَلشَّفَاعَةَ يَا رَسُوْلَ اللّٰهِ.

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ سَلِّمْ.

«درود و سلام بر تو ای پیامبر گرامی و فرستاده بزرگ و ای مهربان و دلسوز و رحمت خداوند و برکاتش بر تو باد. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای خبر دهنده از خدا، سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا، سلام بر تو ای بهترین مخلوقات خداوند، سلام بر تو ای برگزیدۀ خدا از میان تمام مخلوقاتش، سلام بر تو ای سرور

فرزندان آدم، سلام بر تو ای دوست خدا، سلام بر تو ای پیامبر رحمت، سلام بر تو ای شفاعت کننده امت و سلام بر تو ای سید رسولان خدا و سلام بر تو ای خاتم پیامبران و سلام بر تو ای جامه در خود پیچیده و سلام بر تو و بر اهل بیتت که پاکیزه طینت و پاک گوهرند؛ کسانی که خداوند پلیدی و نا پاکی را از آنان زدود و آنان را پاک نمود. خداوند به تو پاداش دهد برترین پاداشی که پیامبر و رسولی از خدا به واسطه تربیت امتش یافت. گواهی می دهم که هیچ معبودی بجز ذات باری تعالی نیست، او یگانه است و هیچ شریکی ندارد و گواهی می دهم که تو بنده و فرستاده خدا هستی و گواهی می دهم که تو رسالت پروردگارت را ابلاغ نمودی و امانتت را ادا کردی و امت خود را پند دادی و حزن و اندوه را بر طرف ساختی و حجت را آشکار کردی و در راه خدا و برپایی دین خدا جنگیدی تا اینکه بر تو یقین فرا رسید (اجلت فرا رسید). پس درود همیشگی و دایم خداوند تا روز قیامت بر روح و جسم و تربت پاکت باد. ای رسول خدا! ما امت تو و زایران تربت پاک تو هستیم که از سرزمینها و نواحی دور برای ادای حق تو و نظر به اعمال پسندیده ات و تبرّک جستن به زیارت تو و طلب شفاعت از تو نزد پروردگارمان به سوی تو آمدیم. به درستی که خطاها و گناهان، کمرهایمان را شکسته است و بر دوشهایمان سنگینی

می کند و تو شفاعت کننده و شفاعت قبول شده هستی که به شفاعت و مقام محمود وعده داده شدی. به درستی که خداوند بلند مرتبه در شأن تو فرموده است: «و اگر آنان هنگامی که به خودشان ستم می کنند نزد تو آیند و از خداوند آمرزش طلبند و رسول هم برای آنان از خداوند آمرزش طلبد هر آیینه خداوند را بسیار توبه پذیر و مهربان خواهند یافت». و به راستی که ما به خود ظلم کرده ایم و نزد تو آمدیم در حالی که طلب آمرزش گناهانمان را می کنیم پس شفاعت ما را نزد پروردگار بکن و از او بخواه تا ما را بر پیروی از سنت تو بمیراند و این زیارت را آخرین عهد من برای زیارت تربت پاک تو قرار ندهد و به ما زیارت دوباره ارزانی دارد و ما را از جمله امت تو محشور گرداند و به حوض تو وارد کند و بدون هیچگونه پشیمانی و خواری از شراب گوارای تو بنوشاند. شفاعت، شفاعت ای رسول خدا، پروردگارا! بر محمد و اهل بیتش درود بفرست».

توسل به رسول خدا ﷺ

در حین دعای ذکر شده، با توسل به رسول خداﷺ دعا کند و برای خود طلب شفاعت نماید و بگوید:

يَا رَسُوْلَ اللهِ اَسْأَلُكَ الشَّفَاعَةَ وَ اَتَوَسَّلُ بِكَ اِلَى اللهِ فِيْ اَنْ اَمُوْتَ مُسْلِمًا عَلَى مِلَّتِكَ وَ سُنَّتِكَ.

در این دعا هر چه که بخواهد می تواند اضافه کند. سعی نماید که با آهستگی دعا نماید و از ادب و عاجزی غفلت ننماید.

رساندن سلام از جانب دیگران

اگر از مردم کسانی سفارش کرده بودند که از جانب آنها به خدمت آن حضرت عرض سلام نماید، باید اینگونه عرض سلام کند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ فُلَانٍ وَ فُلَانٍ

یا به طور عموم این گونه بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ مِمَّنْ اَوْصَانِيْ وَيَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَى رَبِّكَ فَاشْفَعْ لَهُ وَ لِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ.

«سلام بر تو از جانب کسانی که مرا سفارش کردند و از تو نزد پروردگارشان طلب شفاعت کردند پس آنان و جمیع مسلمانان را در نزد پروردگار شفاعت کن».

متوجه باشد که در این سلام به جای فلان بن فلان، اسم شخص سفارش کننده و پدر او را بگوید.

عرض سلام خدمت صدیق اکبر رضی الله عنه

بعد به اندازه یک ذرع تقریباً به اندازۀ دست راست به سمت مشرق رفته، در روزنه دیگری که روبروی سینه سیدنا ابوبکر صدیق رضی الله عنه می باشد ایستاده، سلام عرض کند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيْفَةَ رَسُوْلِ اللهِ صلی الله علیه وسلم.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه وسلم فِی الْغَارِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَفِيقَهُ فِی الْاَسْفَارِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْنَهُ عَلَی الْاَسْرَارِ.

جَزَاكَ اللهُ عَنَّا اَفْضَلَ مَا جَزَی اِمَامًا عَنْ اُمَّةِ نَبِيِّهِ وَ قَدْ خَلَفْتَهُ بِاَحْسَنِ خَلَفٍ وَ سَلَكْتَ طَرِيْقَهُ خَيْرَ مَسْلَكٍ وَ قَاتَلْتَ اَهْلَ الرِّدَّةِ وَ الْبِدَعِ وَ مَهَّدْتَ الْاِسْلَامَ وَ وَصَلْتَ الْاَرْحَامَ وَ لَمْ تَزَلْ لِلْحَقِّ نَاصِرًا لِاَهْلِهِ حَتَّی اَتَاكَ الْيَقِيْنُ، وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ اَمِتْنَا عَلَى حُبِّهِ وَ لَا تُخَيِّبْ سَعْيَنَا فِيْ زِيَارَتِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيْمُ.

«سلام بر تو ای جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای همراه رسول خدا در غار، سلام بر تو ای دوست رسول خدا در سفرها، سلام بر تو ای امین رسول خدا بر اسرار، خداوند به تو پاداش دهد؛ بهترین پاداشی که به یک امام از جانب امت پیامبرش داده است و تو جانشینیِ پیامبر را به نیکو ترین روش به انجام رساندی و روش او را به بهترین شیوه ادامه دادی و با کسانی که پس از پیامبرﷺ از اسلام روی برگرداندند و کسانی که بدعت در دین آوردند، مبارزه کردی و اسلام را سر و سامان دادی و صله رحم را گسترش دادی و همواره اهل حق را یاری رساندی تا اینکه بر تو یقین فرا رسید (مرگت فرا رسید). سلام بر تو و رحمت و برکت خدا بر تو باد. معبودا! ما را بر دوستی او بمیران و ما را در زیارت تربت پاکش ناامید مگردان. به رحمت تو ای خداوند کریم».

عرض سلام خدمت فاروق اعظم رضی‌الله‌عنه

بعد به اندازه یک ذرع به سمت راست، روبروی روزنه سوم که برابر سینه سیدنا عمر فاروق رضی‌الله‌عنه است ایستاده، سلام تقدیم کند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْاِسْلَامِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَاسِرَ الْاَصْنَامِ.

جَزَاكَ اللهُ عَنَّا اَفْضَلَ الْجَزَاءِ فَلَقَدْ نَصَرْتَ الْاِسْلَامَ وَ الْمُسْلِمِيْنَ حَيًّا وَ مَيِّتًا وَ كَفَلْتَ الْاَيْتَامَ وَ وَصَلْتَ الْاَرْحَامَ وَ قَوِىَ بِكَ الْاِسْلَامُ، وَ كُنْتَ لِلْاِسْلَامِ اِمَامًا مَرْضِيًّا وَ هَادِيًا مَهْدِيًّا جَمَعْتَ شَمْلَهُمْ وَ اَغْنَيْتَ فَقْرَهُمْ وَ جَبَرْتَ كَسْرَهُمْ فَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

«سلام بر تو ای آشکار کننده اسلام، سلام بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر تو ای شکننده بتها. خداوند به تو بهترین پاداش را دهد؛ چرا که اسلام و مسلمین را چه زنده و چه مرده یاری رساندی و سرپرستی یتیمان را بر عهده گرفتی و صله رحم را گسترش دادی و اسلام به وسیله تو قوی و محکم گردید و تو برای اسلام پیشوایی بودی که همه از تو خشنود بودند و راهنما و هدایتگری بودی که به سر منزل حق راه یافته بودی. تو اهل اسلام را جمع کردی و کار آنان را سر و سامان دادی و فقیر و

نیازمند آنان را بی نیاز ساختی و شکست آنان را جبران کردی. پس سلام بر تو و رحمت و برکات خداوند بر تو باد».

بعد بین دو روزنه هر دو یار پیغمبرﷺ ایستاده، بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا ضَجِيْعَىْ رَسُوْلِ اللهِﷺ وَ رَفِيْقَيْهِ وَ وَزِيْرَيْهِ وَ مُشِيْرَيْهِ وَ الْمُعَاوِنَيْنَ لَهُ عَلَى الْقِيَامِ فِى الدِّيْنِ وَ الْقَائِمَيْنِ بَعْدَهُ بِمَصَالِحِ الْمُسْلِمِيْنَ.

جَزَاكُمَا اللهُ عَنَّا اَحْسَنَ الْجَزَاءِ جِئْنَاكُمَا نَتَوَسَّلُ بِكُمَا اِلَى رَسُولِ اللهِﷺ لِيَشْفَعَ لَنَا وَ يَسْاَلَ رَبَّنَا اَنْ يَتَقَبَّلَ سَعْيَنَا وَ يُحْيِيَنَا عَلَى مِلَّتِه وَ يُمِيْتَنَا عَلَيْهَا وَ يَحْشُرَنَا فِى زُمْرَتِه اِنَّهُ كَرِيْمٌ رَحِيْمٌ.

«سلام بر شما ای کسانی که در پهلوی رسول خدا هستید و دوست و وزیر و مشاور و یاور او در برپایی دین بودید و بعد از او در راه مصلحت مسلمانان کوشیدید. خداوند به شما بهترین پاداشها را دهد. نزد شما آمده ایم و به وسیله شما به رسول خدا توسل می جوییم تا ما را نزد خداوند شفاعت کند و از خداوند درخواست کند تا سعی ما را بپذیرد و ما را بر پیروی از دین و آیین او زنده گرداند و در زمره پیروانش محشور گرداند. به درستی که او بزرگوار و مهربان است».

بعد برای خود و پدر و مادر خود و سایر مسلمانان دعا کند، آنگاه روبروی حضرت رسولﷺ ایستاده، بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ الصَّلٰوةُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ يَا خَيْرَ الرُّسُلِ اِنَّ اللهَ تَعَالَى اَنْزَلَ كِتَابًا صَادِقًا عَلَيْكَ وَ قَالَ فِيْهِ وَ لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ جَاءُوْكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللهَ تَوَّابًا رَحِيْمًا، وَ قَدْ جِئْنَاكَ يَا رَسُولَ اللهِ سَامِعِيْنَ قَوْلَكَ طَائِعِيْنَ اَمْرَكَ مُسْتَشْفِعِيْنَ بِكَ اِلَى رَبِّكَ.

اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اغْفِرْلَنَا وَ لِوَالِدَيْنَا وَ لِاَ سَاتِذَتِنَا وَ لِعَشَائِرِنَا وَ لِاِخْوَانِنَا الَّذِيْنَ سَبَقُوْنَا بِالْاِيْمَانِ، وَ لَا تَجْعَلْ فِىْ قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِيْنَ ءَامَنُوْا رَبَّنَا اِنَّكَ رَؤُوْفٌ رَّحِيْمٌ.

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.

«حمد و ستایش خاص خداوند است و درود بر تو ای رسول خدا و ای برگزیده پیامبران. به درستی که خداوند کتابی صادق بر تو نازل کرد و در آن فرمود: «اگر آنان

هنگامی که به خودشان ستم می کنند نزد تو آیند و از خداوند آمرزش طلبند و رسول هم برای آنان از خداوند آمرزش طلبد هر آیینه خداوند را بسیار توبه پذیر و مهربان خواهند یافت» و ای رسول خدا ما نزد تو آمدیم در حالی که به سخنان تو گوش فرا می دهیم و فرمانبردار تو هستیم وتو را به درگاه پروردگارت شفیع قرار می دهیم. معبودا! گناهان ما و پدر و مادر و استادان و خویشان و برادرانمان را که در ایمان آوردن بر ما سبقت گرفتند بیامرز و در دلهایمان کینه ای نسبت به کسانی که ایمان آوردند قرار مده؛ زیرا تو بسیار رئوف و مهربان هستی. بار خدایا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش برهان».

بعد به جانب مغرب یا مشرق برود تا جایی که چون رو به قبله ایستاد، قبر مبارکﷺ پشت سرش قرار نگیرد حمد خدا و درود خوانده این دعا را بخواند:

اَللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُوْلُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَ مِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتَكَ وَ مِنَ الْيَقِيْنِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا وَ مَتِّعْنَااَللّٰهُمَّ بِاَسْمَاعِنَا وَ اَبْصَارِنَا وَ قُوَّاتِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا وَ اجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا وَ اجْعَلْ ثَارْنَا عَلَى مَنْ ظَلَمَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى اَعْدَائِنَا وَ

لَا تَجْعَلْ مُصِيْبَتَنَا فِىْ دِيْنِنَا وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا اَكْبَرَ هَمِّنَا وَ لَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَايَرْحَمُنَا.

اَللَّهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الشِّقَاقِ وَ سُوْءِ الْاَخْلَاقِ رَبَّنَا آتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ.

رَبَّنَا اقْضِ حَوَائِجَنَا وَ يَسِّرْ اُمُوْرَنَا وَ اشْرَحْ صُدُوْرَنَا وَ تَقَبَّلْ زِيَارَتَنَا وَ آمِنْ خَوْفَنَا وَ اسْتُرْ عُيُوْبَنَا وَ اغْفِرْ ذُنُوْبَنَا وَ اكْشِفْ كُرُوْبَنَا وَ اخْتِمْ بِالصَّالِحَاتِ اَعْمَالَنَا وَ رُدَّ غُرْبَتَنَا اِلَى اَهْلِنَا وَ اَوْلادِنَا سَالِمِيْنَ غَانِمِيْنَ.

اَللَّهُمَّ شَفِّعْ فِيْنَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ.

اَللَّهُمَّ يَا ذَاالْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ لَا تَحْرِمْنَا شَفَاعَةَ خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ نَحْنُ وَ وَالِدَيْنَا وَ جَمِيْعَ الْمُسْلِمِيْنَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِيْنَ الَّذِيْنَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ، وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

«پروردگارا! چنان خوف و ترسی به ما عطا کن که مانع از معصیت و سرکشی ما نسبت به تو شود و چنان طاعت و عبادتی نصیب ما گردان که ما را به وسیله آن به بهشت نایل گرداند و چنان یقینی ارزانی دار که تحمل مشکلات دنیا را بر ما آسان گرداند. معبودا! تا زمانی که زنده ایم ما را از گوشها و چشمها و توانایی هایمان بهره مند گردان و آن را برای ما وارث قرار بده. بار خدایا! انتقام ما را از کسانی که بر ما ستم کردند بگیر و ما را بر دشمنانمان پیروز گردان و مصیبت ما را در دینمان قرار نده و دنیا را مهمترین و بزرگترین مسئله زندگی و هدف علم و دانش ما قرار مده و کسی را که بر ما رحم ندارد بر ما مسلط مگردان.

پروردگارا! از مشقّت و سختی و بد اخلاقی به تو پناه می برم. معبودا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش برهان. خدایا! احتیاجات ما را برآورده و کارهای ما را آسان کن و سینه های ما را گشاده گردان و زیارت ما را بپذیر و به هنگام ترس و وحشت به ما پناه بده. عیبهای ما را بپوشان و گناهان ما را بیامرز و غم و غصه ما را از بین ببر و عاقبت کارهای ما را به خیر و نیکی ختم کن. افرادمان که از سرزمین خود دور گشته‌اند و فرزندانمان را به خانواده هایمان سالم و با غنایم باز گردان.

معبودا! پیامبرت محمدﷺ را شفاعت کننده ما قرار بده و ای صاحب جلال و بزرگواری، ما و پدران و مادران ما و همه مسلمانان را از شفاعت خاتم پیامبرانت محروم مگردان و ما را از بندگان نیکو کارت قرار بده؛ کسانی که نه ترسی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند و بر ما رحم کن ای مهربان ترین مهربانان».

بعد وارد روضة الجنان گردیده، چه در محراب نبویﷺ و چه در پای یکی از استوانه های مخصوص، نماز خوانده توبه و دعا کند:

اَللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ تَهْدِیْ بِهَا قَلْبِیْ وَ تَجْمَعُ بِهَا شَمْلِیْ وَ تَلُمُّ بِهَا شَعْثِیْ وَ تُصْلِحُ بِهَا دِیْنِیْ وَ تَحْفَظُ بِهَا غَائِبِیْ وَ تَرْفَعُ بِهَا شَاهِدِیْ وَ تُزَكِّیْ بِهَا عَمَلِی وَ تُبَیِّضُ بِهَا وَجْهِی وَ تُلْهِمُنِیْ بِهَا رُشْدِیْ وَ تَرُدُّ بِهَا الْفِتَنَ عَنِّیْ وَ تَعْصِمُنِیْ بِهَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ.

اَللَّهُمَّ اَعْطِنِیْ اِیْمَانًا صَادِقًا وَ یَقِیْنًا لَیْسَ بَعْدَهُ كُفْرٌ وَ رَحْمَةً اَنَالُ بِهَا شَرَفَ كَرَامَتِكَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ.

اَللَّهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُكَ الْفَوْزَ عِنْدَ الْقَضَاءِ وَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ عَیْشَ السُّعَدَاءِ وَ النَّصْرَ عَلَی الْاَعْدَاءِ وَ مُرَافَقَةَ الْاَنْبِیَاءِ.

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُنْزِلُ بِكَ حَاجَتِیْ وَ اِنْ ضَعُفَ رَاْیِیْ وَ قَلَّتْ حِیْلَتِیْ وَ قَصُرَ عَمَلِیْ وَ افْتَقَرْتُ اِلَی رَحْمَتِكَ فَاَسْاَلُكَ یَا كَافِیَ الْاُمُوْرِ وَ یَا شَافِیَ الصُّدُوْرِ كَمَا تُجِیْرُ بَیْنَ الْبُحُوْرِ اَنْ تُجِیْرَنِیْ مِنْ عَذَابِ السَّعِیْرِ وَ مِنْ دَعْوَةِ الثُّبُوْرِ وَ مِنْ فِتْنَةِ الْقُبُوْرِ.

اَللّٰهُمَّ مَا ضَعُفَ عَنْهُ رَاْیِیْ وَ قَصُرَ عَمَلِیْ وَ لَمْ تَبْلُغْهُ نِیَّتِی وَ اُمْنِیَّتِیْ مِنْ خَیْرٍ وَعَدْتَهُ اَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ اَوْ خَیْرٍ اَنْتَ مُعْطِیْهِ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ فَاِنِّیْ اَرْغَبُ اِلَیْكَ فِیْهِ وَ اَسْاَلُكَ اِیَّاهُ بِرَحْمَتِكَ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ.

اَللّٰهُمَّ یَا ذَاالْحَبْلِ الشَّدِیْدِ وَ الْاَمْرِ الرَّشِیْدِ اَسْاَلُكَ الْاَمْنَ یَوْمَ الْوَعِیْدِ وَ الْجَنَّةَ یَوْمَ الْخُلُوْدِ مَعَ الْمُقَرَّبِیْنَ الشُّهُوْدِ الرُّكَّعِ السُّجُوْدِ الْمُوْفِیْنَ بِالْعُهُوْدِ، اِنَّكَ رَحِیْمٌ وَدُوْدٌ، وَ اِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تُرِیْدُ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا هَادِیْنَ مُهْتَدِیْنَ غَیْرَ ضَالِّیْنَ وَ لَا مُضِلِّیْنَ سِلْمًا لِاَوْلِیَائِكَ وَ عَدُوًّا لِاَعْدَائِكَ، نُحِبُّ بِحُبِّكَ مَنْ اَحَبَّكَ وَ نُعَادِیْ بِعَدَاوَتِكَ مَنْ خَالَفَكَ.

اَللَّهُمَّ هَذَا الدُّعَاءُ وَ عَلَيْكَ الْاِجَابَةُ وَ هَذَا الْجَهْدُ وَ عَلَيْكَ التُّكْلَانُ.

اَللَّهُمَّ اجْعَلْ لِیْ نُوْرًا فِیْ قَبْرِیْ وَ نُوْرًا فِی قَلْبِیْ وَ نُوْرًا بَیْنَ یَدَیَّ وَ نُوْرًا مِنْ خَلْفِیْ وَ نُوْرًا عَنْ یَمِیْنِیْ وَ نُوْرًا عَنْ شِمَالِیْ وَ نُوْرًا مِنْ فَوْقِیْ وَ نُوْرًا مِنْ تَحْتِیْ وَ نُوْرًا فِی سَمْعِیْ وَ نُوْرًا فِیْ بَصَرِیْ وَ نُوْرًا فِی شَعْرِیْ وَ نُوْرًا فِی بَشَرِیْ وَ نُوْرًا فِی لَحْمِیْ وَ نوْرًا فِیْ دَمِیْ وَ نُوْرًا فِیْ عَظْمِیْ وَ نُوْرًا فِیْ جَمِیْعِ جَوَارِحِیْ.

اَللَّهُمَّ اَعْظِمْ لِیْ نُوْرًا وَ اَعْطِنِیْ نُوْرًا وَ اجْعَلْ لِیْ نُوْرًا سُبْحَانَ الَّذِی تَعَطَّفَ بِالْعِزِّ وَ قَالَ بِهِ سُبْحَانَ الَّذِیْ لَبِسَ الْمَجْدَ وَ تَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ الَّذِیْ لَا یَنْبَغِی التَّسْبِیْحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ ذِیْ الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِی الْمَجْدِ وَ الْاِكْرَامِ.

«پروردگارا! از تو رحمتی می خواهم که به وسیله آن قلب مرا هدایت کنی (آرام گردانی)، کارهای آشفته مرا سر و سامان دهی و دین ما را صالح گردانی، غایب مرا حفظ کنی و شاهد مرا درجات عالی عطا کنی. رحمتی که به وسیله آن، عمل مرا

پاک و چهره مرا سفید گردانی و راه هدایتم را به من الهام کنی و فتنه ها را از من دور گردانی و مرا از هر گونه شرّ و بدی حفظ کنی. بار خدایا! به من ایمان و یقین صادق که بعد از آن هرگز کفری نیست، عطا کن و رحمتت را شامل حال من گردان؛ رحمتی که به وسیله آن به شرف کرامت و بزرگواریت در دنیا و آخرت نایل شوم. معبودا! به من کامیابی به هنگام حکم و داوری (قضا) و درجات عالی شهداء و زندگی سعادتمندان و پیروزی بر دشمنان و همراهی با پیامبران را عطا کن. خدایا! حاجتم را از تو درخواست می کنم اگر چه فکر و اندیشه ام ضعیف و عمل و کردارم اندک و ناچیز است و به رحمتت نیازمندم. پس ای کفایت کننده کارها و ای شفا دهنده سینه ها! از تو می خواهم که مرا از عذاب آتش و از هلاکت و نابودی و عذاب قبر نجات دهی. پروردگارا! آنچه از خیر که به یکی از بندگانت وعده داده ای یا خیری که به یکی از مخلوقاتت عطا کرده ای و رأی و نظر من از آن کوتاه بوده و عمل و کردارم نسبت به آن اندک است و نیت و آرزوی آنرا نکرده ام، مشتاقانه و خالصانه آنرا از تو می طلبم. به رحمت تو ای پروردگار جهانیان. معبودا! ای صاحب حبل متین و امر درست، از تو راحتی و امنیت را در روز تهدید و بهشت را در روز جاودانگی همراه با نزدیکان درگاهت که به مرتبه شهود رسیده اند و همراه با رکوع

کنندگان و سجده کنندگان که به عهد خود وفا دار بوده اند می طلبم؛ به راستی که تو بسیار مهربان و محبوب هستی و هر آنچه بخواهی انجام می دهی. بار خدایا! ما را از زمره هدایت کنندگان هدایت یافته قرار بده نه از جمله ی گمراهان گمراه کننده و دوست دوستانت و دشمن دشمنانت قرار بده. ما به حبّ و دوستی تو با کسانی که تو را دوست می دارند دوستی می کنیم و به بغض تو با کسانی که راه مخالفت با تو را در پیش گرفته اند دشمنی می کنیم. پروردگارا! از تو می خواهیم که این دعا را اجابت کنی و توکّل ما در این تلاش و کوشش بر تو است. معبودا! در قبرم، در قلبم، از جلو و پشتم، از راست و چپم، از بالا و پایینم، در گوش و چشمم، در موی و چهره ام، در گوشت و خون و استخوانم و در تمامی اعضای بدنم نور قرار بده. پروردگارا! برایم نوری بزرگ قرار بده و برایم نور عطا کن. پاک و منزه است خدایی که با عزت، مهربانی کرد و با عزت، فرمان داد. پاک و منزه است معبودی که لباس مجد و بزرگواری را پوشید و به وسیله آن بخشندگی کرد. پاک و منزه است پروردگاری که تسبیح و عبادت، مخصوص اوست و کس دیگری را نشاید. پاک و منزه است خدایی که صاحب بخشش و کرم است. پاک و منزه است معبودی که صاحب مجد و بزرگواری است».

استوانه های مخصوص در روضة الجنان

۱– استوانه مخلقه جانب غربی محراب نبوی ﷺ که استوانه حنّانه نیز تحتش مدفون است.

۲– استوانه عایشه ـ رضی الله عنها ـ در صف اوّل داخل روضةالجنان، استوانه سوم از منبر به جانب ضریح پیغمبر ﷺ.

۳– استوانه توبه بین ضریح و استوانه عایشه ـ رضی الله عنها ـ یعنی استوانه چهارم از منبر شریف.

٤– استوانه سریر، در شرق استوانه توبه در ضریح.

۵– استوانه علی رضی الله عنه، در شمال استوانه توبه.

٦– استوانه وفود، در شرق استوانه علی رضی الله عنه در دیوار ضریح.

۷– استوانه تهجّد، در شمال ضریح معروف به محراب تهجّد بر دیوار خانه بی بی فاطمه ـ رضی الله تعالی عنها ـ.

۸– استوانه مربّعة القبر که وسط خرج افتاده و مسلمانان از زیارتش محرومند.

سپس در مدینه منوره سکونت ورزیده، مراعات ادب نگه دارد و بپرهیزد از گردش بازار و لهو و لعب و سخن لغو و خوردن و آشامیدن چیزهای بدبو از قبیل

سیر و پیاز و بقیهٔ دخانیات و تراشیدن ریش و نعمت اقامت خود را در آن دیار مشرّفه غنیمت شمرد و اوقات خود را به نماز و دعاء و قرآن و درود خواندن در مسجد الرسولﷺ صرف کند خصوصاً نمازهای فرض پنجگانه را سعی کند تا در روضة الجنان یا در مسجد قدیم پیغمبرﷺ و یا حداقل در هر قسمت از مسجد بزرگ به جماعت ادا کند؛ زیرا طبق فرموده پیغمبرﷺ هر کس چهل نماز متوالی و همراه جماعت در مسجد شریف اقامه نماید از نفاق پاک می گردد. از قبر شریف به محراب و منبر گرفته و تا صد ذرع یعنی پای ستون هایی که بر آنها حدّ المسجد النبویﷺ نوشته شده است و از محراب نبویﷺ به جانب شمال تا صد ذرع که به کناره صحن اوّل می رسد و بطور مربع ده ستون در ده ستون واقع شده است مسجد النبوی قدیم است. کسی که بخواهد فضل مذکور را دریابد باید پیش از وقت، خود را به مسجد رسانیده، جای بگیرد و چنانچه دیر آمد که صفها بسته شده بود، هر جا که فارغ دید بنشیند و از روی گردن و شانه های مسلمانان عبور نکند؛ زیرا محروم شدن از فضیلت نماز در مسجد بهتر از ارتکاب گناه مزاحمت مسلمانان است. بقیّه اوقات خود را به یاد خدا و صلوات پیغمبرﷺ سپری کند.

زیارت بقیع و اُحد

بهتر است هر روز به زیارت بقیع رفته، خصوصاً روز جمعه با وضوی کامل داخل محوطه گردیده، بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِيْنَ، اَنْتُمْ سَابِقُوْنَ وَ اِنَّا اِنْ شَاءَاللهُ بِكُمْ لَاحِقُوْنَ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِاَهْلِ الْبَقِيْعِ الْغَرْقَدِ وَ لَا تَحْرِمْنَا اَجْرَهُمْ وَ لَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ لَهُمْ.

«سلام بر شما ای اهل ایمان، شما زودتر از ما دار فانی را وداع گفتید و ما ـ اگر خدا بخواهد ـ به شما خواهیم پیوست. پروردگارا! گناهان اهل بقیع را بیامرز ما را از اجر و پاداش آنان محروم مگردان و بعد از ایشان ما را به حال خودمان رها مکن. بار خدایا! گناهان ما و ایشان را بیامرز».

اوّل به جانب شرقی محوطه به زیارت سیدنا عثمان بن عفّان رضی الله عنه رفته و سلام عرض کند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْمُسْلِمِيْنَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَالِثَ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِيْنَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ذَا النُّوْرَيْنِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ بَيْنَ الدَّفَتَيْنِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيْفَةَ نَبِيِّ الرَّحْمَانِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا عُثْمَانُ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ اَللَّهُمَّ ارْضَ عَنْهُ وَ اَكْرِمْ نُزُلَهُ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِ فِى الْجَنَّةِ وَاغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ، وَ اَوْصِلْ اِلَى رُوْحِهِ وَ اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص.

«سلام بر تو ای امیر مؤمنان، سلام بر تو ای پیشرو مسلمانان، سلام بر تو ای سومین خلیفه رهنما، سلام بر تو ای صاحب دو نور (ذی النورین) سلام بر تو ای کسی که قرآن را در احاطه ی دو جلد جمع آوری کردی(و به صورت یک کتاب واحد در آوردی) سلام بر تو ای جانشین پیامبر خداﷺ سلام بر تو ای سرورمان

عثمان و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد. معبودا! از او خشنود باش و منزلگاه او را گرامی بدار و بر درجات او در بهشت بیفزای و گناهان ما و پدر و مادرمان و همه مسلمانان را بیامرز و به روح ایشان و روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

سپس قبر سعد بن معاذ و ابی سعید خدری رضی الله عنه که بیرون محوطه به حدّ شمال شرقی بقیع است. از همانجا رو به دیوار شرقی متوجه قبور گردیده و سلام کند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا سَعِيْدٍ الْخُدْرِیَّ رضی الله عنه.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَاوِیَ اَحَادِيْثِ النَّبِیِّ صلی الله علیه وسلم.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَعْدَ بْنَ مَعَاذٍ صَاحِبَ رَسُوْلِ اللهِ صلی الله علیه وسلم.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنِ اهْتَزَّ عَرْشُ الرَّحْمَنِ لِمَوْتِهِ وَ شَيَّعَ جِنَازَتَهُ سَبْعَوْنَ اَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ اَنْتُمَا سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ.

نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَ لَكُمَا الْعَافِيَةَ وَ يَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ.

اَللَّهُمَّ ارْضَ عَنْهُمَا وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمَا وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمَا فِی الْجَنَّةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِیْنَا وَ لِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ، وَ اَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص.

«سلام بر تو ای ابو سعید خدری، سلام بر تو ای راوی احادیث پیامبرﷺ، سلام بر تو ای سعد بن معاذ ای کسی که یار و همنشین رسول خدا بودی، سلام بر تو ای کسی که عرش الهی از مرگ او لرزید و پیکرش را هفتاد هزار فرشته تشییع نمود، شما گذشتگان ما هستید و ما به شما خواهیم پیوست. از خداوند بلند مرتبه درخواست می کنیم که به ما و شما عافیت و سلامتی از هر گونه لغزش عطا کند و آن گروه از اهل ایمان را که زودتر از این از دنیا رفته اند و آن گروه که بعداً به آنان خواهند پیوست را مورد رحمت و عنایت خویش قرار دهد. پروردگارا! از ایشان راضی و خشنود باش، بر اجر و پاداش آنان بیفزای، درجات عالی در بهشت عطا کن، گناهان ما و پدران و مادرانمان و همه مسلمانان را بیامرز و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

بعد گوشه شمال شرقی قبر بی بی حلیمه ـ شیر ده حضرت رسولﷺ ـ را زیارت کند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا حَلِيْمَةُ السَّعْدِيَّةُ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا اُمَّ رَسُوْلِ اللهِ مِنَ الرَّضَاعَةِ.

نَسْأَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَ لَكِ الْعَافِيَةَ وَ يَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ.

اَللَّهُمَّ ارْضَ عَنْهَا وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهَا وَ ارْ فَعْ دَرَجَاتِهَا فِى الْجَنَّةِ آمين وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«سلام بر تو ای حلیمه سعدیه، سلام بر تو ای مادر رضاعی رسول خدا ﷺ. از خداوند بلند مرتبه می خواهیم که به ما و شما سلامتی و عافیت عطا کند و همه مسلمانان را چه آنانی که قبلاً به سرای آخرت شتافتند و چه آنانی که بعداً به آنان خواهند پیوست را مورد رحمت خویش قرار دهد. معبودا! از او راضی و خشنود باش، بر اجر و پاداشش بیفزای و درجات عالی در بهشت نصیبش گردان آمین. و گناهان ما و پدران و مادرانمان و همه اهل ایمان را بیامرز و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

بعد شهداء الجنه را که در چهار دیواری شمالی راه قبر حضرت عثمان ﷺ است زیارت کند:

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَدَاءُ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَوْفِيَاءُ .

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ الصِّدْقِ وَ التُّقَى اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ وَ يَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ.

نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَ لَكُمُ الْعَافِيَةَ اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُمْ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِى الْجَنَّةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«سلام بر شما ای شهیدان، سلام بر شما ای کسانی که به عهد و پیمانتان وفا کردید، سلام بر شما ای اهل راستی و پرهیزگاری، شما گذشتگان ما هستید و ما به شما خواهیم پیوست. خداوند همه مسلمانان، مردگان و زندگان آنان را مورد رحمت خویش قرار دهد. از خداوند منّان می خواهیم که به ما و شما عافیت و سلامتی از هرگونه لغزش عطا کند. معبودا! از ایشان راضی و خشنود باش، ثواب

بسیار نصیب آنان گردان، مقام و منزلت آنان را در بهشت بالا ببر و گناهان ما و پدر و مادرمان را و همه اهل ایمان را بیامرز و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

سمت جنوبی همان راه، محوطه ای است که جگر گوشه حضرت پیغمبرﷺ سیدنا ابراهیمؑ با جمعی دیگر مدفونند را زیارت کند و این دعا را بخواند:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا سَیِّدَنَا اِبْرَاهِیْمَ یَاابْنَ رَسُوْلِ اللّٰهِﷺ .

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا عُثْمَانَ بْنَ مَظْعُونٍ الْاَخ مِنَ الرِّضَاعِ لِرَسُوْلِ اللّٰهِﷺ .

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا عَبْدَالرَّحْمَانِ بْنَ عَوْفٍ صَاحِبَ رَسُوْلِ اللّٰهِﷺ وَ اَحَدَ الْعَشرَةِ الْمُبَشَّرَةِ بِالْجَنَّةِ.

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا سَعْدَ بْنَ اَبِیْ وَقَّاصٍ صَاحِبَ رَسُوْلِ اللّٰهِﷺ وَ اَحَدَ الْعَشرَةِ الْمُبَشَّرَةِ بِالْجَنَّةِ.

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا عَبْدَاللّٰهِ بْنَ مَسْعُودٍ رَاوِیَ اَحادیْثِ رَسُولِ اللّٰهِﷺ

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا خُنَیْسَ بْنَ حِذَافَةَ السَّهْمِیَّ صَاحِبَ رَسُولِ اللّٰهِﷺ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ اَسَدٍ اُمَّ عَلِيٍّ بْنِ اَبِیْ طَالِبٍ يَا مَنْ اَلْحَدَكِ رَسُوْلُ اللهِ ﷺ بِيَدِهِ وَ قَالَ اَنْتِ اُمِّیْ بَدَلُ اُمِّیْ وَ دَعَا لَكِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْقُبُوْرِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُسْلِمِيْنَ اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ وَ يَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَالْمُسْتَاْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ، اَنْتُمْ سَابِقُوْنَ وَ اِنَّا اِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُوْنَ.

نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَ لَكُمُ الْعَافِيَةَ اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُمْ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِی الْجَنَّةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«سلام بر تو ای سرورمان ابراهیم ای فرزند رسول خداﷺ، سلام بر تو ای عثمان بن مطعون، برادر شیری رسول خداﷺ، سلام بر تو ای عبدالرحمان بن عوف، صحابه رسول خداﷺ و ای کسی که از جمله ده نفری هستی که به بهشت مژده داده شده اند، سلام بر تو ای سعد بن ابی وقاص صحابه رسول خداﷺ و ای کسی که از آن ده نفری هستی که به بهشت مژده داده شده اند، سلام بر تو ای عبدالله بن مسعود روایت کننده احادیث نبی اکرمﷺ، سلام بر تو ای خنیس بن حذافه سهمی، صحابه

رسول خداﷺ سلام بر تو ای فاطمه دختر اسد مادر علی بن ابیطالب، ای کسی که رسول خداﷺ او را به خاک سپرد و فرمود: بجای مادرم تو مادرم هستی و برایت دعا کرد. سلام بر شما ای اهل قبور از اهل ایمان و اسلام، شما گذشتگان ما هستید و ما به شما خواهیم پیوست. خداوند بلند مرتبه همه مردگان و زندگان از اهل اسلام را مورد رحمت خویش قرار دهد. شما بر ما سبقت گرفتید و ما ـ اگر خداوند بخواهد ـ به شما خواهیم پیوست. از خداوند منان درخواست می کنیم که به ما و شما عافیت و سلامتی عطا کند. بار خدایا! از ایشان راضی و خشنود باش، ثواب بسیار نصیب آنان گردان، مقام و منزلت آنان را در بهشت بالا ببر و گناهان ما و پدران و مادرانمان و همه اهل ایمان را بیامرز و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

در غرب این محوطه، چهار دیواری دیگری است که قبر نافع مولی عبدالله بن عمرؓ استاد قرائت و قبر امام مالک است را زیارت کند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَافِعُ مَوْلَى عَبْدِاللهِ بْنِ عُمَرَؓ يَا شَيْخَ الْقُرَّاءِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَالِكَ بْنَ اَنَسٍ اِمَامَ دَارِ الْهِجْرَةِ اَنْتُمَا سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ.

نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَا وَ لَکُمَا الْعَافِیَةَ وَ یَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِیْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِیْنَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ.

اَللَّهُمَّ ارْضَ عَنْهُمَا وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمَا وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِهِمَا فِی الْجَنَّةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِیْنَا وَ لِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ، وَ اَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«سلام بر تو ای نافع مولی عبدالله بن عمرﷺ ، ای استاد قاریان قرآن، سلام بر تو ای مالک بن انس، ای امام دار الهجرت، شما گذشتگان ما هستید و ما به شما خواهیم پیوست. از خداوند بلند مرتبه می خواهیم که به ما و شما سلامتی ارزانی دارد و همه مردگان و زندگان از اهل اسلام را مورد رحمت خویش قرار دهد. بار خدایا! از ایشان خشنود باش، پاداش فراوان نصیب شان گردان، درجات عالی در بهشت به آنان عطا کن و گناهان ما و پدر و مادرمان و همه مسلمانان را بیامرز و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

در کنارش محوطه دیگری است که مدفن سَاداتنا عقیل بن ابی طالب و عبدالله بن جعفر طیّار و سفیان بن حارثﷺ می باشد را زیارت کند:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا عَقِیْلَ بْنَ اَبِی طَالِبٍ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سُفْيَانَ بْنَ الْحَارِثِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبْدَاللهِ بْنَ جَعْفَرٍ الطَّيَّارِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يا اَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ، اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ.

نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَ لَكُمُ الْعَافِيَةَ وَ يَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ.

اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُمْ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَ اَكْرِمْ نُزُلَهُمْ وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِى الْجَنَّةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«سلام بر تو ای عقیل بن ابی طالب، سلام بر تو ای سفیان بن حارث، سلام بر تو ای عبدالله بن جعفر طیار، سلام بر شما ای اهل قبور از مؤمنان، شما گذشتگان ما هستید و ما به شما خواهیم پیوست از خداوند بلند مرتبه می خواهیم که به ما و شما سلامتی و عافیت عطا کند و همه مردگان و زندگان از اهل اسلام را بیامرزد. پروردگارا! از ایشان خشنود باش، پاداش فراوان نصیب شان گردان و جایگاه ایشان

را گرامی بدار؛ بر درجات آنان در بهشت بیفزای و گناهان ما و پدر و مادرمان و همه مسلمانان را بیامرز و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

بعد به سمت جنوب راه متوجه گردیده، قبور ازواج مطهّرات ـ رَضِیَ اللهُ عَنْهُنَّ ـ را که جمعاً غیر از بی بی خدیجه(رض) و بی بی میمونه(رض) در آنجا مدفونند را زیارت کند:

اَلسَّلَامُ عَلَیْکُنَّ یَا اَزْوَاجَ رَسُولِ اللهِ اُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِیْنَ، اَنْتُنَّ سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ.

نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَی لَنَا وَ لَکُنَّ الْعَافِیَةَ وَ یَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِیْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِیْنَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ.

اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُنَّ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُنَّ وَ اَکْرِمْ نُزُلَهُنَّ وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِهِنَّ فِی الْجَنَّةِ وَاغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِیْنَا وَ لِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِیْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«سلام بر شما ای همسران رسول خداﷺ، ای مادران اهل ایمان، شما گذشتگان ما هستید و ما به شما خواهیم پیوست. از خداوند درخواست می کنیم که به ما و

شما عافیت و سلامتی روزی گرداند و همه مسلمانان چه کسانی که جلوتر، دار فانی را وداع گفته اند و چه کسانی که بعداً به آنها خواهند پیوست را مورد رحمت خویش قرار دهد. معبودا! از ایشان خشنود باش، ثواب فراوان نصیب آنان گردان، جایگاه ایشان را گرامی بدار، بر درجات ایشان در بهشت بیفزای، گناهان ما و پدر و مادرمان و همه مسلمانان را مورد بخشش خویش قرار ده و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

بعد قبور دخترهای آن حضرتﷺ را زیارت کند؛ سه دختر یعنی بی بی زینب و بی بی رقیّه و بی بی ام کلثوم ـ رضی الله عنهن ـ در یک جا مدفونند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُنَّ يَا بَنَاتِ رَسُوْلِ اللهِﷺ اَنْتُنَّ سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ. نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَ لَكُنَّ الْعَافِيَةَ وَ يَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ.

اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُنَّ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُنَّ وَ اَكْرِمْ نُزُلَهُنَّ وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِهِنَّ فِى الْجَنَّةِ وَاغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاص.

«سلام بر شما ای دختران رسول خداﷺ شما جلوتر از ما به سرای آخرت شتافتید و ما به شما خواهیم پیوست. از خداوند درخواست می کنیم که به ما و شما سلامتی و عافیت عطا کند و همه مردگان و زندگان از اهل اسلام را مورد رحمت خویش قرار دهد. معبودا! از آنان خشنود باش، ثواب فراوان به آنان عطا کن، منزلگاه آنان را گرامی بدار، درجات عالی در بهشت نصیب شان گردان و گناهان ما و پدر و مادرمان و همه مؤمنان را بیامرز و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

نزدیک دیوار غربی، محوطه بزرگی است که حضرت عبّاس رضی الله عنه عموی مبارکﷺ و بی بی فاطمه ـ رضی الله عنها ـ و امام حسن مجتبی رضی الله عنه و امام علی زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق ـ رحمهم الله تعالی ـ آن جا مدفونند.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبَّاسُ عَمَّ رَسُولِ اللهِﷺ رَضِيَ اللهُ عَنْكَ يَا مَنِ اسْتَسْقَى بِشَيْبَتِكَ عُمَرُ رضی الله عنه.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُوْلِ اللهِﷺ اَيَّتُهَا الزَّهْرَاءُ الْبَتُوْلُ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ الْحَسَنُ رضی الله عنه اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سَيِّدَا شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ فِى الْجَنَّةِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ زَيْنُ الْعَابِدِيْنَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْاِمَامُ جَعْفَرٌ الصَّادِقُ رَضِيَ اللهُ عَنْكُمْ وَ اَرْضَاكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْتُمْ سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ.

نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَ لَكُمُ الْعَافِيَةَ وَ يَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ.

اَللَّهُمَّ ارْضَ عَنْهُمْ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَ اَكْرِمْ نُزُلَهُمْ وَ ارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِى الْجَنَّةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«سلام بر تو ای عباس عموی رسول خداﷺ خدا از تو راضی شود. ای کسی که عمرؓ با توسل به محاسن سفیدت طلب باران نمود. سلام بر تو ای فاطمه دختر رسول خداﷺ ای زهرای بتول. سلام بر تو ای امام حسنؓ. سلام بر شما ای دو سرور جوانان بهشتی در بهشت. سلام بر تو ای امام زین العابدین. سلام بر تو ای

امام محمد باقر. سلام بر تو ای امام جعفر صادق. خداوند از شما راضی شده و شما را نیز راضی نماید. سلام بر شما ای ساکنان مؤمن این سرزمین، شماها گذشتگان مایید و ما به دنبال شما خواهیم آمد، از خداوند متعال برای خودمان و شما طلب عافیت می کنیم و خداوند متعال برمسلمانان گذشته و آینده رحم کند. خدایا! از آنها راضی شو و پاداش عظیم به ایشان بده و جایگاهشان را گرامی بدار و درجاتشان را در بهشت بلند بگردان و ما و پدران و مادرانمان و همه مؤمنان را مغفرت نما و به روح تمامی آنها ثواب فاتحه و اخلاص بفرست.

بعد قبور عمّه های حضرت پیغمبرﷺ را در زاویه شمال غربی بقیع، زیارت کند و بخواند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا اُمَّ الزُبَيْرِ حَوَارِىَ رَسُوْلِ اللهِﷺ اَيَّتُهَا السَّيِّدَةُ صَفِيَّةُ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا اُمَّ الْبَنِيْنِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا عَاتِكَةُ .

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُنَّ يَا عَمَّاتِ رَسُولِ اللهِﷺ اَنْتُنَّ سَلَفُنَا وَ نَحْنُ بِالْاَثَرِ. نَسْاَلُ اللهَ تَعَالَى لَنَا وَ لَكُنَّ الْعَافِيَةَ وَ يَرْحَمُ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِيْنَ وَ الْمُسْتَاْخِرِيْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ.

اَللّٰهُمَّ ارْضَ عَنْهُنَّ وَ اَكْرِمْ نُزُلَهُنَّ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُنَّ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِنَّ فِی الْجَنَّةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُسْلِمِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَی اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«سلام بر تو ای مادر زبیر، فدائی رسول خداﷺ ای بانوی پاک. سلام بر تو ای ام البنین. سلام بر تو ای عاتکه. سلام بر شما ای عمه های رسول خداﷺ شما گذشتگان ما و ما دنباله رویان شمائیم. از خداوند متعال برای خودمان و شماها طلب عافیت می کنیم و خداوند بر گذشتگان و آیند گان مسلمین رحم کند. خدایا! از اینان راضی شو و جایگاهشان را گرامی بدار و پاداششان را بزرگ و درجاتشان را در بهشت بلند بگردان و ما و والدینمان و تمام مسلمانان را ببخشا و به روح تمامشان پاداش فاتحه و اخلاص بفرست».

قبر عبدالرحمن بن عمرؓ بین امام مالک و سیدنا ابراهیم و قبر اسماعیل بن امام جعفر صادق (رح) که پشت دیوار غربی بقیع واقع است را نیز زیارت کند.

مسجد قباء اولین مسجد در اسلام

در روزهای شنبه مستحب است که به مسجد قبا برود و در حد توان نماز نافله بخواند و برای خود و مؤمنین دعا کند و برای نماز ظهر خود را به مسجد الرسولﷺ

برساند؛ زیرا قبا اولین مسجدی است که در اسلام بنا شده و سنگ اولش را حضرت پیغمبرﷺ و سنگ دوم را حضرت ابوبکر صدیقؓ و سنگ سوم را حضرت عمر فاروقؓ و سنگ چهارم را حضرت عثمان ذوالنورینؓ نهاده اند و آیهٔ کریمهٔ ﴿لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى﴾ دربارهٔ این مسجد نازل شده و در حدیث، ثواب ادای دو رکعت نماز در آن برابر حج عمره است.

دعای مأثورهٔ مسجد قبا

اَللّٰهُمَّ يَا صَرِيْخَ الْمُسْتَصْرِخِيْنَ وَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ وَ يَا مُفَرِّجَ كُرُوْبِ الْمَكْرُوْبِيْنَ وَ يَا مُجِيْبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّيْنَ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَاكْشِفْ كَرْبِيْ وَ حُزْنِى كَمَا كَشَفْتَ عَنْ رَسُوْلِكَ كَرْبَهُ وَ حُزْنَهُ فِى هَذَا الْمَقَامِ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا كَثِيْرَ الْمَعْرُوْفِ وَ يَا دَائِمَ الْاِحْسَانِ.

اَللّٰهُمَّ كَمَا بَلَّغْتَنَا زِيَارَةَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍﷺ وَ مَآثِرَهُ الشَّرِيْفَةَ فَلَا تَحْرِمْنَا يَا اَللّٰهُ مِنْ فَضْلِ شَفَاعَتِهِ وَ ارْزُقْنَا اتِّبَاعَهُ وَ اَمِتْنَا عَلَى مَحَبَّتِهِ وَ سُنَّتِهِ وَ احْشُرْنَا فِى زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لِوَائِهِ وَاسْقِنَا مِنْ

حَوْضِهِ الْمَوْرُوْدِ شِرْبَةً هَنِيْئَةً مَرِيْئَةً لَا نَظْمَأُ بَعْدَهَا اَبَدًا اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ.

«پروردگارا ای فریادرس فریاد کنندگان، ای فریادرس دادخواهان، ای گشاینده غم و اندوه و ای اجابت کننده دعای درماندگان! بر سرورمان محمدﷺ و آلش درود بفرست و غم و اندوه مرا بر طرف کن همانطور که از جان پاک پیامبرت غم و اندوه را بر طرف نمودی. ای مهربان و ای کسی که نعمت ها و نیکی هایش بر ما بسیار و احسان و بخشش او همیشگی است. معبودا! از تو می خواهیم همانطور که ما را به زیارت پیامبرمان حضرت محمدﷺ و بازماندگان شریف او نایل گرداندی ما را از فضل و برتری شفاعت او محروم نکنی، پیروی از او را نصیبمان گردانی، ما را بر محبت او و پیروی از سنتش بمیرانی و در زمره امتش و زیر پرچم حمایتش محشور گردانی و شربتی گوارا و شیرین از حوض او بر ما بنوشانی، شربتی که هرگز بعد از آن تشنگی نیست. به درستی که تو بر هر کاری قادر و توانا هستی».

روزهای پنجشنبه به زیارت احد که از جبال جنّت به شمار می رود رفته، در مسجد سیدنا حمزهؓ حداقل دو رکعت نماز خوانده، مرقد امیر حمزهؓ و همجواران ایشان را زیارت کند:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا حَمْزَةَ بْنَ عَبْدِالْمُطَّلِبِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَسَدَ اللهِ وَ اَسَدَ رَسُوْلِهِ ﷺ رَضِىَ اللهُ عَنْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللهِ ﷺ الَّذِىْ دَافَعْتَ عَنْ رَسُوْلِ اللهِ ﷺ اَشَدَّ الدِّفَاعِ وَ نَاضَلْتَ عَنْ سَيِّدِ الرُّسُلِ اَشَدَّ النِّضَالِ وَ فَدَيْتَهُ بِمَالِكَ وَ اَهْلِكَ وَ رُوْحِكَ جَزَاكَ اللهُ عَنَّا اَفْضَلَ الْجَزَاءِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبْدَاللهِ ابْنَ جَحْشٍ يَا ابْنَ عَمَّةِ رَسُولِ اللهِ □ وَ اَخَا زَوْجَتِهِ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُصْعَبَ بْنَ عُمَيْرٍ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَقِيْلُ شَرِيْفَ مَكَّةَ.

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى مَنْ حَولَكُمْ مِنَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِيْنَ.

اَللَّهُمَّ ارْضَ عَنْهُمْ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِى الْجَنَّةِ وَاغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

بعد سایر شهدای غزوه احد را در محوطۀ پهلوی قنات زیارت کند:

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَدَاءُ تَحْتَ رَاْيَةِ رَسُوْلِ اللهِﷺ رَضِىَ اللهُ عَنْكُمْ اَلَّذِيْنَ لَاقَيْتُمْ مِنْ اَجْلِ عِزِّ الْاِسْلَامِ وَ رَفْعَتِهِ اَشَدَّ الْعَنَاءِ.

اَللَّهُمَّ اجْزِهِمْ عَنَّا اَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَ اَجْزِلْ ثَوَابَهُمْ وَ اَكْرِمْ نُزُلَهُمْ وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِمْ فِى الْجَنَّةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

موضع شهادت دندان مبارکﷺ را که بین مدفن شهداء و کوه احد است زیارت کند و بنا به بعضی روایات، قبر هارون برادر حضرت موسی ـ علیهما السلام ـ بر سر این کوه می باشد و غار این کوه و سنگی که بر آن نشان سر انسانی دیده می شود و نسبتش را به پیغمبرﷺ می دهند اصل معتمدی ندارد. ـ والله اعلم ـ. مساجد احد را از قبیل مسجد فسح و رکن جبل عینین و وادی را به نماز و دعا زیارت کند.

مساجد معروف مدینه

۱ – مسجد وادی یا جمعه در سمت راست راه قبا.

۲ – مسجد فضیح یا شمس در شرق قبا.

۳ – مسجد بنی قریظه در شرق مسجد شمس.

٤- مسجد بی بی ماریه قبطیه (رض) در شمال مسجد بنی قریظه.

٥- مسجد بنی ظفر در شرق بقیع و به نام بغله نیز یاد می شود؛ آنجا سنگی است که پیغمبرﷺ بر آن نشسته اند؛ چنین مشهور است که زنان بی اولاد بر آن نشسته دعا می کنند خداوند به ایشان اولاد عطا می کند.

٦- مسجد اجابت بر راه مسجد قبلتین.

٧- مسجد بقیع یا اُبیّ بن کعب در غرب قبر سیدنا عقیل بن ابی طالب.

٨- مسجد بی بی فاطمه - رضی الله عنها -.

٩- مسجد ابی ذر الغفّاری رضی الله عنه در راه احد.

١٠- مصلاّی عید در غرب مدینه.

١١- مصلاّی سیدنا ابی بکر صدّیق رضی الله عنه در شمال غربی مصلاّی اول.

١٢- مصلاّی سیدنا علی رضی الله عنه جانب شامی مصلاّی اول.

١٣- مسجد فتح یا احزاب بر قطعه غربیه جبل سلع.

١٤- مسجد سلمان فارسی رضی الله عنه در قبله فتح.

١٥- مسجد سیدنا ابی بکر صدیق رضی الله عنه در جنوب غربی مسجد سلمان رضی الله عنه.

١٦- مسجد سیدنا عمر رضی الله عنه در جنوب مسجد سیدنا ابی بکر رضی الله عنه.

۱۷- مسجد سیدتنا فاطمه ـ رضی الله عنها ـ در جنوب مسجد سیدنا عمرﷺ.

۱۸- مسجد سیدنا علیﷺ در شرق مسجد بی بی فاطمه ـ رضی الله عنها ـ (این شش مسجد که پهلوی یکدیگر قرار دارد، بنام مساجد خندق یاد می شوند).

۱۹- مسجد بنی حرام در بالای جبل سلع که در غار این مسجد، نزول وحی بوده است.

۲۰- مسجد قبلتین در غرب فتح قریب وادی عقیق، حضرت رسول اکرمﷺ در این مسجد دو رکعت از نماز ظهر را به سمت بیت المقدس ادا کرده بودند که امر توجه به کعبه رسید و دو رکعت اخیر را گردیده، رو به کعبه ادا فرمودند.

۲۱- مسجد ذباب یا رأیه شرقی جبل سلع.

۲۲- مسجد سقیا در سمت چپ راه ذی الحلیفه و فعلاً در مدینه منوره مسجدی است به نام غمامه که گویند جای نماز استسقاء آن حضرتﷺ است و شاید مصلاّی عید، عبارت از همین مسجد بوده باشد که مصلاّی سیدنا ابی بکرﷺ و مصلاّی علیﷺ نیز در شمال آن واقع شده امّا فعلاً در وسط مدینه قرار گرفته و در سمت جنوب غربی این مسجد به نام حضرت بلالﷺ، مسجدی بود که آن را حکومت برداشته، ساختمان دولتی بنا نمود. در جنوب این ساختمان مسجدی

است باقی و به نام حضرت عمرؓ یاد و زیارت می شود و در سوق العیش مسجدی است به نام سیدتنا فاطمه ـ رضی الله عنها ـ و در حدّ شمالی آن، مسجدی است به نام انس بن مالکؓ. خلاصه مساجد زیادی است. هیچ مسجدی خالی از تأثیر نیست خصوصاً در مدینه منوره که قدمگاه پیغمبرﷺ و اصحابؓ و محل نزول جبرئیل و نزول وحی است که از زیارت آنها بخل نورزد.

چاههای متبرکه در مدینه

وضو ساختن و غسل و آشامیدن از آب چاههای مدینه منوره، مورث شفای امراض است به اذن خداوند شافی الامراض و برکت آب دست و دهان مبارکﷺ.

۱– چاه اریس در غرب قبا آبش شور بوده که به برکت آب دهان مبارکﷺ، شیرین و گوارا گردیده، مریضان و تشنه لبان را حکم زمزم پیدا کرده و خاتم[۱] حضرت رسالت پناهیﷺ که نقش آن محمد رسول الله بود و خود حضرتﷺ و ساداتنا ابوبکر و عمر و عثمانؓ هر یک در دوره خلافت خود به دست داشتند، از دست خلیفه سوم در این چاه افتاده و تاکنون پیدا نشده است.

۱– انگشتری که پیامبرﷺ از آن به عنوان مُهر استفاده می کرد.

۲– چاه غرس در شمال شرقی قبا و نظر به حدیث از چاههای بهشت به شمار می رود.

۳– چاه رومه معروف به بئر عثمان‌ رضي الله عنه که حضرت ﷺ فرمودند:

«مَنْ حَفَرَ بِئْرَ رَوْمَةَ فَلَهُ الْجَنَّةُ».

حضرت عثمان‌ رضي الله عنه کلیه آن را به سی و پنج هزار درهم از یهودی خرید و حفر نموده دلو و ریسمان بر او قرار داده، وقف عامه مسلمین نمودند در شمال قبلتین.

٤– چاه بضاعه، خارج باب شامی مدینه به جوار ثقیفه بنی ساعده و جایی که اصحاب رضي الله عنهم با حضرت ابوبکر رضي الله عنه بیعت کردند. از اثر دعا و آب دهان مبارک ﷺ متبرک گردید که چون مریض در آن غوطه زند، به اذن خدا شفا یابد.

٥– چاه بُصّه در سمت چپ راهی که از بقیع به قبا می رود و سر مبارک ﷺ در آن شسته شده است.

٦– چاه حاء در شمال مسجد نبوی ﷺ در کوچه روبروی باب مجیدی.

۷– چاه اهاب یا زمزم المدینه در سنگلاخی در غرب مدینه.

۸– چاه عهن در کوه بلند مدینه، در شرق قبا.

۹– چاه ابی عنبه یا ودی در راه بدر، یک میلی مدینه.

۱۰– چاه انس رضی الله عنه یا زناطیه در دار انس بن مالک رضی الله عنه.

۱۱– چاه سّقیا یا اعجام در سمت چپ راه چاه علی.

۱۲– چاه علی رضی الله عنه در ذو الحلیفه.

بدانید که گرد و غبار مدینه چنانچه در بعضی روایات آمده، شفای همهٔ امراض است؛ خصوصاً خاک حفره وادی صعیب که در بطحان واقع و برای تب داران بنی الحارث امر مبارک صلی الله علیه و سلم صادر گردید تا از آن خاک گرفته، در آب حل کنند و یکی از ایشان «بِسْمِ اللهِ تُرَابُ اَرْضِنَا بِرِیْقِ بَعْضِنَا شِفَاءٌ لِمَرِیْضِنَا بِاِذْنِ رَبِّنَا» خوانده، آب دهن خود را در آن انداخته و به مریض دهند. این دستور را عملی نمودند، به کلی تب ایشان زایل شد. خرمای عجوه مدینه به حدیث صحیح ثابت شده که هر کس ناشتایی هفت دانه از آن بخورد، تا بیست و چهار ساعت هیچ زهر و جادویی بر وی کار نکند و مرض سرگیجه را شفا می بخشد به اذن خدا و همچنین درباره تمر برنی آمده که بهترین خرمای شما، تمر برنی است.

کیفیت وداع مدینهٔ منوره و رسول کریم صلی الله علیه و سلم

وقتی که می خواهد از مدینه منوره مرخص شود، اول در مسجد نبوی صلی الله علیه و سلم دو رکعت نماز نفل ادا کند و سپس نزد قبر مبارک آن حضرت صلی الله علیه و سلم حاضر شود و به همان

روش که قبلاً ذکر شد بر حضرت رسولﷺ و یاران سلام عرض نماید. در آخر نزد قبر مبارکﷺ دعا کند و از خداوند بخواهد که زیارت او را قبول نموده و او را سالم به اهل و اولاد او بازگرداند و از آن جمله این دعا را بخواند:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَحَقُّ مَنْ ذُكِرَ وَ اَحَقُّ مَنْ عُبِدَ وَ اَنْصَرُ مَنِ ابْتُغِىَ وَ اَرْأَفُ مَنْ مَلَكَ وَ اَجْوَدُ مَنْ سُئِلَ وَ اَوْسَعُ مَنْ اَعْطٰى وَ اَنْتَ الْمَلِكُ لَا شَرِيْكَ لَكَ وَ الْفَرْدُ لَانِدَّ لَكَ كُلُّ شَىْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَكَ لَنْ تُطَاعَ اِلَّا بِإِذْنِكَ وَ لَنْ تُعْصَى اِلَّا بِعِلْمِكَ تُطَاعُ فَتَشْكُرُ وَ تُعْصَى فَتَغْفِرُ اَقْرَبُ شَهِيْدٍ وَ اَدْنٰى حَفِيْظٍ حُلْتَ دُوْنَ النُّفُوْسِ وَ اَخَذْتَ بِالنَّوَاصِىْ وَ كَتَبْتَ الْآثَارَ وَ نَسَخْتَ الْآجَالَ، اَلْقُلُوْبُ لَكَ مَفْضِيَّةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ، وَ الْحَلَالُ مَا اَحْلَلْتَ وَ الْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَ الدِّيْنُ مَا شَرَّعْتَ وَ الْاَمْرُ مَا قَضَيْتَ وَ الْخَلْقُ خَلْقُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ اَنْتَ اللّٰهُ الرَّؤُوْفُ الرَّحِيْمُ.

اَسْأَلُكَ بِنُوْرِ وَجْهِكَ الَّذِىْ اَشْرَقَتْ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَ الْاَرْضُ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ وَ بِحَقِّ السَّائِلِيْنَ عَلَيْكَ اَنْ تَقْبَلَنِىْ فِى هٰذَا الْوَقْتِ

وَ اَنْ تُجِيْرَنِىْ مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِىْ خَطِيْئَتِىْ وَجَهْلِى وَ اِسْرَافِىْ فِى اَمْرِىْ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّىْ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِىْ جِدِّىْ وَ هَزْلِىْ وَ خَطَئِىْ وَ عَمْدِىْ وَ كُلُّ ذٰلِكَ عِنْدِىْ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِىْ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا اَخَّرْتُ وَ مَا اَسْرَرْتُ وَ مَا اَعْلَنْتُ وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّىْ اَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ اَنْتَ الْمُؤَخِّرُ وَ اَنْتَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ.

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِمَسْجِدِ رَسُوْلِكَﷺ وَ يَسِّرْ لِىَ الْعَوْدَ اِلَى الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيْفَيْنِ سَبِيْلًا سَهْلًا وَ لَا تَحْرِمْنِىْ يا اَللّٰهُ مِنَ الْوُقُوْفِ فِىْ هٰذِهِ الْاَمَاكِنِ الْمُقَدَّسَةِ وَ الصَّلٰوةِ فِىْ هٰذِهِ الْبِقَاعِ الطَّاهِرَةِ الَّتِىْ صَلَّى فِيْها نَبِيُّنَا مُحَمَّدٌﷺ وَ خُلَفَاؤُهُ الرَّاشِدُوْنَ وَ اَصْحَابُهُ الْغُرُّ الْمُحَجَّلُوْنَ.

اَللّٰهُمَّ اكْتُبِ السَّلَامَةَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْفَوْزَ وَ النَّجَاحَ لَنَا وَ لِعَبِيْدِكَ الْحُجَّاجِ وَ الزَّوَّارِ وَ الْغُزَاةِ الْمُجَاهِدِيْنَ لِاِعْلَاءِ كَلِمَتِكَ وَ نَصْرِ دِيْنِكَ فِيْ بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ.

رَبَّنَا ءَاتِنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَىْءٍ قَدِيْرٌ، آئِبُوْنَ تَائِبُوْنَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُوْنَ، صَدَقَ اللّٰهُ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ.

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ لِوَالِدِيْنَا وَ لِجَمِيْعِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اَوْصِلْ اِلَى اَرْوَاحِهِمْ جَمِيْعًا الْفَاتِحَةَ مَعَ الْاِخْلَاصِ.

«بار خدایا تو شایسته ترین کس برای ذکر کردن و برای بندگی و عبادت هستی، کسی که اگر انسان چیزی از او بطلبد بیش از دیگران او را یاری می رساند و بخشنده ترین بخشندگان و صاحب عطا و بخشش بسیار است. تو مالک و پادشاه هستی و هیچ شریک و نظیر و انبازی نداری. هر چیزی جز ذات کریم تو نابود

می شود. اطاعت و فرمانبرداری از تو فقط با اجازه تو انجام می پذیرد و تو بر هر معصیت و نافرمانی آگاه هستی. خدایا! ای که هر که تو را اطاعت و پرستش کند، پاداش می دهی و هر که معصیت و نافرمانی کند، می بخشی. تو نزدیک ترین شاهد و حافظ و نگهبانی. بین نفسها حایل شدی و زمام آنان را به دست گرفتی و زمان فرا رسیدن مرگ هر نفسی را معین کرده ای. دلها راز خود را با تو در میان می نهند و رازهای پنهان نزد تو آشکار است. حلال و حرام آن چیزی است که تو حلال و حرام نموده ای و دین و آیین، آیینی است که تو وضع کرده ای و امر، امر تو و آفریده، آفریده تو و بنده، بنده توست. تو خدای رئوف و مهربانی. معبودا! تو را به نور ذات کریمت که آسمانها و زمین برای آن می درخشد و به حق تو و به حق کسانی که از تو درخواست می کنند که این زیارت را در این وقت از من بپذیری و با قدرتت مرا از آتش جهنم حفظ کنی. بار خدایا! خطا، نادانی و زیاده روی مرا در کارها و آنچه تو به آن داناتری را ببخش. معبودا! شوخی، جدّی، سهو و عمد مرا مورد بخشایش خویش قرار ده و از گناهان گذشته و آینده و آشکار و پنهان من و آنچه تو به آن آگاه تری، درگذر. به درستی که تو کسی هستی که اجل ها را جلو می اندازی و اگر بخواهی به تأخیر می اندازی. و تو بر هر امری قادر و توانایی.

پروردگارا! این را آخرین دیدار و عهد من برای زیارت مسجد رسولت قرار مده و بازگشت به این دو حرم شریف را برایم آسان و هموار کن و مرا از زیارت این مکانهای مقدس و نماز گزاردن در این زمینهای پاک که پیامبرمان، حضرت محمد ﷺ و خلفای راشدین و اصحاب پاک و شریف ایشان در آن نماز گزاردند محروم مگردان. معبودا! عافیت و سلامتی از لغزش و کامیابی به بهشت و سر افرازی را به ما و حاجیان و زیارت کنندگان و جنگجویان و به همه مسلمانانی که برای برپایی کلمه حق و یاری کردن دین در دریا و خشکی جهاد کردند، عطا فرما. بار خدایا! به ما در دنیا و آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش نجات بده. خدا بزرگتر است، خدا بزرگتر است، هیچ معبودی جز خدا نیست، او یگانه است و شریکی ندارد، ملک و هستی از آن او و ستایش مخصوص اوست و او بر هر کاری قادر و تواناست و ما بازگشت کنندگان و توبه کنندگان و سجده گزاران و پرستندگان و ستایشگران اوییم. همانا خداوند به وعده اش وفا کرد و بنده اش را یاری نمود و دیگر گروه ها را شکست داد. پروردگارا! گناهان ما و پدران و مادران و همه اهل ایمان را بیامرز و به روح همه آنان ثواب یک فاتحه و اخلاص بفرست».

بعد از آن با دلی پر از حسرت و چشمهایی پر از اشک برگردد و از مسجد بیرون شود و به اندازه توفیق و طاقت، صدقه به فقرا دهد و درود گویان و گریه کنان از مدینه منوره رهسپار وطن خود گردد و هنوز که به محل اهل و عیال خود نرسیده، اهل خود را اطّلاع داده و بهتر این است که روزانه وارد محل خود گردد تا آثار شعایر اسلامی ظاهر گردد و بر استقبال کنندگان نیز دشوار نیاید. ابتدا وارد مسجد محل گردیده، دو رکعت نماز تحیّت ادا کند آنگاه به خانهٔ خود رفته، بعد از سلام بگوید:

«تَوبًا تَوبًا لِرَبِّنَا اَوبًا لَایُغَادِرُ عَلَیْنَا حَوبًا اِنْ تَغْفِرِ اللَّهُمَّ فَاغْفِرْ جَمًّا وَ اَیَّ عَبْدٍ لَكَ مَا اَلَمًّا»

در خانه دو رکعت نماز ادا نموده، خانه را با عطر و عود معطر کنند و در مقابل این نعمت بزرگ شکر گوید و سعی کند اول ورودش بر کسی باشد که او را از همه کسان خود بیشتر دوست داشته باشد؛ زیرا حضرت رسول خداﷺ بر خانهٔ جگر گوشهٔ خود حضرت بی بی فاطمه ـ رضی الله عنها ـ وارد می شدند و بقیهٔ عمر خود را کوشش کند به اعمال صالحه و اخلاق حسنه و معاشرت نیکو بگذراند؛ زیرا علامت مقبولیت حج است.

«اَلْحَجُّ الْمَبْرُوْرُ اَنْ يَعُوْدَ خَيْرًا مِمَّا كَانَ فِيْ جَمِيْعِ الْاُمُوْرِ اَللَّهُمَّ ارْزُقْنَا آمِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ»

«حج مقبول حجی است که حاجی بر گردد در حالی که در تمام امور بهتر از گذشته شده باشد. خدایا! به ما چنین حجی را نصیب گردان».

شمه ای از توسعه مسجد نبوی ﷺ

چون حضرت رسول اکرمﷺ از قبا حرکت نموده و وارد مدینه منوره شدند، این دعا بر زبان دُر اَفشان مبارکﷺ جریان یافت:

﴿رَبِّ اَنْزِلْنِیْ مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَّ اَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِيْنَ﴾[1]

با وجود استقبال کنندگان بسیار، در منزل هیچ یک از سرداران و ثروتمندان مدینه نزول اجلال نفرمود و منتظر فرمان الهی بود تا کنار باغی رسیدند که متعلق بود به سهل و سهیل، ـ دو فرزند یتیم تحت سرپرستی اسعد بن زراره یا ابو ایوب انصاریؓ ـ . شتر آن حضرتﷺ به زانو درآمد و حضرتﷺ فرمودند: اینجا منزل ماست و صاحبان باغ را خواسته، باغ را از آنها خریده و طرح مسجد انداختند سپس

---

۱ – سوره مؤمنون آیه ۲۹ جزء ۱۸

فرمودند: تا درختان خرما و خار غرقد را قطع نموده، آبهای باران که در آنجا جمع شده بود، جریان داده، زمین را خشک و مسطح ساختند و خود حضرتﷺ به کمک مهاجرینﷺ و انصارﷺ مسجد را بنا نهادند. در حالی که دیوارها از خشت خام و ستونها و قبلهٔ مسجد از تنهٔ درخت خرما و سقفش از شاخه های باریک خرما بود؛ این بنا به طول ۷۰ ذرع و پهنای ٦۰ ذرع به ارتفاع ۷ ذرع دست، زیر بنا و دارای حیاط کوچکی و دو خانه برای سکونت دو خانوادهٔ محترمهٔ مبارکﷺ و قبلهٔ این مسجد به سمت بیت المقدس یعنی جانب شمال بود؛ سه دروازه برای وی قرار دادند: یکی جانب مشرق به نام باب آل عثمان که امروز به نام باب جبرئیل یاد می شود. دیگری سمت مغرب به نام باب عاتکه که امروز باب الرحمه گفته می شود و سومی در جانب جنوب که بعد از تحویل قبله، مسدود گشته و در عوض آن از جانب شمال دروازه ای به نام باب نساء گشادند. طولی نکشید که مسلمانان زیاد شدند و مسجد تنگی می نمود؛ خانه ای بود پهلوی مسجد صاحبش را فرمودند: خانه ات را برای مسجد واگذار کن تا در بهشت خانه ای بهتر به تو ارزانی فرمایند؛ آن مرد راضی نشد تا عثمان انصاریؓ همان خانه را به ده هزار درهم خرید و عرض کرد: «یا رسول اللهﷺ من حاضرم با شما و خدا معامله نمایم».

حضرتﷺ با خوشحالی قبول فرموده آن خانه را نیز داخل مسجد دادند. مساحت مسجد در آن زمان ۱۰۰ در ۱۰۰ ذرع دست که ۲٤۷٥ متر مربع مساحت آن می شد گردید و این نیز پوشیده نماند که وقت تعیین قبله حجاب از پیش چشم مبارکﷺ برداشته شده بود و طوری ساخته شد که میزاب رحمت کعبه مواجه ناصیهٔ مبارکﷺ قرار می گرفت و این مسجد از محراب و منبر معری بود؛ بلکه وقت امامت در محل محراب قدیمی که داخل مسجد نبویﷺ به نام محراب الرسولﷺ یاد می شود، می ایستادند و برای خطبه به تنهٔ درخت خرمایی که در جانب قبله قرار داده بودند، تکیه می فرمودند تا زنی از انصار اجازه خواسته، منبری از چوب ساج دارای سه پله ترتیب داده، تقدیم خدمت نمود. چون حضرتﷺ بر منبر بالا رفتند آن تنهٔ درخت، عاشق وار ناله آغاز کرد. مبارکﷺ او را در بغل گرفته، فرمودند: آرام باش! میل داری در مقام اصلی ات بنشانم تا مثل اول سبز و بار ور گردی و مردم از سایه و میوهٔ تو بهره بگیرند یا در بهشت بنشانمت تا از جویها و چشمه های آن بنوشی پس میوهٔ نیکو به بار آوری و دوستان خدا به طور جاوید از میوهٔ تو استفاده بگیرند؛ جواب داد که بهشت را اختیار کردم زیرا فنا ندارد. مبارکﷺ فرمود: «قَدْ فَعَلْتُ» یعنی به تحقیق تو را در بهشت نشاندم. آنگاه نالهٔ وی قطع گردید.

مولانا چه زیبا می فرماید:

اُستن حنانه از هجر رسول ناله می زدهمچو ارباب عقول

گفت پیغمبرچه خواهی‌ای ستون گفت:جانم ازفراقت گشت‌خون

مسندت من بودم از من تاختی بر سر منبر تو مسند ساختی

گفت می‌خواهی تو را نخلی کنند شرقی و غربی ز تومیوه چنند

یا در آن عالم تو را سروی کند تا تر و تازه بمانی تا ابد

گفت آن خواهم که دایم شدبقاش بشنوای غافل کم از چوبی‌مباش

آن ستون را دفن کرد اندر زمین تا چو مردم حشر گردد یوم دین

تا بدانی هر که را یزدان بخواند از همه کار جهان بیکار ماند[1]

در این وقت صحابه‌ﷺ برای خانه های خود از داخل مسجد دروازه ها گشاده بودند و عبور و مرور مردم در مسجد زیاد شد. پیغمبرﷺ امر فرمود غیر از پنجره حضرت ابوبکرﷺ همهٔ دروازه ها را بستند و به تدریج هر چه بر تعداد ازواج مطهّرات ـ رضی الله عنهن ـ افزوده می شد، از خانه های اطراف مسجد برای آنها خریده، در اختیار ایشان می گذاشتند و تا وقت رحلت خانه های اهل بیت به اطراف مسجد غیر از سمت مغرب احاطه داشت. در زمان خلافت حضرت ابوبکر

۱- مثنوی شریف دفتر اول

صدیقﷺ ستونهای چوبی مسجد فرسوده شده بود، بنای قدیم را برداشته، بر هیأت اصلی اش تجدید بنا نمودند و حضرت عمر فاروقﷺ در دورۀ خلافت خود خانه های اطراف مسجد را به غیر از خانه های ازواج مطهّرات ـ رضی الله عنهن ـ خریده، ۱۱۰۰ متر مربع از سمت مغرب و جنوب بر وسعت مسجد افزودند و حضرت عثمان ذی النورینﷺ نیز در عهد خلافت خود ٤٩٦ متر مربع از سمت مغرب و جنوب خریداری نموده، داخل مسجد دادند و در سال ۹۱ هجری عمر بن عبدالعزیز(رح) به دستور ولید بن عبدالملک اموی خانه های ازواج مطهرات ـ رضی الله عنهن ـ و بسیاری از اصحاب را خریده، مسجد را به سمت مشرق و مغرب و شمال ۲۳٦۹ مترمربع توسعه داد و تمام بنای سابق را برداشته، از اطراف و جوانب کمک خواسته، دیوارهای مسجد را به سنگهای مرمر و منقّش و سقف را با چوب ساج و آب طلا و محل نماز آن حضرتﷺ را محرابی از سنگ رخام و قنادیل زیادی بر سقف آویزان و در چهار زاویۀ مسجد چهار مناره به ارتفاع شصت ذرع بنا نمود؛ بعد از آن در دورۀ مهدی پسر منصور عباسی در سال ۱٦۱ هجری به جانب شمال ۲٤٥۰ مترمربع توسعه یافت و در سال ۸۸۸ هجری ملک الاشرف سلطان قایتبای ۱۲۰ متر مربع بر وسعت مسجد افزوده، اراضی و دکانهای زیادی برای

متولّی ها و خدمهٔ مسجد وقف نمود و در سالهای ۱۲٦٥ تا ۱۲٦۷ هجری سلطان عبدالحمیدخان عثمانی ۱۲۹۳ مترمربع از اطراف خریده داخل مسجد داد و در سال۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲ هجری قمری ملک عبدالعزیز و پسرش ملک سعود ٦۰۲٤ متر مربع مسجد را توسعه داده و ٦۲٤۷ متر بنای مسجد قدیم را نیز برداشته، به طور عالی تجدید بنا نمودند و دروازه های مسجد از زاویهٔ جنوب غربی به ترتیب در:

سمت مغرب

۱- باب السلام.

۲- باب الصدیق رضي الله عنه از بیرون دارای سه طاق و از داخل یک پنجره نیز دارد.

۳- باب الرحمه.

٤- باب سعود دارای سه طاق.

و در جانب شمال

۱- باب سیّدنا عمر بن خطاب رضي الله عنه.

۲- باب عبدالحمید.

۳- باب سیدنا عثمان بن عفّان رضي الله عنه.

در جانب مشرق

۱- باب عبدالعزیز دارای سه طاق.

۲- باب النساء .

۳- باب جبرییل عليه السلام.

در جانب جنوب

یعنی قبله، دروازه ای باز ندارد. از باب جبرئیل که داخل می شویم سکوی دست راست مقام اصحاب صفّه و سکوی دست چپ جای نماز تهجّد مبارک ﷺ بوده است. مسجد فعلی دارای سه محراب است: داخل روضة الجنان، محراب حضرت پیغمبر ﷺ در غرب این محراب و نیز سمت مغرب منبر شریف، محراب سلطان سلیمان عثمانی و محراب بزرگ در جنوب ضریح به نام سیّدنا عثمان بن عفّان رضی الله عنه یاد می شود. این بود خلاصه ای از افعال حج و زیارت مدینه منوره و مقامهای متبرکه، که ذکر شد. امید است که مفید واقع شود و از خوانندگان و زوّار گرامی خواستار دعای خیر می باشم.

اصطلاحات و اماکن متبرکه

آفاقی

کسی که بیرون از محوطه میقات سکونت دارد، مانند مردم ایران، عراق، سوریه، افغانستان، پاکستان، هند و . . .

ابطح

جایی است بین «منی» و «مسجد الحرام» در نزدیکی جنة المعلی.

استلام

بوسه گرفتن حجرالاسود (سنگ سیاه) و به دست زدن و لمس کردن رکن یمانی نیز، استلام اطلاق می شود.

اشهر حج

شوال، ذوالقعده و ده روز ذوالحجه است.

اضطباع

آوردن چادر در زیر بغل راست و انداختن دو طرفش بر شانه چپ.

افراد

بستن احرام فقط برای ادای افعال حج.

ایام تشریق

روزهایی که در آن تکبیر تشریق می گویند (از ۹ تا ۱۳ ذی الحجه) .

ایام نحر

دهم ذی الحجه تا دوازدهم که در آن قربانی جایز است.

باب السلام

نام یکی از دروازه های مسجد الحرام است که ورود به مسجد الحرام از این در افضل است.

باب جبرئیل

نام یکی از درهای مسجد النبی است. هنگامی که جبرئیل به خدمت رسول اکرمﷺ حاضر می شد از همین در می آمد و زائرین جنة‌البقیع اکثراً نیز از همین در وارد می شوند.

بُدنه

شتر یا گاوی که برای جنایت حج و یا هدی ذبح می گردد.

بطن عُرَنه

مکانی است نزدیکی عرفات؛ چون خارج از حدود عرفات است، وقوف در آن صحیح نیست.

پردۀ کعبه

بر روی کعبه پوشش پارچه ای است و سیاه رنگ که آن را پرده کعبه می نامند. نخستین کسی که خانه کعبه را پوشاند «تُبَّع حمیری» پادشاه یمن بود و سالی یک بار آن را عوض می کنند و بر آن آیه هایی از قرآن کریم قلاب دوزی شده است و آنها عبارتند از «لَااِلَهَ اِلَّا اللهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ» در میان مربعها با رشته های ابریشمی بافته شده و در دو طرف راست و چپ آن در میان مربع بزرگ لفظ «جل جلاله» به شکل شماره حج ۸ نقش گردیده و در خالی گاه آن لفظ «یا الله» نقش می باشد. مالک پرده پادشاه می باشد اگر خواست می تواند آن را بفروشد و صرف مصالح خانه کند و اگر خواست می تواند آن را به شخصی بدهد و اگر خواست بین

فقرا تقسیم کند. جایز نیست که کسی خوشبویی آن را بگیرد و لو اینکه برای تبرک باشد و لازم است که آن را برگرداند.

تکبیر:

گفتن اَللهُ اَکْبَرُ

تکبیر تشریق

اَللهُ اَکْبَرُ، اللهُ اَکْبَرُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اللهُ اَکْبَرُ، اللهُ اَکْبَرُ، وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ

تلبیه

لَبَّیْكَ اللّٰهُمَّ لَبَّیْكَ، لَبَّیْكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ لَبَّیْكَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ لَا شَرِیْكَ لَكَ.

تهلیل

خواندن لَااِلَهَ اِلَّا اللهُ

تنعیم

نام موضعی است به فاصله شش کیلومتر از مکه، (دو فرسخ یعنی ۱۲ کیلومتر از مسجد الحرام) که در آنجا مسجدی به نام مسجد حضرت عایشه ـ رضی الله عنها ـ موجود است و در ایام اقامت مکه از آنجا احرام عمره می بندند، چون نزدیکترین موضع در محدوده ی حرم است.

ثج

قربانی

جمرات یا جمار

در منی سه مقام است که بر روی آنها ستونهایی بنا شده است. در موقعی که حضرت ابراهیم و اسماعیل عليه السلام برای ادای قربانی می رفتند شیطان در این سه موضع ظاهر شده و کوشش کرده بود حضرت ابراهیم عليه السلام را از اجرای فرمان خداوند باز دارد و به همین منظور حجاج آن مواضع را با سنگ، سنگسار می کنند. از آنها یکی نزدیک مسجد خیف است به جانب مشرق، جمرة الاولی نام دارد و

دومی را جمرة الوسطی و سومی را که بسوی مکه واقع است جمرة الکبری و جمرة العقبه و جمرة الاخری می نامند.

جبل ثبیر

نام کوهی است در منی.

جبل قزح

کوهی است در مزدلفه.

جنایت

فعلی که در حال احرام و در حدود حرم ممنوع است.

جنة المعلی

نام گورستانی است در مکه که حضرت ام المؤمنین خدیجه کبری و دو فرزند رسول اکرمﷺو دیگر اصحاب در آنجا به خاک سپرده شده اند.

جنة البقیع

نام گورستانی است در مدینه که به مشرق مسجد نبوی واقع شده است که رسول اکرمﷺ در حیات طیبه خود اکثر شبها به زیارت بقیع می رفتند و برای اهل آن طلب استغفار می نمودند.

حجرالاسود

سنگی است بهشتی که اول مانند شیر سفید بوده است، گناهان بنی آدم سیاهش کرده، اکنون در زاویه جنوب شرقی کعبه به اندازه بلندی سر انسان نصب شده است و چهار طرف آن به نقره مرصع است. حجاج بیت الحرام این سنگ را می بوسند و مساس می نمایند و آن دارای چهل تکه می باشد؛ چون دزدان آن را شکسته بودند و حالا با وحله نقره ای از پشت به هم وصل شده اند.

حدیبیه

مکانی است خارج از حرم که امروزه به شمیسیه معروف است و راهی که از جده به مکه می رود از همانجا می گذرد و در آن رسول اکرمﷺ در سال شش هجری معاهده بستند و بیعت الرضوان که پیامبر در مورد آن فرمودند: «هر کس در زیر این

درخت با من پیمان بسته وارد آتش جهنم نمی شود» در همین جا صورت گرفت و حد حرم از همین مکان شروع می شود و مسجدی نیز در آنجا بنا شده است که به آن مسجد البیعة گفته اند؛ چرا که پیمان عقبه در آن مکان صورت گرفت و در سال ۲٤٤ قمری به فرمان منصور عباسی ساخته شد. این مسجد اکنون نمای بسیار محقر و مخروبه ای دارد و مورد توجه کسی نیست و همچنین مسجد دیگری به نام «بیعت» نامیده شده آن هنگام که پیامبرﷺ عازم فتح مکه شدند در میان شعب بنی عامر و سوق النعم، مکانی که آن حضرت پس از ده سال هجرت با مردم مکه ملاقات کرده و آنها در این مکان با پیامبرﷺ بیعت کردند. این مسجد در دوران سعودی هم باز سازی شده و گنبد آن با رنگ طلایی پوشیده شده است.

حطیم

در جانب شمال کعبه به ارتفاع ۱/۳۰ متر، دیواری است که در اصل داخل کعبه شمرده می شده است و آن را حجر اسماعیل و حظیره نیز می نامند.

حرم

هر چهار طرف مکه مکرمه تا کمی دور را زمین حرم می نامند. در حدود آن شکار کردن درخت بریدن و حیوان چرانیدن ممنوع است.

حرمی

شخصی که در زمین حرم ساکن است، اعم از اینکه در داخل شهر مکه باشد یا خارج شهر مکه و داخل حدود حرم باشد، حرمی می گویند.

حِل

خارج از محدوده حرم، تمام زمین را حل می گویند؛ زیرا در آنجا کارهایی که داخل حرم ممنوع است، مباح می باشد.

حلی:

شخصی که داخل زمین حل سکونت دارد.

حَلق

تراشیدن موی سر و با این عمل از احرام بیرون می آید.

حرا

در شمال مکه کوه بلندی است مشرف بر منا به نام کوه نور که در دامنه جنوبی اش به فاصله ۱۶۰ متری از قله آن، غاری است به نام «حرا» و یکی از

مکانهای مقدس شهر مکه است و حضرت محمدﷺ پیش از بعثت در آنجا با خدا خلوت می کردند. و نخستین بار در آن غار به ایشان وحی شد و آیات الهی مبنی بر فرمان حق تعالی ﴿اِقْرَاءْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِیْ خَلَقَ. خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. اِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْاَكْرَمُ الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾

به ایشان رسید. نبوتی که نورش بشریت را فرا گرفت و عدل و برکت آن همگان را در پوشاند و همه از آن بهره مند شدند از همین جا آغاز شد. این کوه، ثبیر اعرج نامیده می شد و اینک کوه نور و وادی جلیل از آن به سمت غرب آغاز می شود. امروزه ساختمانهای مکه تا دامنه های غربی آن رسیده است. حرا ۲۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع داردو در دامنه جنوبی آن آثار قنات زعفران که زبیده همسر هارون الرشید آن را ایجاد کرد و آب آن به مکه می رسید و بعدها قطع شد، دیده می شود.

حره

سنگلاخ آتشفشانی.

حوقله

﴿لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ﴾ گفتن.

خانه ی امّ‌المؤمنین خدیجهٔ کبری (رض)

خانه ای که رسول اکرمﷺ در ایام قیام مکه بعد از ازدواج با حضرت خدیجه کبری در آن ساکن بود و تمام اولاد آن حضرت بجز ابراهیم در آنجا بدنیا آمدند در سوق معلی در زقاق حجر یا زقاق عطارین یا زقاق صواغین واقع است. فعلاً در آنجا مدرسه تعلیم قرآن ساخته شده است. در این کوچه دکان هایی مربوط به جواهر فروشان و صرافان وجود دارد. این موضع بعد از مسجد الحرام از تمام زمین مکه افضل می باشد.

خانه کعبه

کعبه ساختمان چهار گوشه مسقّفی است در داخل مسجد الحرام که نمای ظاهری آن را سنگ های مایل به رنگ خاکستری تشکیل می دهد و در تمام مدت سال، با پرده ای سیاه که حاشیه فوقانی آن با نخ های طلایی قلاب دوزی شده، پوشیده است. بلندی خانه ی کعبه تقریباً ۱۵ متر، طول ضلع درِ کعبه، یعنی از رکن اسود تا رکن عراقی ۱۱/۶۸ متر، طول رکن عراقی تا شامی، طرفی که حجر اسماعیل در آن قرار دارد ۹/۹۰ متر، طول رکن شامی تا رکن یمانی ۱۲/۰۴ متر و طول رکن یمانی تا رکن اسود ۱۰/۱۸ متر است. تا به حال پنج بار تجدید بنا گردیده است.

دار ارقم

این همان منزلی است که پیامبرﷺ و مسلمانان نخستین، در آغاز اسلام، پنهانی در آنجا جمع می شدند و خدا را عبادت می کردند و الآن داخل مسجد الحرام قرار گرفته است.

درِ خانه

بر ضلع شرقی کعبه قرار دارد و بلندی آن از زمین دو متر و در تمام سال، جز هنگامی که بخواهند داخل خانه را شستشو کنند، و یا مهمانی بلند پایه از کشورهای اسلامی داشته باشند بسته است.

دَم

در حالت احرام به سبب ارتکاب بعضی از کارهای ممنوع، ذبح کردن گوسفند واجب می شود که آن را دم می نامند.

ذوالحلیفه

جایی بین راه مدینه به مکه تقریباً به فاصله ۱۲ کیلومتری که اهل مدینه در آنجا احرام می بندند. این مکان میقات اهل مدینه است که به بئر علیرضي الله عنه معروف است.

ذات عرق

جایی است تقریباً به مسافت سه روز از مکه به عراق و میقات اهل عراق است که امروزه ویران شده است.

رکن

اگر کلمه رکن بدون پسوند[1] به کار رود مقصود همان رکنی است که حجر الاسود در آن قرار دارد.

رکن یمانی

گوشهٔ جنوب غربی بیت الله که طرف یمن واقع شده است.

رکن عراقی

گوشهٔ شمال شرقی بیت الله الحرام که در طرف عراق واقع شده است.

رکن شامی

گوشهٔ شمال غربی بیت الله الحرام که طرف سوریه می باشد.

۱- یعنی تنها رکن گفته شود.

رمی

سنگ زدن جمرات.

رمل

سه گردش اول طواف که حاجی با کیفیت خاصی دست و شانه را تکان می‌دهد و قدم ها را تند تند، نزدیک هم می گذارد و کمی تیز راه می رود، رمل گویند.

زمزم

چاهی است در مسجد الحرام، نزدیک کعبه که هزاران سال پیش خدای تعالی به قدرت لامتناهی اش برای بندگان خالص خود، حضرت اسماعیل و مادرش ـ علیهما السلام ـ به صورت چشمه جاری فرموده و هنوز هم قابل بهره برداری است. چاه اسماعیل، حفیرهٔ عبدالمطلب، شفای سقم، عافیه و میمونه، از نامهای دیگر این چاه است.

سعی

هفت دفعه رفتن به کوه صفا و مروه و رفتار خاصی که در میان مسافت آنها به کار برده می شود.

شارع الحجون

بغل بازار ابو سفیان و سمت چپ وزارات البرید و مسجد شجره هم آنجاست.

شعب ابی طالب

جایی است که مشرکان مکه پیامبرﷺ و بنی هاشم را حدود سه سال در آنجا محصور کردند و مردم را از دیدار و معامله با آنان منع نمودند، این درّه به سوی کوه ابوقبیس سرازیر است و همان جایی است که کتابخانه مکه هم اکنون در آنجا است و در کنار مسجد الحرام واقع شده است.

شوط

دور زدن به چهار سوی بیت الله است. هر دوری را یک شوط می نامند و در وقت سعی بین صفا و مروه، از صفا به مروه یک شوط و از مروه به صفا، شوط دوم محسوب می شود.

صدقه

یعنی دو کیلو گندم یا قیمت آن داده شود. مراد مقدار صدقه فطر است.

صفا و مروه

صفا کوهی است نزدیک به کعبه طرف جنوب آن که سعی از آن شروع می شود و مروه کوهی است نه زیاد بلند که طرف شمال شرقی بیت الله واقع است و سعی بر آن پایان می یابد. طول صفا و مروه ۳۹۴/۵ و عرض آن ۲۰ متر است و ارتفاع طبقه اول ۱۲ و طبقه دوم ۹ متر می باشد. مسعی مجموعاً ۱۸ در دارد.

صاع

وزن شرعی است که معادل سه کیلو و هشتصد گرم می باشد.

طواف

دور زدن چهار جانب کعبه را طواف گویند.

طواف قدوم

طوافی که حاجی هنگام رسیدن به مکه بجا می آورد، طواف قدوم یا طواف تحیه می نامند و این طواف برای قارن و مفرد آفاقی سنت قرار داده شده است.

طواف زیارت

طوافی است که بعد از وقوف به عرفات انجام می گیرد و چون این طواف در حج فرض است آن را طواف رکن نیز می گویند.

طواف صدر

طوافی که حجاج هنگام بازگشت از مکه بجا می آورند، طواف صدر یا طواف وداع می نامند.

عرفات

صحرایی است در شرق مکه (ما بین ثویه، عرنه، نمره، یا ذی المجاز قرار دارد) اندکی مایل به جنوب در فاصله ۲۱ کیلومتری بر سر راه طایف. گفته اند در آنجا آدم و حوا همدیگر را یافتند و یا به روایتی به این دلیل عرفات نام نهاده شد که جبرئیل در آن روز احکام حج را به ابراهیم علیه السلام آموخت. در جهت شمالی این دشت کوهی است که آن را جبل الرحمة یا جبل عرفات می نامند. در این سال ها صحرای عرفات درختکاری شده است و هر حاجی باید از ظهر روز نهم تا بعد از غروب شرعی آن روز به قصد قربت در این صحرا وقوف نماید. طول تقریبی آن دوازده

کیلومتر و عرض آن هشت کیلو متر است.

عمره

بستن احرام، از حل و یا میقات و طواف بیت الله و سعی بین صفا و مروه و تراشیدن سر را عمره می نامند.

کوه جبل الرحمه

تقریباً در انتهای عرفات قرار دارد به طول تقریبی سیصد متر و بطور مستقل و مجزا از کوههای اطراف می باشد.

عج

بالا بردن صدا به تلبیه.

غار حرا

یکی از معروفترین کوهها و یا در حقیقت معروف ترین کوه مکه است. این غار خیلی سرد است و بوی خوشی دارد و در مدینه در شکاف کوه احد هم همین بو استشمام می شود.

غار ثور

کوه ثور در سه کیلومتری جنوب شهر مکه و در جنوب منطقه ای به نام «مسفله» قرار دارد که غار ثور بر روی آن واقع است و پیامبرﷺ با حضرت ابوبکرؓ هنگام هجرت به طرف مدینه، سه شبانه روز در آن پنهان شدند و خداوند با بستن تار عنکبوت و تخم گذاشتن کبوتر بر دهانه غار، آن حضرت را از شرّ مشرکان نگاه داشت و پس از رفع خطر به مدینه هجرت کردند. دو یا سه نفر می توانند نیم خیز به داخل آن بروند و در این غار آیاتی در شأن حضرت ابوبکر صدیقؓ نازل شد: ﴿إِذْ يَقُوْلُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ ...﴾

غار مرسلات

غاری است در کوه نزدیک مسجد خیف که در منی واقع است. سوره «والمرسلات» آنجا بر رسول پاکﷺ نازل شده است.

قارن

کسی که حج قران ادا کند.

قبرستان ابوطالب

محوطه وسیعی است که در کنار پل حجون قرار دارد و اکنون گورستان مردم مکه است. در گذشته به نام شعب ابی دُب معروف بوده وعبدالمناف،عبدالمطلب، ابوطالب، خدیجه کبری و تعداد زیادی از صحابه و تابعین و علماء در آنجا مدفونند و نام دیگر آن جنة المعلا می باشد.

قران

احرام حج و عمره را با هم بستن، اول عمره و سپس حج کردن.

قرن

کوهی است که تقریباً ٨٤ کیلومتر از مکه فاصله دارد و میقات کسانی است که از طرف نجد ـ یمن و یا نجد ـ حجاز و یا نجد تهامه می آیند.

قصر (در نماز)

چهار رکعت فرض را دو رکعت خواندن.

قصر

به منظور بیرون شدن از احرام، موهای سر را کوتاه کردن، قصر می گویند.

مأثوره

حدیث نقل کرده شده. دعای مأثوره: دعایی که از بزرگان دین نقل شده است.

مبیت یا بیتوته

شب گذراندن در جایی را می گویند.

مُحرم

کسی که احرام بسته است.

مَحرم (برای زن)

شوهر و هر کسی که نکاح همان زن بطور ابد برایش حرام است. مانند: پدر، برادر، عمو، و امثال اینها.

محسر

میدانی است متصل به مزدلفه که هنگام عبور از آنجا به سرعت و تند می گذرند. همان جایی است که بر اصحاب فیل عذاب الهی نازل شد.

مدعی

جای دعا کردن، مراد از آن موضعی است که مابین قبرستان مکه (جنة المعلی) و مسجد الحرام واقع است و در موقع دخول مکه در آن دعا کردن مستحب است.

مسجد

۱- مکان خاصی که برای عبادت ساخته شده است.

۲- بر اساس روایت پیامبر بر سراسر زمین اطلاق می گردد که می تواند سجده گاه انسان عابد باشد. در اسلام همه زمین سجده گاه و مسجد است. کلمه مسجد ۲۸ بار در قرآن آمده است که بیشتر به مسجد الحرام اشاره شده است. مهمترین نقش مسجد، مرکزیت بخشیدن به عبادت مسلمانان است و قدیمی ترین

محل عبادت مسجد الحرام و کعبه است و نخستین مسجدی که در اسلام بر پایه تقوا ساخته شد مسجد قبا بود.

مسعی

محل سعی بین صفا و مروه.

مشعر الحرام

نام مسجد مزدلفه است و جبل قزح نیز می نامند و حاجیان پس از عرفات به آنجا می روند که یک سوی آن عرفات و سوی دیگر آن محسر می باشد.

منی

منی در اصل از ریشه امنیه یا آرزوست، محدوده ی آن از آخر وادی محسر تا جمره عقبه است. گویند چون حضرت آدم به زمین هبوط نمود، در این مکان فرود آمد. از او پرسیدند آیا آرزویی داری لذا این سرزمین به منا معروف شد و آن درّه ای است به عرض تقریباً ۵۰۰ متر و طول حدود سه و نیم کیلومتر در شرق مکه که حاجیان در روزهای دهم تا دوازدهم در آنجا شب می گذرانند و رمی جمار و ذبح قربانی در آنجا صورت می گیرد و این سرزمین شامل حرم می باشد. این سرزمین

وقایع مهمی را شاهد بوده است. از جمله پیمانهای عقبه اول و دوم و آماده ساختن مقدمات فتح مکه.

مقام ابراهیم

﴿وَ اتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِیْمَ مُصَلًّی﴾ مقام ابراهیم در اصل از سنگهای بهشت است. در فاصله حدود سیزده متری دیوار کعبه و در سمت حجر الاسود، بنایی با قبّه ای کوچک و طلایی رنگ وجود دارد. درون آن سنگی است که جای پایی در آن دیده می شود و آن منسوب به جای پای حضرت ابراهیم علیه السلام است. در گذشته بر روی این محل قبه ای بزرگ از آجر و سنگ و چوب بنا شده بود که اطراف آن را با آیات قرآن مزیّن کرده بودند و چون از فضای مَطاف می کاست در سال ۱۳۸۵ هـ ق تخریب و بجای آن ضریحی کوچک به شکل کنونی ساخته شد.

مَطاف

محل طواف ، دور کعبه که داخل مسجد الحرام است. ۱۸۰۰۰۰ متر و مساحت آن ۳۵۶۸۰۰ متر کل منطقه مسجد الحرام و پشت دیوارها منطقه ای که بیشتر آبادی را

به خود گرفته و ٤ درب مخصوص دارد که باب معروف آنها، باب بنی شیبه می باشد و ورود از آن مستحب است.

مفرد

کسی که فقط احرام حج را بسته است.

ملتزم

آن قسمت از دیوار خانه، که میان حجر الاسود و درِ خانه کعبه واقع است ملتزم می نامند؛ زیرا حاجیان خود را موظف و ملزم می دانند که در آنجا دعا کنند؛ چون دعا در آنجا قبول می شود.

میقات

جایی است که برای زائرین مکه از آنجا احرام بستن واجب است.

میقاتی

کسی که در حدود میقات سکونت دارد.

مسجد الحرام

نام مسجدی است که گرداگرد کعبه قرار دارد و قدیمی ترین و معروف ترین مسجد در تاریخ اسلام به شمار می رود. تاریخ نشان می دهد که تا پس از رحلت رسول گرامیﷺ مردم خانه های خود را نزدیک به خانه کعبه می ساختند، سپس در دوران خلفای راشدین از آن جلوگیری کردند و به تدریج بر مساحت مسجد افزودند، به شکلی که هم اکنون حدود یکصد و هشتاد هزار متر مربع مساحت دارد. شصت و دو درِ بزرگ و کوچک برای آن ساخته اند. سه درِ اصلی و بزرگ آن به نامهای باب العمره، باب السلام و باب ملک عبدالعزیز معروف است و بر هر یک دو مناره به ارتفاع نود و دو متر با قاعده ای به ابعاد ۷ در ۷ متر قرار دارد و بر تارک هر مناره، هلالی به ارتفاع۵/۶ متر از برنز طلا کاری است. هفتمین مناره مسجد بر در باب الصفا است دو مناره بزرگ که هر یک به ارتفاع ۸۹ متر است در ضلع غربی مسجد، در توسعه اخیر بنا گردیده بدین ترتیب تعداد آنها به نه عدد رسیده است. مسجد با وسعت فعلی گنجایش حدود هشتصد و بیست هزار نماز گذار را دارد.

مسجد ابوبکر

ایـن مسجد در پاییـن مکه در سمت مسفله دویست متـری مسجد الحرام قرار

دارد که به دار الهجره معروف بوده؛ چون در این مکان حضرت ابوبکر به همراه پیامبر به هجرت عزیمت نمودند به این نام نهاده شده است پشت آن یک خانه بوده که آنها در آنجا مخفی شده بودند که امروزه از آن خبری نیست.

مسجد حنیف

مسجدی در منی که متصل به کوه شمالی منی ساخته شده است.

مسجد راحه

مسجدی است که گنبد آن از طلا و در زمان عثمانی ها بنا شد.

مسجد کبش

این مسجد به دلیل فرود آمدن قوچ که برای قربانی به جای حضرت اسماعیل از جانب خداوند آمده بود به این نام، نامگذاری شد. مکان دقیق این مسجد بین جمره اولی و وسطی است، ولی در جریان احداث پل هوایی جمرات ثلاثه در دوران اخیر تخریب شده است.

مسجد الشکا

این مسجد در اجیاد صغیر، در شعبی کوچک که به پشت کوه ابوقبیس چسبیده قرار داشته است.

مسجد نمره

مسجدی است در گوشه عرفات که آن را مسجد ابراهیم نیز می نامند و به روایتی حضرت ابراهیم در این مکان وقوف کرده و به نماز ایستادند. این مسجد در ابتدای عرفات است. در سال ۱۵۰ قمری در روزگار خلافت عباسیان ساخته شد.

مساحت مسجد عرفه

در قرن سوم در طول۳۲۳ ذراع (برابر با ۱۵۳ متر) و در عرض۳٤۰ ذراع (برابر با ١٦٦ متر) بوده که مساحت مسجد به ۲۵۳۹ متر می رسیده است. در قرن ششم بیش از چهار هزار متر بر آن افزوده شد. مساحت کنونی مسجد به هیجده هزار متر می رسد.

مزدلفه

(در لغت به معنای محل جمع شدن می باشد) میدانی است میان منی و

عرفات که تقریباً شش کیلومتر به طرف شرق منی می باشد که حاجیان هنگام بازگشت از عرفات شب را در آنجا می گذرانند. همچنین مسجدی مربع شکل نیز می باشد که مساحت اولیه آن ۱۷۰۰ متر مربع بوده است. این مسجد ابتدا شش درِ ورودی داشته است و دیوارهایش کنگره ای بوده است. در عهد عباسی به چهار هزار متر رسیده است و در دوران سعودی حدود دو هزار متر مربع بر مساحت قبلی آن افزوده شده و تعمیرات در آن صورت گرفته است.

مَوقِف

محل وقوف. مراد از آن محل قیام برای دعا در عرفات یا مزدلفه است.

میلین اخضرین

مابین صفا و مروه حصه ای که در حین سعی برای مردان دویدن افضل است هر دو طرف با رنگ سبز نشان شده و مهتابی های سبز رنگ روشن است.

میزاب رحمت

ناودانی بر بام خانه کعبه، میان رکن عراقی و شامی و بر فراز حجر اسماعیل واقع است. گویند نخست آن را حجاج بن یوسف نهاد تا باران بر بام خانه جمع نشود در

زیر این ناودان دعا کردن مستحب است و موجب اجابت دعا می گردد.

الراتیه

مسجدی است سر راه جنة المعلی که رسول الله ﷺ روز فتح مکه در آنجا پرچمی نصب فرمودند.

مسجد تنعیم

این مسجد نزدیکترین مسجد به حدود حرم و در راه مدینه واقع است که غالباً برای عمره مفرده از این مسجد محرم می شوند.

مسجد جن

این مسجد در پایین کوه حجون به سمت حرم، حدود پنجاه متر پس از پل حجون و نزدیک قبرستان ابوطالب واقع است و حدود دویست متر فاصله داشته است. چون سوره جن در این مکان بر پیامبر ﷺ نازل شد به این نام معروف شد و نام دیگر آن مسجد الحرس است.

مسجد خیف

بزرگترین مسجد منی و در سمت جنوبی و بر جانب چپ کسی است که از سوی عرفات به منی می آید. رسول الله ﷺ در حجة الوداع خیمه خود را در این مکان زدند و در جایی که محراب مسجد است، پنج نماز، از نماز ظهر تا نماز صبح خواندند. معتمد عباسی به سال ۲۵۶، محمد بن علی اصفهانی به سال ۵۵۹، ابن مرجانی به سال ۷۲۰، قایتبای به سال ۸۷۴، سلطان محمد غزنوی به سال ۱۰۷۲ و سلیمان آغا از جانب سلطان محمد به سال ۱۰۹۲ هر یک تعمیراتی در آن انجام دادند. این مسجد تنها در ایام منی باز است و متأسفانه اجتماع افراد بی سر پناه در آنجا مانع از حضور زائران ـ جز در اوقات نماز ـ می شود و به سختی می توان در آنجا نماز گذارد. گویند هفتاد پیامبر در این مسجد نماز خواندند. به روایتی قبر هفتاد پیامبر در مسجد خیف است و در روایتی از سعد بن ابی وقاص آمده که گفته اگر من از اهل مکه می بودم جمعه ای نبود که به مسجد خیف نماز نخوانم و نماز در این مسجد برای من از نماز در مسجدالاقصی بهتر است. طول آن ۲۳۷ ذراع و عرض آن ۱۴۰ ذراع بوده که مجموعاً بالغ بر ۶۳۸۰ متر مربع می شده است. آن هنگام حدود ۱۸۶ ستون و ۲۰ در ورودی و خروجی داشته است، تا دوران عثمانی

تنها قسمت مصلای رسول خدا و مقداری از اطراف دیواره های مسجد دارای سقف و شبستان بوده است، لیکن در دوران اخیر تماماً مسقّف گردیده و مساحت آن حدود چهار برابر دوران قبلی رسیده است.

مسجد صفایح

در جنوب مسجد خیف، در دامنه ی کوه صفایح مسجدی که در آنجا سوره ی مرسلات بر پیغمبر اکرمﷺ نازل شده است و غاری به اندازه سر انسان در آن کوه وجود داشته، بعدها این غار، به غار مرسلات معروف شد.

وادی محسر

مکانی است میان منا و مزدلفه که بر اساس روایات تاریخی، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند. در کتب مناسک آمده است که نباید تا قبل از طلوع آفتاب از این وادی گذشت و به منی وارد شد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه و پس از پایان وقوف در عرفات به این سمت منی حرکت کنند تا از طلوع فجر روز دهم ذی الحجه تا طلوع آفتاب همان روز اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند. مشعر در محدوده حرم واقع شده و به همین علت آن را

مشعرالحرام گویند. طول وادی مشعر الحرام را بعضی قریب چهار هزار متر و برخی نیز بیشتر از آن ذکر کرده اند. برای مشعرالحرام محدوده هایی مشخص کردند. در حقیقت مشعر به سرزمینی مشخص در انتهای مزدلفه گفته می شود.

هدی

حیوانی که حاجی در روز عید ذبح می کند.

یوم ترویه

روز هشتم ذی الحجه که از مکه با احرام سوی منی حرکت می کنند. ترویه در لغت به معنای سیراب کردن هم می باشد.

یوم عرفه

نهم ذی‌الحجه که حجاج در بیابان عرفات جمع شده و دعا و استغفار می‌نمایند.

یلملم

نام کوهی است به جانب جنوب شهر مکه به فاصله دو منزل؛ حالا به نام سعدیه نیز معروف است و میقات اهل یمن می باشد.

مسافات و مساحات و اطلاعات عمومی

(لازم به ذکر است که بعضی اعداد تغییر پذیر است)

ازمکه مکرمه تا مدینه طیبه	٤٢٤ کیلومتر
از مکه مکرمه تا جده	۷۵ کیلو متر
از مکه تا طایف	۱۲۳ کیلومتر
از مکه تا غار ثور	۳ کیلومتر
از مکه تا عرفات	۲۱کیلومتر
از مسجدالحرام تا تنعیم	۱۲ کیلومتر
از مسجدالحرام تا اول منی	۷ کیلومتر
از اول منی تا اول مزدلفه	٤ کیلومتر
از اول مزدلفه تا آخر مزدلفه	۵کیلومتر
از آخر مزدلفه تا میدان عرفات	۱۰کیلومتر
از جده تا مدینه طیبه	۳۸۰کیلومتر
از جده تا فرود گاه	٤۰کیلومتر
از مدینه طیبه تا فرود گاه	۱۵کیلومتر

از مدینه طیبه تا ذوالحلیفه	۹کیلومتر
از ریاض تا جده	۹۵۰ کیلومتر
ارتفاع خانه	۱٤/۸۵ متر
طول خانه از رکن حجر الاسود تا رکن عراقی ضلع درب	۱۱/٦۸متر
طول خانه از رکن عراقی تا رکن شامی	۹/۹۰متر
طول خانه از رکن شامی تا رکن یمانی	۱۲/۰٤متر
طول خانه از رکن یمانی تا رکن حجر الاسود	۱۰/ ۱۸متر
ارتفاع حجر الاسود از کف مسجد	۱/٥متر
ارتفاع درب خانه از کف مسجد	۲متر
مقدار طلای خالص مصرفی درب	۲۸۰کیلو گرم
مسافت بین صفا و مروه	۳۹٤/٥متر
عرض مسعی	۲۰متر
ارتفاع سقف مسعی در منزل اول	۱۲متر
ارتفاع سقف مسعی در منزل دوم	۹متر
فاصله بین دو چراغ سبز	۷۰متر
تعداد دربهای مسعی	۱۸باب

ارتفاع قبه مقام حضرت ابراهیم	۱متر
ارتفاع پایه مقام ابراهیم	۷۵سانتیمتر
وزن مجموعی مقام ابراهیم	۱۷۰۰کیلو گرم
فاصله مقام ابراهیم تا کعبه	۱۳متر
تعداد مناره ها	۹عدد
ارتفاع هفت مناره قبلی	۸۹ متر
ارتفاع دو مناره جدید	۹۲متر
قاعده مناره ها	۷ ×۷متر
ارتفاع هلال برنز طلا کاری شده	٦/۵ متر
مساحت مسجدالحرام	۳۵٦۸۰۰مترمربع
مساحت مسجدالحرام بعد از پایان این توسعه	۸ ۱٦۰۱٦ متر مربع
ظرفیت مسجدالحرام با وسعت فعلی	۸۲۰۰۰۰نمازگزار
مساحت مسعی پس از ضمیمه شدن به مسجد الحرام	۱۰۱۷۲متر مربع
مساحت طبقه دوم	٦۰۵٦۰متر مربع
مساحت طبقه زیر زمین رواق های توسعه	۲۹۰۰۰متر مربع

تعداد رواق های شمالی	۵ مورد
تعداد رواق های شرقی	۳ مورد
تعداد رواق های میانی	۳ مورد
تعداد رواق های غربی	۳ مورد
طول دیوار شرقی مسجد	۱۲۸متر
طول دیوار شمالی مسجد	۹۱متر
تعداد مناره های قبلی	۱۰ مورد
تعداد مناره های جدید	۲ مورد
ارتفاع مناره های جدید	۹۲متر
ارتفاع مناره های قبلی	۷۲متر
ارتفاع سقف مسجد	۱۲/٦۰متر
تعداد دروازه ها	۸۱باب
تعداد ستون های مربع شکل متصل به دیوار بناها	٤٧٤ مورد
تعداد ستون های دایره شکل بنا ها	۲۳۲مورد
مساحت منی	۵۰۰×۳۵۰۰ متر

مهمترین مناسکی که حاجی باید در اماکن زیر انجام دهد:

در مکه: بر شخص متمتع در روز هشتم ذی الحجه بعد از طلوع آفتاب بعد از غسل احرام بستن از مکه مکرمه فرض است آنگاه دو رکعت نماز احرام که سنت است را به جا آورده طواف می کند سپس نماز طواف که واجب است را ادا کرده تلبیه گویان به منی می رود.

در منی (قبل از رفتن به عرفات): اقامت و ماندن در منی از ظهر روز هشتم تا خواندن نماز صبح روز عرفه [روز نهم] سنت است. آنگاه روز عرفه بعد از ادای نماز صبح در منی بعد از طلوع آفتاب، تکبیر گویان راهی عرفات می شود. خواندن پنج وقت نماز (یعنی از ظهر روز هشتم تا صبح روز نهم) در منی سنت است.

در عرفات: وقوف در عرفات بعد از ظهر روز نهم تا غروب آفتاب فرض است اگر چه به اندازه ساعتی[لحظه ای] باشد. اگر امکان داشته باشد وقوف نزدیک جبل الرحمهٔ بهتر است. اگر شخصی نتواند در عرفات به اندازه یک ساعت شرعی[یک لحظه] بایستد حجّش ادا نمی شود و باید سال آینده آن را قضا کند. استمرار وقوف تا غروب واجب است اما انتهای آن، قبل از طلوع صبح صادق

می باشد. همه جای عرفات جای وقوف است مگر بطن عرنه و امام و مردم در آنجا نماز ظهر و عصر را در وقت ظهر جمع کرده با یک اذان و دو اقامه به جا می آورند.

در مزدلفه: روز نهم بعد از غروب امام و مردم از عرفات پایین آمده و به سوی مزدلفه به راه می افتند. و مغرب و عشاء را در وقت عشاء با یک اذان و یک اقامه ادا می کنند. سپس تا طلوع آفتاب در آنجا می ایستند این وقوف نزد ما واجب و نزد امام شافعی رکن است و وقت اصلی آن بعد از طلوع صبح صادق تا قبل از طلوع آفتاب است. اگر چنانچه شخصی بدون عذر این وقوف را ترک کند دم واجب می شود. و اگر عذری از قبیل ضعف و مرض داشته و یا زن بوده و از ازدحام بترسد در ترک آن هیچ چیز واجب نمی شود.

در منی (بعد از برگشتن از عرفات): ۱- رمی جمره عقبه روز دهم واجب است. ۲- دم شکر روز دهم برای حاجی قران و متمتع واجب است. ۳-حلق یا قصر روز دهم واجب است. ٤- شب گذراندن در شبهای یازدهم و دوازدهم در منی سنت است. ٥- رمی جمرات سه گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم واجب است.

در مسجد الحرام: ۱- طواف حج (طواف زیارت) فرض است در ایام نحر باید انجام دهد. ۲- نماز طواف زیارت واجب است.

در صفا و مروه: سعی بین صفا و مروه از واجبات حج و رکن عمره است.

طواف وداع: انجام طواف وداع بر کسانی که از خارج میقات گاه ها می آیند، قبل از خروج از مکه واجب است و به نام طواف صدر نیز یاد می شود و در این طواف رمل و اضطباع نیست. اگر کسی بعد از طواف زیارت طواف دیگری انجام داد به جای طواف وداع قرار می گیرد.

تعریف و توضیح احکام حج

۱ – رکن: امری است که از ترک آن، عملش باطل می گردد و به دم جبران نمی شود و شرط نیز همین حکم را دارد.

۲ – واجب: عملی است که انجام دادن آن ضروری و فوت آن سبب بطلان آن عمل نمی شود و به دادن دم جبران می گردد.

۳ – سنت: عملی است که انجام دادن آن مطلوب است و ثواب کامل دارد ولی ترک آن، عمل را باطل نمی کند و موجب دم و صدقه نمی شود و فقط سبب ملامت و گناه است.

٤- مستحب: عملی را گویند که انجام دادن آن ثواب داشته و از ترک آن چیزی لازم نمی شود.

٥- مباح: عبارت است از عملی که نه انجام آن ثواب دارد و نه ترک آن موجب گناه است.

٦- مکروه: عملی است که از انجام دادن آن دم یا صدقه لازم نمی شود ولی به سبب ارتکاب آن، احتمال عذاب وجود داشته و شایسته است از آن پرهیز شود.

٧- محرمات: عبارت است از اعمالی که ارتکاب آنها موجب گناه است ولی عمل را باطل نمی کند و برای جبران، دم لازم می گردد.

احکام حج به طور خلاصه

۱. حکم حج .... فرض فور بر مستطیع

۲. حکم عمره .... سنت مؤکده

۳. نیت احرام برای حج .... شرط

٤. نیت احرام برای عمره... شرط

۵. احرام از میقات .... واجب

٦. همزمان بودن تلبیه با احرام .... واجب

۷. غسل کردن برای احرام .... سنت

۸. خوشبویی کردن برای احرام .... سنت

۹. طواف قدوم برای مفرد و قارن .... سنت

۱۰. تلبیه .... واجب

۱۱. اصل نیت در طواف .... شرط

۱۲. شروع طواف از حجرالاسود.. واجب

۱۳. قراردادن خانه به طرف چپ طواف کننده .... واجب

۱٤. پیاده طواف کردن در صورت نداشتن عذر.............................واجب

۱۵. طهارت از بی وضویی در طواف.. واجب

۱٦. پاک بودن بدن و جامه و مکان ....سنت

۱۷. بودن طواف از پشت حطیم ....واجب

۱۸. بودن طواف در مسجد.. .... شرط

۱۹. هفت شوط برای طواف..................................... .... واجب

۲۰. پی در پی بودن شوطهای طواف ....سنت

۲۱. پوشیدن عورت در طواف .... واجب

۲۲. دو رکعت نماز طواف... .... واجب

۲۳. طواف عمره ....رکن

۲٤. سعی بین صفا و مروه .... واجب

۲۵. واقع شدن سعی بعد از طواف ....واجب

۲٦. نیت سعی .... واجب

۲۷. شروع سعی از صفا و ختم آن به مروه .. ..واجب

۲۸. پیاده سعی کردن در صورت نبودن عذر........... .... واجب

۲۹. هفت شوط برای سعی ....واجب

۳۰. پی در پی بودن شوطهای سعی .... سنت

۳۱. حکم حلق و تقصیر در عمره .... واجب

۳۲. شب گذراندن در منی شب عرفه .... سنت

۳۳. وقوف در عرفات .... رکن

۳۴. وقت وقوف در عرفات .... بعد از زوال

۳۵. امتدادوقوف تابعدازغروب .... واجب

۳۶. حرکت از عرفه با امام یا نایبش ....واجب

۳۷. جمع نماز مغرب و عشاء در مزدلفه .... واجب

۳۸. وقوف در مزدلفه لحظه ای از فجرتا طلوع .... واجب

۳۹. رمی جمره عقبه در روز عید .... واجب

۴۰. حلق یا تقصیر در حج .... واجب

۴۱. طواف افاضه(زیارت) .... رکن

۴۲. بودن طواف افاضه در ایام عید.......................... .... واجب

۴۳. تأخیر طواف افاضه از رمی عقبه.......................... .... سنت

۴۴. رمی جمار سه گانه در ایام تشریق ....واجب

۴۵. عدم تأخیر رمی تا شب .... سنت

٤٦. گذراندن شبهای ایام تشریق در منی.... ....سنت

۴۷. طواف وداع ....واجب

۴۸. ادای عمره در روزهای تشریق ....مکروه تحریمی

۴۹. ترتیب رمی جمره اولی و وسطی و اخری........... .... سنت

سعی

۱. وقت سعی..بعد از طواف

۲. موالات بین سعی و طواف ....سنت

۳. رسیدن تا قسمت بالایی صفا و مروه .. .. سنت

٤. دعای لا اله الا الله ....مستحب

۵. استلام حجر قبل از سعی ....سنت

٦. شتابان رفتن در قسمت مشخص (برای مردها).............................سنت

۷. حکم سعی .... واجب

۸. سعی.. هفت شوط دارد

۹. سعی...از صفا آغاز می شود

۱۰. پیاده سعی کردن ....واجب

۱۱. موالات بین شوطها .... سنت

۱۲. سعی سواره با عذر ....جایز

۱۳. شوط اضافی بطور عمد... .... باطل

طواف (هفت دور چرخیدن بدور خانه کعبه معظمه)

۱. طهارت از حدث.. .... واجب

۲. شروع کردن طواف از حجر الاسود ....واجب

۳. موالات (پی در پی طواف کردن) .... سنت

٤. نماز طواف ....واجب

۵. اصل نیت.. شرط

٦. در صورت توان پیاده طواف کردن................ .... واجب

۷. قرار دادن خانه در طرف چپ .... واجب

۸. کامل کردن هفت شوط.................................. .... واجب

۹. ستر عورت ....واجب

حلق یا تقصیر (تراشیدن و کوتاه کردن موی سر)

۱. تقصیر یا حلق بعد از سعی انجام شود............. .... مخیّر

۲. در عمره مفرده مخیّر بین حلق و تقصیر........... ....بلی

۳. برای زنان فقط تقصیر معین است ....بلی

٤. با حلق یا تقصیر زنان حلال نمی شود تا اینکه طواف را انجام دهد ...... بلی

٥. زمان حلق روز عید است ....بلی

٦. در حج مخیر بین حلق یا تقصیر............................. ....بلی

۷. حلق یا تقصیر حج در منی انجام می شود.. ....بلی

۸. با حلق یا تقصیر بوی خوش حلال می شود... ....بلی

وقوف در عرفات

۱. وقوف عرفه رکن اصلی حج است............... ....بلی

۲. تمامی عرفات موقف است بجزوادی«عرنه» .... بلی

۳. وادی عرنه از موقف نیست.......................... ....بلی

٤. زمان وقوف عرفات ازظهرعرفه تاطلوع فجرعید...... ....بلی

٥. نیت و قصد وقوف شرط است ....خیر

٦. در صورت فوت سال آینده بجا می آورد.................. ....بلی

۷. افضل وقوف کنار جبل الرحمه است............................. ....بلی

۸. حد عرفات از کوه شرف برغه تا کوه مقابل............... ....بلی

۹. بیتوته (ماندن) شب عرفه در منی.......................... ....سنت

۱۰.طهارت برای وقوف شرط نیست......................... ....بلی

رمی جمرات

۱. تنها رمی جمره عقبه روز عید.......... ....واجب

۲. رمی عقبه قبل از طلوع خورشید بدون عذر جایز نیست..................بلی

۳. رمی باید به صورت پرتاب باشد نه ریختن ....بلی

٤. سنگ ریزه مستعمل نباشد.. ....بلی

٥. زمان از هنگام طلوع خورشید تا صبح فردا.................. ....بلی

٦. رمی قبل از طلوع یا بعد از غروب مکروه ولی کفاره ندارد.......... ....بلی

۷. طهارت شرط نیست، افضل است........................... ....بلی

۸. در صورت شک بنا را بر کمتر می گذارد.................. ....بلی

هــدی

۱. برای حج تمتع کننده واجب است..... ....بلی

۲. هدی برای عمره مفرده و حج مفرده واجب نیست.. ....بلی

۳. هدی از شتر، گاو، گوسفند و بز است...................... ....بلی

٤. هدی بر کسی که حج قران بجا می آورد نیز واجب است.. ....بلی

٥. وقت ذبح هدی روز عید و یازدهم و دوازدهم است. ....بلی

٦. هدی باید سالم از عیوب باشد.......... ....بلی

۷. بدل از هدی در صورت نتوانستن قربانی..

....بلی سه روز روزه در حج و هفت روز در بازگشت

۸. جواز خوردن از هدی... ....بلی

۹. وکالت دادن به دیگری برای ذبح جایز است......... ....بلی

۱۰. محل آن برای حجاج، حرم و منی..... ....بلی

منابع و مآخذ

۱– قرآن شریف.
۲– مشکوة المصابیح.
۳– صحیح بخاری شریف.
٤– صحیح مسلم.
٥– نسائی.
٦– ترمذی.
۷– رد المحتار.
۸– الفقه علی المذاهب الاربعه.
۹– فتح القدیر.
۱۰– هدایه.
۱۱– ارشاد الساری لمناسک ملا علی قاری.
۱۲– مناسک حج عربی.
۱۳– زبدة المناسک.
۱٤– غنیة المناسک.
۱٥– حیاة القلوب.
۱٦– مختصر احیاء العلوم.
۱۷– الفتاوی الهندیه مشهور به فتاوی عالمگیری.
۱۸– کشف الحقایق شرح کنز الدقایق.
۱۹– احیاءالعلوم امام محمد غزالی.
۲۰– وفاء الوفاء باخبار آثار دارالمصطفی.
۲۱– دارالقطنی.
۲۲– تنویر الایمان به زیارت آثار حبیب الرحمان.
۲۳– طبرانی.
۲٤– تاریخ الکعبة المعظمه مؤلفه عبدالله حضرمی.

اختتامیه

الحمد لله رب العالمین

خدای عزوجل را سپاسگزارم که توفیق جمع آوری و ترتیب این کتاب مسمّی به «احکام حج و عمره در مذهب حنفی» را به این بنده راجی الی عفو الغفور عطا فرموده و مسئلت دارم که بر توفیق یابنده ی مطالعه این کتاب، حج حرمین شریفین نصیب گردد و امیدوارم که مورد استفاده ی همگان قرار گیرد.

ای که دُر ساخته ای قطره بارانی را — می توانی که دهی اشک مرا حسن قبول

چون بنده محل سهو و نسیان است اگر برادری کمبودهایی را مشاهده کند شیوه عفو و احسان را پیش گرفته این فقیر را آگاه کند. در خاتمه از بارگاه خداوند متعال التجا دارم تا این عمل ناچیزم را خالصاً لوجهه الکریم گردانیده و آن را در روزی که «لَا یَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُوْنٌ اِلَّا مَنْ اَتَی اللهُ بِقَلْبٍ سَلِیْمٍ» در پله حسناتم قرار دهد.

اَللَّهُمَّ ارْزُقْ لِیْ وَ لِجَمِیْعِ الْمُسْلِمِیْنَ زِیَارَةَ حَرَمِكَ وَحَرَمِ نَبِیِّكَ سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ وَسَلِّمْ وَ بَارِكْ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ وَاَصْحَابِهِ اَجْمَعِیْنَ

به تاریخ اول رمضان ۱٤۳۰هـ.ق

مصادف با شهریور ۱۳۸۸ هـ.ش

خادم خانقاه مشایخ کبار

سیّد عبداللّه نقشبندی مجدّدی شمسی

مجموعه کتاب‌های منتشر شده به شرح زیر است:

۱) طریقة‌الرّاشدین و حجّة‌المسترشدین

۲) حجّة‌السّالکین فی ردّ‌المنکرین

۳) سراج العارفین فی تراکم ظلمات المنکرین

٤) مقامات حضرت خواجه نقشبند رحمه‌الله

٥) احکام حج در مذهب حنفی و معارف الحرمین

٦) مجموعه اشعار بی بی مستوره

۷) جامع السّلوک

۸) آداب سلوک و نغمهٔ عشّاق

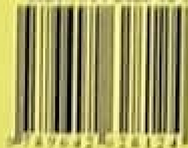
۹) آداب الاصحاب

۱۰) ادعیة الشّفاء من شمس العرفاء

****

ضمناً کتاب **شرح مکتوبات حضرت امام ربّانی، مجدّد الف ثانی** رحمه‌الله با ویرایش جدید به زودی به چاپ خواهد رسید.

ISBN: 964-2628-12-0





آدرس ناشر و مرکز پخش:
هرات، جنب کتابخانه عامه، مقابل پارک فرهنگ
ایمیل: ahr10pub@yahoo.com